

یمانی موعود

حجت الله

شیعیان در زمان ظهور بین یمانی و وصی

نویسنده

شیخ حیدر مرزبادی

چاپ دوم

۱۴۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م

برای آگاهی بیشتر در مورد دعوت سید احمد حسن علیه السلام

می توانید به سایت اینترنتی ذیل مراجعه کنید:

<http://almahdyoon.co/>

نقل از امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام که فرمود:

(بر مسلمانان مدت زمانی خواهد گذشت که امام خود را در آن نمی شناسند . . .
سپس فرمودند علیه السلام اگر اینطور اتفاق افتاد به امر اول متمسک شوید تا اینکه بعدی را
برایتان مشخص کند) غیة نعمانی ص ۱۶۱ .

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(کسی که دوست دارد ایمانش کامل باشد:

در همه چیزها آنچه را که بصورت سر و یا علنی گفته شده و آنچه که مصدر
آنها دانسته و یا نمی داند صحبت خود را با قول و گفتار من بگوید) .

کافی ج: ۱ ص ۱۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء

به امير المؤمنين ويعسوب الدين

به مظلوم انر جانب شيعه اش قبل انر منكرين

به يمانی رسول امين

به مكرم موسى انر جانب طور

﴿چون به نرديك آن آمد ، انر جانب ايمن در آن جا يگاه مبارك ،

انر درخت ندا داده شد كه اى موسى ! من خداى يكتا ، پروردگار

جهان يافى﴾

به اولين . . . به آخرين . . . به ظاهر . . . به باطن

به پدر ابرار . . . به پدر اطهار . . . به پدر جانشينان جبار

به نفس مصطفى برگزيده . . . به قسيم بهشت و آتش

به على ابن ابى طالب عليه السلام كه در اولين و آخرين ها سيد و مولای من است

تقدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد مخصوص خداوند جهانیان و صلوات بر شریف ترین خلق ، محمد و خاندان نیک و پاکش.

و اما در حال حاضر...

قضیه و موضوع امام مهدی علیه السلام به عنوان موضوعی که به امتحان خلق منتهی می شود به حساب می آید و به خاطر آن خداوند متعال پیامبران و رسولان را مبعوث و کتابها و احکام شرعی را نازل نمود ، خداوند متعال فرمودند: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۱) (او کسی است که رسول خویش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان به این امرراضی نباشند)

و فرمودند: ﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُون﴾ (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند)، و آن در دولت عدل الهی با فرماندهی صاحب زمان، که جانم و جان جهانیان فدای خاک پای ایشان باد ، تحقق خواهد یافت .

و هر کس که به این مهم ایمان آورد آرزو می کند که یکی از افراد ایشان در آن روز موعود باشد تا در دنیا و آخرت پیروز شود ، ولی خداوند تعالی روا داشت که دنیا چیزی جز خانه بلا و امتحان نباشد و فرمود: ﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ^(۲) (آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند

۱ - توبه: ۳۳.

۲ - عنکبوت: ۲-۳.

* و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را نیز معلوم دارد، پس قبل از قیام قائم علیه السلام باید مردم الک و مورد امتحان قرار گیرند، تا اینکه از کسانی که به قیام قائم علیه السلام ایمان دارند چیزی همانند سورمه در چشم یا نمک در غذا (منظور از آن اقلیت ایمان آورنده گان است) باقی نمی‌ماند همانطور که صدها روایت از رسول صلی الله علیه و آله و عترت طاهر و پاک ایشان به این موضوع اشاره نموده اند .

و از مهمترین مسائل که قبل از قیام قائم علیه السلام وجود دارد مسئله - تمهید کننده - یا آماده کننده اصلی که همان یمانی موعود است که ائمه علیهم السلام در مورد او خبر داده اند: مبنی بر اینکه هر کس با او مخالفت کند از اهل آتش است ، پس ایشان علیهم السلام حد فاصل میان اهل بهشت و اهل آتش می‌باشد ، و تقسیم کننده اهل بهشت و آتش در عصر ظهور نیز بر او علیه السلام صدق می‌کند ، همانطور که علی بن ابی طالب علیه السلام در همه عصرها و تاریخ اینچنین بود

انگاه بسیاری از علماء در رابطه با این موضوع (یمانی) تحقیق کرده اند ولی بیشتر این جستجوها به صورت مختصر بوده و یا مبهم است . محققین آن نمی‌توانند در این مورد از میان همه روایات و کشف اسرار به صورتی صحیح و کامل جستجو کنند و در این امر مقصر نیستند ولیکن حکمت خداوند اقتضاء کرده که مسئله یمانی مبهم باقی بماند تا اینکه صاحب آن بیاید، و اینکه هر مدعی نا اهل مدعی آن نشود . و شاید ائمه علیهم السلام قضیه یمانی را اولاً جهت مخفی کردن ایشان از دشمنان ، و دوماً تا دروغگوی دیگری مدعی آن نشود ، و سوماً غیر از صاحبش کسی آنرا نشناسد ، علل و اسباب دیگری که در حال حاضر ما پوشیده است به خاطر اینکه به شکل رمزی و پراکنده در دهها روایت آورده اند.

و به عبارت دیگر قضیه یمانی همچون تصویری که بطور مثال به صد جزء تقسیم شده است بحساب می‌آید، و هر جزئی در کتابی آمده ، پس پژوهشگر نیازمند به جمع شدن همه

این اجزا از داخل کتابهاست تا اینکه تصویر در نزد او کامل شود ، و این کار سخت و مشقت آور نیاز به تأیید و کمک الهی است .

خواننده عزیز این کتابی که در میان دستان شماست از شیخ حیدر زبیدی است که در این دریای گسترده تحقیق و جستجو کرد و توانست بسیاری از اسرار و رموز موجود در مسئله یمانی موعود را حل کرده و بسیاری از روایات که در طول صدها سال مبهم مانده را جمع آوری نماید و مدعی نمی شویم که او همه رموز و همه تعارض ها را به صورتی که پیچیده نباشد حل کرده است ، ولی به نظر کوتاه من این بحث بهترین و دقیق ترین و وسیع ترین بحثی است که در مورد قضیه یمانی موعود نوشته شده است و نویسنده محترم با جرأت و علم و دقت بر این موضوع اعتماد کرد ، پس بحث خود را با موفقیت و با توفیق الهی کامل نمود ، و بدون مبالغه می گویم این کتاب و موضوع و حدیث آن به حل ۹۰٪ در صد از قضیه یمانی موعود رسیده و در آن اکثر جهات قضیه یمانی مورد وضوح و آشکار میگردد . ولی هر که خداوند برای او نوری قرار ندهد نوری نخواهد داشت .

الحمد لله وحده وحده وحده .

شیخ

ناظم العقيلي

۱۸ محرم الحرام ۱۴۲۷ هـ . ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً * وَنَرَاهُ قَرِيباً﴾^(۱) (آنها امر قائم را دور می بینند * وما آنرا نزدیک می بینیم).

در این مورد اختلافی وجود ندارد مگر توسط معاند متکبر و کافری که مشمول قول تعالی است (آنها امر را دور می بینند) و هوای نفس آنها را در جحیم جاویدان نگه میدارد، که ما در این ایام دشوار و مدت زمان ظهور مقدس دولت عدل الهی هستیم و آن چشم نواز همه پیامبران و فرستادگان و اولیاء و صالحین از اهل دنیا و آخرت است، اینکه در دولت عدل الهی شرائع که پیامبران با آن آمده بودند اجرا و بر پا می شود و اهداف سامیه (مشکل و طاقت فرسا) که خداوند مسئولیت اجرای آنرا در زمین به آنها سپرده بود محقق خواهد شد همانی که به خاطر آن رانده و کشته شده و جهت اقامت آن واقامت عدل و قرار دادن هر چیزی بر جای خود و اقرار حاکمیت خداوند در سرزمینش با ظلم و مشقت ها روبرو شدند ﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^(۲) (آنگاه که پروردگارتو فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه ای خواهم گماشت) و فرمود ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾^(۳) (ای داود ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم پس در میان خلق خدا به حق داوری و حکم کن و هرگز از هوای نفس پیروی مکن، که تو را از راه خدا گمراه سازد. آنان که از راه خدا گمراه شوند، عذابی سخت به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند) و فرمودند ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ

۱ - معارج: ۶ - ۷.

۲ - بقره: ۳۰.

۳ - ص: ۲۶.

تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ (ای پیغمبر) بگو بار خدایا پادشاه ملک هستی تو هر که را بخواهی ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی ملک و سلطنت بگیری ، و به هر که خواهی عزت و اقتدار بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی ، هر خیر و نیکویی به دست توست و تنها تو بر هر چیز توانایی)

و چون ظهور خلیفه خدا در سرزمینش برای برپایی چنین دولتی (دولت عدل الهی) توسط همه ادیان الهی مورد انتظار است ، و همه به وجود و امکان حتمی آن اقرار می کنند ، و کلیه اهالی ادیان با توجه به آنچه در کتاب های آسمانی و تاریخی شان ذکر شده اعتقاد دارند که حاکم خدا و خلیفه اش در سرزمینش از خود آنهاست . و همانطور که معروف است کتاب های آسمانی که در حال حاضر وجود دارد از تحریف خالی نبوده ولی امکان رد ادعای همه اهل ادیان نیست بلکه امکان توجیه ادعاء همه به سوی طرحی که شامل همه بوده وجود دارد زیرا که بیشتر عبارات موجود در این کتاب ها از جانب خداوند است و امکان اختلاف در متن آن وجود ندارد ولیکن در مصداق آن امکان پذیر است آنگاه یهود در انتظار پیامبر خدا ایلیا علیه السلام بوده و اعتقاد به ظهورش در آخر الزمان داشته و قبل از آن علاماتی دارند . و یاران دین مسیح منتظر عیسی علیه السلام بوده و به ظهورش اعتقاد دارند و قبل از آن صاحب علاماتی هستند . و مسلمانان و با توجه به اختلافاتی که در مذاهب خود دارند به ظهور امام مهدی علیه السلام اعتقاد دارند و قبل از آن نیز صاحب علاماتی هست .

و این علامات به دو دسته تقسیم می شود: علامات غیر حتمی یعنی اینکه امکان قرار گرفتن تغییر در آن وجود دارد پس تغییر می کند و یا اینکه بصورت مطلق نباشد ، یعنی قبل از امام علیه السلام تحقق آن شرط نیست ، بلکه آنها علاماتی هستند که اگر محقق شده بر نزدیکی فرج دلالت و اگر محقق نشد بر دوری آن دلالت نمی کند .

و علامات حتمی و یا همان ارکان اساسی برای برپایی دولت عدل الهی همانطور که از ائمه وارد شده است ،

از امام صادق علیه السلام آمده: قبل از قیام قائم علیه السلام پنج علامت حتمی وجود دارد: (یمانی و سفیانی و صبیحه (ندا در آسمان) و کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن زمین در صحرا بیداء).

و موضوع بحث و رکن اساسی در میان این علامات پنجگانه یمانی است همانی که روایت ها بر ایشان به عنوان خلیفه امام مهدی و در روایتی خلیفه خدا مهدی دلالت نموده و روی برگردانده از ایشان جهنم است، و روایت های دیگری که به پیروی از ایشان تاکید می کند و این تاکید بر هیچ شخصیت دیگری قبل از امام اطلاق نمی شود پس هر کس شخص یمانی را شناخت و بر آن مستدل شده و از او تبعیت و پیروی کرد انگاه از امام زمانش پیروی کرده است ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾^(۱) (هر کسی در گرو اعمال خویش بوده مگر یاران یمین) در مورد شناخت این شخصیت از اهل بیت به اندازه کافی احادیث وارد شده و بر پژوهش گر با انصاف واجب است که در مورد این مدعی تحقیق کند ، پس اگر کسی به دروغ مدعی آن شده طول نخواهد کشید مگر اینکه امر او کشف شود و آن هم از طریق حکمت یمانی و ربانی آل محمد علیهم السلام در همه اقوالشان است ، پس اگر کمی در کلام آنها علیهم السلام تامل کنیم خواهیم دید که می خواهند همه چیز را در یک زمان به اولیاء و یاران خود نشان دهند ولی همزمان به خاطر ترس از دشمنان خود نمی خواهند همه چیز را مکشوف کنند .

انگاه اگر پژوهشگر طالب حق در مورد امام زمان خود در روایات نظر کند تعارضی را در ظاهر و نه در حقیقت امر پیدا نخواهد کرد و از خواننده می خواهیم که در این خصوص به کتاب ایقاظ النائم لاستقبال القائم و کتاب الرد الحاسم علی منکری ذریه القائم و کتاب المهدی و المهديین فی القرآن و السنه مراجعه نماید .

بر خواننده گرامی واجب است که بر کلام آل محمد علیهم السلام تمرکز کند زیرا که آنها قران ناطق و راهای نجات از حیرت و خروج از فتنه ها هستند، به همین خاطر است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (ای مردم من در میان شما جایگزینی قرار دادم که اگر به آن تمسک

کنید درمانده نخواهید شد و آن کتاب خدا و اهل بیت هستند و در حالی که لطیف خبیر به من خبر داد که آنها از همدیگر جدا نمی شوند تا اینکه بر حوض برگردند.^(۱) و از این کلام می فهمیم که هر راهی به غیر از طریق آل محمد علیهم السلام ظلمت و گمراهی است، و هر آنچه که مخالف کلام آنهاست گمراهی است، و آنها با قرآن هستند، و با قرآن طریق واحدی هستند، پس هر کس که مخالف آنها بوده و کلام آنها علیهم السلام را رد کند با خدا مخالف است و هر کس که از آنها علیهم السلام پیروی کند و کلام آنها را قبول کند پس خدا را اطاعت کرده، و رسول خدا به صراحت اعلام کرده که آنها جانشینان و اوصیاء ایشان هستند،

و در لحظات وداعش صلی الله علیه و آله هنگامی که خواست که برای امت امان و آسایش را بدون هیچ نوع گمراهی بنویسد و هرآنچه که معروف است که مرد به هنگام وفات خود به مهمترین متعلقات خود وصیت کند و هم و غمش نجات امت خود از گمراهی است، ولیکن شیطان امت اعتراض کرد و گفت که این مرد در حال هزیان گفتن است و حادثه برای همه اشکار و معروف است، سپس بعد از آن مصطفی صلی الله علیه و آله با برادر و وزیر و دست راست و پسر عمو و هارون و وصی خود علی ابن ابی طالب عزلت نموده و در مورد مهمترین چیز هایی که امت بعد از ایشان صلی الله علیه و آله به آن نیاز دارد وصیت نمود و آن مشخص کردن خلفاء و جانشینان خدا در سرزمینش و حجت های خدا بر اهل هر زمان در زمان شان است تا اینکه امت از آنچه آنها را به سوی هاویه جهنم بکشاند پیروی نکنند و از کسی که خداوند با آن بر ملائکه خود احتجاج نمود پیروی کنند **﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾**^(۲) (پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت فرشتگان گفتند آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو، تو را تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم فرمود من چیزی می دانم که شما نمی دانید).

۱ - احتجاج: ج ۱: ص ۷۰.

۲ - بقره: ۳۰.

پس خداوند متعال پیامبران را به عنوان جایگزینان خود در زمین مبعوث و آنها را با وحی خود منصوب نمود و هر خلیفه ای از آنها در مورد خلیفه بعد از خود وصیت می نمود ولی همیشه مسیر امت ها در انتظار جانشین خدا شکست بوده، مگر عده ای اندک از اولیاء و صالحین (به کتاب شکست منتظرین از تالیفات یاران امام مهدی مراجعه کنید) و هنگامی که خداوند پیامبری را با محمد ﷺ ختم نمود خلیفه خدا بعد از او ائمه معصومین دوازده عسری ﷺ است و بعد از آنها مهدین دوازده عسری ﷺ هستند که دولت عدل الهی را بعد از پدر شان ﷺ بر پا خواهند داشت در حالی که رسول خدا ﷺ در مورد آنها وصیت نموده پس ائمه را در وصیت خود با اسم شان ذکر و بعد از آنها اول مهدین را با اسم خود و صریح ذکر نمودند ، و اما ذکر ایشان بر (مهدی اول) بدون اینکه کسی متوجه آن شود کتاب ها را پر کرده است و از جمله آن شخصیت یمانی ﷺ است و ایشان یکی از علامات حتمی است که تحقق آن قبل از ظهور امام مهدی ﷺ لازم است و چون که شخصیت یمانی مهمترین شخصیت قبل از ظهور امام بوده و تمسک به آن همان تمسک به امام ﷺ است زیرا که او زمینه ساز رئیسی قبل از امام ﷺ است که یاران قائم ﷺ و غیره با آن امتحان می شوند، همان طور که یاران طالوت به واسطه نهر یا رود آب امتحان شدند .

از ابی عبد الله ﷺ فرمودند: (یاران طالوت به نهری امتحان شدند که خداوند متعال در مورد آن فرموده اند: (خداوند شما را به واسطه نهری امتحان نموده است پس هر که از آن بنوشد از من نیست و هر که از آن نیاشامد از من خواهد بود) و اینکه یاران قائم با همانند آن امتحان می شوند).^(۱)

و این نهر در بهشت همانطوری که از آنها ﷺ آمده دروازه آل محمد ﷺ است (رکن یمانی درب ماست که از آن وارد بهشت می شوند ، و آن نهری از بهشت است که در آن اعمال بندگان را می یابی).^(۲)

۱ - غیبت نعمانی: ص ۳۱۶ .
 ۲ - جامع السعادات: ج ۳ ص ۳۱۴ .

و به همین خاطر به اندازه توانی که خدا در من ایجاد نموده به جمع آوری و نوشتن این موضوع پرداخته ، وبا کمک و توسل به خداوند سبحان و در بعضی امور از توضیحات سید احمد حسن وصی و رسول امام مهدی علیه السلام بهره بردم ، و از خداوند متعال مسالت دارم که توفیق بیان کلیه موارد پوشیده را جهت خدمت به برادران مؤمن و آشکار نمودن حق را روا داشته اگر چه بر میل اهل کینه و غاصب و اهل حسد بر آل محمد علیهم السلام نباشد را مسالت می کنم واز خداوند مسالت دارم که اولین و آخرین دشمنان آل محمد علیهم السلام و غاصبین حقوق آنها را لعنت نماید ، وحمد و سپاس مخصوص خداوند متعال است .

شیخ

حیدر زبیدی

ذی حجة / ۱۴۲۶ هـ . ق

علامات زمان ظهور

از پایه های ثابت مذهب شیعه دوازده امامی انتظار شبانه روزی فرج است ، زیرا که امر ظهور یک باره اتفاق می افتد و کسی جزء خداوند سبحان و تعالی زمان آن را نمی داند و هر کس که بگوید امام مهدی علیه السلام تا زمانی که همه علائم کامل نشود ظهور نمی کند و تا اینکه ... و تا اینکه ... ، ایا در قضا با خداوند شریک است ، و اینکه به عقیده حقیقی اهل بیت علیهم السلام ایمان ندارد و این در گفتارشان علیهم السلام واضح است: -

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: (هر اندازه که بندگان به خداوند عز وجل نزدیک و از آنها راضی باشد . در صورتی که حجت خداوند عز وجل از آنها مفقود گردد و برای آنها ظاهر نشده و جای او را نمی دانند ، و در حالی که می دانند که حجت خدا و روشنگری هایش به پایان نرسیده و به همین خاطر است که شب و روز منتظر فرج شدند و اینکه فقدان حجت خدا شدید ترین غضب خداوند بر دشمنانش است، و برای آنها ظاهر نمی شود ، در حالی که می داند که در اولیائش تزلزلی ایجاد نمی شود ، و در صورتی که بدانند متزلزل می شوند حتی یک لحظه هم حجت خود را از آنها پنهان نمی کرد ، و این اتفاق نخواهد افتاد مگر بر ضرورتین مردم)^(۱)

مفضل بن عمر گفت: که امام صادق می فرماید: (هر کس که بصورت منتظر بر این امر بمیرد مانند کسی خواهد بود که با قائم و در صف ایشان باشد ، بلکه همانند کسی خواهد بود که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله شمشیر می زند)^(۲).

ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: (اگر روز و شب را به صبح رساندی و امامی از آل محمد ندیدی پس به آنچه دوست داری پایبند باش ، و دشمن بدار آنچه را دشمن بود ، و موالی

۱ - کمال الدین و تمام النعمه: ص ۳۳۷ .

۲ - کمال الدین و تمام النعمه: ص ۳۳۸ .

کسی باش که ولایتش را پذیرفته بودی و صبح و شب منتظر فرج باش).^(۱) و علامات ظهور چیزی جزء نزدیکی بیشتر و بیشتر به فرج موعود از جانب خداوند سبحان و تعالی نیست .

بحث را با دو حدیث طولانی که بصورت خلاصه بیشتر علامات ظهور در آن آمده شروع می کنیم

از رسول خدا ﷺ که فرمودند: قسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان در آن زمان حاکمان جور و وزراء فاسق و عرفاء ظالم و امناء خائن بر آنها مسلط می شوند .. سلمان به سرعت می گوید: این اتفاق می افتد ای رسول خدا ؟ . پس صلی الله علیه و اله فرمودند: بله قسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان در آن هنگام منکر معروف و معروف منکر و امانت به خائن سپرده می شود و امین خیانتکار محسوب می شود و دروغگو را صادق و صادق را دروغگو می شمارند ، سلمان گفت: اینطور اتفاق می افتد ای رسول خدا ؟ . پس رسول خدا صلی الله علیه و اله جواب داد: بله و قسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان و در آن هنگام حکومت زنان ، و مشورت با کنیزان ، و نشستن جوانان بر منابر ، و دروغ به عنوان وسیله به کار می رود ، و زکات دادن اختیاری ، و سبقت گرفتن از همدیگر غنیمت است ، و مرد به پدر و مادر خود پشت کرده ، و به دوست خود وفا می کند ، و ستاره دنباله دار طلوع می کند . و سلمان با عجله می گوید . اینطور اتفاق می افتند ای رسول خدا ؟ . پس رسول خدا صلی الله علیه و اله جواب داد: بله: قسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان در آن هنگام زنان با شوهران خود در تجارت شریک شده ، و باران بصورت قهر خواهد بارید و بر کرام با خشم نازل می شود ، و مردی که در تنگنا و فقر قرار دارد مورد حقارت واقع می شود ، و در آن هنگام بازارها نزدیک هم می شود ، در حالی که این می گوید که چیزی را نفروختم ، و آن یکی می گوید که چیزی را سود نکردم ، و چیزی را جز مذمت خدا نمی بینی . و سلمان به سرعت می گوید . آیا اینطور اتفاق می افتد ای رسول خدا ؟ ... پیامبر فرمودند: قسم به کسی که نفسم در دست اوست اینطور اتفاق خواهد افتاد ، ای سلمان در آن هنگام اقوامی بر آنها مسلط می شوند که اگر صحبت کنند آنها را می کشند ، و اگر ساکت شده

اند اموالشان را تملک می کنند ، و حرمت آنها را شکسته ، و خون آنها را خواهند ریخت ، و دل هایشان را پر از رعب و ترس خواهند کرد پس آنها را نمی بینی مگر اینکه ترسیده و در رعب هستند ؛ سلمان: آیا اینطور اتفاق می افتد . پیامبر ﷺ: بله قسم به کسی که نفسم در دست اوست ، ای سلمان در آن هنگام چیزی از مشرق و چیزی از مغرب می آید پس به جان امت من در می افتند ، وای بر ضعیفان امتم از آنها ، و وای بر آنها از جانب خداوند ، نه به کوچک ها ترحم می کنند و نه احترام بزرگترها را نگه می دارند ، و از هیچ کار زشتی نمی گزرنند ، اخبار آنها در خفاست ، جثه های آنها جثه آدمیزاد ، و قلب آنها قلب شیاطین است . سلمان: آیا اینطور اتفاق می افتد ای رسول خدا ؟. پیامبر: آری و قسم به کسی که نفسم در دست اوست ، ای سلمان ، و در آن هنگام مرد با مرد و زن با زن ارضاء شده ، و بر غلامان تجاوز می شود همانطور که بر جاریه در منزل تجاوز می شود ، و مردان شبیه زنان ، و زنان شبیه مردان می شوند ، و صاحبان فرج ها (زنان) بر سروج (زین متور سیکلت و امثال آن) سوار می شوند که لعنت خدا از جانب امتم بر آنها باد . سلمان: آیا اینطور اتفاق می افتد ای رسول خدا ؟. پیامبر: آری و قسم به کسی که نفسم در دست اوست ، ای سلمان در آن هنگام مساجد به زیور الات آراسته شده همانطور که کنائس آراسته می شوند ، و مصاحف (قرآنها) آراسته و منارات طولانی و بلند می شوند ، و صفهای نماز با دل های پراکنده و پر از نفاق و زبان های مختلف بیشتر می شود . سلمان: آیا اینطور اتفاق می افتد ؟ پیامبر: آری و قسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان ، و در آن هنگام مردان امتم خود را به طلا آراسته ، و حریر و دیباچ را می پوشند و پوست های ببر ها را برای طرب استفاده می کنند سلمان: آیا اینطور اتفاق می افتد . پیامبر: آری و قسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان در آن هنگام ربا ظاهر شده و با غیبت و رشوه معامله می کنند ، و دین کنار گذاشته می شود و ارزش دنیا با لا می رود . سلمان اینگونه اتفاق می افتد پیامبر: بله و قسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان ، و در آن هنگام طلاق زیاد شده و حدود خدا رعایت نمی شود و ضرری به خدا نخواهد رسید . سلمان ، اینگونه اتفاق می افتد ؟!!! . پیامبر: آری و قسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان و در آن هنگام ترانه و آلات طرب ظاهر

شده ، و اشرار اتم آنها را به کار می گیرند . سلمان: آیا اینگونه اتفاق می افتد ؟ پیامبر بله وقسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان ، و در آن هنگام ثروتمندان اتم برای خوشگذرانی و قشر متوسط برای تجارت ، وقشر فقیر آنها برای ریاکاری وشهرت به حج می روند ، و در آن هنگام اقوامی هستند که قران را برای غیر خدا یاد می گیرند و آن را به عنوان انواع سرود به کار می برند ، و همین طور اقوامی که برای غیر خدا تفقه می کنند ، و فرزندان زنا زیاد می شوند ، و با قران آواز می خوانند و به دنیا می پردازند ، سلمان: اینگونه اتفاق می افتد ؟. پیامبر: آری وقسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان آن هنگامی است که محارم هتک حرمت میشوند ، و گناهان را کسب می کنند ، و اشرار بر اختیار مسلط می شوند ، و دروغ پراکنده می شود ، ولجاجت ظاهر و فقر زیاد می شود ، و در لباس پوشیدن همدیگر را نمی کنند، وباران در غیر زمان بارندگی می بارند ، و کوبه وجاهای رقص و فحشا را می پسندند، و منکر امر به معروف و نمی از منکر می شوند، تا اینکه انسان مؤمن در آن زمان ذلیل تر از کنیز و خدمتکار میشود و در میان قراء و عابدان اختلاف ظاهر می شود ، در حالی که آنها همان ستمگران ناپاک هستند که مدعی ملک سماوات می شوند ! . سلمان: اینگونه اتفاق می افتد ؟ . پیامبر آری وقسم به کسی که نفسم در دست اوست ای سلمان در آن هنگام ثروت مند از چیزی جز فقر نمی ترسد تا انجایی که گدا دست خود را در میان جمعیتی قرار می دهد ولی چیزی به او داده نمی شود . سلمان: آیا اینگونه اتفاق خواهد افتاد ؟ . پیامبر: آری وقسم به کسی که جانم در دست اوست ای سلمان و در آن هنگام رویضه صحبت می کند ، پس سلمان گفت: ای رسول خدا پدر و مادرم فدای شما رویضه یعنی چه ، صلی الله علیه وآله فرمودند: در امر عموم کسی صحبت می کند که در حد واندازه های آن نیست پس دیری نخواهد بود که زمین طوری حرکت و شکافت بر می دارد که هر قومی فکر کنند که در ناحیه آنها شکننده شده است پس به اندازه ای که خداوند بخواهد اقامت می کنند ، آنگاه در اقامت خود عهد را می شکنند سپس زمین دینه ها و گنج های درون خود را بیرون می ریزد ، فرمودند که طلا ونقره اش را سپس با دست خود به پادشاهان اشاره کرد ،

و فرمود همانند این که روزی طلا و نقره بدرد آنها نخورد ، و معنی صحبتش : پس شرط و شروط آن پدیدار شدند^(۱)

در این حدیث ابتعاد و دوری مسلمانان از دین خود در آخر الزمان ، و گرفتار شدن آنها به بسیاری از تفرقه ها و انحراف و فساد اخلاقی را نشان می دهد ، و هنگام تحقق شروط ساعت ، و در میزان در تفسیر قران ص ۳۹ - ۴۰ آمده که ، آن کنایه از خروج امام منتظر علیه السلام است .

از مفضل بن عمر گفت: (از سیدم امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا برای مأمول منتظر مهدی علیه السلام زمان و وقت معینی جهت اطلاع مردم وجود دارد ؟ پس فرمودند: از خداوند به دور است که زمان ظهورش را طوری مشخص کند تا شیعه ما آن را بدانند ، گفتم: سیدم چرا به این صورت ؟ فرمودند زیرا او همان ساعت است که خداوند تعالی در مورد آن فرمود: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا...﴾ ^(۲) (در مورد ساعت می پرسند که موقع آن چه وقت است).^(۳)

و از امام صادق علیه السلام فرمودند (... اگر دیدی که حق مرده و اهل آن رفتند ، و دیدی که همه کشور ها گرفتار ظلم و ستم شده ، و دیدی که قران کهنه شده ، و در صحبت هایشان چیز هایی که در آن نیست را به آن نسبت داده و با هوای نفس خود آن را تعبیر می کنند و دیدی که دین برگشته و دگرگون شده همان طور که ظرف واژگون میشود ، و دیدی که اهل باطل بر اهل حق چیره شدند ، و دیدی که شر آشکار شده و از آن نهی نمی شود، و عذر یارانش خواسته می شود و دیدی که فسق و باطل ظاهر شده ، و مردان با مردان و زنان با زنان اکتفاء و ارضاء شده ، و ببینی که مؤمن ساکت بوده و گفتارش مورد قبول نیست ، و ببینی که فاسق تکذیب نشود ، و دروغ و افترايش به او نسبت داده نمی شود ، و ببینی که کوچک بزرگ را مورد حقارت قرار دهد ، و ببینی که ارحام قطع شود ،

۱ - مشارق انوار الیقین للبرسی: ص ۱۱۱ - حیاة الامام المهدی علیه السلام - باقر شریف القرشی: ص

۲۵۴ - ۲۵۸ .

۲ - اعراف: ۱۸۷ .

۳ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱ .

وببینی کسی را که به واسطه فسوق مورد مدح قرار گیرد و از کارش بیشتر خوشحال می گردد ، و جواب صحبتش داده نمی شود ، و ببینی که آنچه را که به زن داده می شود به غلام داده می شود ، و ببینی که زنان با زنان ازدواج کنند و ببینی که ستایش و تعریف از همدیگر زیاد شود ، و ببینی که مرد مال خود را به راهی غیر از طاعت خدا انفاق کرده و در حالی که از کارش نمی شود ، و ببینی که ناظر به خدا پناه می برد از آنچه که مؤمن را در حال جهاد با آن می بیند ، و ببینی که همسایه همسایه اش را مورد ازار واذیت قرار می دهد ولی کسی او را منع نمی کند ، و ببینی که کافر از آنچه که برای مؤمن اتفاق می افتد خوشحال است ، و در صورتی که در زمین فساد ببیند مسرور می شود ، و ببینی که خمر و مشروبات بصورت علنی خورده شود ، و کسانی بر آن جمع شوند که از خداوند عز وجل بیم و هراسی ندارند ، و امر به معروف را سبک ببینی ، و ببینی که فاسق در آنچه که خداوند نمی پسندد قوی و مورد ستایش قرار می گیرد ، و ببینی که صاحبان املاک مورد تحقیر قرار میگیرند، و هر کس که آنها را دوست داشته باشد مورد حقارت قرار می گیرد ، و راه خیر را مقطوع ببینی ، و در مسیر شر سلوک کنند ، و ببینی که خانه خدا تعطیل شود ، و به ترک آن امر شود ، و مرد را می بینی : که آنچه را که انجام نمی دهد می گوید، و ببینی که مردان آرزوی مردان و زنان آرزوی زنان کنند ، و ببینی که مرد به واسطه دبر خود و زن به واسطه فرجش امرار معاش کنند ، و ببینی که زنان برای خود مجالسی را تشکیل داده همان طور که مردان تشکیل می دهند ، و مردان بنی عباس را می بینی که حالت دوجنسی بین آنها ظاهر و موهای خود را رنگ زده ، و خود را آراستند همان طور که زن برای شوهرش خود را آرایش می کند ، و به مردان به خاطر استفاده از فروجشان مال عطاء می کنند ، که با این حالت مرد خوشحال می شود ، و مردان بر او رشک می ورزند ، و صاحب مال از انسان مؤمن عزیز تر است ، و ربا ظاهر بوده و تغییر نمی کند ، و زنان به واسطه زنا مدح می شوند ، و زن را می بینی که به خاطر نکاح با مردان بر شوهرش چاپلوسی می کند ، و بیشتر مردم را می بینی که ، بهترین آنها کسی است که زنان را بر فسقشان کمک می کند ، و انسان مؤمن را اندوهگین ذلیل و حقیر شده می بینی ، و بدعت و زنا را می بینی که ظاهر شده ، و مردم را می بینی که به واسطه زور بر همدیگر

اعتداء کنند ، و حرام را ببینی که حلال شود ، و مردم را می بینی که کار خود را با نظر و رأی انجام می دهند ، و کتاب و حکمت خدا تعطیل می شود ، و شب را می بینی که در آن از تعدی بر خدا خجالت نمی کشند ، و انسان مؤمن را می بینی که بجزء در قلب خود نمی تواند انکار کند ، و مقدار زیادی از مال را می بینی که در راه دشمنی خداوند عز و جل انفاق می شود ، و اهل ولایت را می بینی که اهل کفر را به خود نزدیک می کنند ، و اهل خیر را دور می کنند ، و اهل ولایت را می بینی که در اجرای حکم رشوه می گیرند ، و ولایت را می بینی که به نفع هر کسی که بیشتر می دهد حکم اجرا می کند ، و می بینی که با محارم ازدواج می شود ، و با آنها ارضاء می شوند ، و مرد را می بینی که به واسطه تهمت و مظنونیت کشته می شود ، و آرزوی مرد مذکر را کرده پس مال و نفس خود را برای او بذل و بخشش می کنند ، و مرد را می بینی که به خاطر مجامعت با زنان مورد شتمات قرار می گیرد ، و زن را می بینی که شوهر خود را ناراحت کرده و به آنچه که نمی خواهد عمل می کند ، و بر شوهرش انفاق کند ، و مرد را می بینی که زن و کنیزک خود را کرایه می دهد ، و نزدیکی با آنها را به خاطر غذا و شراب قبول می کند ، و ایمان به خداوند عز و جل را به خاطر ترس و رياء می بینی ، و قمار را می بینی که ظاهر می شود ، و شراب را می بینی که علنی و بدون مانع فروخته می شود ، و زنان را می بینی که خود را به اهل کفر عرضه می کنند ، و سرگرمی ها را می بینی که ظاهر می شوند از آن استفاده می شود و کسی آنرا منع نمی کند ، و کسی جرأت نمی کند که آنرا منع کند ، و شریف را می بینی که به واسطه کسی که برای تخت خود می ترسد ذلیل می شود ، و نزدیکترین افراد به حکام را می بینی که به واسطه ناسزا گفتن به ما اهل بیت مورد مدح و ستایش قرار می گیرد ، و دوست دار ما را می بینی که به او زور گفته می شود ، و شهادتش مورد قبول واقع نمی شود ، و زور را می بینی که آن را بر کلام بهتر و ارجحتر می دانند ، و قرآن را می بینی که شنیدن آن بر مردم سنگین می شود ، و شنیدن باطل بر مردم سبک تر و راحت تر شود ، و همسایه را می بینی که همسایه خود را به خاطر ترس از زبانش مورد اکرام و لطف قرار می دهد ، و حدود را می بینی که تعطیل می شود ، و به واسطه هوای نفس خود به آن عمل می کنند ، و مساجد را می بینی که آراسته می شوند

، و راستگوترین مردم نزد مردم را مفتری کذاب می بینی ، و شر و سعی در سخن چینی را می بینی که ظاهر شده ، و زنا را می بینی که پخش می شود ، و غیبت را می بینی که نمک مجلس شود ، و مردم همدیگر را با آن بشارت می دهند ، و ببینی که حج و جهاد را برای غیر خدا می خواهند ، و پادشاه را می بینی که انسان مؤمن را برای کافر ذلیل می کند ، و خرابی از عمران بیشتر می شود ، و امرار معاش مرد را می بینی که از تقلب در مکیال و ترازو بدست می آورد ، و ریختن خون ها را می بینی که سبک شمرده می شود و مرد را می بینی که رئیس بودن را برای طلب دنیا خواسته ، و به واسطه زبان خود به عنوان انسان با تقوی مشهور شده ، و امور به او مستند می شود ، و ببینی نماز سبک شمرده می شود ، و ببینی مرد صاحب مال زیادی که زکات آنرا از زمانی که مالک آن شده نداده است ، و مرده را ببینی که از قبرش بیرون آورده شود و مورد اذیت قرار می گیرد و کفنش مورد فروش قرار می گیرد ، و هرج و مرج را می بینی که زیاد شود ، و مرد را می بینی که شب را با نشأت و روز را مست می گذراند ، و کاری به اینکه مردم در چه حالی هستند ندارد و بهایم و حیوانات را می بینی که مورد نکاح واقع می شوند ، و بهایم را می بینی که همدیگر را می درند ، و مرد را می بینی که جهت نماز خواندن بیرون می رود و در حالی برمی گردد که چیزی از لباس هایش بر او نیست و قلب های مردم را می بینی که قاسی و سخت و بیرحم شده ، و چشم های آنها را می بینی که خشک و سخت شده ، و ذکر بر آنها سنگین می شود ، و کسب و کار حرام را می بینی که ظاهر می شود ، و به واسطه آن رقابت می کنند ، و ببینی که نماز گزار بخاطر اینکه مردم او را ببینند نماز می خواند ، و فقیه را می بینی که برای غیر دین تفقه و دنیا و ریاست را طلب می کند ، و مردم را می بینی که با کسی که برنده می شود قرار می گیرند ، و طالب حلال را مورد مذمت و شتمات می بینی ، و طالب حرام مورد مدح و ستایش قرار می گیرد ، و حرمین را می بینی که آنچه را که خداوند دوست ندارد در آنها انجام می گیرد ، و هیچ مانعی و هیچ کسی در مقابل آنها و عمل زشتشان قرار نمی گیرد ، و وسایل آواز را می بینی که در حرمین ظاهر می شود ، و مرد را می بینی که با اندکی از حق صحبت می کند و امر به معروف و نهی از منکر می کند پس کسی که او را در مورد خودش نصیحت می کند بلند می شود

و می گوید: این موضوع در مورد شماس است ، و مردم را می بینی که به همدیگر نظر می کنند ، و به اهل شر اقتداء می کنند ، و راه و مسلک خیر و طریقتش را می بینی که خالی است و کسی در آن سلوک نمی کند ، و مرده را می بینی که مورد استهزاء قرار گرفته و کسی به فریادش نمی رسد و می بینی هر سال از بدعت و شر بیشتر از حد ممکن اتفاق می افتد و از آن صحبت می کنند ، و خلق و مجالس را می بینی که کسی به جز افراد غنی و ثروتمند را پیروی نمی کنند و می بینی که به محتاج جهت تمسخر و خنده بخشش می کنند و در راه خدا به او رحم نمی شود ، و آیات و نشانه ها را در آسمان می بینی که هیچ کس به سوی آنها شتاب نمی کند و انسانها را می بینی که بر هم دیگر می تازند همانطور که بهایم بر همدیگر می جهند و از ترس مردم کسی منکر را انکار نمی کند و مرد را می بینی که در راه غیر از خدا اتفاق زیادی می کند و از کمترین چیزی در راه و اطاعت خدا کوتاهی می کند و ظلم و عاق به والدین می بینی که ظاهر می شود و والدین سبک شمرده می شوند در حالی که پیش فرزند احوال آنها بدتر از همه مردم است و هنگامی که بر آنها دروغ می بندد خوشحال می شود ، و زنان را می بینی که بر پادشاهی غلبه و بر هر امری دیگری که در آن هوی و هوس است چیره می شوند ، و فرزند پسر را می بینی که بر پدرش دروغ می بندد و بر والدین خود دعا می کند و از مردن آنها خوشحال می شود، و ببینی که اگر مردی روزش را بدون کسب گناهان کبیره و انجام فجور و دزدی در میزان و مکیال و سوز و کلك و خوردن شراب و مستی بگذراند آن روز را با ناراحتی و حالتی خسته کننده از عمرش تمام می کند و پادشاه را ببینی که طعام و آذوقه را احتکار کند ، و اموال ذی القربی را ببینی که به زور تقسیم شود و با آن قمار بازی و خمر و شراب می خورند ، و شراب را می بینی که برای مداوای بیماری برای همدیگر تجویز می کنند ، و با آن شفا می یابند ، و مردم را می بینی که در ترک امر به معروف و نهی از منکر و همین طور ترک تدین به آن برابر می شوند ، و ریاح یا باد های منافقین را می بینی که پا بر جاست ، و باد های اهل حق حرکتی نمی کند و می بینی که اذان و نماز با اجرت و مزد انجام می گیرد و مساجد را پر از کسانی که از خدا نترس و در آن برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق جمع شده اند می بینی ، و آنها را به عنوان شراب مست کننده توصیف می کنند ، و آدم مست را می بینی که امام

جماعت مردم شده و با آنها نماز می خواند و در حالی که او به واسطه مست بودن عقلش را از دست داده ، و اگر مست شود صاحب کرامت و تقوی شده و اگر به خاطر مست بودن بترسد و ترك کند مجازات نشده و عذر او را نمی خواهند ، و کسی که اموال یتیمان را خورده ، می بینی که مورد ستایش قرار می گیرد و قضات به غیر از رضایت خدا حکم می کنند و متولیان و امانتداران آنها خیانتکار شدند و والیان ، میراث را بر اهل فسوق بذل کرده و جرأت آنها در مقابل خدا و داد و ستد و دادن آزادی لازم به اهل فسوق را می بینی و منابر را می بینی که بر آنها به تقوی امر می کنند در حالی که امر کننده به آن عمل نمی کند و نماز را می بینی که به موقع خواندن آن سبک شمرده می شود و بینی که: صدقه برای شفاعت و امر در راه خدا نیست و به خاطر خواست مردم داده می شود و هم و غم مردم شکم و فروجشان است و حلال و حرام بودن خوردن و نکاح کردن برای آنها فرقی نمی کند و دنیا بر آنها اقبال کرده و حقیقت را می بینی که در حال از بین رفتن است پس بر حذر باش و از خداوند طلب حق و نجات و هدایت کن زیرا که خداوند برای انجام امری به آنها مهلت می دهد و مراقب باش و بر خلاف کار آنها عمل کن تا خدا تو را ببیند و اگر عذاب بر آنها نازل شد بسمت رحمت خداوند شتاب کن و اگر تاخیر کنی خداوند آنها را مبتلا می کند و از عمل آنها خارج شو و به سمت خداوند رفته زیرا خداوند اجر محسنین را پامال نمی کند و رحمت او بر محسنین نزدیک است (۱)

تا این جا دو حدیث در مورد بعضی خبرها که ویرانی و انهیار اخلاق مردم و همچنین انحلال دانستن همه مبادی و موارد پابرجا که انسان را با آنها می شناسند را ذکر می کنند و بازگشت مردم به کارهای زشت و گناهبار و شرور زمان جاهلیت است که همه آنها از نشانه ها و علامتهای ظهور امام منتظر علیه السلام می باشند ، پس می ماند که خواننده باید از خود سؤال کند که آیا غیر از علامات پنج گانه حتمی که بیشتر آنها دورتر از زمان ظهور و همزمان با قیام هستند مانده است و شاید بعضی از آنها بعد از قیام هستند .

و اگر علامات ظهور را دنبال کنیم و خواهیم دید که بعضی از مواردی که تحقق یافته در مورد امر ظهور امام دلالت می کند

رسول خدا ﷺ فرمودند: (نزدیک است که امتها از هر طرف شما را محاصره کنند ، همانطوری که درنده ها بر طعمه خود جمع شوند ، گفت گفتیم: ای رسول خدا ، آیا عده ما در آن زمان کم است ؟ فرمود: شما در آن زمان زیاد هستید ، ولی غنائی همانند غناء(اشغال و چوب و خرده ریزه هایی که سیل با خود می آورد) سیل می مانید ، ترس از شما از دل دشمن تان بر داشته می شود ، و در دلهای شما سستی را قرار می دهد، گفتیم: معنی این سستی چیست ؟ فرمود: دوست داشتن دنیا و بیزاری از مرگ)^(۱)

از مفضل بن عمر در بحث طولانی که موضوع مورد نیاز را از آن گرفتیم ، مفضل گفت ای سرورم ، زوراء که در بغداد قرار دارد در آن زمان چه حالی خواهد داشت؟ فرمود:(جای عذاب و غضب خداوند خواهد بود پس وای بر آن از پرچمهای زرد و پرچمها یی که از دور و نزدیک به طرف آن می روند و خداوند صنف هایی از عذاب که بر ملتهای دیگری نازل نکرده است بر آنها نازل می کند ... پس وای بر کسی که در آن برای خود منزل یا مسکنی انتخاب کند...)^(۲)

آنگاه کشورها همانند سگان بر عراق یورش بردند در حالی که قبلاً سابقه نداشته است که دهها کشور برای تصرف و اشغال یک دولت با هم متحد شوند و پرچمها از هر جا به سوی زوراء آمدند آنگاه اشغال گران از یک جهت و سود جویان از جهتی دیگر و آنچه در این روایت و روایت جلوتر از آن آمد برای معرفت و شناخت انسان اندیشمند با هوش کافی است که آیا ما در زمان ظهور مقدس هستیم یا خیر .

از امیر مؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) ... آنگاه مکان حکومت و ملک (پایتخت) به زوراء برمی گردد و امور از طریق شوراء (انتخابات) انجام می گیرد هرکس که بر کاری غلبه کند آنرا انجام می دهد ، پس در این هنگام خروج سفیانی است که نه ماه بر زمین مسلط می شود و به بدترین شکل آنها را شکنجه می دهد پس وای بر مصر و وای بر زوراء و وای بر کوفه و وای بر واسط انگار به واسط نگاه می کنم در حالی که

۱ - معجم احادیث امام مهدی ع - شیخ علی کورانی: ج ۱: ص ۷۸ .
۲ - بشارة الاسلام: ص ۱۴۳ .

خبر نگاری که دارای خبر باشد وجود ندارد و در آن هنگام خروج سفیانی و کمبودی غذا و قحطی زدگی مردم و کمبودی باران که هیچ زمینی نمی روید و هیچ آسمانی نمی بارد ، سپس مهدی هادی مهدی کسی که پرچم را از دست عیسی بن مریم می گیرد خارج می شود ...^(۱) و امروز خانه ملک و مرکز حکومت بغداد و امور به صورت شوری در آمده است (انتخابات) و چیزی جز انتظار خروج سفیانی برای جنگ باقی نمانده است ... و در این جا سؤالی است که بعداً جواب آن واضح خواهد شد ... و آن: اگر دانستیم که عیسی علیه السلام بعد از امام مهدی علیه السلام خروج خواهد کرد بلکه پشت سر ایشان در بیت المقدس نماز خواهد خواند ، حال پس عیسی که پرچم را به مهدی هادی مهدی تسلیم می کند کیست ؟ .

و از خطبه ای از امیر مؤمنین علیه السلام فرمودند (... چگونه خواهید بود اگر صاحب شام را ببینید که با اره می بردو تیز می کند ، و گردن‌ها را با قمه قطع می کند ، سپس شد بدترین عذابها را به او می چشانم و به شما مژده دهم ، که فردا امر مردم به دستور خداوند به من برگردانده می شود ، پس آنچه که گفتم بزرگ و دشوار قلمداد نشود ، ...)^(۲)

براستی هر آنچه سود جوین این روزها انجام می دهند و توسط امام علی علیه السلام گفته شد ، بطور واضح و آشکار (در عراق) محقق شده ، مردم را با شمشیر می کشند در حالی که پیشرفته ترین اسلحه ها موجود می باشد و آنها یکی از مصادیق سفیانی هستند ، و اما صحبتش در مورد (به او می چشانم ...) ، مردی از نسل ایشان علیه السلام آنها انجام دهد که این موضوع واضح و روشن است .

(سوگند به پدرم کسی که در خدا ملامت و نکوهش ملامتگر جلوی او را نمی گیرد ، نور و چراغ تاریکی ، سوگند به پدرم که قائم به امر خدا می باشد ، گفتم: پس کی خروج می کند ؟ فرمود: هنگامی که لشکریان را در انبار روی نهر فرات و ضرات ببینی ، و دجله و ویرانی پل بزرگ کوفه ، و سوزاندن بعضی از خانه های کوفه را پس اگر آنها

۱ - الملاحم و الفتن - سید بن طاووس الحسینی: ص ۱۳۴ .
۲ - مشارق انوار الیقین - الحافظ رجب البرسی: ص ۲۶۴ .

دیدنی خداوند آنچه را بخواهد انجام خواهد داد ، هیچ غالب و پیروز شده ای بر امر خداوند وجود ندارد و هیچ مشکلی برای حکم او وجود ندارد^(۱) .

و نیز از او ﷺ آمده (امت من گرفتار چهار فتنه خواهد شد ، آخرین امت من به فتنه های مترادفی مبتلا می شود ، اولین فتنه بلایی بر آنها نازل می شود تا اینکه انسان مؤمن بگوید این مهلک من است سپس برطرف خواهد شد . و دومین فتنه تا اینکه مؤمن بگوید این مهلک من خواهد بود سپس برطرف خواهد شد . و سومین فتنه هر گاه بگویند پایان یافته دوباره تکرار می شود . و فتنه چهارم در آن به سوی کفر حرکت می کنید . اگر الامعه^(۲) (الامعه یعنی: همرنگ جماعت) اتفاق افتاد و یک بار با این و باری دیگر با اون وبدون امام و بدون جماعتی گذر کنند ، سپس مسیح و طلوع خورشید از مغرب و هفتاد و دو دجال قبل از ساعت (ساعت یعنی: قائم)، که به جزء یک نفر از آنها کسی پیروی نکند^(۳))

فتنه ای خواهد بود که هیچ جانبی از آن سکوت نمی کند مگر اینکه جانب دیگر را به حرکت درآورد ، تا اینکه ندایی از آسمان ندا دهد که شما را به اطاعت از فلان امر می کنم^(۴))

فتنه هایی خواهند بود که مرد صبح مؤمن و شب کافر خواهد شد ، مگر کسی که خداوند او را با دانایی و علم زنده کرده باشد^(۵))

وبطور واضح معلوم است که منظور از علم مطلوب در اینجا علم آل محمد ﷺ یا سخنانشان چون که سخن آنها معادل قرآن می باشد ، پس فرمایش ایشان (مگر کسی که خداوند او را با دانایی و علم زنده کرده است) یا دل و بینایی او را روشن ساخته و از سیرت و روش اهل بیت ﷺ و منهج و راه و گفتار آنها پیروی نموده و گفتار و سخن

۱ - بحار الانوار - العلامة المجلسی: ج ۸۳: ص ۸۱.
 ۲ - الأمعة: کسی که می گوید من با مردم هستم هر کجا باشند من هم هستم !!!
 ۳ - معجم احادیث امام مهدی ع: ج ۱: ص ۸۷ .
 ۴ - معجم احادیث امام مهدی ع: ج ۱: ص ۸۸ .
 ۵ - معجم احادیث امام مهدی ع: ج ۱: ص ۹۹ .

آنها را از غیر آنها (آراء مردان) تشخیص داده همانطور که حال علماء ابناء عامه و بسیاری از علماء شیعه امروزی است (پس آنها با رأی خود فتوی داده، و عقل کوتاه خود را به عنوان مصدر تشریع و مکمل ثقلین و قرآن و سنت دانستند) و قول خداوند متعال را فراموش کردند که میفرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^(۱) (امروز دین شما را برای شما به حد کمال رسانیدم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما آیین برگزیدم) حال می گویم: که خداوند سبحان و تعالی دین خود را به وسیله رسول خود ﷺ کامل کرده است و رسول ﷺ حدود ثقلین را مشخص نمودند، قرآن و عترت تنها مصدري برای تشریع می باشند و تواتر روایات بر اینکه تشریع با دلیل عقلی با آنچه حضرت محمد ﷺ و اهل بیت او علیهم السلام آورده بودند مخالف است، پس چگونه علماء آخر زمان عقل ورأی را مصدري برای تشریع تعبیر می کنند؟! ... إنا لله و إنا الیه راجعون .

و از شرطهای ساعت بدرفتاری با همسایگان، قطع وابستگی با خویشاوندان، و تعطیلی شمشیر ازجهاد و دنیا توسط دین پوشانده می شود (پوشش دین: یعنی با نیرنگ و تظاهر دینی دنیا را می طلبند) شیخ کورانی در معجم احادیث امام مهدی علیهم السلام احادیثی در باب جهاد آورده، که در تفسیر قول تعالی ﴿حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا﴾ (تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود) یعنی جهاد تا روز قیامت یا تا نزول عیسی علیهم السلام پا بر جاست، و احادیثی در مورد گروهی از امت پیامبر ﷺ که جهاد را شروع کردند تا اینکه مهدی علیهم السلام ظهور و عیسی علیهم السلام نزول کند آمده است. پس هدف از تعطیل جهاد دراین حدیث شریف تعطیل کردن آن از طریق احکام و بیشتر مردم، مگر کسی که با خداوند پیمان بسته است.^(۲)

حال می گویم: بدرفتاری با همسایه و بریدن رابطه خویشاوندی و گسسته شدن پیوند ها در بین امت مشهورتر از آتشی که بر بالای سربیک چوب دیده میشود شده است، و به توضیح و بیان نیاز ندارد، اما تعطیل کردن جهاد یکی از اموری است که علماء سوء

۱ - مائده: ۳.

۲ - معجم احادیث امام مهدی ع: ج ۱: ص ۱۰۰.

آنها پایه گذاری کرده اند و به جای اینکه مردم را نسبت به آخرت توجیه کنند آنها را به دنیا تشویق می کنند ، و اما خیانت دنیا به دین از خلق و خوی علماء غیر عاملین است (که در اینجا اشک در چشم جاری می شود)، چونکه جنگ ضد امام مهدی علیه السلام از آنها شروع می شود .

شما را به خدا سؤال میدهم آیا اعتقاد دارید که اگر امروز امیر المؤمنین علیه السلام در بین ما بودند با آمریکا صلح و سازش میکرد و با انصاب زبویه و علمانیان و کفار موافقت نموده تا کفار را راضی کند یا اینکه به تعطیلی جهاد موافقت کند ، به طور قطع اینطور نخواهد بود : حال پس شما و این علماء در کجای راه و سیره ائمه علیهم السلام هستید ، یا اینکه اعتقاد دارید که امیر مؤمنین علیه السلام مرده است پس باید راه و روش و نهج او هم از بین برود ، آیا ایمان ندارید که امام مهدی علیه السلام در میان شما و کنار شماست ، آیا اعتقاد دارید که مرده؟! و یا به موارد دیگری اعتقاد دارید، آیا اعتقاد دارید که خداوند زمین را از حجت خود خالی خواهد کرد از خود سؤال کنید که اعتقاد شما چه خواهد بود پس همه باید از خود سؤال کنید... (مگر لعنت خدا بر ظالمین نیست)

از ابی عبد الله علیه السلام (... اگر دنباله ستون مسجد کوفه که پس از خانه عبد الله بن مسعود است ویران و منهدم شود و در این هنگام ملک و ثروت بنی فلان بر داشته می شود که اگر منهدم شد دیگر آباد نخواهد گشت)^(۱)

از جابر به ابی جعفر علیه السلام گفتم: (... این امر چه موقع خواهد بود ؟ علیه السلام فرمودند: ای جابر زمانی که کشته ها میان حیره و کوفه زیاد خواهد شد ...) ^(۲)

پس کسی که بخواهد انکار کند یا سؤال کند که آیا این امر پدید آمده است یا خیر آنگاه به او می گویم آیا روز بازگشت سید سیستانی از لندن را به خاطر داری که چه اتفاقی افتاد ؟ و همانطور که ضرب المثل می گوید (طناب به کشنده آن بستگی دارد)

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲: ص ۲۱۰ .
۲ - بحار الانوار: ج ۵۲: ص ۲۰۹ .

فکر کنم هیچ اتفاقی نیامده است ، فقط پلیس عراق و نگهبان وطنی و گروههای احتلال در شهر نجف به استقبال سید سیستانی آمدند پس شروع به تیراندازی به ماشینهایی که دور تا دور ماشین او قرار داشته نمودند ، سپس به کشتن شهروندان از ظهر تا شام و همین طور تیراندازی بر مردمی که از شهرهای مختلف آمده بودند تا شام ادامه داشت و در همه راه های شهر نجف ادامه پیدا کرد ، و جناب سید سیستانی هیچ عکس العملی درخصوص این حرکت انجام نداده و بلعکس آن ، بعد از چند روز پلاکارد ها و پارچه هایی سخن جناب سید سیستانی در داخل شهر با مضمون اینکه او به این کارشان تبریک گفته و در هر نمازی برای آنها دعا می کند .

و از جعفر بن محمد علیه السلام (...) اهل شهری که به سجستان (یا سیستان) معروف است ، آنها دشمنی را با ما به پا می دارند و آنها شرورترین خلق و خلاق می باشند ، بر آنها عذابی خواهد بود که بر فرعون و هامان و قارون آمده است . و مردم شهری که ری خوانده می شود ، آنها دشمنان خداوند و دشمنان رسول خدا و دشمنان اهل بیت ایشان هستند ، جنگ با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عنوان جهاد می دانند در حالی که برای آنها هیچ غنیمتی نخواهد داشت ، برای آنها عذاب ذلت و ننگ در زندگی دنیا و آخرت و عذاب دائمی خواهد بود . و مردم شهری که موصل نامیده می شود ، آنها شرورتر از همه اهل زمین هستند و نیز مردم شهری که زوراء نامیده می شود و در آخر زمان بنا خواهد شد ، آنها با خون ما شفا می یابند و برای دشمنی ما با هم نزدیک می شوند و به خاطر دشمنی با ما با دیگران متحد می شوند و جنگ با ما را بصورت فریضه ای دانسته و ستیز با ما را امری حتمی و نیاز می دانند ، ... ای فرزند من به شدت از آنها بر حذر باش زیرا دو نفر از آنها بر یکی از خانواده ات جمع نمی شوند مگر اینکه به کشتن او اهتمام ورزند.^(۱)

از مسند احمد از پیامبر صلی الله علیه و آله (بر حجاز مردی حکومت می کند که اسمش اسم حیوان است اگر او را از دور ببینی فکر می کنی که چشم او چپ است و اگر نزدیک او بشوی مشکلی را در چشم او نمی بینی جانشینی او را برادری بنام عبد الله می گیرد وای بر شیعه

ما از او) سه بار این جمله را تکرار نمود(بشارت مرگش را به من بدهید شما را به ظهور حجت بشارت می دهم).^(۱)

و این هم فهد پادشاه عربستان که اسم او اسم حیوان بوده و از دور چپ بودن چشم او دیده می شود و در حالی که از نزدیک مورد خاصی در آن مشاهده نمی شود و به آسانی همه این اوصاف در یک شخص جمع نمی شود و همین طور بعد از او عبد الله حکومت کرده و چیزی از روایت بجز مرگ عبد الله باقی نمانده است پس تمهیدکننده که قبل از امام حجت علیه السلام خروج می کند کجاست در حالی که روایات ذکر می کند که او تقریباً شش سال قبل از امام علیه السلام خروج می کند (آیا کسی از شما در این مورد از خود سوال کرد)، خیر ، زیرا که شما با وجود زید و فلان و ... و ... ، نیازی به امام علیه السلام ندارید و برای استقبال از او آماده نمی شوید ، همانطور که شما خود را برای دیدار با خداوند آماده نمیکنید ، پس دنیای خود را آباد ساخته و آخرت خود را ویران نموده.

ابی بصیر گفت: شنیدم که ابا عبد الله علیه السلام می فرماید: (هر کس که مرگ عبد الله را برایم ضمانت کند ، قائم را برای او ضمانت می کنم ، سپس فرمودند اگر عبد الله مرد بعد از او مردم بر کسی تجمع نمی کنند ، واین امر انشاء الله بدون صاحب شما پایان نمی پذیرد ، و پادشاهی سال ها به پایان می رسد ، و پادشاهی ماه ها و روز ها پدید می آید . گفتم: آیا این مدت طولانی خواهد بود ؟ فرمودند: خیر)^(۲)

همان طور که می بینیم به فضل پروردگار پادشاهی سالها به پایان رسیده و در حال زندگی در عصر ماه ها و روز ها هستیم و هر عراقی به این مورد شهادت می دهد که بر خلاف میل شان در ابتدای گرفتن امور مجلس هر ۳۰ روز رئیس آنرا تغییر می دادند ، و سپس بعد از این به مدت ۸ ماه بر شخصی متفق شده اند !!! و...و...و در همین روایت نیز دلیل واضحی وجود دارد بر اینکه ما در زمان تمهیدکننده اصلی برای قیام امام مهدی علیه السلام هستیم همانی که به مدت اندکی قبل از امام می آید ، زیرا که در حال حاضر عبد

۱ - کتاب مائتان وخمسون علامه: ص ۱۲۲ .

۲ - بحار النوار: ج ۵۲ ص ۲۱۰ .

الله در عربستان حکومت می کند و او مرد بزرگ سالی است و بعد از او این امر بدون قائم انجام پذیر نخواهد بود سپس اینکه امام صادق علیه السلام تاکید نموده به اینکه این امر طول نخواهد کشید ... ﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^(۱) (بگو: آیا هیچ یک از معبودهای شما می تواند کسی را به راه حق هدایت کند ؟ بگو: تنها خدا است که به راه حق هدایت می کند . آیا آنکه به راه حق رهبری می کند سزاوارتر به پیروی است ، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند ؟! پس شما را چه شده که چنین قضاوت می کنید ؟!)

به خدا قسم اگر تعلق و دل بستن شدید شما به دنیا و همین طور ترک و عدم اطمینان شما به اهل بیت علیهم السلام نبوده آنچه که در مضمون دو حدیث گذشته خوانده اید برای شما کافی بوده تا اینکه به صورت جدی دنبال امام خود بگردید همانطور که دنبال لقمه نان زندگی می گردید ، ولی افسوس که مردم مردگانی زنده هستند .

اگر رئیس امریکایی کافر فاجر به شما بگوید گنجی در شهر دفن شده است پس هرکس آنرا پیدا کند برای او خواهد بود ، آنگاه همه آن شهر را حفر خواهید کرد و حرف فاسق ستمگر را به خاطر دوست داشتن مال و ثروت باور و تصدیق می کنید ، چون هرکس که چیزی را دوست دارد بینایی او را خواهد گرفت و این شما هستید که آل محمد علیهم السلام را به خاطر دوست داشتن دنیا مورد تکذیب قرار داده اید و در دنیا آرزوی طول عمر زیاد می کنید ولیکن هرگز هرگز.

از امیر مؤمنین علیه السلام در خطبه ای طولانی فرمودند: (... آنگاه پیمان برای مردان تنومند کردها بسته شده و برای آنها پرچم برافراشته می شود ، و عرب بر سرزمینهای ارمن و سقلاط پیروز شد ه، و هرقل در قسطنطنیه برای مردان متکبر سینان فروتنی کرده ، پس

منتظر ظهور مکلم موسی از درختی بر طور باشید ، آنگاه این موضوع به طور ظاهر و آشکار و تماشاگری قابل توصیف پدیدار خواهد شد ...^(۱)

و تسلیم حکومت به مردان تنو مند کرد یا به کردها از علامات و اشاره های متأخر می باشد پس میان آن و میان ظهور علنی یا قیام امام علیه السلام با شمشیر مدت کوتاهی خواهد بود ، و استدعا دارم که عبارت منتظر ظهور مکلم موسی از درختی بر طور باشید بر خواننده مروری گذرا نباشد و نیاز است که سوال شود که مکلم موسی چه کسی است **﴿نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾**^(۲) (او را از جانب راست کوه طور ندا کردیم و برای استماع کلام خویش نزدیکش گردانیم)

جابر بن عبد الله گفتند: لازم است که برای اهل عراق پیمان و درهمی نباشد ، گفتیم: دلیل آن از کجا خواهد بود ؟ فرمودند از جانب عجم ، آنها آنرا منع خواهد کرد ، سپس نیاز است که اهل شام هیچ دینار و رزقی بدست نیاورند . گفتیم که این کار از جانب چه کسی خواهد بود فرمودند از جانب رومیان^(۳)

و از خطبه ای طولانی برای امیر المومنین علیه السلام که در آن علامات ظهور مقدس را ذکر می کند... پلی که پشت کرخ در شهر سلام ، و ارتفاع بادی سیاه در آن ، و خسفی و فرورفتن زمین که بسیاری از مخلوقات در آن از بین می روند^(۴)

از کتاب عبد الله بن بشار: (اگر خداوند بخواهد که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را ظاهر کند جنگ را از صفر شروع می کند و به صفر تمام میشود و آن زمان خروج مهدی است)^(۵)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله: ظهور نوعی از بیماری مقعد و مرگ لحظه ای و بیماری خوره و برص از علائم نزدیکی ساعت و قیام است^(۶)

۱ - مشارق انوار الیقین - الحافظ رجب البرسی: ص ۲۶۵ .

۲ - مریم: ۵۲ .

۳ - شرح احقاق حق ج ۲۹ - سید مرعشی: ص ۳۲۳ .

۴ - شرح احقاق الحق ج ۲۹ - السید المرعشی: ص ۳۴۴ .

۵ - الصراط المستقیم: ۲ / ۲۵۸ .

۶ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۶۹ .

و در خطبه ای برای امیر المومنین علیه السلام فرمودند: (... و چگونه ممکن است که از خطای این فرقه تعجب نکرده در حالی که اختلاف آنها در حجج دینشان است و دنبال روی پیامبر خود نبوده و به کار وصی اعتقاد نداشته و به غیب اعتقاد ندارند و از انجام عیب و گناه نمی گذرند) ^(۱).

از ابی عبد الله علیه السلام (علیه السلام) فرمودند: قبل از قائم دو نوع مرگ می آید: مرگ قرمز و مرگ سفید تا اینکه از هر هفت نفر پنج نفر می میرند ، مرگ قرمز: شمشیر ، و مرگ سفید: طاعون (امراض) است ^(۲).

از علی بن ابی طالب علیه السلام در حدیثی طولانی در مورد آخر الزمان صحبت نموده در همین حین مردی بلند شد و از ایشان علیه السلام پرسیدند (...ای امیر المومنین در آن زمان باید چکار بکنیم؟ فرمودند: فرار و فرار زیرا که تا زمانی که عدل خداوند بر امت پا بر جاست خطیبان آنها به سوی حاکمانشان میل نخواهند کرد و همچنان ابرار آنها فجار و گناه کاران را نمی خواهند کرد، و هرگاه از این کار امتناع ورزیده و صرف نظر کنند؛ و سپس لا اله الا الله بگویند خداوند در عرش خود فرمودند دروغ گفتید و به آن صادق نیستید) ^(۳).

همانا خطیبان به سوی حکام میل کرده در حالی که پشت آنها از شدت میل در حال انحناست و در حالی که به وجوب مشارکت در انتخابات فتوی داده و حاکمیت خدا را انکار کردند و آن از ضروریات مذهب است ، و انتخابات به معنی بیعت است (و معلوم است که بیعت جزء برای معصوم اتفاق نخواهد افتاد) و کاری ندارند که برای چه کسی خواهد بود مهم آنست که سلطه گران از آنها راضی باشند تا جایی که گفتند که انتخابات از نماز و روزه واجب تر است و مشکل بزرگتر آن است که آنها مردم را به سوی فهرستی که شامل افراد ناصبی ویزیدیه و غیر آنها از علمائین و دشمنان دین فرا می خوانند (در عراق اتفاق افتاده)

۱ - بشاره الاسلام: ص ۶۲.

۲ - منتخب الانوار المضيئه - السيد بهاء الدين النجفی: ص ۳۱۳ .

۳ - غیبت نعمانی: ص ۲۴۹ .

پس دنبال آنها مردمان پست و نادان رفته و یزیدی ها و غیر آنها را به کرسی حکومت رساندند و در این امور مردان دین بیشترین نقش را ایفا می کنند .

از امیر المومنین علیه السلام فرمودند(... اما اگر غائب شده از فرزندان من از چشمان مردم غیبت نموده و مردم را به خاطر فقدانش و یا با کشته شدنش و یا با مرگش مضطرب نمود. فتنه شروع شده و بلا نازل می شود و کار بسیار سخت شده، و مردم در دین خود در هم پیچیده و هم رای میشوند که حجت از بین رفته و امامت باطل است^(۱))

اینکه مساله اجتماع علماء بر خلاف امر خدا(تنصیب توسط خدا) که با تائید همه آنها بر حاکمیت برای مردم بوده(انتخابات شورایی آخر زمان) و معنی آن بیعت برای غیر معصوم و انتصاب آن است ، و این به معنی بطلان انتصاب توسط خداوند است(امامت) و آن هم به خاطر ترجیح انتخابات برانتظار حجت علیه السلام توسط علمائی بی عمل است و مأیوس شدن آنها از ایشان علیه السلام ، و شاید اصلا به او اعتقاد ندارند و اعتقاد آنها فقط جوهر روی برگه با شد . زیرا که آنها با فعل و قول خود رأی به ابطال امامت داده اند. و اهل بیت علیهم السلام فرموده اند ... شما رابه مهدی بشارت می دهم هنگامی میان امت مبعوث می شود که میان مردم اختلاف و همین طور زلزله ها وجود دارد آنگاه زمین را پر از عدل و داد می کند همانطور که پر از ظلم و جور بوده است)^(۲)

و از امیر المومنین علیه السلام(آنگاه برای خروج او ده علامت حتمی است اول آنها پاره پاره شدن پرچم ها در نزدیکی کوفه ، و تعطیل شدن مساجد و توقف حج و خسف و بمباران در خراسان و طلوع سیاره گناه بار و پیوستگی ستاره ها و هرج و مرج و قتل و غارت که اینها ده علامت که بین یک علامت و علامت دیگر امر عجیبی رخ میدهد پس اگر علامت ها کامل شد ند قائم قیام می کند)^(۳)

۱ - غیبت نعمانی: ص: ۱۴۴ .

۲ - معجم احادیث الامام المهدی ع: ج ۱ ص ۹۲ .

۳ - الشیعه والرجعه: ج ۱ ص ۱۴۸ .

از امیر المومنین علیه السلام در حدیثی طو لانی آمده است: (برای ایشان آیات و علاماتی است: اولین آنها محاصره کوفه به واسطه رصد خانه و خندق ، و پاره پاره کردن پرچم ها در کنار کوفه و چهل شب تعطیل شدن مساجد ، و کشف هیکل ، و به اهتزاز در آمدن پرچم ها بدور مسجد بزرگ ، قاتل و مقتول در آتش اند ، و کشتار سریع ، و مرگ ومیر زود هنگام و کشتن نفس زکیه همراه هفتاد نفر در پشت کوفه)^(۱)

و اما پرچم ها از جهات مختلف در کوچه ها و کنار کوفه پاره پاره شد و در جنگ های که در تاریخ ۱۸ / صفر / ۱۴۲۵ شروع شد کوفه مورد محاصره واقع گردید ، سپس جنگ های جمادی و رجب که در آن علاماتی در مقبره نجف اشرف اتفاق افتاد و همین طور تحقق قول امیر المومنین علیه السلام (عجب و همه عجب بین جمادی و رجب ، پس مردی گفت: ای امیر المومنین این عجب چیست که به طور مستمر از آن متعجب هستی ؟ علیه السلام فرمودند: مادرت به عزایت نشست، و چه عجیبی از این عجیب تر که مردگان به جنگ با دشمنان خدا و رسولش و دشمنان اهل بیت بلند میشوند. و آن تاویل این ایه است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسْأُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسْأَلُ الْكَافِرُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾^(۲) (ای اهل ایمان ! هرگز با قومی که خدا بر آنها غضب کرده (جهود) دوستی نکنید ! که آنها از عالم آخرت بکلی بی عقیده و مایوسند . چنان که کافران از اهل قبور ناامید هستند.)^(۳)

همه می دانند بیشتر کسانی که جنگیدند از اتباع سید مقتدی الصدر که قبلاً پناهگاههایی در مقبره نجف اشرف دارند و حوادث زیادی در مورد مردگان نقل کردند که از قبر ها یشان خارج شدند و با آنها بر ضد دشمنان خدا و رسولش و اهل بیتش علیهم السلام جنگیدند که بیشتر کسانی که خواستار جنگ با اشغال گران نبوده در مورد این حوادث بهتان و دروغ بستند ، مانند اینکه از ضرر و زیان دیدگان از اتباع سید مقتدی ویا از کسانی که از وجود اشغال گران بهره مادی یا معنوی می بردند هستند آنها از پست ترین

۱ - خبر نفس الرحمن فی فضایل سلمان - میرزا حسین النوری الطبرسی: ص ۳۰۴

۲ - ممتحنه: ۱۳.

۳ - الزام الناصب فی اثبات الحجة الغایب: ج ۱ ص ۹۰.

های مجتمع و خیانت کاران به امت هستند که امیر المومنین آنها را در این روایت از یاد نمی برد و از دروغ گویی آنها اطلاع داشته پس از دنبال دشمنان خدا رفتن را نمی نموده است

و نا امیدی از اصحاب قبور با توجه به قول تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾^(۱) (ای اهل ایمان! هرگز با قومی که خدا بر آنها غضب کرده (جهودان) دوستی نکنید! که آنها از عالم آخرت بکلی بی عقیده و مایوسند. چنان که کافران از اهل قبور نومیدند).

کسی که توانایی مبعوث کردن در روز قیامت را دارد توانایی این را دارد که مرد گان را در دنیا زنده کند که امیر مؤمنین به صورت مستقیم به این مورد اشاره نمودند ... و تعطیلی مساجد به مدت چهل شب، امری که اتفاق افتاد و درهای مساجد بسته شد و علی الخصوص مسجد کوفه و مسجد سهله و در حالی که نماز در کوفه بیشتر از چهل شب تعطیل گردید، و شما دیدید که در تاریخ ۱۳ / شعبان / ۱۴۲۶ هـ. ق، درب بزرگ مسجد کوفه با آجر بنا شده و مسدود و تعطیل شد و هنگامی که در مورد علت پرسیده ام گفتند که این امر با دستور مرجعیت شکل گرفته در حالی که این کار را حتی صدام (لعنه الله) انجام نداد، ﴿إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^(۲) (بس است خدا فرمانش را به انجام رساننده است به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است)

و اما از مهمترین اسباب ظهور مقدس و از واضح ترین علامات اختلاف میان شیعه و علماء دین است .

۱ - ممتحنه: ۱۳.

۲ - طلاق: ۳.

اختلاف شیعه امر مهم‌ترین اسباب و علت های ظهور

از مالک فرزند ضمیره از امام علی علیه السلام به شیعه خود فرمود (... اما شما ای معشر شیعه آنچه را که دوست داشته را نخواهید دید و فرصت نخواهید داد تا اینکه در صورت همدیگر تف کرده و با عنوان دروغگو همدیگر را مورد خطاب قرار می دهید و تا اینکه کسی از شما بر این امر نخواهد ماند مگر همچون سورمه در چشم و نمک در غذا و آن کمترین ماده غذا است در این خصوص برای شما مثالی در مورد مردی می آورم که صاحب طعام بوده آنرا روان کرده و غربال نمود سپس قسمت سالم آنرا جدا کرده و در منزل گذاشت پس تا زمانی که خدا خواست در را بر روی آن قفل نمود سپس درب را باز کرده در حالی که دید شپش در آن افتاده و خوره در آن واقع شده سپس آنرا بیرون آورده و روان کرده و مورد غربال قرار داد و قسمت سالم آنرا جدا نمود سپس آنرا در خانه قرار داده و در را روی آن تا زمانی که خدا خواست قفل نمود سپس در آنرا باز نمود دوباره مشاهده نمود که شپش گرفته و دچار مرض خوره شده پس آنرا بیرون آورده و روان نموده و مورد غربال گذاشته سپس قسمت سالم آنرا جدا کرده و در منزل قرار داده و تا زمانی که خداست در آنرا قفل نمود سپس آنرا بیرون آورده مشاهده کرد که شپش در آن افتاده و دچار بیماری خوره شده است مانند دفعات قبل عمل نمود تا اینکه مقدار کمی از آن بماند همانند چیز نادری که شپش و مرض خوره ضرری به آن نرساند و همین طور شما در فتنه ها مورد امتحان واقع می شوید تا اینکه کسی از شما باقی نماند مگر گروهی که فتنه ها ضرری به آنها نمی رساند)^(۱)

از حسن بن علی علیه السلام : (این امری که منتظر آن هستید اتفاق نخواهد افتاد تا اینکه از همدیگر جدا شده و همدیگر را لعنت کنید و در صورت همدیگر تف کنید و بر همدیگر به کفر شهادت دهید سوال کردم: در آن زمان خیری وجود ندارد ، فرمودند که همه خیر در آن است قائم ما قیام می کند و همه اینها را از بین می برد)^(۲)

۱ - غیبت نعمانی: ص: ۲۶

۲ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰ .

و در اینجا می بینیم که یکی از علائم خروج امام مهدی (علیه السلام) اختلاف شیعه با همدیگر است ، زیرا که اهل بیت حق مطلق بوده و اگر کسانی که نمایانگر ال محمد (علیه السلام) هستند دچار اختلاف شوند آنگاه حق را کجا پیدا کنیم ، و هر کس که در کلام اهل بیت (علیه السلام) تمرکز کند اشاره ای واضح از آنها (علیه السلام) خواهد یافت و تاکید بر آن دارد که اختلاف علماء بی عمل آخر الزمان با همدیگر همان فرج شیعه خواهد بود حال بعضی از روایات از ائمه (علیه السلام) را برای شما می آورم:

از حسن بن علی از عبد الله بن جبلة از بعضی از پیروان او از ابی عبد الله (علیه السلام) فرمودند این امر اتفاق نخواهد افتاد تا اینکه در صورت همدیگر تف کرده و همدیگر را لعنت کنید و همدیگر را دروغگو خطاب کنید^(۱)

از ابان ابن تغلب از ابی عبد الله (علیه السلام) فرمودند چه حالی خواهید داشت اگر سکوت و خاموشی بین دومی مسجد واقع شده پس علم در آنها همان طور که مار در سوراخ خود وارد می شود علمشان برداشته میشود و اختلاف شیعه با هم ، تا اینکه همدیگر را دروغگو نامیده و در صورت همدیگر تف کنند . گفتم چه خیری در آن زمان وجود دارد فرمودند که همه خیر در آن است سه بار این جمله را برای نزدیکی فرج بیان نمود^(۲)

از ابی عبد الله امام صادق (علیه السلام) (... قائم قیام نمی کند مگر هنگام ترس شدید و زلزله های زیاد و فتنه و بلاء که مردم دچار آن می شوند و طاعون قبل از آن و شمشیر برنده در عرب و اختلاف شدید بین مردم و دودستگی در دین و تغییر احوال آنها تا اینکه شب و روز از شدت سختی که از مردمان سگ صفت می بینند آرزو کنند مرگ باشند، و دریدن همدیگر و به هنگام یاس و ناامیدی خروج خواهد کرد پس خوش به حال کسی که او را درک کند و از یاران ایشان قرار گیرد و وای و همه ویلات برای کسی که با ایشان و امرش مخالفت نماید و از دشمنانش باشد سپس فرمودند با امری جدید و سنتی جدید و قضاء جدیدی قیام می کند که بر عرب شدید است . شأن و منزلت ایشان چیزی

۱ - غیبت نعمانی: ص: ۲۰۶ .

۲ - غیبت نعمانی: ص ۱۶۰

جز کشتن نیست و توبه هیچ کسی را قبول نکرده و ملامت هیچ کسی پیش خدا در کار او تاثیری ندارد^(۱)

واز امام صادق علیه السلام (اتفاق نخواهد افتاد و فلک نخواهد چرخید تا اینکه بگویند مرده و یا به هلاکت رسیده و یا در صحرایی سلوک نموده) امام زمان علیه السلام پس گفتم چرخیدن فلک یعنی چه فرمودند اختلاف شیعه با همدیگر^(۲)

از عمیره دختر نفیل از حسین ابن علی علیه السلام - می فرماید امری که منتظر آن هستید اتفاق نخواهد افتاد تا اینکه از همدیگر برائت کرده واز هم جدا بشوید و در صورت همدیگر تف کنید و بر همدیگر به کفر شهادت دهید . و همدیگر را لعنت کرده به ایشان گفتم که چه خیری در آن زمان وجود دارد آ امام حسین علیه السلام فرمودند همه خیر در آن زمان است قائم ما قیام کرده و همه اینها را از بین می برد^(۳)

از مالک ابن ضمیره گفت امیر المومنین علیه السلام فرمودند ای مالک ابن ضمیره چه حالی خواهی داشت اگر شیعه به این صورت دچار اختلاف شده و انگشتان خود را در همدیگر گره زد و آنها را در همدیگر داخل نمود ، گفتم یا امیر المومنین در آن وضعیت هیچ خیری وجود دارد فرمودند همه خیر در آن است ای مالک در آن هنگام قائم ما قیام کرده و هفتاد مرد را که به خدا و رسولش صلی الله علیه و آله دروغ می بندند را جلو می برد و همه آنها را می کشد آنگاه خداوند آنها را بر یک امر واحد جمع می کند^(۴)

و از این کلام اهل بیت علیهم السلام متوجه می شویم که خروج قائم ال محمد علیه السلام مقرون به مساله اختلاف شیعه با همدیگر است که بر آن شدیداً تاکید کردند ، و اختلاف آنها از مراجع شروع می شود و آنهم به خاطر عبارت تشتت و جدایی در دین است و قولش علیه السلام (و بر همدیگر به کفر شهادت می کنید) و این کار اتفاق نخواهد افتاد مگر با امری از مراجع تقلید چون آنها صاحب فتوا به کفر و فاسق شمردن دیگران بوده و سایر مردم

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۳۵ .

۲ - بحار النوار: ج ۵۲ ص ۲۸۸ - غیبت نعمانی: ص ۱۵۷ .

۳ - غیبت نعمانی: ص ۲۰۶ .

۴ - غیبت نعمانی: ص ۲۰۶ .

دخالتی در این امور نداشته آنگاه چه کسی اهمیت فتوی بر غیرشان به کفر را برای مردم تشخیص می دهد در حالی که سایر مردم پیروان خاصی ندارند ، و کسی که در اینجا دنبال رو و پیروان دارند مردان دین هستند .

و قولش بعد از اینکه اختلاف را ذکر نمود- ای مالک همه خیر در آن زمان است - ، و آن هم به سبب اینکه: در آن هنگام قائم ما قیام می کند ، پس سبب اختلاف و راس فتنه را از بین می برد آنگاه هفتاد مرد را که به خدا و رسولش ﷺ دروغ می بندند را جلو برده ، و آنها بزرگان و مردان دین هستند که امت را به صورت راه و مسیری برای خود قرار دادند ، در صورتی که صاحب مغازه سبزیجات و یا دکتر و یا پارچه فروش و یا ... و یا ... ، به خدا و رسولش ﷺ دروغ ببندد مردم دچار فتنه و تفرقه نخواهند شد و آن هم به خاطر اینکه مردم دنبال صحبت آنها نمی روند ، و به همین خاطر است که فرمودند پس آنها را می کشد ، و بعد از بین بردن بیماری مسبب در اختلاف شیعه فرمودند العلیّه خداوند آنها را بر امری واحد جمع می کند ،

و امر امام العلیّه و اتباع او تنها در پرچم هدایت ایشان است و نه به صورت متعدد و همراه تفرقه که تعالی فرمودند ﴿أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^(۱) (این است راه راست من . پس از آن پیروی کنید و از راه های دیگر که موجب تفرقه و پریشانی شماست پیروی نکنید . این است سفارش خدا به شما ، باشد که پرهیز کار شوید !)

تا اینکه همه عالم برای این پرچم واحد موحد و دارای حق سر نهد

اسلام دین نزد خداوند است

آنچه که معلوم است دین اسلامی شامل همه ادیان بوده و همانطور که از ائمه علیهم السلام وارد شده دین اسلام اصل همه ادیان سابق است و در حدیثی طولانی از مفضل ابن عمر آمده که از امام صادق علیه السلام در مورد مسائل درباره قائم علیه السلام در آخر الزمان می پرسد. فرمودند علیه السلام به خدا قسم ای مفضل ، خداوند اختلاف را از ملل و ادیان برداشته تا اینکه همه دین یکی شود همان طور که جل ذکره می فرماید **﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾** ^(۱) (در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است) و همین طور خداوند متعال فرمودند **﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾** ^(۲) (و هر که جز اسلام دینی دیگر برگزیند هرگز از وی پذیرفته نشود و او در آخرت از زیانکاران است)

مفضل گفت: گفتم ای سید و مولای من دینی که نزد پدران ابراهیم و نوح و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله همان اسلام است ؟

فرمودند: بله ای مفضل اسلام است و لا غیر

گفتم: ای سرور آیا در کتاب خداوند متعال آنرا اینگونه می یابی ؟

فرمودند: بله از اول آن تا آخر به این گونه بوده و از جمله آن این ایه است (در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است) و قول تعالی **﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ﴾** ^(۳) (آیین پدرتان ابراهیم نیز چنین بوده است او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید) و همین طور قول تعالی در مورد داستان ابراهیم و اسماعیل آمده است **﴿وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ﴾** ^(۴) (پروردگارا ما را مسلمان ﴿مُسْلِمَيْنِ﴾ خود قرار ده و از نسل ما امتی فرمانبردار خود پدید آرد) و قول تعالی در مورد داستان فرعون

۱ - ال عمران: ۱۹.

۲ - ال عمران: ۸۵.

۳ - حج: ۷۸.

۴ - بقره: ۱۲۸.

﴿حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^(۱) (تا وقتی که در شرف غرق شدن قرار گرفت گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده‌اند نیست و من از تسلیم شدگان و مسلمانانم)

و در داستان حضرت سلیمان و بلقیس می فرمایند ﴿قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾^(۲) (پیش از آنکه مطیعانه و مسلمان نزد من آیند) و قول ایشان ﴿وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۳) (و اینک با سلیمان در برابر خدا پروردگار جهانیان تسلیم و مسلمان شدم) و قول عیسی علیه السلام ﴿مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^(۴) (یاران من در راه خدا چه کسانی هستند حواریون گفتند ما یاران دین خدایم به خدا ایمان آورده‌ایم و گواه باش که ما تسلیم و مسلمان او هستیم) و قول عز و جل ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾^(۵) (و هر که در آسمانها و زمین است خواسته و ناخواسته سر به فرمان او نهاده است)

و قول خداوند متعال در داستان حضرت لوط ﴿فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^(۶) (ولی در آنجا جز يك خانه از فرمانبران و مسلمین خدا را بیشتر نیافتیم) و لوط علیه السلام که با ابراهیم علیه السلام بود.

و قول ایشان ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾^(۷) (بگویند ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده و به آنچه به موسی و

۱ - یونس: ۹۰ .

۲ - نمل: ۳۸ .

۳ - نمل: ۴۴ .

۴ - ال عمران: ۵۲ .

۵ - ال عمران: ۸۳ .

۶ - ذاریات: ۳۶ .

۷ - بقره: ۱۳۶ .

عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آورده ایم میان هیچ يك از ایشان فرق نمی گذاریم و در برابر او تسلیم و مسلمان هستیم) ... الخ (حدیث)^(۱)

پس از اینکه مشخص شد که تنها دین نزد خداوند همانا اسلام است امروزه می بینیم که مسلمانان از هم دیگر جدا و مفترق هستند حال آیا همه آنها بر حق هستند ؟ بدون بحث جواب خیر است ...

آنگاه روایات بر افتراق یا جدایی امت بر هفتاد و سه فرقه تاکید کرده ، که بدون بحث شصت تای آنها به علت انکار ولایت امیر المومنین علی (علیه السلام) در آتش اند ، و سیزده تای دیگر خود را منسوب به محبین امیر المومنین (علیه السلام) یا اینکه از شیعه ایشان می کنند - دوازده تای آنها در آتش و تنها یکی از آنها در بهشت است . و این بلایی است که همانند آن بلایی وجود ندارد ، و کسانی که از بلای دشمنی با امیر المومنین (علیه السلام) نجات یافتند آنگاه به واسطه اوصیاء (علیهم السلام) بعد از ایشان ، یا به واسطه اوصیایی که توسط خداوند تعالی بر آنها تاکید شده مورد امتحان واقع شدند.

از امیر المومنین (صلوات خدا بر ایشان) به راس یهود می فرماید: شما به چند گروه متفرق شدید ؟ گفت که بر کذا و کذا فرقه . آنگاه علی (علیه السلام) فرمود . ای برادر یهودم راست نگفتی: آنگاه به سوی مردم نگاه نموده و فرمود: به خدا قسم اگر زمینه را برایم مهیا بود میان اهل تورات با توراتشان ، و بین اهل انجیل با انجیلشان ، و بین اهل زبور با زبورشان ، و بین اهل قرآن با قرآنشان قضاوت خواهم نمود. ای مردم ، یهود بر هفتاد و یک فرقه متفرق شدند ، هفتاد تای آن در جهنم ، و تنها یکی نجات یافته و در بهشت است ، و آن همانی است که از یوشع بن نون وصی موسی (علیه السلام) تبعیت و پیروی نمود !

و مسیحیان به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند ، هفتاد و یک فرقه در جهنم ، و تنها یک فرقه در بهشت است ، و آن همانی است که از شمعون وصی عیسی (علیه السلام) پیروی نمود ، و این امت نیز به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهد شد ، هفتاد و دو فرقه از آن در آتش و

یک فرقه در بهشت است ، و آن همانی است که از وصی محمد ﷺ پیروی نمود ، و با دست بر سینه خود زد ، سپس فرمود ند: سیزده تا از هفتاد و سه فرقه خود را منسوب به مودت و دوستی من می کنند ، یکی از آنها در بهشت و آنها امت وسط هستند ، و دوازده
تای دیگر در آتش وجهنمی است)^(۱)

و از طریق این روایت می بینیم که تنها فرقه ای نجات پیدا می کند که از وصی پیروی می کند و امت محمد ﷺ بعد از ایشان به سیزده تا فرقه صاحب پرچم که از اوصیاء بعد از رسول ﷺ پیروی می کنند وبقیه باتکذیب وصی ایشان امام علی (علیه السلام) ماندند و بعد از ایشان انقسام به شکل تدریجی خواهد بود ، بدینگونه که هرگاه وصیی می آید یک فرقه از این امت مدعی شده که بر راه روش وصی قبل از آن هستند(مثلا انهای که امام علی (علیه السلام) را نصرت دادند در نصرت امام حسن و حسین (علیه السلام) ماندند... و یا مانند واقفیه که تا امامت امام موسی کاظم (علیه السلام) را قبول دارند واز بقیه ائمه ماندند...) تا اینکه امر به وصی دوازده هم از اوصیاء می رسد پس در آن هنگام یک فرقه از او پیروی کرده و یازده فرقه دیگر که خود را منصوب به اوصیاء قبلی می کنند همگی در آتش هستند.

و در هنگام آمدن وصی سیزدهم(و او همان یمانی و مهدی اول احمد است)فرقه ای به خاطر عدم ایمان به او سقوط خواهند کرد ! پس عدد فرقه های آتش که خود را به محبت امیر المؤمنین منتسب می کنند به دوازده فرقه خواهد بود که همه آنها در آتش و تنها فرقه نجات یافته اخر زمان می ماند؛ که از وصی سیزدهم پیروی می کند . و این فرقه ها که خود را منصوب به محبت امام علی (علیه السلام) می کنند حتما بعد از امام علی (علیه السلام) می آیند ، و بعد از امیر المؤمنین (علیه السلام) یازده امام هستند ، پس اگر از هر کدام از آنها فرقه ای سقوط کند انگاه عدد فرقه های جهنمی دوازده تا خواهد بود ، در صورتی که فرقه های جهنمی که خود را منصوب به مودت و محبت امیر امومنین (علیه السلام) می دانند ؛ همانطور که در حدیث آمده دوازده تا هستند ، پس حتما وجود وصی سیزدهم نیاز است(یمانی ، مهدی اول احمد مذکور در وصیت رسول ﷺ تا اینکه بواسطه ایشان فرقه دوازدهم از فرق آتشی که

خود را منصوب به مودت حصرت علی علیه السلام می کنند سقوط کند آنگاه عدد فرقه های آتش امت محمد صلی الله علیه و آله هفتاد و دو فرقه خواهد بود ، و فرقه بهشتی یکی است ، که همیشه در مسیر ائمه قرار دارد و یا اینکه فرقه بهشت هم قطار و هم حرکت با مسیر ائمه است و همین طور در زمان هر وصی یک فرقه یا فرقه هایی در آتش قرار می گیرند ، آنگاه شصت فرقه به علت عدم اتباع امام علی علیه السلام وصی اول به اسفل سقوط می کنند و از امام حسن علیه السلام یک فرقه سپس از امام حسین یک فرقه و همین طور بقیه ائمه علیهم السلام پس عدد فرقه هایی که به واسطه آن مردم سقوط می کنند هفتاد و دو فرقه خواهد بود ، و تنها یک فرقه باقی مانده و آن همانی است که به علت عدم اتباع وصی امام مهدی علیه السلام سقوط می کند.

حدیث فرقه ها ، وصی امام مهدی را ثابت کرد؛ بلکه حتی ظهورش قبل از قیام امام مهدی علیه السلام را نیز ثابت می کند و همین طور ثابت می کند که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله حتما دوازده وصی ظهور می کنند و آنها ائمه هستند، و سپس بعد از آنها وصی امام مهدی علیه السلام آنگاه عدد اوصیاء که این امت به واسطه آنها مورد امتحان قرار می گیرد سیزده وصی خواهد بود ، و بر این معنی ، روایات زیادی دلالت می کند و تاکید می کند که ائمه دوازده تا از فرزندان علی علیه السلام و حضرت فاطمه رضی الله عنها هستند ، و یا اینکه اگر امام علی علیه السلام را با آنها قرار دهیم سیزده نفر خواهند بود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (... خداوند نظر اول به اهل زمین را نمود پس دو تا مرد را برگزیده اولی من که به عنوان فرستاده مرا مبعوث نمود و دیگری علی ابن ابی طالب است آنگاه به من وحی نمود که او را به عنوان برادر و دوست و وزیر و وصی و خلیفه ام انتخاب کنم ... و آنگاه خداوند نظر و نگاه دیگری نمود؛ و بعد از ما دوازده وصی از اهل بیت را انتخاب نمود پس آنها را به عنوان خیار اتمم برگزید یکی پس از دیگری همانند ستارگان آسمان هرگاه ستاره ای غایب شود ستاره ای دیگر طلوع می کند...) ^(۱)

و اما حضرت موسی علیه السلام که اوصیاء ایشان هارون و دوازده نفر فرزندان علیهم السلام بودند ، ولی یکی از این اوصیاء همان هارون علیه السلام بود که قبل از موسی علیه السلام از دنیا رفت

پس بعد از موسی در امتش یازده وصی می مانند ، و به همین خاطر است که امت موسی به هفتاد و یک فرقه تقسیم شد .

اما امت حضرت عیسی علیه السلام که اوصیاء ایشان علیه السلام شمعون الصفا (سمعان بطرس) و فرزندان ایشان علیه السلام دوازده وصی که همه آنها بعد از عروج عیسی علیه السلام آمدند و به همین خاطر امت عیسی علیه السلام به هفتاد و دو فرقه تقسیم شد .

از پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده که می فرماید: (این امت به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهد شد همه آنها به هلاکت می رسند مگر یک فرقه و آنگاه این فرقه هم به دوازده فرقه تقسیم می شود به جز یکی همه آنها به هلاکت میرسند)^(۱) و در این خصوص نیز از امیر المومنین علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (امت من بر هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهد شد یک فرقه از آنها نجات یافته و مابقی به هلاکت می رسند و نجات یافتگان کسانی هستند که به ولایت شما متمسک شده و از علم شما بهره می گیرند و با رأی خود عمل نمی کنند که بر آنها هیچ ترس و خوف نیست و راه دیگری وجود ندارد)^(۲)

و آنچه که از روایت فرقه نجات یافته واضح است ، کسی از این فرقه ها نجات نمی یابد مگر آنهایی که از وصی پیروی می کنند و معلوم است که برای هر حجتی از حجج خدا وصی وجود دارد ، و وصی امام مهدی علیه السلام همان اول مهدیین است زیرا که امام مهدی علیه السلام آخر ائمه دوازده ام و پدر مهدیین می باشد .

و همین طور که برای همه آشکار شد هفتاد و سه فرقه قبل از دولت عدل الهی خواهد بود ، و بعد از آن دیانات و فرقه هایی وجود نخواهد داشت ، و در روایتی که قبلاً از امام صادق علیه السلام خوانده ایم (به خدا قسم ای مفضل ، خداوند از ملل و ادیان اختلاف را برداشته تا اینکه همه دینها یکی شود)، و آن اجتماع همه بر تقوی است همانطور که در دعای ندبه وارد شده ، و تعالی فرمودند **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ**

۱ - الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۱۰۱ .

۲ - وسائل الشیعه: ج ۶ ص ۴۹ باب عدم جواز قضاء و حکم با رای .

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا^(۱) (اوست کسی که پیامبر خود را به قصد هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می کند) و تعالی فرمودند ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^(۲)﴾

(او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند)

همانطور که در روایات سابق ذکر شد اوست که هفتاد و دو نفر را که به خدا و رسولش ﷺ دروغ می بندند را حاضر میکند و آنها را به قتل میرساند آنگاه مردم را بر یک امر و دین واحد جمع می کند ، و با علم به اینکه این هفتاد و دو نفر معاصرین زمان ظهور مقدس و سبب تفرقه بین امت به دوازده فرقه هستند ، آنگاه فرقه نجات یافته همان کسانی هستند که از وصی امام مهدی علیه السلام که اول مؤمنین به ایشان علیه السلام قبل از ظهور مقدسش است پیروی و تبعیت نموده همانطور که وصی رسول اکرم ﷺ اولین کسی بود که به او ﷺ ایمان آورد .

و شاید این سوال مطرح شود که آیا وصی نباید بعد از ایشان علیه السلام باشد ، و بعد از ایشان علیه السلام گروه هایی در کار نبوده و تنها يك فرقه وجود دارد .

در جواب می گویم بله فرقه های بعد از ایشان نخواهد بود ، ولی همانطور که در وصیت رسول خدا ﷺ آمده وصی قبل از ایشان و در موردش تاکید نموده که او اول مؤمنین به ظهور امام مهدی و از ذریه و نسل ایشان علیه السلام و وصی و اول مهدیین دوازده تایی و ازاسامی ایشان مهدی است چون که اول مهدیین است و عبد الله ، و احمد ، و در اینجا روایات زیادی هستند که مسکن و صفاتش را ذکر می کند ، و خداوند رحیم تر از آنست که همه صفاتش را مخفی کند چون که امت به واسطه او مورد امتحان قرار می گیرد آنگاه آنچه مورد نیاز امت است از طریق ائمه علیهم السلام برای پیروان و کسانی که خود را

۱ - فتح: ۲۸ .

۲ - توبه: ۳۳ - الصف: ۹ .

منتصب به دوستی آنها علیهم السلام دانسته بیان نمود ، و با علم به اینکه علت تفرقه و تقسیم شدن امت به دوازده فرقه ، دوری آنها و عدم استفاده از کلام اهل بیت علیهم السلام و پیروی نکردن از وصی بوده و به جزء یک فرقه نجات یافته از گمراهی که دنبال راه حقی بوده و هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را نشان داده است و در میان ما ثقلین کتاب خدا و عترت را به عنوان جایگزین قرار داد ، و غیر از این فرقه مابقی به کتاب و عترت تمسک ندارند حتی اگر به زبان بگویند زیرا آنها به کلام اهل بیت علیهم السلام عمل نمی کنند و این همان چیزی است که در حال حاضر نزد بیشتر مردان دین است آنچه که از کلام اهل بیت با هوای نفسشان مخالف بوده را با حجت ضعیف بودن سند رد می کنند و یا آنها علمای معاصر به خاطر اینکه با عقل جور در نیامده رد کردند و... و... ، و نمی دانم کسی که تسلیم کلام وصی نمی شود چگونه وصی را قبول کند.

و اما مخالفین اهل بیت علیهم السلام راه را از اول گم کرده اند ، و به همین خاطر که خلیفه دوم آنها انجام داده و در مقابل وصی اول رسول خدا صلی الله علیه و آله تسلیم نشد و با این وجود بیشتر امت از آنها تبعیت کرده و تنها چهار نفر از وصی رسول خدا امام علی علیه السلام تبعیت و پیروی نمودند و آنها سلمان و مقداد و ابوذر و عمار و تعداد اندکی دیگر (رضای خداوند بر آنها باد) پس در انتخاباتی را که ابداع کردند (شورا) شکست خوردند. و انهایی که در هر زمان دنبال رو اوصیاء رسول بودند تسلیم روایات شده و از آنها

از امام صادق علیه السلام فرمودند (از ما بعد از قائم دوازده مهدی از فرزندان امام حسین علیه السلام خواهند بود) ^(۱)

و اما غیر از آنها علیهم السلام را مردم تنصیب کرده و به واسطه انتخابات آنها را برگزیدند همانطوری که در سقیفه بنی ساعده که برای همه این امر مشخص است و ما در حال حاضر در بحث این موضوع نیستیم . و چنانچه می خواهیم ببینیم که برای فرقه نجات یافته از میان هفتاد و سه فرقه چه اتفاقی افتاده و آیا همچنان بر مذهب اهل بیت نجات یافته باقی می ماند یا اینکه به فرقه های متعدد تقسیم شده تا اینکه بگویند دوازده فرقه

همانطور که از آنها علیهم السلام آمده است . و از این فرقه تنها انسان با تقوی و مخلص می ماند . از ابی عبد الله علیه السلام روایت شده که می فرماید (به خدا قسم پاک و تصفیه می شوید و به خدا قسم به شمال و جنوب پراکنده می شوید تا اینکه کسی از شما باقی نمی ماند مگر کسی که خداوند پیمان او را گرفته و ایمان را در قلبش نوشته و او را با روحی از خود تائید نموده و در روایتی دیگر از آنها علیهم السلام تا اینکه جزء خیلی کم و نادر کسی از شما بر این امر باقی نمی ماند)^(۱)

از عبد العزیز نقل می کند: که پیش سرورمان امام رضا علیه السلام در مرو بودیم و در حالی که یاران روز جمعه در مسجد جامع اجتماع کرده بودند؛ و پس از رسیدن ما شروع به بحث در مورد امامت نموده ایم و ذکر کردیم که بیشتر اختلاف به این خاطر اتفاق افتاده است پس پرسیدم امام رضا علیه السلام وارد شدم و ایشان را در جریان صحبت های مردم قرار دادم امام علیه السلام تبسم نموده و فرمودند (ای عبد العزیز نادانی و گول خوردن مردم به واسطه رأی خود بوده؛ چون خداوند تبارک تا زمانیکه دین را کامل ننموده رسول صلی الله علیه و آله خود را نمی گرفت، و قرآن را بر او نازل کرد که بطور مفصل در مورد همه اتفاقات آمده در آن، و حرام و حلال و حدود و احکام و همه آنچه را که مردم به طور کامل به آن نیاز داشته را مشخص نمودند پس عز وجل می فرماید ﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُخْشَرُونَ﴾^(۲) (ما هیچ چیزی را در کتاب (لوح محفوظ) فروگذار نکرده ایم)

و همین طور در حجت الوداع که در پایان عمر شریف بر ایشان صلی الله علیه و آله نازل نمود ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^(۳) (امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم) یکی از عوامل کامل شدن دین امر امامت است و پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت تا اینکه برای امت خود دانشمندان دین و راهشان را مشخص نموده و آنها را بر قول حق ترک نمود و امام علی علیه السلام را برای آنها به عنوان عالم و امام معرفی نمود و چیزی را

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۷ .

۲ - انعام: ۳۸ .

۳ - مائده: ۳ .

که امت به آن نیاز داشته را ترک نکرده مگر اینکه آنرا بیان نمود و هر کس گمان کند که خداوند دین خود را کامل نکرده کتاب خدا را رد کرده و به آن کافر است و آیا قدر امامت و جایگاه آن نزد امت را می دانند و آیا دخل و تصرف آنها در آن جایز بوده و در صورتی که امامت دارای شأن عظیم و مکانی بلند مرتبه و دارای معنی عمیقی که مردم توانایی درک آنرا با عقل و رأی خود نیستند و یک جانبه نبوده که با اختیار خود امامی را معرفی کنند^(۱)

با توجه به همه این موارد امروز صاحبان مناصب و جایگاه های دنیوی از اینکه مقاماتی را که خداوند تعالی و رسولش ﷺ و ائمه علیهم السلام و نه هیچ کدام از معصومین آنها را در آن قرار نداده، از تحویل دادن آن پرهیز کردند بلکه بر هوای خود و منیت و غرور و دوستی دنیا اعتماد کردند و آنهم با حجت اینکه (ما مصلحت را در این می بینیم) و با کارهای خود مذهب اهل بیت علیهم السلام را پاره پاره کرده، که این کار را بعضی از رهبران دینی انجام داده اند و مردم را به گروه هایی مختلف تقسیم کردند و این همان واقعیتی است که امروزه در آن سیر می کنیم . و با علم به اینکه این مختلفین دارای اختلافی بیهوده دنیوی هستند ، زیرا که پروردگارشان و پیامبرشان و امام آنها یکی است و همین طور روزه و نماز شان یکی بوده ولی به خاطر دنیا و رهبری دینی و با توجه به طمع جاه و مال و پیروان دچار اختلاف شدند . و وصیت های ائمه علیهم السلام را در مورد نھی در طلب ریاست دنیوی و دعوت به منیت خویش و غرور را فراموش کردند ، پس همه آنها می گویند که من نایب امام حجت العلیه هستم و بر شما واجب است که از من تبعیت کنید ، و آنهم بدون هیچ اشاره ای و دلیل از امام مهدی العلیه است . ولیکن شیطان در این مورد به آنها خبر داد پس خود را به جای امام العلیه منصوب کرد ، زیرا که او فکر می کند که خود برای این امت صالح تر است ، این در حالی است که فقط گمان می کند و هیچ دلیلی در دست ندارد . بدون توجه به نھی خداوند تعالی در مورد گمان است.

تعالی فرمودند: ﴿وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾^(۱) (و اگر از بیشتر کسانی که در این سرزمین می باشند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می کنند آنان از گمان خود پیروی می کنند و جز به حدس و تخمین نمی پردازند)

و تعالی فرمودند: ﴿قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ﴾^(۲) (بگو آیا نزد شما دانشی هست که آن را برای ما آشکار کنید شما جز از گمان پیروی نمی کنید و جز دروغ نمی گوید)

و تعالی فرمودند: ﴿وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾^(۳) (و بیشترشان از گمان پیروی می کنند ولی گمان به هیچ وجه آدمی را از حقیقت بی نیاز نمی گرداند آری خدا به آنچه می کند داناست)

و تعالی فرمودند: ﴿لَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾^(۴) (آگاه باش که هر چه در همه آسمانها و زمین است ملک خدا است ، و مشرکانی که غیر از خدا شریکانی را می خوانند جز پیروی گمان باطل خویش نمی کنند و جز دروغ نمی گویند) ﴿وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾^(۵) (و ایشان را به این کار معرفتی نیست جز گمان خود را پیروی نمی کنند و در واقع گمان در وصول به حقیقت هیچ سودی نمی رساند) در حالی که خود را وارد این سریچ تنگ و کارنکوهیده از جانب خداوند تعالی و اهل بیت علیهم السلام کرده و به کوشش و اجتهاد نفسانی بر تبرئه های عقلی که در قران و سنت طاهره بر آن تاکید نشده پرداختند و علی الخصوص مسئله انتصاب خود به عنوان نائبی برای ایشان علیهم السلام و آنهم بر پایه اعتقاد به

۱ - انعام: ۱۱۶.

۲ - انعام: ۱۴۸.

۳ - یونس: ۳۶.

۴ - یونس: ۶۶.

۵ - نجم: ۲۸.

گمان نکوهیده است، و آن چیزی جزء طلب ریاست ناپسند نیست همانطور که از آنها علیهم السلام آمده ، آنها از حفری بیرون و درحفره دیگری خواهند افتاد .

ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: (از ریاست برحذر باش چون هر کسی که آنرا درخواست کرده به هلاکت رسید ، گفتم: کسی از ما نیست مگر دوست دارد که از او یاد شده و مشهور شود و همه پیش او رفته تا مسائل خود را از او بگیرند آیا هلاک شد ه ایم ؟، فرمودند: خیر اینگونه که فکر می کنی نیست ، بلکه آن هنگامی است که مردی را بدون هیچ حجت و دلیل بر تخت بنشانی و او را در همه مواردی که می گوید تصدیق و باور کنی و مردم را به سخنانش دعوت می کنی)^(۱)

آنگاه اختلاف شیعه از مهمترین علامات ظهور مقدس و مشهور است به خاطراینکه مذهب اهل بیت علیهم السلام تنها حق موجود بر این زمین است ، پس اگر باطل در میان باقیمانده حق واقع شود آنگاه چیزی جز باطل باقی نمی ماند ، و این براساس رهبری های دینی است ، اما جامعه از افراد مخلص خالی نمی شود ولی آنها میان مردم به عنوان مهره های سوخته و بی اثر معروف اند و به این علت خروج عده زیادی از مذهب اهل بیت علیهم السلام را می بینیم ، و این کار جزء با نپذیرفتن حجت خدا اتفاق نمی افتد بدون اینکه برای آنها محسوس باشد همانطور که از آنها وارد شده است.

از ابی جعفر علیه السلام که فرمودند: (ای شیعه آل محمد پاک خواهید شد همانند پاک شدن سورمه از چشم بدرستیکه صاحب چشم می داند که چه وقت سورمه را در چشم قرار دهد در حالی که نمی داند چه موقع از آن خارج خواهد شد و همینطور شخص صبح را به سر می کند که بر شریعت و امر ماست و شب از آن خارج شده و شب را بر شریعتی از امر ما خواهد گذراند در حالی که صبح از آن خارج شده است)^(۲)

از ابی عبد الله علیه السلام که فرمودند: (به خدا قسم همانند شکستن شیشه شکسته خواهید شد و پس شیشه به حالت اول برگردانده میشود و به خدا سوگند شکسته

۱ - وسائل الشیعه: ج ۲۷: ص ۱۲۷ .

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۰۷ .

خواهید شد همانند شکسته شدن ظرف سفالی که اگر بشکند پس همان طور که بوده دوباره برگردانده نخواهد شد و به خدا سوگند غربال خواهید شد و به خدا سوگند از هم دیگر جدا خواهید شد و به خدا سوگند تصفیه خواهید شد تا اینکه مگر کمی از شما باقی نخواهد ماند، و کف دست خود را به صورت مشت در آورد^(۱)

از ابی بصیر از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند عده اندکی از اعراب همراه قائم علیه السلام هستند پس به ایشان گفتند کسی که این امر را توصیف کرده می گوید که تعداد زیادی از آنها همراه ایشان هستند فرمود مردم باید پاک و تصفیه و جدا سازی و غربال شوند در حالی که از غربال ، خلق زیادی خارج خواهند شد^(۲)

در حال حاضر در زمان ظهور هستیم آیا کسی از ما به خودش مراجعه کرده و جایگاه خود را در این غربال و تصفیه شناخته است ، پس ائمه راستگوی ما علیهم السلام به ما خبر دادند که از این غربال عده زیادی بدون اینکه متوجه شده و تأمل کنند بیرون خواهند آمد .

در حالی که دین نزد خداوند اسلام و غیر از آن گمراهی بوده و به خاطر عدم تنصیب این عالمان بی عمل از جانب خداوند مالک ملک حکم آنها مخالف حکم خداوند و طاغوت است ، و در اسلام فقط مذهب پیرو انتصاب از جانب خداوند حق است و آن مذهب دوازده امامی می باشد ، پس غیر از آن به مابقی ادیان ملحق می شود ، و حکم آنها به خاطر عدم تنصیب از طرف خداوند طاغوت است ، و عدم انجام کار و فرایض توسط صاحبان رهبری های دینی و فقهای مذهب دوازده امامی با حکم خدا باعث می شود که آنها را با سایر صاحبان دیانات و مذاهب ظلم و جور و انحراف ملحق کند .

و کسی بر کسی برتری ندارد مگر با تقوی و پرهیز کاری .

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۰۷ .

۲ - غیبت نعمانی: ۲۰۴ .

و اجتماع بر رهبر دینی صحیح و مخلص خدا واجب است تا این مجتمع را به خدا برساند و جای ایشان امروزه خالی است و سبب اختلاف و جنگ و دشمنی برای دنیا ، و تفرقه میان افراد جامعه چیزی باقی نمانده ، و یا اینکه این علمایی بی عمل توانایی اصلاح مجتمع بدون یک رهبر را ندارند ، که اینجا مصداق کلام آنها علیهم السلام محقق شده (اگر زمین پر از ظلم شد ...) پس اصلاح نمی شود تا اینکه خداوند رهبری که این مجتمع را به سوی خلاص از رذایل و ناپاکی ها که در حال حاضر در آن زندگی می کنند بفرستد ، و اینگونه نخواهد شد مگر با رسیدن داروی علاج این بیماری که این دین حق را گرفتار کرده و آنرا به اینجا رسانده همانطور که از آنها علیهم السلام آمده است که:

از مالک ابن ضمره گفت امیر المومنین علیه السلام فرمودند ای مالک ابن ضمره چه حالی خواهی داشت اگر شیعه به این صورت دچار اختلاف شود و انگشتان خود را در همدیگر گره زده و آنها را در همدیگر داخل نمود پس گفتم یا امیر المؤمنین در آن وضعیت چه خیری وجود دارد فرمودند همه خیر در آن است ای مالک در آن هنگام قائم ما قیام کرده و هفتاد مرد را که به خدا و رسولش صلی الله علیه و آله دروغ می بندند را جلو می برد پس آنها را می کشد آنگاه خداوند آنها را بر یک امر واحد جمع می کند^(۱)

ایشان از آخرین نقطه حق شروع کرده و بعد از رساندن نوش دارو واز بین بردن مسبب اصلی تفرقه در اتباع دین حق همان کسانی که آنها به فرقه و گروه های متعدد تقسیم کرده بودند . و رساندن نوش دارو به واسطه کشتن هفتاد مردی که به خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله دروغ می بستند و دروغ آنها در اجتماع تاثیر می گذاشت و آنها به گروه های مختلف تقسیم می کرد (یا همان صاحبان مناصب دینی - مراجع -)

سپس بعد از اینکه قائم علیه السلام این هفتاد دروغگو را می کشد ، سبب تفرقه بین مردم هم عقیده (مذهب اهل بیت علیهم السلام) را از میان برداشته ، در آن هنگام خداوند آنها را بر امر و دین واحدی جمع می کند .

و فرقه نجات یافته از اتباع و پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام (شیعه) هستند و در حالی که فساد به علمای آنها رسیده و در ظاهر آنها هسته مرکزی این دین حق هستند ، پس به همین خاطر هیچ شخص صالحی باقی نمانده در حالی که زمین پر از فساد شده ، پس مثال آنها همانند نمک است که هر چیزی که فاسد می شود نمک انرا اصلاح می کند واما اگر نمک فاسد شود چه چیزی آنرا اصلاح می کند .

و تا زمانی که امتحان وبلا در این امت همانند امت های سابق وجود دارد ، و فرقه یا گروه نجات یافته همان فرقه ای است که بصورت مدام از وصی یا حجت پیروی می کند و چونکه ما منتظر امام مهدی علیه السلام هستیم ابتلا و امتحان ما همانند سایر امم با وصی خواهد بود ، پس هیچ راه نجاتی جزء با شناخت و معرفت وصی نداریم، و او صاحب پرچم حق از سایر پرچم هاست و غیر از حق چیزی جز گمراهی نیست و او صاحب فرقه نجات یافته است همانطور که روایات اهل بیت علیهم السلام تاکید می کنند

با علم به اینکه وصی از جانب خدا منصوب میشود و بر بیعت با او از جانب معصومین علیهم السلام تاکید شده است . و اگر این مقام را کسی غیر از صاحبش مدعی شود طولی نخواهد پایید تا اینکه دروغ مدعی باطل مشخص می گردد تعالی فرمودند ﴿وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾^(۱) (اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند) تعالی فرمودند ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾^(۲) (و اگر او پاره ای گفته ها بر ما بسته بود * دست راستش را سخت می گرفتیم * سپس رگ قلبش را پاره می کردیم)

درهنگام جستجو در مورد این وصی حتماً باید گروه نجات یافته و تابع وصی را شناخته زیرا که قبل از ایشان امت به دوازده پرچم پراکنده می شود و برای نجات یافتن از آتش و غضب خداوند جبار حتماً نیاز است که تنها پرچم حق را بشناسیم زیرا که غیر از

۱ - نساء: ۸۲.

۲ - حاقه: ۴۴.

آن جهنم است ، پس تمسک به ثقلین واتخاذ آن به عنوان راهی به سوی هدایت ، تنها راه اتصال و رابط بین ما و پرچم حق است

از مفضل بن عمر از ابی عبد الله علیه السلام (... به من فرمود ای ابا عبد الله برحذر باشید از ذکر و مدح و ستایش که به خداوند قسم او را مدت زمان طولانی غایب خواهد کرد... تا اینکه دوازده پرچم مشتبّه برافراشته خواهد شد که از هم دیگر قابل تشخیص نیستند مفضل گفت پس گریه کردم و امام به من فرمودند چه چیزی باعث گریه شما شد گفتم فدایت شوم چگونه گریه نکنم در حالی که شما می فرمایید که دوازده پرچم برافراشته می شود که از همدیگر قابل تشخیص نیستند؟ گفت پس به پنجره ای در منزل که افتاب از آن در مجلسش طلوع می کند نگاه نموده و فرمودند آیا این خورشید نورانی است گفتم بله فرمودند به خدا قسم که امر ما از آن نورانی تر است^(۱)

گفتار ایشان علیه السلام دوازده پرچم متشبّه دلالت بر شیعه دوازده امامی بودن دارد ، زیرا اگر غیر اثنی عشری بودند انگاه در امر آنها هیچ تشابهی نبود ، یا اینکه امکان باطل بودن حکم آنها برای انسان شیعی اثنی عشری راحت بود ، و در حالی که اشتباه به خاطر تشابه در عقیده اتفاق افتاده همان چیزی که در مورد آن علیه السلام صحبت می کند امری عقایدی است .

از این نکته لازم است بدانیم که حق یکی بوده و در میان عده ای پرچم های مختلف واقع شده که همه به سوی جهنم دعوت می کنند ، و تعدد حق از حقیقت خیلی دور است و حق همیشه یکی و در پرچم آل محمد علیه السلام است ، پس در زمان ظهور باید از طریق کلام آنها علیه السلام در مورد حامل علم و پرچم آل محمد علیه السلام تحقیق و تفحص کنیم .

برطالب حق مخفی نیست که اهل بیت علیه السلام تنها درفش حق را توصیف کرده که در میان پرچم های مختلف است ، و آن پرچم یمانی است که هدایت ترین پرچم هاست .

از امام باقر علیه السلام آمده (...). در میان پرچم ها پرچمی با هدایت تر از پرچم یمانی نیست ، آن پرچم هدایت است ، زیرا که به سوی صاحبان دعوت می کند ، و اگر یمانی خروج کرد به سوی او بشتاب چون که پرچم او پرچم هدایت است ، و برمسلمانی جایز نیست که از آن روی بر گرداند ، پس هر کس که این کار را انجام دهد از اهل آتش است ، زیرا که او به سوی حق و راه مستقیم دعوت می کند^(۱)

و اما این یمانی در میان دوازده پرچم کیست ؟ این امر نیاز به تحقیق از طریق روایات در مورد این شخصیت داشته و پس از اینکه موضوع از طریق روایات واضح شده سپس به جمع صفات و معلومات کامل پردازیم ، این امکان برای ما بوجود می آید که اصحاب پرچم ها ی موجود را در میدان بر کلام اهل بیت علیهم السلام عرضه کنیم و در میان آنها که به حامل پرچم اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده اند پس هر کس که با این اوصاف شناخته شد صاحب پرچم حق خواهد بود ، و باید بطور کامل مطابق حق باشد و آنهم به خاطر اینکه حق یکی است و باقی گروه ها در جهنم هستند.

وضعیت علماء در زمان ظهور مقدس

علماء اصل و ریشه پرچم های متشابه بوده و یکی از مهمترین جهاتی که دور اساسی را در حرکت ظهور مقدس ایفاء می کند ، و به خاطر اینکه این دور یا حرکت را به عنوان منفی یا مثبت تشخیص دهیم ، باید به روایاتی مراجعه کنیم که وضعیت علماء در آخر الزمان در برابر حرکت ظهور را برای ما مشخص کند ، و از طریق روایات این جایگاه را بشناسیم تا اینکه برای شخص مکلف و پژوهشگر واضح گردد، این موضوع از یک طرف و از طرفی دیگر بحث در مورد پرچم حق (پرچم یمانی) است تا اینکه در حق هر صاحب حقی کوتاهی نکنیم .

با خواندن روایت بر فرقه و گروه نجات یافته متوجه خواهیم شد که سبب اصلی تفرقه کنار گذاشتن کتاب و احادیث اهل بیت علیهم السلام و عمل کردن بر میل هوای نفس و آراء شخصی عالمان بی عمل و آنها دشمن قائم علیه السلام خواهند بود .

و چون قرآن تا روز قیامت زنده و پا برجاست ، خداوند علمای غیر عاملین را در کتاب را توصیف کرده و کسانی که کلام خداوند تعالی که بین دستانشان قرار دارد و به آن عمل نمی کنند توصیف نموده اند، و تعالی فرمودند: **مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا...** ^(۱) (مثل کسانی که تورات بر آنان بار شد و بدان مکلف گردیدند آنگاه آن را به کار نبستند همچون مثل خرائی هستند که کتابهایی را بر پشت می کشد)

یا اینکه کلام خدا را حمل می کنند ولی سعی در شناخت آن نکرده همانند خری که بار را جابه جا می کند ولی نفعی از آن نبرده ، و فقط آنرا حمل می کند ، پس حتما نیاز است که سنت اهل کتاب که تورات را حمل و به آن عمل نکردند بر ما جاری شود .

از امیر المومنین علیه السلام در مناظره با عمر و ابی بکر، فرمودند: شنیده ام که رسول خدا می فرماید: امت من بر سنت بنی اسرائیل قرار می گیرد پا در جایی پا و قدم در قدم آنها قرار می دهد ، و جب به جب و باع به باع (فاصله به اندازه دو بازوی دست) و ارنج به ارنج تا اینکه حتی اگر وارد سوراخی شده اند آنگاه با آنها وارد می شوید ، و تورات و قرآن را فرشته واحدی نوشته است و در یک کتاب واحدی بوده که امثال و سنن در آن جاری شدند ^(۲)

علماء غیر عاملین کسانی هستند که قرآن نزد آنها است و به آن عمل نمی کنند آنها مصداقی برای این آیه هستند که (مثال آنها همانند مثال خرائی است که بار را جا به جا می کند). پس قرآن زنده و تا روز قیامت نمی میرد ، و تنها برای یک امت نازل نشده و برای همه امت هاست .

۱ - جمعه: ۵.

۲ - غایه المرآم: ج ۵ ص ۳۲۱.

در اینجا کلام رسول خدا و اهل بیت ایشان را نقل می کنم پس از شما خواهش دارم که چشمانتان را نبندید ، فقط بخوانید و اگر خواستید باور نکنید چونکه کلام اهل بیت علیهم السلام است و کسی که به آن کفر کند ضرری به آنها نمی رساند ، و اما من فقط یک واسطه هستم که سعی می کنم که آب را بر روی خواب رفتگان بریزم ، و اما کسی که خواب نیست نیاز به این آب ندارد ، چون که او در اصل بیدار است . و این کلام فقط پاسخی برای کسی که در مورد کلام اهل بیت علیهم السلام سوال می کند ث .

از امام صادق علیه السلام فرمودند: (اگر قائم خروج کرد چیزی به جز شمشیر بین او و اعراب و قریش نیست چیزی از آن به جز شمشیر نمی گیرند و در مورد خروج قائم عجله می کنند ؟ و به خدا قسم که لباس پوشیدنش چیزی جز لباس ضخیم نیست و غذایش چیزی جز جو سفت نیست و او چیزی جز شمشیر و مرگ زیر سایه شمشیر نیست)^(۱)

از سدیر الصریفی... از ابی جعفر علیه السلام در حدیثی که به سدنه در کعبه اشاره می کند... چه حالی خواهید داشت اگر دست ها و پا ها یتان قطع شود و در کعبه اویزان گردد سپس به شما گفته می شود که بگوید ما سارقین و دزدان کعبه هستیم ...)^(۲)

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند به پدرم قسم او فرزند بهترین مادر هاست منظور قائم از فرزندانش علیهم السلام است آنها را به تاریکترین ضلالتها می کشاند و با جام پر آنها راسیراب می کند و چیزی جز شمشیر به صورت هرج و مرج به آنها نمی دهد و در آن هنگام فاسقان قریش آرزو می کنند که اگر استفاده ای در دنیا و دور بر آن داشتند به او می بخشیدند آنها را ترک نخواهیم کرد تا اینکه خداوند راضی شود)^(۳)

و در اینجا اشاره ای به علمای دینی قریش در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله ، و مرجعیت احناف امروزی علماء ی نجف دارند ،

و اما منظور از دزدان کعبه امروزه شاید دزدان اموال عتبات مقدسه باشند.

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۳۹ .

۲ - غیبت نعمانی: ص: ۲۳۷ .

۳ - غیبت نعمانی: ص ۲۲۹ .

از بشر بن غالب الاسدی گفت حسین ابن علی علیه السلام به من فرمود ای بشر چه چیزی از قریش باقی می ماند اگر قائم مهدی پانصد نفر از آنها را جلو می برد و گردن هایشان را می زند و بعد از کمی صبر پانصد نفر دیگر را جلو می برد و گردن هایشان را می زند دوباره پانصد نفر نیز گردن هایشان را می زند گفت پس به او گفتم خداوند شما را صالح کند آیا تعداد شان میرسد پس حسین ابن علی علیه السلام فرمودند آنها موالیان قوم شان هستند گفت پس بشیر بن غالب برادر بشر بن غالب به من گفت که شهادت می دهم که حسین ابن علی علیه السلام این تعداد را شش بار بر برادرم تکرار نمود و یا شش برابر گفتند^(۱)

و از وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابن مسعود آمده: (... ای ابن مسعود: زمانی بر مردم خواهد آمد که صبر کننده بر دین خود همانند کسی است که گداخته ای از آتش را در کف دستانش گرفته است ، هر که در آن زمان بود گرگ است ، و گر نه گرگ ها آنها خواهند خورد .

ای ابن مسعود: علماء و فقهای آنها خائن و فاسق و شرور ترین خلق خدا هستند و همین طور پیروان آنها و هر کس که پیش آنها می رود و از آنها می پرسد و آنها را دوست دارد و با آنها همنشین است و با آنها مشورت می کند اشرار خلق خدا هستند و آنها را وارد آتش جهنم می کند ﴿صُمُّ بُكْمٌ عُمًی فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾^(۲) (کرو لال و کورند و به راه نمی آیند) ﴿وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمًیًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّا وَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا﴾^(۳) (و روز قیامت آنها را کور و لال و کر به روی چهره شان در افتاده بر خواهیم انگیخت جایگاهشان دوزخ است هر بار که آتش آن فرو نشیند شراره ای تازه برایشان می افزاییم)، ﴿كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ﴾^(۴) (که هر چه پوستشان بریان گردد پوستهای دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند آری خداوند توانای حکیم است)، ﴿إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ * تَكَادُ

۱ - غیبت نعمانی: ص: ۲۳۶ .

۲ - بقره: ۱۸ .

۳ - اسراء: ۹۷ .

۴ - نساء: ۵۶ .

تَمِيزُ مِنَ الْغَيْظِ»^(۱) (چون در آنجا افکنده شوند از آن خروشی می شنوند در حالی که می جوشد * نَزْدِيكَ است که از خشم شکافته شود)، ﴿لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ﴾^(۲) (برای آنها در آنجا ناله ای زار است و در آنجا چیزی نمی شنوند) ، ﴿كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾^(۳) (هر بار بخواهند از شدت غم از آن بیرون روند در آن باز گردانیده می شوند که بچشید عذاب آتش سوزان را)

ای ابن مسعود آنها ادعا می کنند که بر دین و سنتم و راه و شرایع من هستند آنها از من دور و من از آنها دور هستم .

ای ابن مسعود: در هیچ جای زمین با آنها همنشین نشده و در بازار ها با آنها خرید و فروش نکنید، و راه را به آنها نشان نداده ، و به آنها آب ندهید ، خداوند متعال فرمودند: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ﴾^(۴) (کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند جزای کارهایشان را در آن به طور کامل به آنان می دهیم و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد)، و تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾^(۵) (و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن می دهیم ولی در آخرت او را نصیبی نیست)

ای ابن مسعود: به امت من بلا و گرفتاری و دشمنی و کینه توزی و جدل را تحمیل کرده، آنها در دنیایشان ذلیل ترین این امت هستند . و قسم به کسی که مرا به حق مبعوث نمود خداوند آنها را ذلیل کرده و به حالت شامپانزه و گراز ممسوخ می سازد سپس رسول خدا ﷺ گریه کرد و ما هم به خاطر گریه او گریستیم و گفتیم: ای رسول خدا چه چیزی باعث گریه شما شد ؟ فرمودند به خاطر ترحم به حال این اشقیا و نادانان ، و خداوند

۱ - ملک: ۷- ۸.

۲ - انبیاء: ۱۰۰.

۳ - حج: ۲۲.

۴ - هود: ۱۵.

۵ - شوری: ۲۰.

متعال می فرمایند ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾^(۱) (و ای کاش می دیدی هنگامی را که کافران وحشت زده اند آنجا که راه گریزی نمانده و از جایی نزدیک گرفتاراند). منظور ایشان علماء و فقهاست.^(۲)

قول تعالی: ﴿لَنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^(۳) (در زندگی دنیا عذاب رسوایی را به آنها بچشانیم)، از امام صادق علیه السلام در غیبه النعمانی در مورد قول خداوند متعال: (عذاب رسوایی) در دنیا سؤال شد ؟

فرمودند (ای ابا بصیر کدام رسوایی از این رسوایی بیشتر است که مرد در منزل و پیش یاران خود باشد و در حالی که برادرانش وسط خانواده اش نشسته اند یک دفعه خانواده اش جیب های خود را برای او پاره کرده و فریاد و زاری کردند پس مردم می گویند: این چه کاری است ؟ آنگاه گفته می شود: همین الان فلانی ممسوخ (بصورت حیوان در آمد) شد، گفتم: قبل از قیام قائم علیه السلام یا بعد از آن ؟ فرمودند نه ، بلکه قبل از آن است)^(۴)

و همانطور که در وصیت رسول خدا به ابن مسعود آمده مسخ در میان علماء است ، و اما خسف ، و یا قول ایشان علیهم السلام و قسم به کسی که مرا به حق مبعوث نمود خداوند خسف را در آنها قرار می دهد و آنها را به صورت شامپانزه و گراز در خواهد آورد ، و در قول تعالی (و ای کاش می دیدی هنگامی را که کافران وحشت زده اند آنجا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار شده اند)^(۵) این ایه در مورد احادیث اهل بیت علیهم السلام در زمان ظهور و تاویل آن نیز در مورد لشکر سفیانی است همان لشکری که خداوند زمین را در آنها خسف می کند ، و نمی دانم که ارتباط میان لشکر سفیانی و علماء چیست ، و اگر کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و کلام امام باقر علیه السلام را در دو روایت اخیر به همدیگر ربط

۱ - سبا: ۵۱.

۲ - مکارم الاخلاق - الشیخ الطبرسی: ص ۴۵۰ - ۴۵۱.

۳ - فصلت: ۱۶.

۴ - الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب: ج ۲ ص ۱۰۶.

۵ - سبا: ۵۱.

دهیم ، برای ما واضح می شود که در آنجا ارتباط محکمی بین علماء و لشکر سفیانی که خسف در آن واقع می شود وجود دارد و آیه قرانی شامل حال هر دوی آنها می باشد

از ابی جعفر علیه السلام : برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود سپس حدیث طولانی که ضامن غیبت و ظهورش را ذکر کرده ، تا اینکه فرمودند: پس مردم را دعوت می کند - یعنی قائم - به کتاب خدا و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و براءت از دشمنان ایشان پس کسی را نام نمی برد تا اینکه به بیداء یا صحرا برسد آنگاه لشکر سفیانی بر او خارج می شود خداوند امر می کند پس (زمین) آنها را از طرف کف پا هایشان می برد ، و آن قول خداوند تعالی است: (و ای کاش می دیدی هنگامی را که کافران وحشت زده اند آنجا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار شده اند * گفتند به او ایمان آورده ایم ...) یعنی به قائم ال محمد صلی الله علیه و آله ... ^(۱)

و از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام سؤال کردم **﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ﴾** ^(۲) (انان احبار علماء و راهبان خود را به جای خدا عبادت کردند) پس علیه السلام فرمودند به خدا قسم که مردم را به عبادت خود دعوت نکردند و اگر به عبادت خود شان دعوت می کردند مردم اجابت نمی کردند ولی حرام را حلال و حلال را حرام کردند پس به این خاطر مردم نداسته آنها را عبادت نمودند ^(۳)

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند به بعضی از پیامبران خود وحی نمود ، به کسانی که برای غیر دین تفقه و برای عمل کردن فرا نگرفته و دنیا را برای غیر از آخرت طلب و برای مردم پوست قوچ ها را می پوشند و در حالی که قلب هایشان همانند قلب گرگ هاست زبان آنها از عسل شیرین تر و اعمال آنها تلخ تر از صبر است با نام من مردم را گول زده و به واسطه نام من مردم را به تمسخر می گیرند ، بگو که فتنه ای را برای آنها خواهم فرستاد که حکیم را حیران و مبهوت می کند ^(۴)

۱ - الزام الناصب فی اثبات الحجة الغایب: ج ۲ ص ۱۰۶ .

۲ - توبه: ۳۱ .

۳ - البرهان: ج ۱۰ ص ۱۲۰ ، اصول کافی باب التقلید: ج ۱ ص ۵۳ ح ۱ .

۴ - بحار النوار: ج ۱ ص ۲۲۴ ، عده الداعی: ص ۷۰ .

و از رسول خدا ﷺ فرمودند: (فقهاء تا زمانی که وارد امورات دنیا نشوند امناء پیامبران و فرستادگان هستند ، گفتند: ای رسول خدا د خول آنها در دنیا چیست ؟ فرمودند ﷺ تبعیت و پیروی از سلطان و پادشاه که اگر این کار را انجام دادند آنگاه از آنها بر دین خود بر حذر باشید).^(۱)

و از امام صادق علیه السلام فرمودند (اگر قائم ما قیام کرد شدید تر از رسول خدا ﷺ در زمان جاهلیت با جهل مردم روبرو می شود پس به او گفتند: چگونه اتفاق می افتد ؟ فرمودند: رسول خدا ﷺ هنگامی به سوی مردم رفت که آنها سنگ و آجر و شاخه و چوب ساخته شده را عبادت می کردند و در صورتی که قائم ما اگر قیام کند و به سوی مردم می آید که همه آنها قرآن را بر او تاویل و تفسیر می کنند ، و با آن بر او حجت گرفته و به خاطر آن با او می جنگند ، و اما به خدا قسم که عدالت خود را بداخل خانه هایشان می برد همانطور که گرما و سرما وارد می شود)^(۲)

و امام صادق علیه السلام می فرماید (اگر قائم قیام کرد از اهل فتوی در مورد آنچه را که نمی دانند و فتوی داده اند انتقام می گیرد ، هلاکت بر آنها و پیروانشان باد مگر دین ناقص بوده که آنها آنها را کامل کرده و یا انحراف داشته و آنها آنها را بر پا داشتند ، یا مردم سعی در انجام خلاف آن داشتند پس از آنها پیروی کردند یا اینکه آنها را به درست امر کرده و سرپیچی کردند یا اینکه مختار ﷺ ناراحت است از آنچه را که به ایشان وحی شده پس آنها آنها را یادآوری کردند و یا اینکه دین در زمان ایشان کامل نشد پس آنها آنها را کامل کردند و یا اینکه پیامبری بعد از ایشان آمده و از او پیروی نمودند).^(۳)

از رسول خدا ﷺ فرمودند: (از مردم اراذل و شرور برامتم نمی ترسم که آنها را بکشند ، و نه دشمنی که آنها را به هلاکت برساند ، و لی از ائمه گمراه برامتم می ترسم که اگر

۱ - اصول کافی: ج ۱ ص ۴۶ ، بحار النوار: ج ۲ ص ۱۱۰ .

۲ - بحار النوار: ج ۵۲ ص ۳۶۳ .

۳ - الزام الناصب: ج ۲ ص ۲۰۰ .

از آنها اطاعت کنند فتنه را میان آنها قرار داده، و اگر سر پیچی کنند آنها را خواهند کشت)^(۱)

امام ابا محمد عسکری علیه السلام فرمودند: (از امیر المومنین علیه السلام سؤال شد که بعد از ائمه هادی و چراغ های نورانی بهترین خلق چه کسانی هستند؟ فرمودند: علماء در صورتی که مصلح باشند. دوباره سؤال شد بعد از ابلیس و فرعون و کسانی که از نام شما سوء استفاده کرده و خود را با لقب های شما می خوانند و امانت های شما را خیانت کرده و در ملک های شما امر و نهی می کنند؟ فرمودند: ((علماء، در صورتی که فساد کنند و از باطل پشتیبانی کرده و حقایق را کتمان می کنند که قول تعالی عز و جل در آنها نازل شده: ﴿أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾) (آنان را خداوند و لعنت کنندگان لعنت می کنند)^(۲)

و از ابی عبد الله علیه السلام: (و حرام را حلال می بینی و حلال را می بینی که حرام شود و دین را با رأی می بینی و کتاب و احکامش تعطیل می شود...) ^(۳).

و در ینابیع وارد شده: (... اگر قائم خروج کند بطور خاص هیچ دشمن آشکار جزء فقهاء نخواهد داشت، و او باشمشیر برادر است، و اگر شمشیر در دستانش نباشد حتما به کشتن ایشان فتوی می دادند، و لیکن خداوند ایشان را با شمشیر و کرم ظاهر می کند پس او را اطاعت کرده و از ترس، حکم ایشان را قبول می کنند ولی در خفاء خلاف آنها می خواهند)^(۴)

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در فتوحات مکه فرمودند: (... دین را بر پا داشته و روح را در اسلام القاء نموده و به واسطه ایشان اسلام بعد از مرگ و ذلت، احیا و عزیز می شود، قانون جزاء را بر پا و به واسطه شمشیر به سوی خدا دعوت نموده پس هر کس که از ایشان سرپیچی کند کشته و هر کس نزاع کند پست و ذلیل می گردد، دین حقیقی را ظاهر کرده

۱ - الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۹۶.

۲ - تفسیر البرهان: ج ۱: ۱۷۱.

۳ - بحار النوار: ج ۵۲ ص ۲۵۷.

۴ - ینابیع الموده: ج ۳ ص ۲۱۵.

همان چیزی که رسول خدا ﷺ به واسطه آن حکم می نمود و مذاهب را از زمین ریشه کن می کند و چیزی جزء دین خالص نمی ماند دشمنان ایشان فقهاء اهل اجتهاد هستند وقتی که حکم ایشان را برخلاف راه و روش ائمه خود می بینند ناچار او از ترس شمشیر و سیطره ایشان حکمش را قبول و رغبت آنها به خاطر آنچه که در دست ایشان است با آمدن ایشان عموم مسلمین بیشتر از خواص شاد شده و اهل معرفت به خداوند متعال از اهل حقایق از طریق شهود و کشف و تعریف الهی با ایشان بیعت می کنند.^(۱)

و از رسول خدا ﷺ فرمودند: (زمانی برامت من خواهد آمد که از قرآن فقط رسم و از اسلام فقط اسمش باقی می ماند ، خود را با آن می نامند در حالی که آنها دور ترین مردم از آن هستند مساجد آنها آباد در حالی که از نظر هدایت خراب هستند فقهای آن زمان ضرورتی فقها زیر سایه آسمان هستند فتنه از آنها خارج شده و به سوی آنها بر می گردد)^(۲) از رسول خدا ﷺ (مردم از دین خدا فوج فوج خارج می شوند همانطور که فوج فوج وارد شدند)^(۳)

از رسول خدا ﷺ: (از برادر من جبرائیل سوال کردم: آیا بعد از من به دنیا نزول می کنید ؟ فرمودند بله

ده بار پایین آمده و جواهر زمین را بالا می برم ، گفتم: چه چیزی را بالا می ببری ؟ فرمودند:

در بار اول - برکت را از زمین برمی دارم .

و در بار دوم - شفقت را از دل بندگان بر می دارم .

و در بار سوم - حیاء و خجالت را از زنان بر می دارم .

و در بار چهارم: عدل را از اولی الامر بر می دارم .

۱ - بشاره الاسلام: ص ۲۹۷ .

۲ - بحار النوار: ج ۵۲ ص ۱۹۰ ح ۲۱ .

۳ - ملأحم والفتن: ص ۱۳۳ .

و در بار پنجم: محبت را از دل خلایق بر می دارم .

و در بار ششم: صبر را از فقراء بر می دارم .

و در بار هفتم: سخاوت را از ثروت مندان بر می دارم .

و در بار هشتم: علم را از علماء بر می دارم .

و در بار نهم: قرآن را از مصاحف و از قلب خوانندگان آن بر می دارم .

و در بار دهم: ایمان را از دل اهل ایمان بر می دارم .

و از امیر المومنین علیه السلام در خطبه ای طو لانی آمده (... پناه بر خدا از آن روز ها و شرارت های پشت سر هم آن سال همان سال تاریکی و اجباری که ترس را به مدت نه ماه مسلط می کند ، و آن چیزی است که جانب را از خشکی و راکب را از دریا منع می کند و برادر ، برادر خود را انکار و پسر پدرش را انکار و زنان شوهران خود را مورد مذمت قرار می دهند و مادران فجور و کار های زشت دختران خود را نیک می دانند و فقهاء به سمت دروغ و علماء به سمت شک میل می کنند پس در آنجا پرده از حجاب برداشته می شود و خورشید از مغرب طلوع می کند در آنجا منادی از آسمان ندا می دهد ای ولی خدا برای احیاء ظهور کن و اهل مغرب و مشرق ایشان را شنیده اند پس قائم متغیب ما ظهور میکند و نورش لبریز می شود و روح امین با کتاب آشکار و به استقبال ایشان می آید ...) ^(۱)

قول اهل بیت: در مورد خطباء

انها وسیله اعلام می باشند و همه به آنها توجه دارند و نماینده (فقهای آخر زمان) هستند

از رسول خدا ﷺ ... هنگام فتنه ها، سعادت مند ترین مردم هر انسان پاکی است که ناشناس مانده ، که اگر آشکار شده شناخته نمی شود ، و اگر غایب شد از او یاد نمی شود ، و بد بخت ترین و شقی ترین مردم هر خطیب عالی صوت و یا مسلط بر بیان است . کسی از شر آنها خلاص نمی شود بجز کسی که در دعایش خالص و دعایش همانند دعای کسی که در حال غرق شدن در دریا ست^(۱)

و ازعلی بن ابراهیم از تفسیر قمی: در مورد قول تعالی ﴿تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾^(۲) (آیا مردم را به نیکی فرمان داده و خود را فراموش می کنید با اینکه شما کتاب خدا را می خوانید آیا هیچ نمی اندیشید) در مورد خطبا و راویان نازل شده و آن قول امیر المومنین (علیه السلام):

و بر هر منبری خطیب عالی صوت که به خدا و رسول و کتابش دروغ می بندد نشسته .^(۳) واز امیر مؤمنین (علیه السلام) در خطبه طولانی فرمودند: (... سپس شما ای گروهك(عصابه) ، گروهی که به علم مشهور و به خیر یاد می شوید و به نصیحت و پند معروف هستید و به خدا قسم که در وجود انسانها برای شما موهبتی است ، شخص شریف شما را بزرگ می داند و ضعیف برای شما بذل و بخشش و شما را مورد احترام قرار دهد، و کسی که شما هیچ لطفی براو ندارید تحت تأثیر شما قرار می گیرد ، در حالی که دستی در این کار ندارید و با گرفتن حاجت ها شفاعت کرده و نیازمند را از گرفتن آن منع می کنید ، و با هیبت پادشاهان و کرامت بزرگان در مسیر گام برمی دارید، و این کل قضیه نیست در صورتی که به اینها رسیدید تا قیام کننده به حق خدا باشید، و در حالی

۱ - کنز العمال - المتقی الهندی: ج ۱۱ ص ۱۴۴ .

۲ - بقره: ۴۴.

۳ - بحار الانوار: ج ۶۹ ص ۲۲۳ .

که در ادای اکثر حق ایشان مقصر و حق ائمه را سبک شمرده اید، و اما حق خدا و حق مستضعفین را از بین بردید، و حقوقی که از نظر خودتان مربوط به شماست را گرفته اید و همانند نگهبانان یک شهر می مانید که آنرا و صاحبانش را تحویل دشمن داده اید، یا همانند پزشکانی که پول دارو را گرفته و مداوا را تعطیل کردند، پس هیچ مالی را برای رزق رسان بذل و بخشش نکرده، و حتی خود را به خاطر خالق در خطر قرار نداده، و نه با عشیره ای به خاطر ذات خداوند دشمنی کرده اید، آنگاه آرزوی بهشت و مجاورت با فرستادگان و برائت و فرار از دشمنان خداوند را می کنید، و خود ستایی به کرامت در ملاقات ملائکه از جانب خداوند می کنید. برای شما ای آرزو کنندگان از خداوند می ترسم که انتقامی از جانب ایشان بر شما نازل شود زیرا که شما از کرامت خداوند منزلتی برای خود ساخته و با آن خود را برتر می دانید، و کاری کردید که هر کس به واسطه خدا شناخته می شود مورد کرامت قرار نمی گیرد و شما به خدا در عبادتش صاحب کرامت می شوید. و در حالی که عهد های خداوند را نقض شده می بینید حرکتی را انجام نمی دهید و در حالی که شما به خاطر نقض خون های پدرانتان به تکاپو می افتید، و در نکوهش رسولش دادگاه باز می کنید و درحالی که از نابینا و کر و لال و غیر روحانی که در شهرها سرگردانند غافل هستید و رحم نکرده و در جایگاه خود عمل نمی کنید، و نه به آن کسی که عامل بوده یاری می رسانید و کارخانه ها و مزد را در تاریکی قبول می کنید و آنگاه بعد از این همه در باره آنچه که خداوند شما را به آن امر کرده از قبیل نهي کردن ها غافل هستید. اگر دارای شعور و احساس هستید مصیبت شما از مردم بزرگتر است و از جمله آن منزلت علمایی که تصاحب کردید، و آن هم به خاطر اینکه مجرای امور و احکام بر دستان علماء خدا در کتابش بوده و آنها هستند که برحلال و حرامش امین اند آنگاه شما آن منزلت را سلب نموده اید، و آنرا جزء با تجاوزتان بر حق و اختلافتان در سنت سلب نکرده اید و آن نشانه های واضح است. و اگر بر مشکلات صبر می کردید و سختی ها را به خاطر ذات خدا تحمل می کردید آنگاه امور خداوند به شما بر می گشت و از شما صادر می شد، ولی شما به واسطه کار هایتان ظلمت را تمکین داده و امور خدا را به دست آنها تحویل داده که با شبهات عمل می کنند و در شهوات سیر می کنند، به خاطر ترس

و فرار شما از مرگ آنها را مسلط کردید ، و تعلق به حیات دنیوی همانی که شما را تنها خواهد گذاشت و مستضعفین را به دست آنها تحویل دادید ، پس بین مستضعف و انسان ناگزیر و بین دست های مستضعفی که به خاطر زندگیش شکست خورده قرار گرفته ، و بر پادشاهی با رأی خود بازی می کنند ، و با هوای نفسانی خود عار را با اقتداء به اشرار قبول می کنند ، و برحدود خداوند جبار تجاوز می کنند ، در هر شهری خطیبی بلیغ و بلند صدا از آنها بر منبر خود نشسته که زمینه برای آنها وسیع و مهیاست و در آن عوامل داشته و آزاد هستند ، و دست رهبران از آنها کوتاه بوده ، و شمشیر هایشان بر شما مسلط ، و شمشیر هایتان از آنها کوتاه است، و مردم بندگان آنها هستند هیچ دست ستمگری را کوتاه نمی کنند، پس بین جبّاری مستبد و عنید و اشغالگران همراه مستضعفین قرار می گیرند ،

به شدت اطاعت شده و افراد نیازمندان را نمی شناسد . پس چقدر عجیب است و چگونه تعجب نکنم در حالی که زمین پر از فریب کار و فریب خورده است ، و راستگویی که مظلوم واقع شده است ، و مسئول انسان های مومن که با آنها رحیم نیست ، و خداوند در مورد آنچه که در آن دچار اختلاف شده ایم حاکم است ، و با حکم خود در مورد آنچه که بین ما اتفاق افتاد قضاوت می کند . خداوندا شما می دانی که این کار ما برای بدست آوردن حکومت و برای بدست آوردن فضولی دنیای فنا شده نیست ، ولی خواسته ما برداشتن پرچم های ظلم و ستم از دین شما و همین طور اصلاح را در سرزمین هایت برگردانیم ، تا اینکه بندگان مظلوم شما احساس امنیت کرده و به فرایض و سنت و احکام شما عمل کنند . آنگاه حتما برای هر صاحب خونی روزی انتقامگري وجود دارد ، کسی که با خون ما مطالبت می کند و کسی که برای بدست آوردن حق خود و حق ذوی القربی و نزدیکان و یتیمان و مساکین و ابن السبیل خداوند قیام نموده و از طلب حق خود عاجز و ناتوان نمی شود ، و هیچ فرار کننده ای از دست او خلاصی

ندارد- و کسانی که ظلم کرده اند خواهند دانست که هیچ راه فراری برای آنها وجود ندارد^(۱)

زمینه ساز اصلی نرمان ظهور در روایات اهل بیت علیهم السلام

بعد از اینکه برای ما مشخص شد که جزء پرچم حق و هدایت و راه مستقیم در زمان ظهور مقدس تعداد زیادی پرچم برافراشته می شود که همه آنها باطل و شناخت صاحب حق در میان آنها مشکل و مشتبه است ، پس آن پرچم ها معصوم نخواهند بود مگر پرچم امام حجت علیه السلام ، و پرچم امام علیه السلام به عنوان پرچم م مهد رئیسی (زمینه ساز) معروف است و آن کسی نیست جز یمانی یا بنده ی که مسؤل گرفتن بیعت برای امام مهدی علیه السلام است و ان یمانی است همانی که روایات اهل بیت بر بیعت با ایشان تاکید کرده و باید او را بشناسیم ،

حتما لازم که ابتدا به سوی روایت هایی برویم که بر بیعت تاکید می کنند ، و چونکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام بیعت را در یک زمان واحد برای دو شخصیت در خواست نمی کنند انگاه روایت هایی که درخواست بیعت می کنند به شخص معینی اشاره می کنند ، این از یک جانب و از جانب دیگر ، درخواست آنها برای بیعت حتما با تاکید از جانب خداوند متعال است و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز او را با رأی خود انتخاب نمی کند ، و اهل بیت ایشان علیهم السلام نیز این علم را از ایشان به ارث برده اند ، انگاه بیعت را برای این شخص معین درخواست کرده اند ، و از اینجا است که مشخص می شود که روایت ها یی که بیعت را درخواست کرده همه به يك شخص و یا به یکی از پیروان ایشان اشاره می کنند. و از این طریق قسمتی از بحث مطلوب برای ما واضح می شود .

و امر دوم: بعضی از اوصافی که به قائم ویا مهدی علیه السلام اشاره می کند ، مقصود در آن امام مهدی علیه السلام نبوده ، و آن هم به خاطر عدم انطباق ویا تناقض آن با صفات معروف برای امام مهدی علیه السلام است .

آ - اوصیایی که از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام بر بیعت با آنها تاکید شده است.

﴿مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾^(۱) (هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است)

امر بیعت اختیاری نبوده.... و معصوم بیعت را برای غیر معصوم درخواست نمی کنند

از ابی عبد الله علیه السلام از پدران ایشان علیهم السلام از امیر المومنین علیه السلام فرمود (رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله در شب وفاتش به امام علی فرمودند: یا ابا الحسن یک ورق و دواتی حاضر کن و رسول اکرم وصیتش را به امام علی دیکته نمودند تا به جایی رسید که فرمودند یا علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهد بود و شما ای علی اولین دوازده امام هستید ، و حدیث را ادامه دادند ... تا اینکه فرمودند و حسن علیه السلام آنها را تسلیم فرزندش محمد مستحفظ از آل محمد صلی الله علیه و آله بدهد پس اینها دوازده امام هستند آنگاه بعد از آنها دوازده مهدی خواهد بود اگر زمان وفات ایشان رسید آنها را تسلیم فرزندش اول مؤمنین که داری سه تا اسم اسمی همانند اسم من و اسم پدرم و او عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی نماید و ایشان اول مؤمنین^(۲) است)^(۳)

۱ - احزاب: ۳۶.

۲: اول مؤمنین به امام مهدی علیه السلام در ابتدای ظهورش (یا اول سید و سیزده نفر).

۳ - بحار النوار: ج ۵۳ ص ۱۴۸ / ج ۳۶ ص ۲۶۰ ، غیبت طوسی: ص ۱۵۰ ، غایه المرام: ج ۲ ص ۲۴۱ ، مختصر بصائر الدرجات: ص ۳۹ . مکاتیب الرسول للمیانجی: ج ۲: ص ۹۶ .

از اسماعیل بن عیاش ، از الاعمش ، از ابی وائل ، از حذیفه گفت: شنیده ام که رسول خدا ﷺ مهدی را یاد می کند و می فرماید: با ایشان بین رکن و مقام بیعت می شود ، اسم او احمد و عبد الله و مهدی است ، و این سه نام او هستند^(۱)

و از این روایت واضح است که مهدی اول ، یا فرزند امام مهدی علیه السلام همان کسی است که بین رکن و مقام با ایشان بیعت می شود ، چون سه تا اسم (عبد الله و احمد و المهدی) اسم های ایشان هستند همان طور که در وصیت رسول خدا ﷺ آمده است . و ایشان همان بنده و مولایی که گرفتن بیعت برای امام مهدی علیه السلام را بر عهده می گیرد و بعد از پدرش امام مهدی علیه السلام بیعت برای ایشان گرفته می شود .

قبل از اینکه به روایات دیگر پردازیم لازم است همانطور که در وصیت رسول خدا ﷺ آمده به ۲۴ نفر اوصیاء رسول خدا ﷺ که در مورد بیعت با آنها تاکید شده است توجه کنیم ، و آنها ۱۲ امام که آخر آنها امام منتظر علیه السلام و ۱۲ مهدی از ذریه و نسل امام مهدی علیه السلام که بعد از ایشان علیه السلام دولت عدل الهی را حکومت می کنند و اولین خلیفه امام منتظر علیه السلام و یا اول مهدیین اثنی عشری فرزند امام علیه السلام ، احمد وصی و اول مؤمنین به امام مهدی علیه السلام در ابتدای ظهورش و بیعت را برای پدرش علیه السلام می گیرد و آنها حجت های خداوند بعد از محمد ﷺ بر بندگان تا روز قیامت هستند ، روایاتی که اهل بیت علیه السلام در مورد بیعت در زمان ظهور بر آن تاکید کرده اند ، ، گاه به امام مهدی علیه السلام و گاهی دیگر به فرزند ایشان علیه السلام اشاره می کنند ، و چون ائمه علیه السلام قبل از ظهور مقدس از دنیا رفته اند ، و مهدیین علیه السلام دولت عدل الهی را بعد از پدر شان امام محمد بن حسن عسکری علیه السلام حکومت خواهند کرد ، پس جزء امام مهدی علیه السلام و اول مهدیین علیه السلام با حوادث ظهور مواجه خواهند شد .

از ابی جعفر علیه السلام در حدیثی فرمودند: پس زمانی که به منطقه ثعلبیه برسد مردی از نسل پدرش برای او به پا خواهد خواست ، و ایشان دارای جسمی تنومند تر از سایر

۱ - غیبت طوسی: ص ۴۵۴ / ۴۷۰ ، بحار الانوار: ج ۵۲: ص ۲۹۱ ، معجم احادیث امام مهدی للکوارانی: ج ۱: ۴۵۳ ، اخراج الجرائح للراوندی: ص ۱۱۴۹ .

مردم بوده ، و از نظر قوت قلب بعد از صاحب امر از همه قوی تر است ، پس به ایشان می گویند چه کار می کنی ؟ به خداوند قسم که تو مردم را همانند فرار حیوانات از خود فراری می دهی ، آیا با عهدهی از رسول خدا ﷺ و یا چه چیز دیگری این کار را انجام می دهی ؟ آنگاه مولایی که مسئول گرفتن بیعت است می فرماید^(۱) : به خدا قسم اگر سکوت نکنید سرت را از بدنت جدا خواهم کرد . آنگاه قائم به او می فرماید: ای فلانی ساکت شو ، به خداوند قسم که همراه من عهدهی از رسول خداست، فلانی کیف - صندوقچه - را به من بده پس آنرا برای ایشان می آورد آنگاه عهدهی از رسول خدا ﷺ را برای او می خواند پس می گوید: خداوند مرا فدای شما قرار دهد ، سرت را بده تا آنرا ببوسم پس سر مبارك خود را پایین می آورد ، و ایشان را بین دو تا چشم می بوسد ، سپس می گوید: ای مولای من بیعت را با ما تجدید کن ، آنگاه دوباره با آنها بیعت می کند .^(۲) (از ابی الحسن العلیه السلام فرمودند: (انگار پرچم هایی که به رنگ سبز رنگ آمیزی شده و از طرف مصر در حال آمدن هستند را می بینم ، تا اینکه به شامات برسند پس آنها را تحویل فرزند صاحب وصیات بدهند)^(۳)

(اگر پرچم های سیاه را از طرف خراسان در حال آمدن مشاهده نمود ید حتی اگر با دست و پا روی برف خود را بکشید و به سوی آنها بشتابید زیرا خلیفه مهدی در میان آنها است).^(۴)

رسول خدا ﷺ می فرماید (در کنار گنج شما سه نفر فرزند خلیفه کشته می شوند آنگاه برای هیچ کدام از آنها میسر نخواهد شد سپس پرچم های سیاه از جانب مشرق بیرون آمده و با آنها می جنگند جنگی که هیچ قومی آنها انجام نداده سپس جوانی را یاد کرد و فرمود اگر او را دیدید با او بیعت کنید زیرا که ایشان خلیفه خدا مهدی است)^(۵)

۱ کسی که بیعت را برای امام مهدی ﷺ می گیرد.

۲ - کتاب المهدی المنتظر ع : ج ۲ حاج حسین شاکری ص ۴۳۶ .

۳ - الارشاد شیخ المفید: ج ۲ ص ۳۷۶ .

۴ - الملاحم و الفتن - سید بن طاوس الحسنى: ص ۵۲ .

۵ - بشاره الاسلام: ص ۳۰ .

حال نظر به اینکه ما درباره خلیفه مهدی و صاحب پرچم حق جستجو می کنیم و موارد غیر ایشان باطل است و از طریق این روایت متوجه شده که صاحب بیعت و یا خلیفه مهدی جوان است ، و بعد از این روایت نیازی به جستجو در مورد پرچم حق در میان صاحبان پرچم بزرگسال و پابه سن گذاشته نیست و صحبت ما فقط در مورد جوانان خواهد بود،

برای رسیدن هدف خود خدا و امام و حق را قرار دهید همانی که اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره کرده اند به شکلی جدی و خالی از هر نوع دلبستگی و بت پرستی که امروزه گردن بسیاری از افراد را لگام زده و بر افکار و عواطف آنها مسلط شده است جستجو و پژوهش کنید که امیر المومنین علیه السلام می فرمایند مردان را با حق بشناسید و حق را به واسطه مردان نشناسید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (در کنار گنج شما سه نفر کشته می شوند که همه آنها فرزندان خلیفه هستند آنگاه برای هیچ کدام از آنها میسر نمی شود سپس پرچم های سیاه از طرف مشرق بیرون می آیند... پس اگر امیر آنها را مشاهده نمودید حتی اگر با دست و پا خود را روی برف کشیده و با او بیعت کنید زیرا ایشان خلیفه خدا مهدی است)^(۱)

و از این روایت متوجه می شویم که امیر پرچم های مشرق همان مهدی صاحب بیعت است (عبد الله ، احمد ، مهدی) و چون در روایات مشهور است که امام مهدی علیه السلام در مکه قیام می کند و نه در مشرق و با علم به اینکه این موضوع نیاز به بحث مفصلی دارد شاید که در موضوع آینده در مورد این بحث اشاره خواهیم کرد و حال بعضی از روایاتی را که به بیعت پرچم های مشرق اشاره می کند را برای شما خواهم آورد ، که روایات به صورت های گوناگون آمده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (در کنار گنج شما سه نفر کشته می شوند که همه آنها فرزندان خلیفه هستند سپس برای هیچ کدام از آنها میسر نمی شود آنگاه پرچم های سیاه آمده و آنها را طوری می کشند که هیچ قومی را به این صورت نکشته، سپس خلیفه خدا مهدی

می آید اگر در مورد او شنیده اید به سوی او بشتابید و با ایشان بیعت کنید زیرا که ایشان خلیفه خدا مهدی است^(۱)

رسول خدا ﷺ فرمودند: (پرچم های سیاه از جانب مشرق می آیند انگار که قلب هایشان همانند فولاد است پس هر کس در مورد آنها بشنود حتی اگر با دست و پا خود را روی برف بکشد و به سوی آنها بشتابد و با آنها بیعت کند)^(۲)

رسول خدا ﷺ فرمودند: (قیامت بر پا نخواهد شد تا اینکه قائم حق قیام کند ، و آن هنگامی است که خداوند عز وجل به ایشان اذن و اجازه دهد ، پس هر کس از او پیروی کند نجات یافته ، و هر کس از ایشان تخلف کند به هلاکت می رسد ، الله ، الله ، بندگان خدا را ، پس به سوی او بشتابید حتی اگر با دست و پا روی برف باشد ، زیرا که ایشان خلیفه خداوند (عز وجل) مهدی و خلیفه من است)^(۳)

از خواننده محترم خواهش می کنم که توجه نمایند هدف از کلمه (قائم) همیشه مقصود امام مهدی علیه السلام نبوده، همانطور که این موضوع از طریق روایت آتی در قسمت (ب) واضح خواهد شد ، و مراد از قائم حق در روایت سابق همان قائمی که قبل از ساعت قیام می کند، و ساعت طبق روایات اهل بیت علیه السلام امام مهدی علیه السلام است .

از مفضل بن عمر گفت: از مولایم امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا برای مأمول منتظر زمان معینی وجود دارد تا اینکه مردم آنها بدانند ؟ فرمودند: خداوند از تعیین ظهورش با زمان معین که شیعه ما آنها بدانند میرا است ، گفتم: ای سید من چرا اینطور است ؟ فرمودند: زیرا که ایشان همان ساعت است که خداوند متعال در مورد آن فرمودند: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَفَّتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ**^(۴) (از تو در باره ساعت

۱ - بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۸۳ .

۲ - بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۸۴ .

۳ - دلائل الامامة الطبري: ص ۴۵۲، بحار النوار: ج ۵۱ ص ۶۵ .

۴ - اعراف: ۱۸۷ .

می پرسند که وقوع آن چه وقت است بگو علم آن تنها نزد پروردگار من است جز او هیچ کس آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند این حادثه بر آسمانها و زمین گران است و فقط بصورت ناگهانی به شما می رسد باز از تو می پرسند گویا تو از زمان وقوع آن آگاهی بگو علم آن تنها نزد خداست ولی بیشتر مردم نمی دانند) و ایشان عليه السلام همان ساعت است که خداوند متعال در مورد آن می فرماید **﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا﴾** ^(۱) (در باره ساعت از تو می پرسند که فرارسیدنش چه وقت است) و فرمودند (علم ساعت نزد او ست) و فرمودند نزد کسی دیگر است و همین طور فرمودند **﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ﴾** ^(۲) (آیا کافران جز این انتظار می برند که ساعت به ناگاه بر آنان فرا رسد و علامات آن اینک پدید آمده است پس اگر ساعت رستاخیز بر آنان دررسد دیگر کجا جای اندرزشان است) و فرمودند **﴿اقتربت الساعة وانشق القمر﴾** ^(۳) (ساعت نزدیک شد و ماه از هم شکافت)، و فرمودند **﴿وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا﴾** ^(۴) (چه می دانی شاید ساعت نزدیک باشد) و همین طور **﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾** ^(۵) (کسانی که به آن ایمان ندارند شتابزده آن را می خواهند و کسانی که ایمان آورده اند از آن هراسانند و می دانند که آن حق است بدان که آنان که در مورد ساعت تردید می ورزند قطعاً در گمراهی دور و درازی هستند) ^(۶)

و با توجه به حدیث ایشان عليه السلام : ساعت بر پا نمی شود تا اینکه قائم حق قیام کند ، و ساعت همان امام عليه السلام است .

اینکه امام مهدی عليه السلام (ساعت) قیام لشکری نخواهد کرد حتی اینکه (قائم حق به امر امام عليه السلام) و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله همانطور که فرمودند (پس ایشان خلیفه خداوند (عز و

۱ - نازعات ۴۲ .

۲ - محمد ۱۸ .

۳ - قمر: ۱ .

۴ - احزاب: ۶۳ .

۵ - شوری: ۱۸ .

۶ - بحار الانوار - علامه مجلسی: ج ۵۳ ص ۱ .

جل) و خلیفه من است) یا همان مهدی اول - اول مؤمنین - همان کسی که در وصیت ذکر شده ، به عنوان تمهیدکننده (زمینه ساز ظهور) برای امام مهدی علیه السلام قیام می کند ، و او مردی از اهل بیتش (یا از ذریه ایشان) است همانطور که در روایات آمده: همان کسی که شمشیر را به مدت ۸ ماه بر دوش خود حمل می کند

از هیم بن عبد الرحمن می گوید کسی که از علی علیه السلام شنیده با من صحبت کرد و گفت (... و قبل از ایشان مردی از اهل بیتش بوسیله اهل مشرق خروج می کند و شمشیر را به مدت ۸ ماه بر دوش خود حمل می کند ...) ^(۱)

و در مخطوطه ابن حماد (سفیانی وارد کوفه شده و به مدت سه روز آنرا غارت می کند ، و از اهل وساکنان آن شصت هزار نفر را می گشتد ، سپس به مدت هجده روز در آن می ماند . پس پرچم های سیاه آمده تا اینکه بر آب فرود می آیند ، پس اصحاب سفیانی موجود در کوفه از فرود آمدن آنها مطلع شده و فرار می کنند . پس از تاریکی کوفه قومی خارج می شوند که بجز تعداد اندکی از آنها مابقی سلاحی همراه ندارند ، در میان آنها مردی از اهل بصره است . انگاه به یاران سفیانی می رسند پس آنچه را که از کوفه غارت کرده بودند را از دست آنها نجات داده . انگاه پرچم های مشکی جهت بیعت به سوی مهدی فرستاده می شود) ^(۲)

از جابر از ابی جعفر علیه السلام فرمودند: (پرچم های مشکی که از جانب خراسان می آیند در کوفه مستقر می شوند پس اگر مهدی در مکه ظهور کرد جهت بیعت به سوی مهدی فرستاده می شوند) ^(۳)

۱ - الملاحم والفتن - السید بن طاووس: ص ۶۶ .

۲ - عصر الظهور - الشیخ اکورانی: ص ۱۲۵ .

۳ - کتاب الفتن - نعیم ابن حماد المروزی: ص ۱۹۸ .

از ابی جعفر علیه السلام فرمودند (... سپس ایشان به همراه سیصد و اندی نفر که با ایشان بین رکن و مقام بیعت نموده از مکه خارج شده و همراه ایشان عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و پرچم و سلاحش را دارد) ^(۱)

از امیر امومنین علیه السلام (مردی از پشت نهر) (رودخانه) که به او حارث بن حراث گویند و بر مقدمه آنها مردی با لقب منصور بیرون می آید ، همانطور که قریش برای رسول خدا صلی الله علیه و آله تمکین نموده اند ، برای آل محمد تمکین می کند یاری ایشان بر هر مؤمنی واجب است ، و یا فرمودند اطاعت و پیروی از ایشان واجب است) ^{(۲)(۳)}

فرمایش ایشان علیه السلام در اینجا واضح است که یاری و پیروی از او بر هر مومنی واجب شده ، و حتی اگر با دست و پا خود را روی برف بکشید و به سوی او بشتابید ، و همه موارد با صیغه امر و یاری آمده است .

ابی جعفر علیه السلام به من فرمودند ای ابا الجارود اگر فلک چرخید ^(۴) و گفته شود که مرده و یا به هلاکت رسیده و یا در صحرایی سلوک کرده پس طالب او بگویند چه زمانی اتفاق خواهد افتاد در حالی که استخوان هایش فرسوده شده پس در آن هنگام او را بخواهید و اگر در مورد او شنیده اید به سوی او بشتابید حتی اگر با دست و پا خود را روی برف بکشید) ^(۵)

علامات های متفاوت بین اوصاف امام مهدی علیه السلام و مهدی اول

قبل از اینکه به سوی موضوع صفات برویم لازم که بدانیم که روایت هایی که (قائم) را ذکر می کند به شخص امام مهدی علیه السلام محصور نیست ، همانطور که در روایت اخیر

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۲۳ .
 ۲ و همین طور شیخ علی کورانی یاد کرد: مفردات: پشت رود (وراء النهر): به آنچه بعد از نهر جیحون از جمله سمرقند و بخاری و غیره گفته می شود ، و در اینجا مراد از ماوراء نهر دجله و فرات است . و اسم حارث بن حراث: ممکن معنی اسم ایشان به عربی بوده و یا ممکن تعبیری از حرفه اش باشد همانند کار شخم زن زمین .
 ۳ - معجم احادیث امام المهدی ع - الکورانی: ج ۱ ص ۳۹۴ .
 ۴ همانطور که در بحث صفحه ۳۷ آمده برگشت زمانه (استدارة الفلک) همان اختلاف شیعه با هم دیگر است
 ۵ - غیبت نعمانی: ص ۱۵۴ .

آمده گاهی مقصود آن امام مهدی علیه السلام و گاهی دیگر مقصود آن شخصی است که قائم به امر امام علیه السلام است و برای وی قیام می کند:

از ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام : (امیر المومنین علیه السلام در مواردی بحث نمود که قبل از قیام قائم اتفاق می افتد ، پس حسین علیه السلام فرمودند: ای امیر المومنین ، چه زمانی خداوند زمین را از ظالمین مطهر و پاک می کند ، امیر المومنین علیه السلام فرمودند: ...: اگر قائمی در خراسان قیام کرد و بر سرزمین کوفان و ملتان غلبه کرد و از جزیره بنی کاوان گذشت ، و از ما قائمی در جیلان قیام نموده و بر و دیلمان از او پیروی کردند ... سپس قائم مأمول ، و امام مجهول قیام می کند، ای حسین برای ایشان شرف و فضل است او از فرزندان شما و هیچ فرزندی همانند او نیست، در بین رکنین در دربین بالیین ظهور می کند ، ...^(۱)

و نیز روایاتی که اوصاف (مهدی) را ذکر می کند ، محصور به امام مهدی علیه السلام نیست پس گاهی مراد از آن امام علیه السلام و گاهی دیگر هدف آن مهدی اول ، یا اول مهدیین اثنی عشری، همانطور که در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است ، و چونکه اولین آنها معاصر امام مهدی علیه السلام بلکه اول مؤمنین به ایشان و به قیامش است و او تمهیدکننده (زمینه ساز) اصلی برای ایشان علیهم السلام است . چیزی که باعث تناقض بعضی از پژوهش گران در مورد اوصاف امام مهدی علیه السلام شده ؛ روایتهای هستند که یکبار او را با چهره ای گندمگون ، و بار دیگر با چهره ای سفید مایل به قرمز ، و روایتی دیگر ایشان دارای صورتی سفید مایل به قرمز ، ذکر می کند که ابرو هایش به هم متصل است ، و روایتی دیگر یاد می کند که ایشان دارای ابروهای جدا از هم است، روایت یک بار می گوید که ابروهایش پیوندی و درجای دیگر باهم فاصله دارند هر کس که دلایل بیشتری در این خصوص بخواند به کتاب (ایقاظ النائم لا استقبال القائم) مراجعه نماید .

و در اینجا بعضی از روایاتی که اوصاف قائم و یا مهدی و یا صاحب این امر را ذکر نموده را وارد خواهیم کرد ، در حالی که امکان انحصار همه آنها برای شخص واحدی وجود

ندارد ، و آنهم به خاطر اینکه بعضی از آنها به طور کامل با اوصاف یاد شده برای امام علیه السلام متناقض است ، به طور مثال ایشان علیه السلام دارای چهره سفید مایل به قرمز و همین طور دارای ابروهای پیوندی و دارای چشم های سیاه و در گونه سمت راستش خال است و... و... و همان چیزهایی که از طریق داستانهای ملاقات ها همانند دیدار علی ابن مهزیار و غیره که در میان شیعه معروف است

علی ابن مهزیار از ملاقات با امام مهدی علیه السلام می گوید (و... در حالی که ایشان همانند شاخه بان (شاخه سفید نوعی درخت آدامس دارویی) یا شاخه ریحان ، بخشنده و با سخاوت و تقی نقی است ، بلند قد نبوده و خیلی کوتاه قد نیست ، بلکه دارای قامتی (بالغت عامیانه چارشانه است) ، و سری دایره شکل دارد، و پیشانی گشاده ، و دارای ابروهای پیوندی و بینی بلند و گونه های صاف و ساده که برگونه سمت راست ایشان خالی همانند خورده ریزه مسک بر شکسته و خورده ریزه های عنبر است)^(۱)

توصیف امام صادق علیه السلام با این اوصاف متناقض است فرمودند که ایشان دارای ابروهای جدا از هم و غیر متصل ، و در چهره اش اثری است و اسمی از خال نیاورد ، پس حتما این اوصاف برای غیر از امام مهدی علیه السلام است و حال روایت بعدی را برایت می آورم:

از حران ابن اعین گفت به ابی جعفر الباقر علیه السلام گفتم فدایت شوم من وارد مدینه شده ام و در حالی که در کیسه کمری من ۱۰۰۰ دینار است و با خدا عهد بستم که اگر جواب آنچه را که می خواهم از شما بگیرم آنرا جلوی در منزل شما بصورت دیناری بعد از دینار دیگر انفاق کنم امام فرمودند ای حران دینار هایت را انفاق مکن و سوال کن تا جوابت را بگیری ' شما را به نزدیکیان به رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال می کنم که آیا شما صاحب امر و قائم به آن هستید فرمودند خیر گفتم پدر و مادرم فدایت شوند پس او چه کسی است؟ فرمودند همان کسی که دارای چهره ای سبزه مایل به قرمز دارای چشمانی کوچک و

ابرو های جدا از هم و کتف های پهن و در سرش سبوسه است و در چهره اش اثری است رحمت خدا بر موسی باد^(۱) (و منظور از سبوسه سر همان شوره سر است)^(۲)

از حمران بن اعین گفت از ابا جعفر علیه السلام سوال کردم آیا شما قائم هستید فرمودند از روزی که از نسل رسول خدا به دنیا آمده ام به خونخواهی پرداخته ام و خداوند آنچه را که بخواهد انجام می دهد . دوباره از ایشان پرسیدم فرمودند منظور شما را می دانم صاحب شما همانی که دارای شکم صاف و در سرش سبوسه فرزند شجاعان رحمت خداوند برفلانی باد^(۳)

از ابی بصیر گفت ابو جعفر علیه السلام فرمودند: شک از ابن عصام است ای ابا محمد در قائم دو علامت است یکی وجود خال در سر او و دیگری وجود شوره یا سبوسه در سرش است و خالی در بین کتف هایش از طرف سمت چپ زیرکتف چپش و برگی همانند برگ یاس است^(۴)

از یحیی بن فضل نوفلی گفت: بر ابی الحسن موسی ابن جعفر در بغداد هنگامی که نماز عصر را تمام کردند وارد شدم هنگامی که دستانش را به سمت آسمان بالا برده بود شنیده ام که می فرماید: شما خداوندی هستی که هیچ خدایی جز شما وجود ندارد اول و آخر و ظاهر و باطن هستی، ، از شما می خواهم که بر محمد وال محمد درود بفرستی ، و فرج انتقام گیرنده شما از دشمنانت را تعجیل فرمایی ، و آنچه را که وعده دادی برای او مهیا کنی ای صاحب جلال و اکرام . گفت: به ایشان گفتم: برای چه کسی دعا می کنی ؟ فرمود مهدی از آل محمد علیهم السلام . سپس فرمودند: به پدرم قسم که او صاحب شکم صاف ، و صاحب ابروهای جدا از هم ، صاحب ساق های باریک ، و دارای پهنای زیاد بین دو کتف ، و صاحب چهره ای گندمگون و سبزه و زردی چهره از بی خوابی شب است ، به

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۱۵ .
۲ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۰ .
۳ - غیبت نعمانی: ص ۲۱۶ .
۴ - غیبت نعمانی: ص ۲۱۶ .

پدرم قسم که همه شب خود را در حال رکوع وسجود بوده و از ستارگان نگهبانی می کند (...)^(۱)

در حدیثی طولانی از سعد بن عباس قمی آمده که امام مهدی علیه السلام را در کودکی دیده است ، گفت: (... چهره اش خیلی شبیه مولای ما ابی محمد علیه السلام بود هنگامی که از نورچهره اش پرده برداشته ایم چیزی جز شبیه ماه بدر شب ۱۴ ندیده ام ، و بر ران راست ایشان کودکی که در خلقت ومنظرش همانند مشتری فرق سرش نمایان و موی سر ایشان را به دو قسمت تقسیم نموده است (...)^(۲)

از امیر المومنین علیه السلام فرمودند: اگر خروج نمیکند گردنش را می زد م ، با خروج او اهل آسمان ها و ساکنانش خوشحال می شوند ، و مرد خوشرویی که موی دو طرف پیشانی روشن است ، دارای بینی بلند و شکم فرجه وچاق ، میان دو ران او فاصله ، در میان دندان های پیشین او فاصله است و زمین را پر از عدل می کند همانطور که پر از ظلم و جور شده است)^(۳)

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: (اگر قائم ال محمد علیه السلام قیام کند بین مردم با حکم داود که به هیچ بینه ای نیاز نداشته حکومت می کند ، خداوند انرا به ایشان الهام می بخشد پس با علم او حکم می کند و هر قومی را به آنچه که مخفی کردند با خبر می کند ، و یار و دشمن خود را با توسم می شناسد ، خداوند سبحان و متعال می فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَإِنَّهَا لَبَسِيلٌ مُّقِيمٌ﴾^(۴) (به یقین در این توسم برای هوشیاران عبرت‌هاست * و آثار آن هنوز برجاست)^(۵)

از امیر المؤمنین علیه السلام هنگامی که از جواب به سؤال عمر در مورد اسم قائم امتناع ورزیدند... گفت: پس در مورد صفاتش به من بگو ؟ . فرمودند او جوانی میانه اندام ،

۱ - بحار الانوار - العلامة المجلسی: ج ۸۳ ص ۸۱ .

۲ - کمال الدین وتمام النعمه - الشيخ الصدوق: ص ۴۵۷ .

۳ - غیبت نعمانی: ص ۲۱۵ .

۴ - حجر: ۷۶ .

۵ - الارشاد - الشيخ المفید: ج ۲ ص ۳۸۶ .

زیبا چهره ، دارای موی سر قشنگ ، موی سرش بر کتف های او روان است ، و نور چهره اش برسیاهی ریش و سرش بالا تر می رود ، به پدرم قسم که او فرزند بهترین زنان است^(۱)

در روایت اخیر مهدی سفید چهره مایل به قرمز است: پس این سبز چهره ذکر شده در روایات سابق کیست

از ابی جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام ، از پدرش ، از پدر بزرگش علیهم السلام فرمود: امیر المومنین علیه السلام - در حالی که بر منبر نشسته بود - فرمودند: مردی از فرزندان من در آخر زمان خروج می کند سفید چهره ، مایل به قرمز ، دارای شکم صاف و ران های بزرگ ، مردی چست و چالاک و دارای شانه های چالاک در پشت او دو خال وجود دارد: خالی همانند رنگ پوستش و خالی شبیه خال پیامبر صلی الله علیه و آله است ، برای او دو تا اسم وجود دارد اسمی که مخفی می ماند و اسمی دیگر اعلام می گردد و اما آنکه مخفی می ماند احمد و آنکه اعلام می شود محمد است ...^(۲)

حال می گویم: فقط اسم و خود شخص نبوده است ، و قول ایشان علیه السلام : اسمی اعلام می شود یا همان اسم امام محمد بن حسن عسکری علیه السلام نامی که برای همه معلوم و اهل بیت به آن اشاره نموده و آن را مخفی نکرده اند ، و اما اسم مخفی ، اسمی که در اول ظهورش با آن ظاهر می شود ، یا اینکه امام در اول امر ظهور با وصیش ظاهر می شود ، و او احمد همانطور که در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است ، (او اول مؤمنین است)، احمد فرزند امام مهدی علیه السلام است و با علم به اینکه اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده اند که اگر امر ما با مرد یا با فرزندش ظاهر شد امکان انکار آن وجود ندارد.

از ابی بصیر از امام ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: خداوند به عمران وحی نمود که من به شما فرزندی مبارک عطاء مینمایم که بیماری های پیسی و جزام را شفاء می دهد و به اذن خدا مردگان را زنده می کند و او را به عنوان پیامبری برای بنی اسرائیل قرار میدهم

۱ - غیبت طوسی: ص ۴۷۰ .

۲ - کمال الدین و تمام النعمه : ص ۶۵۳ .

پس عمران همسر خود حنا مادر مریم را در جریان قرار داد و هنگامی که بار دار شد پیش خود فکر می کرد که حملش پسر است (اما هنگامی که وضع حمل نمود گفت خداوند من دختری را به دنیا آورده ام ... و مذکر همانند مونث نیست) ^(۱) یا اینکه دختر نمی تواند رسول باشد خداوند عز و جل می فرماید (خداوند به آنچه را که وضع حمل نمود دانا تر است) هنگامی که خداوند عیسی را به مریم عطاء نمود همان کسی بود که عمران بشارت و وعده اش را داده است . پس اگر گفتیم که چیزی در مردی از ما وجود دارد پس در فرزندش و یا فرزند فرزندش اتفاق افتاد انرا انکار نکنید. ^(۲)

محمد ابن اسماعیل ، از فضل بن شاذان ، از حماد بن عیسی ، از ابراهیم ابن عمر الیمانی ، از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: اگر در مورد مردی صحبتی کردیم ، پس در او اتفاق نیفتاد و در فرزندش و یا در فرزند فرزندش اتفاق افتاد او را انکار نکنید ، چونکه خداوند متعال آنچه را که می خواهد انجام می دهد ^(۳)

از معلی بن محمد ، از وشاء از احمد بن عائذ از ابی خدیجه گفت: شنیده ام که ابا عبد الله علیه السلام می فرماید: مرد با عدل و یا جور قیام خواهد کرد و به او نسبت داده شود و در حالی که خود با آن قیام نکند ، و توسط فرزند و یا فرزند فرزند بعد از او باشد ، آنگاه او همان خواهد بود ^(۴)

اهل بیت علیهم السلام امام مهدی علیه السلام را در دعا و در روایات خود با اسم و لقب توصیف کرده اند .

مفضل گفت ای مولای من ابتدای ظهور مهدی علیه السلام و نحوه تسلیم برای ایشان چگونه است ؟ امام علیه السلام فرمودند: ای مفضل با شبهه ظاهر می شود تا اینکه امرش مشخص شود ، پس ذکرش بالا رفته ، و امرش ظاهر می شود، و با اسم و لقب و نسب ایشان صدا می کنند که این حالت بر زبان اهل حق و اهل باطل و موافقان و

۱ - ال عمران: ۳۶.

۲ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۲۰ ، کافی ج ۱ ص ۵۳۵ .

۳ - کافی: ج ۱ ص ۵۳۵ .

۴ - کافی: ج ۱ ص ۵۳۵ .

مخالفان زیاد می شود تا اینکه شناخت ایشان بر همه حجت شود؛ بر این اساس که ما در مورد او صحبت کرده و او را نشان دادیم ، و اصل ونسب واسم ولقبش را مشخص نمودیم و گفتیم که اسمش همانند اسم رسول خدا ﷺ است ، تا اینکه مردم نگویند: اسم لقب واصل ونسبی را برای او نشناخته ایم . به خداوند قسم که شناخت ایشان با اسم ولقب واصل ونسب بر زبان آنها خواهد افتاد ، تا اینکه اسمش را برای همدیگر بگویند ، و همه این اتفاقات نیز برای لزوم حجت بر آنهاست ، آنگاه خداوند او را ظاهر خواهد کرد همانطور که وعده جدش ﷺ را در قوله تعالی داده بود ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۱) (او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند)^(۲)

همانطور که روایات دیگری اشاره کرده مهدی به اسم و لقب نام نهاده نمی شود بلکه حتی تحریم شده و تسمیه او حلال نیست . از عبد العظیم بن عبد الله حسنی ، گفت: به محمد بن علی ابن موسی العکلی گفت: از شما خواهش دارم که اگر شما قائم اهل بیت محمد ﷺ همان کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند همانطور که پر از ظلم و ستم شده باشید مرا مطلع کنید . پس علیه السلام فرمودند: ای ابا القاسم کسی از ما نبوده مگر اینکه قائم به امر خدا و هدایت کننده به سوی دین خدا باشد ، ولیکن قائمی که خداوند به واسطه او زمین را از اهل کفر ونا سپاس پاک و مطهر و آنرا پر از عدل و داد می کند همان کسی است که ولادتش بر مردم مخفی مانده او را از آنها غایب می کند و اسم نهادن بر ایشان را بر مردم تحریم می کند ، و او توسط رسول خدا ﷺ اسم گذاری و بر او لقب نهاده شده همان کسی که زمین در مقابلش به تعظیم می افتد و هر مشکلی در مقابل ایشان زانو می زند ، سیصد و سیزده مرد از یاران او به تعداد اهل بدر از دور ترین نقاط زمین بر ایشان جمع می شوند ، و آن قول خداوند عز وجل ﴿أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^(۳) (هر کجا که باشید خداوند همگی شما را به سوی خود باز

۱ - توبه: ۳۳.

۲ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۳.

۳ - بقره: ۱۴۸.

می آورد در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست). پس اگر این عدد اهل اخلاص بر او جمع شده ، و عدد (تعداد ۱۰ هزار نفر) کامل گردد امر ایشان ظاهر خواهد شد و به اذن خداوند متعال خروج می کند ، پس همچنان دشمنان خدا را می کشد تا اینکه خداوند متعال راضی شود).^(۱)

از محمد بن الازدی روایت است که گفت: از سیدم موسی ابن جعفر علیه السلام در مورد قول خداوند عز وجل پرسیدم ﴿أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^(۲) (و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است) فرمودند: نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطنه امام غایب است آنگاه به ایشان گفتم: در میان ائمه کسی هست که غیبت کند؟ فرمودند: بله ، شخص ایشان از نظر مردم غایب ولی ذکرش از قلوب مؤمنین غایب نمی شود ، و ایشان دوازدهم از ماست که خداوند هر مشکلی را برای او آسان می سازد و هر دشواری را برای او ساده کرده و گنج های زمین را برای او ظاهر و هر دوری را برای او نزدیک می کند و به واسطه او هر جبار معاندی و مخالف را از بین می برد ، و بدست او هر شیطان مرید رابه هلاکت می رسد ، او فرزند سیده زنان است که ولادتش بر مردم مخفی و نامگذاریش جایز نیست تا اینکه خداوند عز وجل او را ظاهر کند آنگاه به واسطه او زمین را پر از عدل و داد می کند همانطور که پر از ظلم و جور شد).^(۳)

از جابر الجعفی گفت: شنیدم که ابا جعفر علیه السلام می فرماید: (عمر بن خطاب از امیر المومنین علیه السلام پرسید و گفت: در مورد مهدی خبرم کن که اسمش چیست ؟ فرمودند: و اما در مورد اسمش حبیب علیه السلام از من عهد گرفت تا در مورد نام ایشان صحبت نکنم تا اینکه خداوند او را مبعوث کند ...).^(۴)

از ابی جعفر علیه السلام در حدیثی فرمودند (و بر مردی از فرزندان حسن شهادت می دهم نه بر او اسم گذاشته و نه لقبی بر او نهاده می شود تا اینکه امرش ظاهر شده پس

۱ - کفایه الاثر - الخراز القمی: ص ۲۸۱ .

۲ - لقمان: ۲۰ .

۳ - بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۱۵۰ .

۴ - الارشاد: ج ۲ ص ۳۸۲ .

آنها پر از عدل می کند همانطور که پر از جور شده است ، او قائم به امر حسن بن علی (علیه السلام) است.^(۱)

و کسی تصور نکند که در کلام آنها (علیه السلام) تناقض وجود دارد بلکه روایات در مورد دو شخصیت امام مهدی (علیه السلام) و مهدی اول صحبت می کند ، پس کسی که توصیف و نام گذاری ولقب بر او نهاده شده و ذکرش بر زبان مردم زیاد گشته است همان محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) صاحب اسم اعلان شده ، و اما کسی که اهل بیت با قول خود او را یاد کرده و نامگذاری ایشان تا زمان ظهورش جایز نیست و یا تا اینکه خداوند او را مبعوث کند و او صاحب اسمی که مخفی می شود و او احمد فرزند امام مهدی (علیه السلام) است و در اینجا مشخص می شود که در کلام اهل بیت هیچ تناقضی وجود ندارد و از قولش (علیه السلام) واضح است پس اگر در مورد مردی از ما چیزی گفتیم انگاه در فرزند و یا فرزند فرزندش اتفاق افتاد آنها انکار نکنید .

از ابی حمزه گفت بر ابی عبد الله (علیه السلام) وارد شده و به ایشان گفتم شما صاحب این امر هستید فرمودند خیر گفتم فرزند شما فرمودند: خیر گفتم فرزند فرزندت خواهد بود فرمودند خیر گفتم پس فرزند فرزند فرزندت خواهد بود فرمودند خیر گفتم پس ایشان چه کسی است فرمودند همان کسی که آنها پر از عدل و داد می کند پس از اینکه پر از ظلم و جور شد و بعد از گذشت مدت زمانی بعد از ائمه می آید همانطور که پیامبر بعد از گذشت مدت زمانی بعد از فرستاده گان مبعوث شدند^(۲) و یا اینکه قائم هنگامی می آید که بین ایشان و ائمه (علیهم السلام) مدت زمان انقطاع قرار می گیرد ، همانطور که بین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بین فرستادگان مدت انقطاع وجود داشت ، و این امر در امام مهدی (علیه السلام) نخواهد بود زیرا که ایشان (علیه السلام) امر امامت را بطور مستقیم بعد از امام حسن عسکری (علیه السلام) تحویل گرفت در حالی که هیچ مدت زمان انقطاعی بین آنها نبوده و ایشان از آن زمان بر اهل زمین حجت بوده ، و در بسیاری از امور شیعه و احياناً حتی در تصحیح فتوای

۱ - القواعد الفقهیه : ج ۱ ص ۴۹۶ .

۲ - غیبت نعمانی : ص ۱۸۷ .

علماء دخالت می کند ، و ایشان حجت بر اهل زمین است ، و زمین از حجت خالی نمی ماند و اگر خالی ماند با اهلش از بین خواهد رفت ،

آیا مدت زمان انقطاع رسول خدا ﷺ به این شکل بوده است ؟ خیر بلکه در مورد ایشان بعثتش به امتهای وعده داده شده بود سپس به دنیا آمد و به خاطر ایشان ﷺ دچار اختلاف شدند .

و قائمی که بعد از مدت زمانی میان او و ائمه می آید مهدی اول است ، پس امت بین اقرارکننده به مهدیین و انکارکننده آنها دچار اختلاف میشوند .

و از ابی جعفر باقر علیه السلام می فرمایند: (در صاحب این امر شباهتی از یوسف وجود دارد فرزند مادری سیاه پوست است خداوند امرش را در یک شب مهیا می کند)^(۱)

همه روایات در مورد مادر امام مهدی علیه السلام سیده نرجس علیها السلام متفق القول به اینکه رومی و دختر قیصر روم از ذریه شمعون الصفا وصی عیسی علیه السلام و سفید پوست است ، و صاحب امر فرزند مادری سیاه پوست و خود امام مهدی علیه السلام نیست ، بلکه آنچه در روایت است موافق صفات مهدی اول هستند ایشان دارای صورتی گندمگون بوده و همینطور که شباهت ایشان با یوسف علیه السلام در زندانی شدن مهدی اول است ، و در حالی که امام مهدی علیه السلام زندان نمی شود طوری که در روایت بصورت صریح در مورد مهدی اول صحبت می کند و لازم دیدیم که از این مرد سبزه چهره یا سیاه چهره که در روایت آمده یادی بکنیم همان طور در نبوت (پیش بینی) نوستر اداموس آمده است و ایشان در آن به عنوان مرد سیاه پوست و وصی یا سبزچهره ای که امریکا را از اشغال عراق پشتیبان می کند آمده است و این هم واقعه ذکر شده .

[اخیراً] دست او در جایی که الالوس (وصی) خوخواه بود پیدا شده ، از حمایت خود در دریا عاجز خواهد بود ، دست عسکری (قوای نظامی) اودر بین النهرین به لرزه در خواهد آمد ، آنگاه شخص سیاه چهره خشمگین او را از کارش پشیمان می کند ^(۱)

یمانی بین لغت و شخصیت

برای اینکه از طریق کتب لغت و حدیث هدف از کلمه یمانی برای ما مشخص شود، که آیا منظور از آن کشور یمن و یا یمن و راست بودن و یا قدرت و یا چه چیز دیگری است ، و آیا محدود به اهل یمن امروزی و یا اینکه یمانیه دیگر و در سرزمین های دیگر از طریق انتساب آنها به وطن و کشور زادگاه اصلی است .

در کتاب مجمع البحرین ص ۵۸۲ آمده است .

(یمن قول تعالی: ﴿ضَرْبًا بِالْيَمِينِ﴾ ^(۲) (با دست راست آنها زد) یا با دست راستش ، و گفته شد که استعاره از قدرت و زور بازو است. و قول تعالی ﴿تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ﴾ ^(۳): (از در راستی به سوی ما می آید) گفته می شود که این استعاره از خیر و برکت است ، و معنی آن (به نام دین به سوی ما آمده و گمراهی را برای ما مزین می کنید ، پس هرچه ما را از دین و حق گمراه می کند را نشان ما می دهید). و گفته می شود که استعاره برای زور و قدرت است ، زیرا که یمن به قدرت توصیف شده ، و ضربه زدن توسط آن اتفاق می افتد . قول تعالی ﴿لَا خَذَنَّا مِنْهُ بِالْيَمِينِ﴾ ^(۴) (دست راستش را سخت از او می گرفتیم) گفته می شود یا با قدرت و زور ، و یا دست راستش را گرفتیم و او را از تصرفش منع کردیم ... و یمن: قسم ، جمع راست و ایمان ، گفته می شود که به این خاطر به این نام خوانده می شود که آنها اگر قسم خورده اند دست راست همدیگر را می زدند . و گفته می شود که از یمن گرفته شده یعنی قدرت است ، زیرا که شخص بر فعلی چیره شود که با آن

۱ - تنبوءات نوستر اداموس ، قرن ششم - نبوت سی وسوم .

۲ - صافات ۹۳ .

۳ - صافات: ۲۸ .

۴ - حاقه ۴۵ .

قسم می خورد ، و ترک چیزی که برای ترک آن قسم می خورد . و همین طور گفته می شود که از ایمن گرفته شده بمعنی خیر وبرکت است ، و برای بدست آوردن تبرک به ذکر خداست ، ... و در حدیثی که آمده (حجر یمین خداست ، با آن دست هر کدام از بندگان را که بخواهد فشار می دهد) گفته می شود: این تمثیل و تشبیه است ، و در اصل ملک (دنیا) اگر قبل از این مرد مصافح (بیعت گیرنده) بیعت بگیرد حجر به منزله دست راست دنیا خواهد بود در صورتی که صورتش پوشیده است پس به یمین تشبیه شد) و در این معنی آمده است (یمین دست راست) به قدرت توصیف شده است ، و انتقام به واسطه آن صورت می گیرد . و قول تعالی ﴿لَا خِذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ﴾^(۱) (دست راستش را سخت از او می گرفتیم) گفته می شود یا با زور و قدرت) و شاید به این خاطر به او اختصاص یافته که در قول تعالی میثاق گرفته شده از بنی آدم (آیا من پروردگار شما نیستم گفتند بله) - در مورد آنچه نقل شد - خداوند آنرا در حجر قرار داد ، و مردم را به عهد و پیمان بستن با ایشان امر نمود . و لذا در دعا نزد او آمده ، امانتم را اداء کردم ، و به میثاق و عهد خود وفا کردم ، پس در روز قیامت در مورد وفای به عهد من شهادت ده . و یمین: یمین انسان (دست راست) و غیره است . و یمنه: یعنی خلاف چپ است .

و نیز یمن: سرزمین های عرب است و یمن از کشور های جزیره عربیه است که بین دریای احمر (سرخ) و مملکت عربستان سعودی و عدن واقع است . که بعضی از جزایر در دریای احمر به آن ملحق می شوند . ساکنان آن بین ۴ تا ۵ میلیون نفر است ، سرزمین آن ساحل تهامه است . که کوههای یمن و انجاده (سرزمین های عرب بین شام و عراق و یمن و تهامه) حاصلخیز و پر آب و بر آن اشرافیت کامل دارند . و همین طور در قدیم یمن به سرزمین های عرب سعادتمند نام نهاده شده است . و پایتخت آن (صنعاء) است ، و منسوب به آن یمنی است ، و یمن مخفف است ، و الف به جای یاء نسبت آمده ، و با هم جمع نمی شوند . و بعضی از آنها به نقل از سیبویه با تشدید ، یمانی می گویند .

و در حدیث (ایمان یمن و حکمت یمانیه است در اینجا منظور از یمن و یمانیه مکه و مدینه است) گفته می شود که شاید به این خاطر گفته شد که ایمان از (مکه) شروع شده

و (مکه) از تهامه^(۱) است و (تهامه) از سرزمین (یمن) است و به همین خاطر است که گفته می شود (کعبه یمانی).

گفته می شود ایشان هنگامی که در تبوک تشریف داشتند این حدیث را بیان نموده ، و مکه و مدینه بین ایشان و یمن قرار داشت پس به سمت یمن اشاره نموده اند ، و منظور ایشان مکه و مدینه است ، و گفته می شود که ایشان به این دلیل این موضوع را بیان نمودند که: یارانش یمانی هستند ، و در حالی که آنها ایمان و مؤمنین را یاری رسانده و به آنها پناه داده اند و به همین خاطر است که ایمان را به آنها نسبت داده اند . و یمن : یعنی برکت است . فلانی برکت را برای قوم خود به ارمغان آورده پس او میمون و با برکت است: پس در میان آنها به فرد با برکت شناخته شد . تیمنت به: به واسطه آن به برکت و خیر رسیده ام ، و در خبر آمده است که رسول خدا ﷺ تیمن را خیلی دوست می داشتند ، و تیمن در لغت به ، تبرک به چیزی مشهور است ، من الیمن: به معنی برکت . که در اینجا به منظور شروع با برکت آمده است ...

و مکه از تهامه است و تهامه از سرزمین یمن بوده و همین طور ساکنان مکه نیز یمانی هستند و در حالی که رسول خدا ساکن مکه بوده و همانطور که در حدیث زیر آمده است ایشان نیز یمانی هستند.

از سلیم بن قیس هلالی گفت: پس از اینکه از جنگ صفین همراه امیر امومنین علیه السلام بر می گشتیم کنار دیر نصرانی (عبادتگاه مسیحیان) پیاده شده ایم پس پیرمردی... از نسل حواریون عیسی علیه السلام فرزند مریم علیه السلام از آنجا بیرون آمد... گفت: املای عیسی ابن مریم و خط پدرمان را دارم ... خداوند عز و جل مردی را از عرب از فرزندان اسماعیل فرزند ابراهیم خلیل خدا از سرزمینی به نام تهامه و از روستایی که به آن مکه گفته می شود به نام احمد را مبعوث خواهد کرد دارای دوازده اسم است پس بعثت و محل تولد و

۱ تهامه - با حرف ت مکسور - : سرزمین هایی سهل ساحلی باریک که امتداد آن شمال از شبه جزیره (سینا) و جنوب تا اطراف یمن است و در آن شهر های (نجران) و (مکه) و (جده) و (صنعاء) و تبوک: شهری در مسیر حج از دمشق تا مدینه . که به عزوه عظیم که رسول خدا برای سر نهادن اعراب شمال در آن قیام نمودند ، مشهور شده که در شمال مکه و مدینه واقع است). مجمع البحرین ج ۴ ص ۵۸۱ . مجمع البحرین ج ۴ ص ۵۸۱ .

مهاجرت ایشان ﷺ را ذکر نمود و کسانی که با ایشان جنگ می کنند و کسانی که ایشان را یاری می دهند و کسی که با ایشان دشمنی می کنند و نحوه زندگی ایشان و آنچه را که امتش بعد از ایشان مواجه خواهد شد تا اینکه عیسی فرزند مریم از آسمان نزول کند و در این کتاب سیزده نفر مرد از فرزندان اسماعیل فرزند ابراهیم خلیل خدا و از بهترین خلق خدا و از محبوبترین خلق خدا به اوست و خداوند ولی کسی که ولی آنهاست و دشمن کسانی که با آنها دشمنی می کنند^(۱)

و این بیت شعر را به امیر المؤمنین نسبت می دهند:

من جوان قریشی امین هستم جوانمرد هویدا که همانند شیر می گرد

بزرگان قوم یمن را راضی می کند از ساکنان نجد و از اهل عدن هستم

و این امر واضح نیاز به توضیح نداشته و نجد و عدن از یمن هستند .

از رسول خدا ﷺ در مدح یمن آمده: ایمان یمانی و حکمت یمانی است و اگر هجرت نبود مردی از اهل یمن بوده ام. و در حدیثی دیگر فرمودند: بهترین مردان از اهل یمن هستند ، و ایمان یمان و من یمانی هستم ، و بیشترین کسانی که وارد بهشت می شوند از قبایل مذحج است .

توضیح: شاید به این خاطر فرمودند که ایمان از مکه شروع شده و آن از تهامه و تهامه از سرزمین های یمن است و به همین خاطر گفته می شود: کعبه یمانی است . جوهری گفت یمن سرزمین های عرب است ، و نسبت دادن به آن یمنی است ، و یمان مخفف بوده و الف به جای یاء نسب بوده و به همین خاطر با هم نمی آیند . سیبویه و بعضی ها می گویند: یمانی همراه تشدید است .

حال می گویم: فیروز آبادی حین صحبت خود گفت: بیشترین سعی در اطاعت خداوند از جانب اهل یمن است: مراد و هدف آن است که از اهل مدینه بدست آمد ، و در حالی که آنها یمانی بوده و از یاری و اسکان دهندگان هستند.^(۱)

(و ابو عبد الله ، حذیفه بن الیمان ، و اسم الیمان: حسل ، یا حسیل و شاید به یمان نامگذاری شده به خاطر اینکه: مجروح و خونی شده پس به مدینه فرار کرده و با بنی عبد الاشهل پیمان بست ، آنگاه قومش او را یمان نامیده اند به خاطر اینکه او با یمانی ها عهد بست)^(۲)

همانطور که واضح است او به سوی مدینه فرار کرده و به سوی یمن نرفته است و بعضی از روایات تاکید کرده اند که کعبه به قبله یمانی معروف و در بعضی از روایات کعبه یمانی است حال بعضی از این روایات را برای شما می آورم :

در کتاب مناقب آل ابی طالب - ابن شهر اشوب ج ۱ ص ۱۳۳ از دعایی طولانی که فقط موضوع مربوط به بحث مان را از آن می گیریم (...سرور خلق در روز حساب همان صاحب ترکه آهن عجیب ، و درگاه وسیع ، و رأی صواب ، همانی که بر دور و نزدیک مهربان محمد حبیب است . صاحب قبله یمانی ، و ملت حنیف ، و شریعت مرضیه ، و امت مهدیه و عترت حسنیه و حسینییه است . صاحب دین و اسلام، و بیت است...) .

در بحار النوار - علامه مجلسی ج ۱۵ ص ۳۱۰ در دعای ابی طالب قبل از ولادت رسول خدا ﷺ آمده (... به حق خداوند حرم ، و وزنده نسیمها به شما می گویم ، من می دانم که پس از مدت کوتاهی کسی که در تورات و انجیل توصیف و به فضل و کرم موصوف شده ظهور خواهد کرد ، همانی که در عصر خود همانند ندارد ، و در حالی که اخبار از یکی به یکی منتقل شده ، که او در این روزگار مبعوث می شود ، فرستاده ملک جبار، که با انوار تاجگذاری شده ، سپس به سوی کعبه رفته و همه مردم دنبال او می روند مگر ابوجهل که تنها مانده ، و مستحق ذلت و خواری و شکست گردید ، پس هنگامی که ابو

۱ - مستدرک سفینه البحار - شیخ علی النمازی: ج ۱ ص ۶۰۱ .

۲ - احتجاج: ج ۱ ص ۱۸۵ .

طالب نزدیک کعبه شده گفت: خداوندا ای پروردگار این کعبه یمانی ، و سرزمین دایره ای ، و کوه های راسخ ، همانطور که در حکم ، و پوشیده ترین علم شما آمده ، شرف و عزت ما را افزونتر نمایی ، و با پیامبر مهربان عزتی فوق عزت ما عطا کن همانی که سطح به آن بشارت داده ، خداوندا ای بخشاینده بخشایشگر تبیان او را ظاهر، و در برهانش تعجیل ، و نیرنگ منافقین را از ما دور کن و جزری در حدیث گفت: ایمان یمان ، و حکمت یمانیه ، حضرت رسول ﷺ فرمودند: به خاطر اینکه ایمان از مکه شروع شده و مکه از تهامه است ، و تهامه از سرزمین های یمان است ، و به همین خاطر است که گفته می شود: کعبه یمانیه ، و گفته می شود: ایشان ﷺ به خاطر اینکه یارانش یمانی بودند این صحبت را بیان نمود ، و آنها ایمان و مؤمنین را یاری و به آنها اسکان دادند پس ایمان به آنها نسبت داده شد (...)^(۱)

علامه مجلسی در مقدمه بحار الانوار ج ۱ ص ۱ توضیح داده است:

بسم الله الرحمن الرحيم حمد و سپاس خداوندی که آسمان علم را پهن نموده ، و آنرا با برج هایش برای بینندگان آن زینت بخشید ، و چراغهای نور را به واسطه خورشید نبوت و برای هر کسی که مسالک سلوک یقین را بخواهد ماه های امامت را آویزان نموده ، و ستارگان را برای رجم و سواس های شیطان قرار داد ، و آنرا با شهاب سنگ ها از شبها گمراهان حفظ نمود ، سپس در گمراهی فتنه ها شب آنرا تاریک نموده و به واسطه روشنی برهان ها و دلایل، نور آنرا خارج ساخت ، و سرزمین قلوب مؤمنان را برای باغهای حکمت یمانی آماده و گسترش داد ، و آنرا برای شکوفایی اسرار علوم ربانی آماده ساخت پس سرزمین سبز و آب آنرا خارج نمود...).

معلوم است که بحار الانوار مجموعه ای از روایات اهل بیت است پس علامه مجلسی کلام آنها ﷺ را به باغ های حکمت یمانیه نامیده است ، و به اهل بیت ﷺ به عنوان یمانی اشاره نموده است و آنهم به خاطر نسبت آنها به کعبه یمانیه و به پدر بزرگشان حضرت محمد ﷺ همانطوری که در حدیث آمده است و از این طریق در می یابیم که

رسول خدا ﷺ یمانی بوده و بنابراین اهل بیت ایشان نیز یمانی بوده اند حال در هر جایی که از سرزمین های وسیع خداوند باشند .

و در وصف پیامبر محمد ﷺ در مناجات خداوند تعالی به عیسی السلام آمده است (...ای عیسی دین او حنفی و قبله اش یمانی است ...) ^(۱)

اگر کسی در مورد یمانی بگوید که آن از یمن و برکت است پس پدر بزرگشان محمد مصطفی یمانی است و در خلق کسی مستحق تر از ایشان نیست و در حدیث آمده که آنها یمین عرش خدا هستند و یمن (برکت) عالم (ملک) دنیا به منزلت یمن عالم ملکوت (ملکوت آسمان ها) و قابل مقایسه نیستند پس هیچ میمون و مبارکی به یمن و برکت آنها نمی رسد و آنها همان علمایی هستند که خداوند متعال آنها را بر پیامبران دیگر السلام فاضل تر دانست ، که حدیث در مورد آنها السلام می گوید (علمای امت من همانند پیامبران بنی اسرائیل هستند) و کسانی که مراکز آل محمد را به تصرف خود در آورده اند دچار توهم نشوند که این حدیث در مورد غیر معصومین السلام آمده است .

ابراهیم بن هشام از یحیی بن ابی عمران از یونس از جمیل گفت شنیده ام که ابا عبد الله امام حسین السلام می گوید مردم به سه نوع و صنف تقسیم می شوند- عالم و متعلم و غناء (کف و زبالة)- علماء ما هستیم- و شیعه ما متعلم - و سایر مردم غناء هستند)

یعنی اگر عالم از شیعه اهل بیت السلام باشد در این حدیث متعلم بر او صدق می کند و از حدیث و علم آنها السلام علم فرا می گیرد و در غیر اینصورت او غناء و یا در حدیثی دیگر همج راع (توده مردم بی عقل و بی سواد) است . پس علماء همان آل محمد السلام و برتر از انبیاء بنی اسرائیل هستند و آنها یمین عرش خدا هستند. و گر نه آیا انسان عاقل باورش می شود که شخص غیر معصوم (منظورم فقهای امروزی که بر سر دنیا حرص می ورزند) از پیامبران بنی اسرائیل برتر بوده در حالی که در میانشان اولی العزم وجود دارد ، و قول صحیح همان حدیث ایشان السلام است که می فرمایند ما علماء هستیم ، و

بهترین منزلتی که انسان به آن می رسد از شیعه آنها علیهم السلام باشد و به عنوان یاد گیرنده (متعلم) از آنها باشد - و یا با تمسک به روایات آنها علیهم السلام است - و با آنها علیهم السلام برابر نمی شود و اما به غیر شیعه متعلم آنها ، غشاء یا خاشاک خواهد بود یا اینکه کسانی که با رأی خود تشریع می کنند و غیر آنها از نادانان دیگر را که در آشغال دانها علم جستجو و تفحص می کنند ، آنگاه امام العلیه السلام آنها را غشاء نامید .

(و گفته می شود که یمن را به خاطر برکت و شام رابه خاطر بد فال بودنش به این نام نامیده شدند)^(۱)

از ابی سلیمان چوپان رسول خدا ﷺ گفت شنیده ام رسول خدا ﷺ می فرمایند (شب معراج من به آسمان ، خداوند جلیل جل جلاله به من فرمودند ... ای محمد من نگاهی به زمین انداختم پس شما را انتخاب کرده ام ... ای محمد اگر بنده ای به اندازه ای مرا عبادت کند تا اینکه نفسش قطع شود و همانند ریزه های شن روان گردد آنگاه به صورت منکر ولایت شما به سوی من آمد او را نمی بخشیدم تا اینکه به ولایت شما اقرار کند ای محمد دوست داری که آنها را ببینی ؟ گفتم بله ای پروردگارم آنگاه فرمودند که به سمت راست عرش نگاه کن و نگاه کردم در صورتی که من علی و فاطمه و حسن و حسین و علی فرزند حسین و محمد فرزند علی و جعفر فرزند محمد و موسی فرزند جعفر و علی فرزند موسی و محمد فرزند علی و علی فرزند محمد و حسن فرزند علی و مهدی در هاله ای از نور ایستاده در حال نماز خواندن هستند و مهدی در میان آنها همانند ستاره ای در خشان است و فرمودند ای محمد اینان حجت خداهستند و این قیام کننده از عترت شماست ای محمد به عزت و جلالم قسم که او حجت واجب برای اولیای من و انتقام گیرنده از دشمنان من است).^(۲)

و از رسول خدا ﷺ (... اشیاء را تاریک خلق نمود آنگاه آنها را از نور من و نور علی نورانی نمود . سپس ما را در سمت راست عرش قرار داد و ملائکه را خلق کرد پس ما

۱ - تاج العروس: ج ۹ ص ۳۷۱ .

۲ - الطرائف- اسید ابن طاوس الحسنى: ص ۱۷۳ .

تسبیح نموده و ملائکه نیز تسبیح نمودند ، حمد و سپاس گفتیم و ملائکه حمد و سپاس گفتند...^(۱)

(من و علی بن ابی طالب از نور خدا هستیم و چهارده هزار سال قبل از اینکه خداوند تعالی آدم را خلق کند در سمت راست عرش به ستایش و تقدیس خداوند می پرداختیم)^(۲)

از بحثی که گذشت هدف از شخصیت یمانی که قبل از امام مهدی (علیه السلام) می آید را متوجه می شویم آیا چونکه او از سرزمین های یمن آمده و ذریه محمد (صلی الله علیه و آله) یمانی هستند همانطور که بحث آن آمد به خاطر اینکه آنها از مکه و مکه از تھامه و تھامه سرزمین های سهل ساحلی تنگ که از شمال تا شبه جزیره (سیناء) و از جنوب تا اطراف یمن ، و شهرهای (نجران) و (مکه) و (جده) و (صنعاء) جزو آن بوده همانطور که در کتاب مجمع البحرین ص ۵۸۳ آمده است .

و امروزه ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سرزمین های یمن و وسیع خداوند هستند ، و از اینجا متوجه می شویم که یمانی محدود به کشور یمن و یا غیره نیست ، و اگر مقصود به طور انحصاری نسبت دادن ایشان به سرزمین های یمن بوده ، آیا سفیانی منتسب به سرزمین هایی به نام سفیان است .

و قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) (... و ایمان یمن و من یمانی هستم)

حال پس در این حالت نسبت دادن ایشان در هنگام ظهورش به سرزمین های یمن شرط نیست ، و شاید انتساب ایشان به رسول (صلی الله علیه و آله) و یا به هر قبیله ای دیگر که قبلاً در تھامه ساکن بوده تا اینکه یمانی بر ایشان صدق کند ، و در اینجا لازم است که بحثی را در مورد قرائن و علامات دیگری برای تعریف شخصیت یمانی داشته باشیم ، و آن هم به خاطر اینکه در زمان ظهور مقدس آخرت ما به ایشان مرهون است ، پس تنها پرچم حق همان

۱ - غایة المرام: ج ۱ ص ۴۸ .

۲ - غایة المرام: ج ۱ ص ۲۷

پرچم یمانی است ، و حق خواست هر مؤمنی که مطیع خداوند است میباشد ، و نمی خواهد که از یمانی روی بر گرداند ، چونکه روی بر گردانده از ایشان از اهل آتش است ، همانطور که اولیاء ایشان از اهل یمن بودند و فرومایگان نیز از یمن بودند و ابو هریره که به رسول خدا ﷺ دروغ می بست از اهل یمن بود و هر کس در این خصوص بخواند به کتاب ابو هریره شیخ مضیره داستان اسلام ابو هریره را بخواند .

و اگر مقصود کشور نباشد بلکه مراد از یمانی میمنت یا مبارکی است پس در اینجا مکان شرط نیست بلکه صفات خود شخص و نزدیکی او به خدا و حضرت محمد و آل ایشان ﷺ و به امام مهدی علیه السلام شرط است همان طور که در روایات آمده آنها یمین عرش خدا هستند ، و اما اگر منظور میمون و یا موفق باشد پس او در رهبری لشکر امام مهدی علیه السلام مبارک و موفق خواهد بود ، و جواب صحیح و مطلوب از شخصیت یمانی در اینجا دست راست امام مهدی علیه السلام است .

و دست راست همانی است که به آن دست اولیاء اش را می فشارد و دشمنانش را شکست می دهد ، همان طور که در حدیث آمده (حجر یمین خداست ، دست هر کدام از بندگان را که بخواند با آن می فشارد) گفته می شود: این تمثیل و تشبیه بوده و در اصل به اینکه ملک اگر قبل از این مرد مصافح (بیعت گیرنده) بیعت بگیرد انگاه حجر به منزله دست راست ملک خواهد بود ، پس او تحویل می گیرد در صورتی که صورتش پوشیده است پس به یمین تشبیه شد) و در این معنی (یمین دست راست) به قدرت توصیف شده است ، و انتقام به واسطه آن صورت می گیرد . و قول تعالی ﴿لَا خُدْنَا مِنْهُ بِالْیَمِینِ﴾ (دست راستش را سخت از او می گرفتیم) یا بازور و قدرت گفته می شود...^(۱)

همان طور که از آنها ﷺ آمده است برای صاحب دست راست بر صاحب دست چپ فخر است .

از ابو محمد علیه السلام آمده است: سبب نزول قول تعالی: ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجَبْرِیْلَ﴾ (بگو کسی که دشمن جبرائیل بود) ... و در بعضی قسمت های این بحث می گوید جبرائیل سمت راست و میکائیل در سمت چپ ایشان ایستاده و جبرائیل بر میکائیل به خاطر اینکه در سمت راست امام علی علیه السلام قرار داشته و از سمت چپ برتر است تفاخر می کند همان طور که ندیم سمت راست یا دوست پادشاه بزرگ در دنیا بر ندیم که سمت چپ نشسته تفاخر می کند ، و بر اسرافیل که در خدمت کردن کنار آنهاست و بر ملک الموت که برای ایشان خدمت را بر پا داشته تفاخر می کنند ، و در حالی که راست و چپ از آنها بهتر هستند ، همانند تفاخر حاشیه ملک به خاطر نزدیکی بسیار به ملک آنها است).^(۱)

و با دست راست عهد و میثاق گرفته می شود همانند مثال حجر الاسود در رکن عراقی از کعبه است همانی که روایات بصورت متواتر در مورد گرفتن آن در بدو شروع مناسک حج صحبت می کنند ، و روایت شده که آن واسطه بین خدا و بندگانش است و بر کسی که بیعت را اداء کند شهادت می دهد همانطور یمانی که قبل از امام مهدی علیه السلام می آید به عنوان واسطه بین مردم و امام علیه السلام بوده و اوست که بیعت و عهد و میثاق را از مردم می گیرد و او به منزله دست راست امام مهدی علیه السلام است و او درب بهشتی که بندگان از آن وارد می شوند ، و امام علیه السلام همان بهشت است ، و مردم از طریق درب وارد بهشت می شوند ،

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: من شهر علم هستم و علی دروازه آن است پس هر کس که بخواهد وارد شهر شود از در آن وارد گردد ، و هر کسی که نخواهد از درب وارد شود و یا اینکه راه دیگری را برای وارد شدن انتخاب کند پس او دزد و از اهل آتش است ، به همین خاطر است که در مورد وصی یمانی فرمودند ، روی بر گردانده از او از اهل آتش است ، چونکه ایشان درب بهشت است .

و در کتاب جامع السعادات ج ۳ ص ۳۱۴ آمده است .

(لازم است که به هنگام گرفتن حجر الاسود متوجه شوید که به منزله دست راست خدا بر زمین و در آن موثقی و تعهدات بندگان است . رسول خدا ﷺ می فرمایند(با رکن بیعت کنید ، چونکه آن دست راست خدا در میان خلقتش است ، به واسطه آن بیعت را از بندگان یا دخیل(پناه برده) می گیرد ، و بر وفاداری بیعت کننده شهادت می دهد)و هدف ایشان ﷺ از رکن: حجر الاسود است چونکه حجر الاسود در آن قرار داده شده است ، و به این خاطر به دست راست تشبیه شده چونکه به عنوان واسطه ای بین خدا و بندگان در نیل و رسیدن به هدف و دوستی و رضایت و وصال است ، همانند دست راست هنگام دست دادن است .

و امام صادق علیه السلام فرمودند(خداوند تبارک و تعالی هنگامی که میثاق و عهد بندگان را گرفت ، به حجر امر کرد پس آنرا قبول کرد ، و به همین خاطر است که گفته می شود: امانتم را اداء کردم و به میثاقم عهد بستم ، تا اینکه برای من به وفا داری شهادت بدهی). و همین طور علیه السلام فرمودند(رکن یمانی دربی از در بهای بهشت است که از هنگامی که باز شد خداوند آنرا نبسته است).

و همین طور علیه السلام فرمودند(رکن یمانی درب ورودی ما به بهشت ، و در آن نهری وجود دارد که اعمال بندگان در آن انداخته می شود).

حال می گویم: حجر الاسود(یمانی)همانی که پیمان ها را قبول کرد تا بر هر کسی که بیعت را اداء کند شهادت بدهد ، و او همانند مولای مسئول بیعت گرفتن برای امام مهدی علیه السلام بوده و بر هر کسی که امانت و عهد را اداء کند شهادت می دهد و خداوند تعالی فرمودند﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (و به پیمان خود وفا کنید زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد)^(۱)

اما قول ایشان در مورد رکن یمانی: دربی از در بهای بهشت از روزی که باز شد بسته نشده است ،(چیزی که مشخص می کند که رکن یمانی و حجر به شخص یمانی اشاره می کنند).

مسأله یمانی در همه دعوت های الهی موجود است و امت یا اجتماعی را از دو جهت فکری و لشکری رهبری کرده است . و مسأله وصی و اطاعت از ایشان را همان مانعی می یابی که به واسطه آن از کسانی که همراه دعوت های الهی بوده اند عده زیادی سقوط می کنند ، و با این وجود از حجت زمان خود سرپیچی کرده و مردم را به چیزی غیر از وصی و وصیتش ترغیب می کنند ، و این کار به منزله روی برگرداندن از قبله ، و پدید آوردن دینی دیگر است ، و چونکه حجت همان قبله مقابل مردم است ، آیا کسی را دیده اید که در حال برپا داشتن نماز خود باشد و قبله اش پشت سرش است ؟

از علی ابن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از ابن اذینه از فضیل گفت ابی جعفر علیه السلام به سمت مردم که در حال طواف دور کعبه بودند نگاه کرد و فرمود: (در جاهلیت به این صورت طواف می کردند شاید به آنها امر شده که دور آن طواف کرده سپس ولایت خود نسبت به ما را اعلان کنند در حالی که می دانند ما ولایت و مؤدت آنها بوده و با طواف خود یاری رساندن به ما راعرضه می کنند سپس این ایه را قرائت فرمودند **﴿فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ﴾** ^(۱) (پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده)) ^(۲)

منظور این است که به حجت زمان اظهار ولایت می کنند در حالی که با او بیعت کرده و ولایت و مؤدت و یاری رساندن خود را به ایشان تقدیم می کنند ، و در طول تاریخ و در بیشتر دعوت های الهی امتحان امت به واسطه وصی اتفاق افتاده ، و به طور قطع هر کس که وصی را قبول نکند وصیت کننده به ایشان را قبول نمی کند ، و در صورتی که به ظاهر قبول کرده باشد ، همانطور که این حالت برای هارون وصی موسی علیه السلام و یا برای امیر المومنین علیه السلام اتفاق افتاد ، آنگاه هر کس که علی علیه السلام را قبول نکرده محمد صلی الله علیه و آله را نیز قبول ندارد ، و هر کس که مؤدت و بیعت و یاری دادن را بر علی علیه السلام تقدیم نکند به غیر از نادانی چیزی از حجت عایدش نمی شود ، و حدیث به طور صریح توضیح

۱ - ابراهیم: ۳۷.

۲ - الکافی: ج ۱ ص ۳۹۲.

می دهد که حج همان قبول حجت انتصابی از جانب خدا و رسولش در هر امت و زمان است ، و گرنه طواف بدون قبول بیعت طواف جاهلیت است .

روایات اهل بیت علیهم السلام بر بیعت با یمانی در زمان ظهور تاکید کرده اند و چونکه ایشان در احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام نزد عام و خاص و جهت تمهید کار ولی خداوند عظیم ثابت بوده پس لازم است که با تمرکز سوال کنیم که یمانی و یمین امام مهدی علیه السلام چه کسی است و آیا امکان دارد که بر او مستدل شویم و او را از میان شخصیت های زیادی که قبل از امام مهدی علیه السلام می آیند تشخیص دهیم

کلام اهل بیت علیهم السلام در مقابل چشم های ما قرار گیرد و با تمسک به ریسمانی که از طرف آسمان به زمین آویزان شده از گمراهی در امان باشیم همانطور که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف ثقلین فرمودند هر کسی که به آنها تمسک جوید از گمراهی در امان خواهد بود ، و اما کسی که در کنار ثقلین مواردی را اضافه و با آنها مساوی و برابر قرار دهد و یا اینکه کسی که ثقلین را چهار مورد بداند و بگوید قرآن و عترت و عقل و اجماع ، آنگاه گرفتار حکم خداوند است بله موعود ما قیامت است خواهیم دید که آیا رسول خدا ثقلین (دو مورد) را و یا چهارگانه را قرار دادند.

تعدد یمانی

از طریق روایات اهل بیت علیهم السلام مشخص می شود که شخصیت یمانی در روایات متعدد و با صیغه های مختلف ذکر شده و هر بار یک جانب از قضیه را متوجه می شویم . پس مشخص می شود که یمانی که از یمین می آید کسی غیر از یمانی خاص امام علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام باقر علیه السلام او را یاد کرده و فرمودند که روی برگردانده از او در آتش است و ایشان دست راست امام مهدی علیه السلام و رهبر لشکریانش و او همان مولایی است که بیعت را از مردم برای امام علیه السلام می گیرد و به همین خاطر است که یمانی رهبر لشکریان و دست راست امام علیه السلام است ، همانطور که انقلاب های آل محمد علیهم السلام تمهیدی برای امام قائم علیه السلام بوده پس این انقلاب ها یمانی هستند زیرا که آنها علیهم السلام

منسوب به یمانیه بوده و رهبر و مسبب انقلاب ، یمانی است که به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده می شود ، همینطور کسی که به سفیانی نسبت داده می شود سفیانی خواهد بود و از اینجا متوجه می شویم که سیصد و سیزده نفر یاران امام مهدی علیه السلام نیز یمانی هستند و آن هم با توجه به نسبت آنها به رهبرشان یمانی خواهد بود زیرا که او اولین آنها و صاحبشان بوده پس هر کدام از آنها انقلابی را برپا کند به نام انقلاب یمانی نامیده می شود .

امر بر کسی که روایات تعدد یمانی ذکر شده ، یا یمانی که در رهبری ها متعدد بوده را مرور کند پوشیده نگردد . و در صورتی که یمانی خاص بیعت گیرنده بیاید روی برگردانده از ایشان از اهل آتش ، و او حجتی از حجت های خداوند بر سرزمینش بوده و معصوم است ،

چونکه هیچ کدام از پیامبران بر بیعت با غیر معصوم تاکید نکرده اند ، چگونه ممکن است سید فرستاده گان و حبیب پروردگار عالمیان محمد صلی الله علیه و آله برای شخصی غیر معصوم طلب بیعت کند . آنگاه روایات متعددی در خصوص طلب بیعت از کسانی که داعی آل محمد یمانی را دیده و یا در موردش شنیده اند را خوانده ایم .

و در کتاب عصر ظهور برای شیخ کورانی احتمالات متعددی حول انقلاب یمانی آمده است

این متن آنچه را گفته است:

(بسبب داشتن سیاستی مصمم و وسائل اجرایی احتمال وجود انقلاب یمانی هدایتگر وجود دارد ، خواه از نوع مخلص و مطیع ، و محاسبات دائمی و شدید که در اختیار ایشان بوده، و آن همان سیاستی که اسلام ، ولی امر و یارانش را به پیروی از آن امر می کند همانطور که در عهد امیر المومنین علیه السلام برای عامل خود مالک اشتر رضی الله عنه در مصر اتخاذ کرده است ، در مورد صفات امام مهدی علیه السلام آمده که ایشان برعاملان خود شدید بوده و بر مساکنین رؤوف و مهربان است در حالی که ایرانیان این سیاست را

پایه گذاری نکرده اند ، ومسئول که در حق مسلمین مقصر ویا خیانت کرده را در ملاء و حضور مردم محاکمه نمی کنند تا به عنوان عبرتی برای دیگران باشد . آنها با این کارشان از تضعیف دولت اسلامی و از بین رفتن آن که به عنوان خانه و کیان اسلام بوده می ترسند . و این احتمال وجود دارد که پرچم یا درفش یمانی در طرح اسلامی وعالمی باهدایتی باشد ، و عدم رعایت عناوین ثانویه بسیار و مفاهیم ومعادلات معاصر ویا بر جا که انقلاب جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد که باید انرا رعایت کند .

ولی ترجیحاً سبب اساسی که باعث می شود انقلاب یمانی هدایت تر باشد اینست که به طور مستقیم از طریق امام مهدی علیه السلام شرفیاب شده و توجیه می شود ، و آن جزء مستقیمی از برنامه حرکت ایشان علیه السلام بوده و یمانی به ملاقات امام علیه السلام شرفیاب شده و توجیهات را از ایشان می گیرد . و همین طور احادیث انقلاب یمانی ها به صورت متمرکز شخص یمانی را به عنوان رهبر انقلاب مدح و تائید کرده و ایشان به سوی حق و به سوی صاحب شما دعوت می کند و بر مسلمانی جایز نیست که از او روی برگرداند و هر کس که اینکار را انجام دهد از اهل آتش است ...

سپس کورانی به انقلاب ایران وغیره که قبل از امام علیه السلام اتفاق می افتد اشاره کرده وگفت: همانند شروع زود هنگام که توسط اجتهاد فقهاء واجتهاد وکلاء سیاسی آنها برپا شده ، در حالی که موقعیت خالص وپاکی که برای انقلاب یمانی که به صورت مستقیم از طریق امام مهدی علیه السلام توجیه می شود برای آنها اتفاق نمی افتاد .

و همین طور ممکن است که یمانی متعدد بوده و نفر دوم از بین آنها یمانی موعود باشد . آنگاه روایات سابق بر ظهور یمانی همزمان با ظهور سفیانی تاکید کرده و یا در سال ظهور امام مهدی علیه السلام است . و لی روایت دیگر صحیح السند از امام صادق علیه السلام یافت می شود که می گوید(قبل از سفیانی مصری و یمانی خروج می کنند)^(۱)

و اما وقت خروج یمانی اول ، روایت شریفه فقط او را به خروج قبل از سفیانی محدود کرده . و شاید تنها به مدت کوتاهی قبل از او و یا سالهای طولانی بعد از او باشد و

خداوند داناتر است . و همین طور در مورد خبر (از بین رفتن آبروی سفیانی در صنعاء) همانی که در بحار ج ۵۲ ص ۲۵۲ از عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام روایت شده که می فرماید (سفیانی پیش ابی عبد الله علیه السلام یاد شد و فرمودند: خروج نمی کند تا اینکه کسی که آبرویش را در صنعاء از بین برود خارج شود) و این حدیث از احادیث قابل ذکری است که در مصادر درجه اول همانند غیبت نعمانی ذکر شده و صحیح السند می باشد . همان طور که یاد کردیم احتمال دارد مردی که قبل از سفیانی خروج کند یمانی بوده و برای یمانی موعود تمهید می کند ، و در تفسیر کلام (آبروی او را می برد) احتمالات متعددی وجود دارد که بهترین آنها آنها را به عنوان توصیف رمزی پذیریم که بجز در زمان آن هدف امام صادق علیه السلام واضح نمی شود ...).^(۱)

یمانی یمین :

بیشتر پژوهشگرانی که در مورد شخصیت یمانی به تحقیق پرداخته اند ، وی را شخصیتی که برنامه های تمهید دولت عدل الهی بر آن متمرکز می شود ، متفق القول سرزمین حالی یمین را نقطه شروع حرکت یمانی موعود دانسته و بیشتر آنها فرق بین یمانی که از یمین خروج می کند و یمانی و وزیر خاص امام مهدی علیه السلام که در مورد بیعت با ایشان تاکید شده را نمی دانند ، و با توجه به اینکه آل بیت علیهم السلام یمانی خود را به صورتی دقیق توصیف کرده ولی آنها علیهم السلام از در تقیه و ترس از دشمنان حرکت ظهور مقدس ، حکمت را به این صورت خواسته اند ، به همین خاطر حدیث بیشتر در مورد یمانی دیگر به غیر از یمانی موعود صحبت نموده و چونکه از یمین بوده بیشتر مورد توجه قرار گرفته در روایات دیگر به شخصیت های تمهیدکننده و متعدد دیگری اشاره که بیشتر آنها به یک شخص اشاره کرده اند . آنگاه یمانی که از یمین خروج می کند با اخوص (سفیانی) جنگ می کند سپس اخوص بر او خارج می شود .

از ابی جعفر علیه السلام فرمودند: (... سپس منصور یمانی از صنعاء با عزمی شدید و به روال جاهلیت با لشکریان خود به استقبال کشتار مردم رفته و با اخوص (سفیانی) (روبرو می شود ، پرچم های آنها زرد و لباسهایشان رنگارنگ است و میان آنها جنگ شدیدی رخ خواهد داد ، سپس اخوص سفیانی بر او چیره می شود ، ...) ^(۱)

و اما همان طور که در روایات ذکر شده یمانی موعود سفیانی را شکست می دهد. (... خداوند وزیر مهدی را از اهل مشرق بر سفیانی خارج نموده و سفیانی را به سوی شام فراری می دهد ...) ^(۲)

آنچه که معلوم است یمانی امام همان صاحب پرچم های مشرق است ...

اما یمانی یمن از فرزندان زید بوده ، و همین طور که از سطح کاهن آمده است اسم او حسن و یا حسین است. (... آنگاه فرمانده ای از صنعاء یمن با صورتی سفید همچون پنبه بنام حسن و یا حسین خارج می شود ...) ^(۳)

به طور مطلق از هیچ کدام از معصومین چه دوروچه نزدیک در این خصوص روایتی وارد نشده است .

سطیح کاهن روز ولادت رسول خدا از دنیا رفت و خبر وفاتش از علاماتی است که در فضایل روز ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است ، این کاهن اخبار خود را از طریق جن دریافت می کرد (یا قبل از اینکه کسانی که از آسمان استراق سمع کرده برطرف می شدند) همانطور که در قول تعالی آمده است **إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مُبِينٌ** ^(۴) (مگر آن کسی که دزدیده گوش داده و شهابی روشن او را دنبال کند) پس در این اخبار صحیح و خطا وجود دارد ، و با علم به اینکه بیشتر پژوهشگران که در مورد شخصیت یمانی تحقیق کرده و گفته اند که اسم یمانی حسن و یا حسین است ، آن هم با توجه به خبر سطیح و بدون هیچ دلیل دیگری بر آن مستدل شده ، و در مقابل خبر این

۱ - شرح احقاق الحق: ج ۲۹ ص ۵۱۵ .

۲ - شرح احقاق حق: ج ۲۹ ص ۶۲۰ .

۳ - بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۱۶۲ .

۴ - حجر: ۱۸ .

کاهن تسلیم شده اند که از جمله آنها شیخ کورانی و شیخ سند هستند ، و آنرا همچون کلام خدا که باطل از هیچ راهی در آن اشاعه نمی کند دارای اعتبار دانسته و به کلام اهل بیت علیهم السلام گوش نمی دهند ﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾^(۱) (و برخی از آنان به تو گوش فرا می دهند ولی ما بر دلهایشان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی قرار داده ایم و اگر هر معجزه ای را ببینند به آن ایمان نمی آورند تا آنجا که وقتی نزد تو می آیند و با تو جدال می کنند کسانی که کفر ورزیدند می گویند این کتاب چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست)

در حالی که کلام اهل بیت را غیر قابل بکار گیری می دانند، و ضعیف السند می دانند و.... و... انا لله وانا اليه راجعون ، به خدا قسم که شما بدترین قوم هستید ، در برابر کلام کاهن تسلیم شده و اعتقاد خود را بر آن پایه گذاری می کنید ، و در مقابل کلام اهل بیت علیهم السلام که نظیر کتاب خدا ست کوتاهی می کنید و رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد آنها علیهم السلام فرموده از هم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض بر گردند .

و یمانی امام همان کسی است که در روایات اهل بیت علیهم السلام بر بیعت با او تاکید شده و او از فرزندان امام مهدی علیه السلام و وصی و معصوم است که توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بیعت با او تاکید و امر شده و او را از نسل امام مهدی علیه السلام و اسمش را احمد محدود نمود، و در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب وفاتش وارد نشده است که او از نسل زید است ، و کسی جزء معصوم نمی تواند جانشین معصوم باشد و او خلیفه پدرش است ﴿ذُرِّيَّةَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۲) (فرزندانی که یکی از نسل یکی دیگر بوده و خداوند شنوای داناست و همانطور که در روایات وارد شده است) .

۱ - انعام: ۲۵.

۲ - ال عمران: ۳۴ .

رسول خدا ﷺ فرمودند (در نزد گنج شما سه نفر کشته خواهند شد که همه آنها فرزندان خلیفه هستند سپس برای هیچ کدام از آنها میسر نمی شود آنگاه پرچم های سیاه از جانب مشرق بیرون آمده و با آنها طوری می جنگند که تا به حال هیچ قومی آنها انجام نداده است سپس جوانی را یاد کرده و فرمودند اگر او را دیده اید با او بیعت کنید چونکه او خلیفه مهدی است)^(۱)

از ابی الحسن العسکریؑ فرمودند: (انگار که پرچم هایی که به رنگ سبز رنگ آمیزی شده و از جانب مصر در حال آمدن هستند می بینم، تا اینکه به شامات (کشور سوریه اردن عراق) آمده و به فرزند صاحب وصیات تحویل داده شود)^(۲)

و اما کسی که از فرزندان زید است: از امام صادق العسکریؑ در صحبت ایشان بعد از نماز ظهر در مورد علامات ظهور می فرمایند: خروج پرچمی از مشرق و پرچمی دیگر از جانب مغرب و فتنه ای که اهل زوراء (بغداد) را گمراه می کند و خروج مردی از فرزندان عموم زید در یمن است، ...)^(۳)

پرچم های مشرق و مغرب ، یمانی و سفیانی هستند به غیر از پرچم مردی که از فرزندان زید است که به صورت جداگانه ذکر شده است و مانعی وجود ندارد اگر از حالا به بعد کسی با پرچم مشرق بیعت کرده و دنبال آن برود که در مورد بیعت کردن با صاحب آن (یمانی) تاکید شده است ، و یا اینکه خارج و امر او در موقعش به پایان می رسد و انگار که ایشان فقط بعنوان علامتی از علامات ظهور ذکر شده است . بعضی از روایات ابناء عامه (اهل سنت) به یمانی یمن به عنوان قحطانی اشاره کرده است

در داستان های پیامبران از کعب آمده (عیسی علیه السلام حتماً به زمین نزول می کند ، و کنار ایشان علامات و فتنه هایی ظاهر می شود . در ابتدا الاصبه خروج کرده و بر سرزمین ها غلبه می کند که از سرزمین های جزیره خارج می شود ، آنگاه بعد از ایشان جرهمی از شام ، و قحطانی از سرزمین های یمن خارج می شود ، کعب الاحبار

۱- بشاره السلام: ص ۳۰ .

۲- ارشاد - الشیخ المفید: ج ۲ ص ۳۷۶ .

۳- مستدرک سفینه البحار: ج ۷ ص ۴۷ ، فلاح السائل: ص ۱۷۰-۱۷۱ .

گفت: در حالی که این سه نفر جایگاههای خود را با ظلم بدست می آورند ، و سفیانی از دمشق خروج خواهد کرد^(۱)

و به طور قطع قحطانی که از سرزمین های یمن خارج می شود یمانی موعود نیست ، زیرا که روایت در مورد کار او همراه ظلم و ستم اشاره کرده و گفته جایگاه های خود را با ظلم بدست آورده اند ، و این کار لایق یمانی امام مهدی علیه السلام نیست و ایشان معصوم و بیعت با او فریضه واجب است که مردم را در باطل وارد ویا از حق خارج نمی کند .

و از باب دیگر یمانی موعود از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی الخصوص از نسل امام مهدی علیه السلام است ، و اصل و نسب رسول خدا به عدنان بر می گردد و قحطانی نیست، آنگاه یمانی رسول خدا از اصل و نسب عدنانی بوده و قحطانی نیست ، و این تنها کفایت می کند ، و حتی کسی که از نسل زید انقلاب می کند عدنانی بوده و قحطانی نیست .

و این هم اصل و نسب رسول خدا صلی الله علیه و آله به عدنان:

ایشان صلی الله علیه و آله و سلم ابو القاسم محمد بن عبد الله بن عبدالمطلب بن هشام بن عبد المناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن یاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان ، تا اینجا همه بر آن متفق القول هستند و بعد از آن تا حضرت آدم در آن اختلاف داشته و چیزی در آن ثابت نمی شود^(۲)

یمانی امام مهدی علیه السلام:

شخص یمانی از مهمترین شخصیت هایی که تمهید برای دولت عدل الهی بر آن متمرکز می شود و ایشان حامل پرچم اهل بیت علیهم السلام و صاحب تنها پرچم حق است ، و با نگاهی به تعدد این شخصیت همانطور که در روایات اهل بیت علیهم السلام واضح

۱ - معجم احادیث امام مهدی ع شیخ کورانی ج ۱ ص ۴۸۳، شرح احقاق حق - برای مرعشی: ج ۲۹ ص ۵۳۰.

۲ - المجموع - محیی الدین انووی: ج ۱ ص ۷ .

واشکار میباید لازم است که توجه داشته باشیم که یمانی وصی امام بوده و وصی از علائم حتمی است که روایات به آن اشاره کرده اند و مشمول (بداء) یعنی تغییر نیست و او یکی از علامات پنجگانه حتمی است و اما به غیر از ایشان مشمول بداء خواهد بود ، و علامات پنجگانه حتمی که قبل از امام علیه السلام نقش اساسی در برنامه ظهور داشته بلکه جزئی از ظهور مقدس هستند و قبل از قیام با شمشیر خواهند بود

ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: پنج علامت قبل از قیام قائم: (خروج یمانی ، و سفیانی ، و ندا دهنده ای که از آسمان ندا می دهد ، و فرو رفتن زمین در منطقه بیداء ، و قتل نفس زکیه)^(۱)

و در خروج یمانی قبل از امام مهدی علیه السلام اختلافی وجود ندارد و همان طور که از آنها علیهم السلام وارد شده ایشان از علامات حتمی است بداء (تغییر) شامل آن نمی شود مگر اینکه خداوند بخواهد

از ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام (....) و هیچ پرچمی در میان پرچم ها با هدایت تر از پرچم یمانی نیست و آن پرچم هدایت است ، زیرا که او به سوی صاحب شما دعوت می کند ، و اگر یمانی خروج کرد فروش سلاح بر هر انسان و مسلمانی حرام می شود ، و اگر یمانی خروج کرد به سوی او بشتابید چونکه پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از ایشان روی برگرداند و هر کس این کار را انجام دهد از اهل آتش است ، زیرا که او به سوی حق و صراط مستقیم دعوت می کند)^(۲)

و بعد از اینکه در روایات سابق که تعدادی از پرچم های گمراهی^(۳) و پرچم هدایت که در میان آنها تنها بوده را یاد کرده را مرور کنیم در هنگام مرور روایت فوق الذکر ، پرچم هدایت را یکی و غیر از آن را باطل خواهیم یافت و گفتار امام علیه السلام را می بینیم

۱ - الامامه و التبصره: ص ۱۲۸ .

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۶۴ .

۳ روایات که افتراق امت را به ۷۳ فرقه معین کرد و در بحث مهمترین اسباب ظهور این کتاب آمده ، کسانی که مصادر بیشتری در این خصوص خواهند به کتاب های: النص و الاجتهاد ص ۹۵ / کتاب سلیم بن قیس ص ۱۶۹ / کمال الدین ص ۶۶۲ / وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۵۰ / کنز الفوائد ص ۲۹۷ ، و در حالی که هیچ مصدری از مصادر کتب شیعه و سنه این موضوع را فراموش نکرده است

که می فرماید: هیچ پرچمی در میان پرچم ها با هدایت تر از پرچم یمانی نیست و آن پرچم هدایت است و در حین صحبت هدف را مشخص نموده ، زیرا که او به صاحب شما دعوت می کند ،

و یا برای بیعت با امام مهدی علیه السلام بصورت علنی و بدون هیچ برو برگردی و زیر نظر هیچ حزب و مرجعیتی و یا حرکت و جریان سیاسی دعوت می کند ، و اعلان دعوت به سوی صاحب امر بر یمانی واجب است که قول امام باقر علیه السلام اسباب واجب بودن را مشخص می کند و قول ایشان علیه السلام : و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از او روی برگرداند و هر کس این کار را انجام دهد از اهل آتش است و همین طور روایات دیگر که بیعت با ایشان را واجب می کنند ، و با توجه به اینکه مردم به اتباع از یمانی و اطاعت از ایشان مورد امتحان قرار می گیرند؛ روی بر گرداندن از او باعث و بانی وجوب آتش برا آنها می شود ، پس لازم است که یمانی صاحب دعوت علنی و آشکار باشد که با واسطه آن ادعای خود را ثابت نموده، و تحت هیچ عنوانی دعوت وی مخفی نشود همانطور که بعضی از افراد انجام می دهند و این روز ها از آب گل آلود صید می کنند و هر کدام از آنها برای خود دعوت می کنند ولی جرات نمی کند که این شخصیت را مدعی شوند ، در حالی که آرزوی آن را در سر دارند و بطور طبیعی اگر صاحب دعوت حقیقی آنرا مدعی شود از جانب این افراد (به خاطر حسادت) تکذیب خواهد شد ، و اضافه بر آن اگر کسی به غیر از صاحبش این دعوت را مدعی شود بجز مدت زمان اندک زنده نخواهد ماند ، تا اینکه خداوند آبرویش را خواهد برد ، تعالی فرمودند ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾ ^(۱) (و اگر او پاره ای گفته ها را بر ما بسته بود * دست راستش را سخت می گرفتیم * سپس رگ قلبش را پاره می کردیم)

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند (اگر کسی این امر را غیر صاحبش مدعی شود خداوند عمر او را قطع خواهد نمود) ^(۲)

۱ - حاقه : ۴۴-۴۶

۲ معجم احادیث امام مهدی ع - شیخ علی کورانی عاملی: ج ۳ ص ۲۸، کافی: ج ۱ ص ۳۷۳ ح ۵ ، ثواب الاعمال و عقابها: ص ۲۵۵ ح ۴ - و با این اسناد (مرحوم پدرم از سعد بن عبد الله) از محمد بن حسین از ابن سنان از یحیی

سپس مدت زمان بعد از دعوت که بعضی از روایات مدت آنرا ۷۲ ماه و یا تقریباً ۶ سال تعیین کرده ، و بین خروج مهدی اول (یمانی) که برای پدرش امام مهدی علیه السلام تمهید می کند و مدت زمان تمهید ایشان برای دعوت و خروجش برای جنگ و خروج پرچم هایی که در میان دستانش جنگ می کنند و خروج سفیانی که در همان زمان که یمانی و خراسانی خروج کرده خروج می کند و استمرار جنگ بین آنها به اندازه هشت ماه در مدت زمان حکومت سفیانی است تا اینکه امر را تحویل امام مهدی علیه السلام نماید .

از ابن حنفیه گفت: بین خروج پرچم سیاه از خراسان و شعیب بن صالح و خروج مهدی تا اینکه امر را تحویل مهدی کند هفتاد و دو ماه است .^(۱)

و در روایت خروج یمانی فرمودند علیه السلام : اگر یمانی خروج کرد یا برای جنگ با سفیانی خروج کند . چون آنها نظامی همچون نظام مهره های تسبیح هستند و یمانی رهبر لشکریان امام مهدی علیه السلام و سفیانی از فرزندان دشمنان امام مهدی علیه السلام بوده و خروج یمانی برای جنگ همان خروج امام مهدی علیه السلام است و هنگامی که فروش اسلحه بر مردم و هر مسلمانی حرام می شود: معنی فروش سلاح حرام شده یعنی در هنگام جنگ باید به صورت بجان در اختیار مسلمانان گذاشته شود (و یا جنگ با دشمنان امام علیه السلام) ، چونکه شما در حضور امام علیه السلام ملکی را تملک نمی کنی و او خلیفه خداوند مالک حقیقی بندگان است ، پس وکیل مال بر مالک حقیقی مالی نمی فروشد ، تعالی فرمودند **وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ**^(۲) (و همان گونه که شما را نخستین بار آفریدیم اکنون نیز تنها به سوی ما آمده اید و آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر خود نهاده اید) و امام به نفس ما اولاتر است ، پس آیا در مال و یا سلاحی که مالک هستید اولاتر نخواهد بود ، و به همین خاطر است که فروش سلاح بر تو حرام شده بلکه جنگ در بین دستان ایشان بر تو واجب می شود و هر چه سلاح

أخی أدیم از ولید بن صبیح گفت: شنیدم أبا عبد الله علیه السلام می فرمایند:- همانطور که در کافی آمده و در آن (بتر به جای تیر) است .یحار: ج ۲۵ ص ۱۱۲ ب ۳ ح ۹ - از ثواب اعمال
۱ - کتاب الفتن - نعیم بن حماد: ص ۱۶۵ ، معجم احادیث امام مهدی : ج ۱ ص ۳۷۹
۲ - انعام: ۹۴ .

داری به برادران مجاهد خود در صفوف ایشان ببخشی ، و این امر نیاز به فتوای مرجع ندارد.

و اما فروش به دشمنان نیاز به توضیح ندارد ، به همین خاطر در حدیث آمده ، که اگر یمانی خروج کرد فروش سلاح بر هر انسان و مسلمانی حرام می شود پس قضیه سلاح با قضیه خروج برای جنگ مرتبط است ، و اما دعوت ایشان برای صاحب شما قبل از خروجش خواهد بود که از طریق روایت ثابت شده ، و دعوت مردم برای یاری رساندن به امام مهدی علیه السلام بر یمانی واجب است که قاعده را جمع کرده و حجیت خود بر آنها را نشان دهد و قول امام علیه السلام (و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از او روی برگرداند ، و هر کسی این کار را انجام دهد از اهل آتش است ، زیرا که او به سوی حق و صراط مستقیم دعوت می کند) برای ما مشخص می کند که یمانی حجتی بر بندگان و روی برگردانده از او از اهل آتش است یا کسی که از او اطاعت نکند از اهل آتش است و این حالت جزء برای معصوم اتفاق نخواهد افتاد یا اینکه روی برگردانده از ایشان از ولایت آل محمد علیهم السلام و اطاعت از حجت زمان خارج است .

از علی ابن موسی الرضا علیه السلام ، از موسی ابن جعفر علیه السلام ، از جعفر بن محمد علیه السلام از محمد بن علی علیه السلام ، از علی ابن الحسین علیه السلام ، از حسین ابن علی علیه السلام ، از علی ابن ابی طالب علیه السلام ، از پیامبر صلی الله علیه و آله ، از جبرئیل علیه السلام از میکائیل علیه السلام ، از اسرافیل علیه السلام ، از لوح ، از قلم ، گفت: خداوند تبارک و تعالی می فرماید: (و لایت علی ابن ابی طالب عفت و قلعه من است ، هر کس وارد قلعه من شود از آتش من در امان خواهد بود)^(۱)

امام رضا علیه السلام فرمودند (شنیدم که پدرم موسی ابن جعفر می فرماید: شنیدم که پدرم جعفر بن محمد می گوید: شنیدم که پدرم محمد بن علی می گوید: شنیدم که پدرم علی ابن الحسین می گوید: شنیدم که پدرم حسین ابن علی می گوید: شنیدم که پدرم امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیهم السلام می گوید شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید شنیدم که

خداوند عز وجل می فرماید (لا اله الا الله قلعه وعفت من است پس هر کس که وارد قلعه وعفت من شود از عذاب من در امان خواهد بود فرمود پس هنگامی که قافله به حرکت درآمد به ما گفت و آن به شرطهایی است و من از شروط آن هستم).^(۱)

و چون تنها با روی برگرداندن از یمانی موجبات جهنم و آتش است و یا اینکه با روی برگرداندن از او باعث خروج از این حصن یا قلعه (ولایت) می شود ، و این کار خروج بر حجت خدا در زمانش است . و هرکس وارد حصن یا قلعه خدا شود از عذاب در امان خواهد ماند و آن (لا اله الا الله) که انسان مخلص پیرو و مطیع حجت خدا در زمانش به آن عمل می کند زیرا که حجت از جانب خدا انتخاب شده و کسی که به انتخاب خدا اقرار نکند به لا اله الا الله اقرار نمی کند و حتی اگر با زبان خود بگوید ، حال پس امام مهدی علیه السلام و فرزندش مهدی اول و فرزندان مهدی اول نیز از شروط آن هستند و بعد از پیامبران و فرستادگان وائمه در زمین حجتی جزء مهدیین از فرزندان امام مهدی علیه السلام وجود ندارد.

آنگاه برای یمانی (مهدی اول) و اول مؤمنین دعوتی قبل از خروجش لازم است که حقانیت خود را بر دیگر مدعیان و ارتباط خود با امام مهدی علیه السلام و جایگاهش نسبت به ایشان علیه السلام را ثابت کند .

به عنوان مثال: هر کدام از احزاب اسلامی در زمان نظام صدام (لع) از اطاعت دیگری خارج بوده و بینش آنها نسبت به همدیگر متفاوت است و آن به خاطر عدم عصمت آنهاست و هر کدام با روشی که صلاح دانسته جهاد می کنند ، و هدف آنها سرپیچی از همدیگر نیست و با سرپیچی از همدیگر وارد آتش نمی شوند، و آن به خاطر عدم حجت هر کدام از آنها بر همدیگر است و همه در حال جهاد بودند .

و اما هر کس از یمانی روی برگردانده و سرپیچی کند از اهل آتش است چونکه ایشان از جانب خدا منصوب شده ، و پرچم های مشرق که در آن یمانی و همین طور خراسانی و شعیب بن صالح و غیر آنها حضور داشته و یا پرچم هایی که برای تمهید برای امام مهدی

علیه السلام عمل می کنند همه زیر فرمان پرچم یمانی قرار دارند و هر کدام از آنها به این شکل عمل نکند از اهل آتش خواهد بود همانطور که امام باقر علیهما السلام فرمودند ، (و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از او روی برگرداند و هر کس این کار را انجام دهد از اهل آتش است ، زیرا که او به سوی حق و صراط مستقیم دعوت می کند) ، و طریق مستقیم همان صراط خداوند مستقیم است خداوند متعال فرمودند ﴿قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۱) (گفتند ای قوم ما ، ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده و تصدیق کننده کتابهای پیش از خود است و به سوی حق و به سوی راهی راست راهبری می کند)

﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ﴾^(۲) (برای هر امتی مناسکی قرار دادیم که آنها بدان عمل می کنند پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند به راه پروردگارت دعوت کن زیرا تو بر راهی راست قرار داری) و صراط مستقیم همان صراط ولایت علی ابن ابی طالب است ،

تعالی فرمودند ﴿قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ﴾^(۳) (فرمود این راهی است راست که به سوی من منتهی می شود) ، آنگاه آیا کسی هست که بخواهد از صراط علی علیهما السلام پیروی کند ، تعالی فرمودند ﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۴) (پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود)

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۵) (و همین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان

۱ - احقاف: ۳۰

۲ - حج: ۶۷

۳ - حجر: ۴۱

۴ - ملک: ۲۲

۵ - شوری: ۵۲

کدام است ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می نماییم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی

﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ﴾^(۱) (و همانا آن نشانه ای برای فهم ساعت است پس زهار در آن تردید مکن و از من پیروی کنید این است راه راست) همانطور که در روایات آمده امام مهدی علیه السلام خود ساعت است .

و هیچ راه مستقیمی جزء از جانب خداوند و مثال خداوند در زمین نیست ، و قول امام معصوم علیه السلام در مورد یمانی (او به سوی حق و صراط مستقیم دعوت می کند) و ایشان علیه السلام کلمه را بدون هیچ تعارف و مبالغه ای با تمام معانیش قصد می کند ، و جزء با حجتی از حجت های خدا و شخص معصوم از آل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که از گناه پاک است معنی آن کامل نمی شود و همانطور که در روایات آمده^(۲) در آن زمان (زمان ظهور یمانی) از اهل بیت و حجج خداوند علیهم السلام جزء امام مهدی علیه السلام و فرزند و وصیش اول مهدیین علیهم السلام کسی دیگر وجود ندارد ، و چونکه یمانی خود امام مهدی علیه السلام نیست و ایشان اول مهدیین بوده پس در آنجا به غیر از ایشان وصی دیگری وجود ندارد و با توجه به اینکه یازده مهدی دیگر از نسل مهدی اول هستند آنگاه مهدی اول حتماً همان یمانی که امام باقر در مورد ایشان صحبت کرده است و هیچ پرچمی در میان پرچم ها با هدایت تر از پرچم یمانی نیست و آن پرچم هدایت است ، زیرا که ایشان به سوی صاحب شما دعوت می کند ، و اگر یمانی خروج کرد فروش سلاح بر هر انسان و مسلمانی حرام می شود ، و اگر یمانی خروج کرد به سوی او بشتابید چونکه پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از او روی برگرداند ، پس هر کس این کار را انجام دهد از اهل آتش است ، زیرا که او به سوی حق و صراط مستقیم دعوت می کند.

۱ - زخرف: ۶۱.

۲ - وصیت و روایت فرزند صاحب وصیت ها و روایت مردی از اهل بیتش در این کتاب در موضوع اوصیاء که در مورد بیعت آنها تاکید شده ، آمده است .

در روایات متعدد رسول خدا ﷺ بیعت را برای ایشان طلب کرده است^(۱) که از میان آنها:

با استناد: ثوبان گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: پرچم های سیاه از سمت مشرق می آید، که قلب آنها از آهن است و هر کس که در مورد آنها بشنود حتی اگر با دست و پا خود را روی برف بکشد به سوی آنها شتافته و با آنها بیعت کند^(۲)

و قول رسول خدا (هر کس در مورد آنها بشنود به سوی آنها بشتابد و با آنها بیعت کند) ایشان ﷺ بیعت را برای آنها طلب می کند و طلب ایشان ﷺ برهر شنونده ای واجب است و معصوم بیعت را جزء برای معصومی که از جانب خدا منصوب شده طلب نمی کند و رسول خدا ﷺ بدون امری از جانب خداوند یمانی را منصوب نمی کند و بیعت را برای او نمی خواهد ﴿ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾^(۳) (آن گمان کسانی که کفر کردند پس وای به حال کسانی که کفر کرده اند از آتش)، ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾^(۴) (و از هوس سخن نمی گوید...) و هیچ پیامبر و امام و یا وصی به طور مطلق از اولین و آخرین ؛ بیعت را برای غیر معصوم طلب نمی کنند، بلکه شعار همه آنها ﷺ ، بیعت و حکم و تنصیب از ان خداوند است و اما انتصاب و اختیار توسط مردم از خواسته های شیطان است ، همانطور که ﷺ با شدت در مورد این بیعت تاکید کرده و برای هیچ انسان بزرگ و یا کوچکی و یا زن و مردی عذری پذیرفته نیست آنگاه فرمودند ﷺ حتی اگر با دست و پا خود را بروی برف بکشید با او بیعت کنید و با علم به اینکه ایشان ﷺ منکرین و کسانی که با حجت های واهی بر او احتجاج کرده را می شناسد به طور مطلق هیچ عذری را برای آنها باقی نگذاشته است . از شما دوست خواننده خواهشی دارم که از خود سوال کنید آیا از منکرین هستید یا خیر چون هیچ بهانه ای مورد قبول نیست... و حتی اگر با دست و پا بر روی برف خود را بکشید چون قیام با خداوند

۱- در موضوع اوصیاء که در مورد بیعت آنها تاکید شده همین کتاب آمده است .

۲- غایه المرام: ج ۷ ص ۱۰۴ .

۳- ص : ۲۷ .

۴- نجم: ۳ .

است و برای نفس خود نیست و در غیر اینصورت همدیگر شیطان در آتش جهنم خواهی بود .

و بعد از اینکه برای ما مشخص شد که یمانی معصوم و حجتی از حجت های خداست معلوم است که حجت های معصوم خداوند همان پیامبران که با محمد ﷺ ختم شده و ائمه علیهم السلام که قبل از این فوت شده اند پس در زمان ظهور مقدس معصومی به غیر از امام مهدی علیه السلام و وصی امام مهدی علیه السلام نخواهد بود ، و با توجه به اینکه یمانی خود امام مهدی محمد بن حسن عسکری علیه السلام نیست و از علامات حتمی قبل از امام علیه السلام است و در روایات یاد می شود - که مهدی از جانب مشرق خروج می کند- در حالی که امام مهدی علیه السلام از مکه بین رکن و مقام و نه از طرف مشرق خروج می کند .

حال پس صاحب پرچم های مشرق که از جانب خدا و رسول خدا بیعت به او اختصاص یافته همان مهدی اول (یمانی) و وصی و تمهید کننده برای پدرش علیه السلام است ، و تا زمانی که با وصیت و بیعت خدا بر او تاکید شده عصمت مخصوص وصی است و همانطور که در روایات آمده این امور به یمانی اختصاص یافته است .

باید او خود شخص مطلوب باشد ، زیرا که رسول خدا ﷺ و اهل بیتش علیهم السلام در یک زمان واحد بیعت را برای دوشخص طلب نمی کنند . (یا در زمان ظهور)

و در بحث سابق ذکر شد که حجج بعد از رسول خدا ۲۴ نفر هستند ، که دو نفر از آنها در زمان ظهور بوده و آنها امام علیه السلام و شخص تمهید کننده برای ایشان همان اول مهدیین هستند .

از امام صادق علیه السلام : (از ما بعد از قائم علیه السلام دوازده مهدی از فرزندان حسین علیه السلام هستند)^(۱)

رسول خدا ﷺ فرمودند: (اگر پرچم های سیاه را در حال آمدن از جانب خراسان دیدید حتی اگر با دست و پا خود را روی برف بکشید و به سوی آنها بشتابید چون که در میان آنها خلیفه خدا مهدی است)^(۱)

حال در میان پرچم های مشرق خلیفه خدا مهدی است ، و جانشینان مهدیین از فرزندان امام مهدی علیه السلام دوازده مهدی بوده و مهدی اول از آنها صاحب پرچم های مشرق و همینطور مهدی اول حجت خدا و معصوم است و پرچم های مشرق را کسی جزء معصوم رهبری نمی کند ، پس روی برگردانده و عدم اطاعت از رهبر آنها از ولایت خارج و از اهل آتش است پس نمی تواند غیر معصوم باشد - و روایات ، یمانی - را تنها رهبری دانسته که سفیانی را شکست می دهد همانطور که روایات بر خلیفه خدا مهدی تاکید کرده است و در حالی که امکان ندارد که مهدی زیر پرچم کسی باشد و جانب دیگر روایات تاکید کرده که رهبر آنها یمانی و بر کسی جایز نیست که از او روی برگرداند پس کسی جزء خود یمانی از نسل حضرت محمد ﷺ نخواهد بود آنگاه در حدیث گذشته آمده که حضرت محمد ﷺ یمانی بوده و اگر بگویم که تمامی اهل مکه یمانی بوده درست است چونکه مکه از تھامه و تھامه از یمین است و نسل ایشان ﷺ همه یمانی هستند ، ولی در اینجا یمانی امام مهدی علیه السلام مطلوب است، و در حالی که در بحث سابق آمده که امام علیه السلام از مکه و قبل از سفیانی و یمانی خروج نمی کند و آنها از علامات حتمی هستند که قبل از ایشان علیه السلام می آیند حال پس خلیفه خدا مهدی که در میان پرچم های مشرق وجود دارد همان اول مهدیین و پرچم های مشرق همان پرچم های یمانی هستند و ایشان وصی امام علیه السلام و وزیر و رهبر لشکریانش است ، و با توجه به اینکه این مقدار کافی است و آن اینکه نام صاحب پرچم های مشرق و اسم مهدی اول از فرزندان امام مهدی علیه السلام یکی است .

یمانی اول مهدین:

از ابی عبد الله علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از امیر المومنین علیه السلام فرمود (رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب وفاتش به علی علیه السلام فرمودند ای ابا الحسن کاغذ و دواتی را برای من بیاور پس رسول خدا وصیت خود را برای من به صورت دیکته فرموده تا اینکه به این موضوع رسیدند ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهد بود پس شما ای علی اول دوازده امام هستی، و تا اینکه حدیث به جای رسید و فرمودند آنگاه امام حسن عسکری علیه السلام آنرا به فرزندش (م ح م د) مستحفظ از آل محمد صلی الله علیه و آله واگذار نماید و اینها دوازده امام هستند، سپس بعد از آنها دوازده مهدی خواهد بود و اگر زمان وفاتش رسید آنرا تحویل فرزندش اول مهدین مینماید که صاحب سه اسم است اسمی همانند اسم من و اسم پدرم و او عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی است و او اول مؤمنین است^(۱) همانطور که میرزای نوری در کتاب النجم الثاقب ذکر نموده ، روایت دارای دلایل واضح بوده و نیاز به تاویل ندارد ، و یا اینکه مهدی اول فرزند امام مهدی علیه السلام و ایشان از یاران امام و اول مؤمنین به دعوت ظهور امام مهدی علیه السلام است زیرا مؤمنین به خدا و مسلمانان زیاد بوده و قول ایشان در مورد اول مؤمنین ، به عنوان اول مؤمنین به امام علیه السلام در ابتدای دعوتش برای ظهور خواهد بود زیرا ایشان فرستاده ای برای همه مردم و وصی امام علیه السلام که دولت عدل الهی را بعد از پدرش علیه السلام حکومت می کند و اسامی ایشان (احمد و عبد الله و مهدی) که عبد الله یک صفت و اما مهدی بخاطر اینکه او اول مهدین اثنی عشری از فرزندان امام مهدی علیه السلام است آنگاه از اسماء ایشان، فقط احمد می ماند .

آ- مطابقت اسم:

بعد از اینکه از طریق وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشخص شد که اسم مهدی اول احمد است سپس به روایت هایی نگاه می کنیم که به یمانی اشاره می کنند و آن روایات به پرچم

۱ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۷ ، غیبت طوسی: ص ۱۵۰ ، غایه المرام: ج ۲ ص ۲۴۱ .

های سیاه و گنج های طالقان و پرچم های خراسان و پرچم های مشرق اختصاص دارد زیرا که هیچ روایتی وارد نشده که به خروج این پرچم ها از زیر رهبری یمانی اشاره کند، و یا از پرچم یمانی علیه السلام سرپیچی کنند آنگاه روی بر گرداننده از آن از آتش است بلکه همه روایات بر این پرچم ها جهت تمهید برای امام مهدی علیه السلام تاکید دارند .

از امام باقر علیه السلام در حین مسیر برای جابر یاد کرده و می فرماید (برای خدا گنجی است در طالقان که از طلا و نقره نیست دوازده هزار نفر در خراسان که شعار آنها: (احمد احمد) است و جوانی از بنی هاشم سوار بر قاطری سفید، و بر سر او عمامه ای قرمز آنها را رهبری می کند ، انگار او را می بینم که از فرات عبور کرده است . پس اگر در این مورد شنیده اید حتی اگر با دست و پا خود را روی برف بکشید با سرعت به سوی او بشتابید).^(۱)

این روایت یمانی را با نام احمد مشخص می کند که مطابق اسم مهدی اول علیه السلام در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله که به وصی و خلیفه امام مهدی علیه السلام اشاره شده آمده است .

در بحث سابق پرچم های مشرق که رسول خدا فرموده ، حتی اگر با دست و پا بر روی برف خود را بکشند به سوی آنها دعوت نموده و در مورد بیعت با آنها تاکید کرده همان پرچم یمانی موعود هستند و کسی از آنها سرپیچی نمی کند مگر اینکه از اهل جهنم باشد و بر حسب روایت گنج های طالقان مورد مدح و ستایش واقع شده و جوان بنی هاشم که گنج های طالقان را رهبری می کند یکی از رهبران لشکر یمانی است زیرا که گنج های طالقان از پرچم های مشرق زیر نظر پرچم یمانی هستند و شعار آنها احمد احمد است و واضح است که عبارت (احمد احمد) یک شعار همانند شعار های معروف ما نیست بلکه آن اشاره ای به رهبر عموم است که همه پرچم های مشرقی به سوی آن دعوت می کنند ، و اما قول امام علیه السلام در مورد گنج های طالقان صحبت می کند ، اینگار او را می بینم که از فرات عبور کرده ، و چون طالقان در ایران است پس معلوم است که رود فرات از

هیچ منطقه مرزی جز دولت ایران نمی گذرد مگر شهر بصره و آنهم بعد از تلاقی فرات با دجله و ورود آنها به اروند رود است ، و اما عبور آن از هر منطقه ای از شهرهای دیگر عراق به غیر از بصره ، حتماً باید از دجله و نه فرات عبور می کرد ، پس در آنجا ارتباط معلومی میان یمانی و بصره وجود دارد ، و آن یکی از استان های جنوبی عراق که رود فرات از آن می گذرد و شهر ناصریه به اسم (فرات بصره) همانطور که استان میسان به (دجله بصره) معروف و شناخته شده است .

از امیرالمومنین علی ابن ابی طالب علیه السلام ... دجالی از دجله بصره که از من نبوده خروج می کند و او مقدمه همه دجالین است.^(۱)

و از امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام (... سپس مهدی هادی مهدی که پرچم را از دست عیسی ابن مریم می گیرد خروج می کند و بعد از آن دجال از استان میسان و از نواحی بصره خروج می کند)^(۲)

و در مرز های حال حاضر بصره دجله و فراتی وجود ندارد بلکه هر دو در رود اروند کنار (شط العرب) جمع می شوند آنگاه طبق روایت دوم از امیر المؤمنین بصورت واضح آمده که دجله بصره میسان و فرات آن ناصریه است ، و میسان از نواحی قدیم بصره است .

و در این دو روایت به دجال میسان (حیدر امشتت) که به دروغ مدعی منزلت یمانی از آل محمد علیه السلام شده اشاره می کند که خداوند متعال به سرعت آبروی او را برد و امروزه او تحت عنوان جدیدی در روزنامه (قائم) خود را به عنوان قحطانی معرفی کرده^(۳)، تعالی فرمودند ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾^(۴) (آیا در معانی قرآن نمی اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند) برای مطالعه مطالب بیشتر در این خصوص به کتاب سامری عصر ظهور از شیخ ناظم عقیلی مراجعه کنید .

۱ - الملاحم والفتن - السيد بن طاووس الحسني: ص ۱۲۲ .

۲ - الملاحم والفتن - السيد بن طاووس: ص ۱۳۴ .

۳ - این خبر متعلق به ابتدای دعوت می باشد .

۴ - نساء: ۸۲ .

اهل بیت علیهم السلام به اتباع عابر یا عبور کننده از فرات امر نموده اند چونکه فرات در عراق بوده در ابتدا صحبت متوجه اهل عراق و سپس برای غیراست ، فرمودند علیهم السلام (اینکار که او را در حال عبور از فرات می بینم . که اگر در این خصوص شنیده اید حتی اگر با دست و پا خود را روی برف بکشید با سرعت به سوی او بشتابید). و انسان باهوش با یک اشاره متوجه می شود و در حالی که این امر نه تنها فقط برای انسان باهوش و غیره نیاز به فقط یک اشاره داشته و واضح بوده و کسی از آن سرپیچی نمی کند مگر اینکه معاند و متکبر و به آل محمد علیهم السلام کافر و ولایت آنها را نپذیرفته است (از دشمنان آنها) و یا بندگی غیر از خدا را می کند (بندگی یکی از علماء غیر عامل گمراه و خائن را می کند) همان کسانی که سخنگوی خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مود آنها می فرماید (فقهای آن زمان شرور ترین فقهاء زیر سایه آسمان هستند) که خود و مردم را در توهم و شبهه قرار داده به اینکه اولیاء خدا هستند خداوند متعال می فرماید ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾^(۱) (بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم * آنان کسانی اند که کوشش شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می پندارند که کار خوب انجام می دهند)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله هیچ استثنایی جزء قشر ضعیف و مستثنی میان آنها قائل نمی شود زیرا که آنها در آن مجتمع معصیت کار و منحرف تاثیری نداشته و به حساب نمی آمده و آنها از افراد مستضعف هستند که یار و یاور قائم علیه السلام می شوند که خداوند متعال درباره آنها فرمودند ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^(۲) (و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و آنها را وارث زمین کنیم)

۱ - کشف ۱۰۲-۱۰۳.

۲ - قصص: ۵.

حضرت محمد ﷺ به بیعت با ایشان علیهم السلام امر می کند .

از روایت مهدیین واضح است که مهدیین اثنی عشری علیهم السلام بعد از امام مهدی علیه السلام از نسل ایشان و اوصیائی هستند که بر آنها تاکید شده همانطور که وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دوازده امام علیهم السلام قبل از آنها اشاره نموده است ، و آنها بعد از پدرشان امام مهدی علیه السلام حجت های خدا بر سرزمینش هستند تا اینکه زمین از حجت خالی نماند ، تعالی فرمودند: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^(۱) (فرستاده گانی که بشارت دهنده و هشداردهنده بودند تا برای مردم پس از فرستادن در مقابل خدا بهانه و حجتی نباشد و خدا توانا و حکیم است) و تعالی فرمودند: ﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾^(۲) (بگو حجت رسا مخصوص خداست و اگر خدا می خواست قطعاً همه شما را هدایت می کرد)

(از ابی جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند به خدا قسم خداوند از زمانی که آدم را از دنیا برده سرزمینش را بدون امامی هدایت کننده به سوی خدا ترک ننموده و او حجتش بر بندگانست و بندگان در زمین بدون امام حجت باقی نمی مانند)^(۳)

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند اگر در زمین فقط دو نفر باقی مانده حتماً یکی از آنها بر دوستش حجت خواهد بود.^(۴)

(ابو عبد الله علیه السلام فرمودند اگر مردم دو نفر مرد بودند حتماً یکی از آنها امام خواهد بود و فرمودند: آخرین نفری که خواهد مرد امام است تا اینکه احدی از مردم به بهانه عدم وجود حجت بر خدا حجت نکند)^(۵)

۱ - نساء: ۱۶۵ .

۲ - نعام: ۱۴۹ .

۳ - غیبت نعمانی: ص ۱۳۸ .

۴ - غیبت نعمانی: ص: ۱۴۰ .

۵ - غیبت نعمانی: ص ۱۴۰ .

در معصومیت حجت های خدا اختلافی وجود ندارد و حجت نخواهد بود تا اینکه حجتش کامل باشد ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾^(۱) (دانای نهان (عالم به امور غیب) است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند * جز فرستاده ای که از او راضی باشد که در این صورت برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت)

پس خداوند حجت های خود را کنار خود قرار داده و در نهان مراقب و مواظب آنهاست و به اندازه توان ارتقاء و بزرگی و شأن و منزلت یافته تا اینکه بر خدا بعد از فرستادگان حجتی برای مردم باقی نماند و حجت خدا بر آنها غیر ناقص و تام باشد . و بعد از اینکه برای ما مشخص شد که اول مهدیین حجتی از حجت های خدا و معصوم و وصی بعد از پدرش و خلیفه و اول مؤمنین به ایشان و او تمهید کننده اصلی ورئسی و رهبر لشکریانش است که برای تمهید دولت قبل از قائم می جنگند و خلیفه مهدی رهبر پرچم های سیاه مشرقی است و با توجه به اینکه خلیفه و جانشین یکی است پس او خود مهدی اول است ، اما این روایت:

(اگر پرچم های سیاه را در حال آمدن از جانب خراسان دیده اید حتی اگر با دست و پا خود را روی برف کشیده و به سوی آنها بروید زیرا که در میان آنها خلیفه خدا مهدی است)^(۲)

و در بحث سابق بیان شد که یمانی رهبر پرچم های مشرق و حجت خدا و معصوم است همانطور که روایات برایشان به عنوان تمهید کننده رئیسی (زمینه ساز) امام العکرمی تأکید کرده اند .

رسول خدا ﷺ فرمودند (در کنار گنج شما سه نفر کشته می شوند که همه آنها فرزندان خلیفه هستند و برای هیچ کدام از آنها میسر نخواهد شد سپس پرچم های سیاه از جانب

۱ - جن: ۲۷.

۲ - الملاحم والفتن - السید بن طاووس الحسینی: ص ۵۳.

مشرق بیرون آمده و با آنها جنگی می کنند که هیچ قومی بجنگیده است سپس جوانی را یاد کرده و فرمود اگر او را دیده اید با او بیعت کنید چونکه او خلیفه مهدی است^(۱)

و این جوان همان یمانی است که تنها با دعوت رسول خدا برای بیعت با ایشان دلیل بر عصمت و حجیتش است همان طور قول امام باقر علیه السلام (روی برگردانده از او از اهل ائمه است) حجیت یمانی را بیشتر تاکید می کند و چون مهدی اول وصی بوده پس عصمت و حجیت او ثابت است ، و روایت سابق به صراحت اعلام می کند که او خلیفه مهدی است و خلیفه مهدی یکی و جزء یمانی اول مؤمنین نخواهد بود، و اما اگر بگوییم که شاید یمانی شخص دیگری به غیر از مهدی اول باشد ، حتما باید یکی از آنها حجت و دیگری فرمانبردار زیر پرچم است .

و اما اگر بگویید مهدی اول حجت است ، در اینجا حرکت یمانی چیز دیگری خواهد و او در این حالت فرمانبردار و زیر پرچم مهدی اول است و این صحیح نیست چونکه روایات بر یمانی به عنوان تمهیدکننده رئیسی برای امام علیه السلام دلالت می کند و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از او روی برگرداند و هر کس این کار را انجام دهد از اهل جهنم است و رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت را برای ایشان حتی اگر با دست و پا خود را روی برف کشیده می خواهد و روایات با صراحت اعلام می کنند که او خلیفه مهدی علیه السلام است .

و اما اگر بگویند یمانی حجت است آنگاه می گویم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت به مهدی اول اشاره نموده و فرمود: آنرا تسلیم فرزندش اول مهدیین کند ... و چون با بیعت بر ایشان تاکید شده است و با تاکید رسول خدا صلی الله علیه و آله او وصی امام مهدی علیه السلام و خلیفه اش است پس زیر پرچم هیچ کسی جز پدرش قرار نمی گیرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک زمان واحد بیعت را برای دو شخصیت درخواست نمی کند و آنها در یک زمان واحد زمان ظهور قرار دارند زیرا که مهدی اول و اول مؤمنین به امام مهدی در ابتدای ظهورش است همانطور که حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند (... و او اول مؤمنین است) و یمانی نیز رهبر

لشکریان امام علیه السلام در ابتدای ظهورش است حال پس هر دوی آنها در یک زمان واحد هستند ، همین طور درخواست بیعت در زمان ظهور توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها برای یک شخص و او همان مهدی اول (یمانی) است .

ج- فقط امام ولی امر امامی دیگر می شود

روایاتی که درباره مهدیین است (وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله) به صراحت اعلام می کند که مهدی اول همان وصی امام مهدی علیه السلام است همانطور که روایات متعددی بر صاحب پرچم های مشرق و در مورد بیعت با ایشان حتی اگر با دست و پا خود را روی برف بکشند تاکید شده ایشان همان خلیفه مهدی و در روایاتی خلیفه خدا مهدی است^(۱) و معلوم است که امام مهدی علیه السلام بین رکن و مقام در مکه و نه از مشرق خروج می کند و پرچم های مشرق یا پرچم های یمانی و غیر آنها از علامات حتمی است که قبل از امام علیه السلام می آیند و روایات به صراحت اعلام می کند که مهدی و یا خلیفه مهدی است که در میان پرچم های مشرقی قبل از امام مهدی علیه السلام می آید پس این مهدی که از علامات حتمی بوده چه کسی است؟ و یا این خلیفه ای که جانشین امام مهدی علیه السلام است کیست اگر معصوم نباشد؟ درحالیکه روایات به صراحت اعلام می دارد فقط امام می تواند جانشین امامی دیگر شود و در صورتی که:

(سید مقرر در کتاب (زین العابدین) در ص ۴۰۲ احادیثی دال بر اینکه ولی امر امام فقط امامی همانند ایشان است را ذکر نمود)^(۲)

(خبر وارد شده از مسیب در مورد حدیث علی بن ابی حمزه هنگامی که از امام رضا (علیه السلام) سوال کرده را توضیح می دهد ، گفت: ما از پدرانت دریافتیم که ، کسی ولی امر امام نمی شود مگر امامی همانند او باشد ؟ پس ابو الحسن امام رضا (علیه السلام) به او فرمودند: به من بگو که حسین ابن علی ، امام بوده و یا غیر امام ؟ گفت

۱- به روایات بحث گذشته در این خصوص مراجعه نماید

۲- کتاب الامام الحسین علیه السلام - الحاج حسین الشاکری: ص ۲۰۲ .

امام بود . فرمودند پس ولی امر او چه کسی بود ؟ گفت: علی ابن الحسین . فرمودند پس علی ابن الحسین کجا بود ؟ گفت: توسط عبید الله بن زیاد زندانی بوده . فرمود: از زندان بیرون آمد و در حالی که نمی دانند که ایشان ولی امر پدرش است . انگاه رفت.^(۱)

و از سعد بن عبد الله ، از ابی عبد الله محمد بن ابی عبد الله الرازی جامورانی ، از حسین بن سیف بن عمیره ، از پدرش سیف ، از ابی بکر خضرمی از ابی جعفر علیه السلام ، گفت: به ایشان گفتم کدام قطعه از زمین بعد از حرم خداوند عزو جل و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل تر است، فرمودند: ای ابا بکر کوفه زکیه طاهره است ، در آن قبر پیامبران مرسل و غیر مرسل و اوصیاء صادقین است ، و در آن مسجد سهیل که خداوند پیامبری را نمی فرستد مگر اینکه در آن نماز بخواند ، و از آن عدل خدا ظاهر می شود ، و در آن قائمش وقائمین بعد از ایشان خواهند بود ، و آن منازل پیامبران و اوصیاء و صالحان است.^(۲)

شریف مرتضی بر روایت قبل در مورد عبارت قوام بعد از ایشان و در مورد روایات مهدیین که جانشین امام مهدی علیه السلام می شوند توضیح می دهد

(شریف مرتضی رحمه الله) در مجموعه سوم از رساله: ۱۴۵: گفت - اگر در مورد وجود امامی بعد از امام مهدی علیه السلام صحبت کنیم دراین صورت از بحث اثنی عشری خارج میشویم و آنرا به پایان می بریم ، و اگر در مورد امام بعد از ایشان صحبت نکنیم اصلی که پایه وعمود مذهب است را باطل می کنیم ، و آن زشتی و ناپسند بودن زمان بدون امام است ... و جایز است که جهان بعد از ایشان مدت زمان زیادی بماند ولی - زمان بعد از ایشان بدون ائمه جایز نیست و بعد از ایشان ائمه متعددی که به حفظ دین و مصالح اهلش قائم باشند لازم بوده- و این به راه های امامت که در آن سلوک کرده ایم آسیب نمی رساند زیرا کسی که ما را مکلف کرده که امامت این عده - اثنی عشری- را لازم بدانیم ، و ما این مورد را به صورت شفاف بیان مینماییم ... از اینکه ما خود را اثنی عشری نامیده این قول ما را از این نامگذاری خارج نمی کند زیرا که نزد ما این اسم بر

۱ - امام موسی کاظم علیه السلام - حاج حسین شاکری: ص ۴۲۱ .

۲ - کامل الزیارات: ص ۷۶ .

کسی که امامت دوازده امام بر او ثابت شده اطلاق می گردد ، ما این مذهب را ثابت کرده و در این مذهب موافقی نداریم ، پس تنها ما با این اسم جدا شده ایم^(۱).

همان طور روایاتی که به حد تواتر رسیده و دارای سند قطعی هستند (که برای اعتقاد مفید است) بر امامت دوازده امام از فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام تاکید کرده و یا اینکه همراه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله عدد اهل بیت علیهم السلام پانزده نفر می شود و این اشاره واضحی به اول مهدیین از فرزندان امام مهدی علیه السلام دارد که بعضی از این روایات را برایتان می آوریم:-

محمد بن یحیی از محمد بن احمد از محمد بن حسین از ابی سعید عصفوری از عمرو بن ثابت از ابی جارود از امام ابی جعفر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: من و دوازده نفر از فرزندانم و تو ای علی استواری زمین یعنی میخ ها و کوه های آن هستیم خداوند زمین را با ما استوار نمود تا اینکه با اهلش از بین نرود انگاه اگر دوازده نفر از فرزندانم بروند زمین با اهلش بدون حتی فرصت و مهلتی از بین خواهد رفت^(۲)

از ابی سعید از امام ابی جعفر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دوازده نفر نقیب نجیب محدث و تفهیم کننده از فرزندان من آخر آنها قائم و قیام کننده حق ، که آنرا پر از عدل می کند همانطور که پر از جور شده بود^(۳)

ابو علی اشعری از حسن بن عبید اله از حسن بن موسی خشاب از علی بن سماعه از علی بن حسن بن رباط از ابن اذینه از زراره گفت شنیدم ابا جعفر علیه السلام می فرماید: دوازده نفر امام از آل محمد همه آنها سخنران از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام و آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام پدران هستند^(۴)

۱ - پایان یافت - حاشیه کتاب رجعت - محمد مؤمن الاسترابادی: ص ۹۹ .

۲ - الکافی: ج ۱ ص ۵۳۵ .

۳ - الکافی: ج ۱ ص ۵۳۵ .

۴ - الکافی: ج ۱ ص: ۵۳۴ .

محمد بن یحیی از محمد بن حسین از ابن محبوب از ابی جارود از ابی جعفر علیه السلام از جابر بن عبد الله انصاری گفت بر حضرت فاطمه زهرا رضی الله عنها وارد شدم در بین دستانش لوحی که در آن اسماء اوصیاء از فرزندانش بود پس دوازده امام را نام برد آخر آنها قائم علیه السلام است سه تا از آنها محمد و سه تا علی هستند ^(۱)

محمد بن یحیی از عبد الله بن محمد خشاب از ابن سماعه از علی ابن الحسن بن رباط از ابن اذینه از زراره گفت شنیده ام که ابا جعفر علیه السلام می فرمایند: دوازده امام از آل محمد صلی الله علیه و آله همه آنها سخنران از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزندان علی علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام پدران هستند ... ^(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند ای علی فاطمه دخترم سیده زنان جهانیان و بعد از تو عزیزترین برای من، را به ازدواج شما در آورده ام و از شما سید جوانان بهشت و شهدای در خون خود آغشته و اندوهگین در زمین بعد از من و همین طور نجبای نورانی همان کسانی که خداوند به واسطه آنها ظلم را خاموش و حق را احیاء می کند و باطل را به واسطه آنها از بین می برد عده آنها به عدد ماه های سال است که پشت سر آخرین آنها عیسی ابن مریم علیه السلام نماز می خواند ^(۳)

از اصبع بن نباته گفت: در یکی از روزها پیش امیر المومنین علیه السلام رفته پس او را متفکر در حال نبش زمین دیدم ، گفتم: ای امیر المومنین زمین را نبش می کنید آیا در آن رغبتی دارید ، فرمودند: خیر به خدا قسم نه در آن و نه در دنیا یک لحظه رغبتی ندارم ولی فکرم مشغول به مولودی که از نسل و یا صلب یازدهم از فرزندانم است می باشد ، اومهدی است که آنرا (دنیا) پر از عدل و داد می کند همانطور که پر از ظلم و جور شده ، برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که به واسطه آن اقوامی گمراه و دیگرانی صاحب هدایت می شوند . گفتم: ای امیر المومنین این غیبت و حیرت چقدر خواهد بود ؟ فرمودند: شش

۱ - الکافی: ج ۱ ص: ۵۳۳ .

۲ - الکافی: ج ۱ ص: ۵۳۲ .

۳ - غیبت نعمانی: ص: ۵۸ .

روز یا شش ماه و یا شش سال^(۱)، گفتم: آیا او پدیده یا موجودی است؟ فرمود: بله، همانطور که او مخلوق است، ای اصبع در مورد این امر بدان که آنها برگزیدگان این امت همراه برگزیدگان ابرار این عترت هستند^(۲)

مرد یهودی به امیر المومنین علیه السلام گفت: در مورد این امت خبرم کن که چند امام هدایت شده دارد؟ و در مورد پیامبر شما محمد خبرم کن که در بهشت چه جایگاهی دارد؟ و به من بگو که چه کسانی با او در بهشت هستند؟ امیرالمومنین علیه السلام به ایشان فرمودند: (برای این امت دوازده امام هادی از نسل پیامبرش و آنها از من هستند و اما منزل پیامبر ما در بهشت، ایشان در برترین و شریف ترین جایگاه بهشت عدن است و اما دوازده امام از نسلش و مادرشان و مادر بزرگشان و مادر مادرشان و نسلهای آنها همراه ایشان در آن جایگاه بوده و کسی در این جایگاه با آنها شریک نمی شود)^(۳)

و از انس بن مالک وارد شده از رسول خدا در مورد حواریون عیسی سوال کردم و فرمودند: از مخلصین و برگزیدگانش دوازده نفر بودند - گفتم: ای رسول خدا حواریون شما چه کسانی هستند؟ فرمودند: ائمه بعد از من دوازده امام از صلب علی و فاطمه حواریون من و یارانم هستند، احترام و سلام خدا بر آنها باد).

از شیخ خزاز از جناده بن ابی امیه گفت: بر حسن ابن علی ابن ابی طالب در زمان بیماریش وارد شدم ... تا اینکه گفت ... گفتم: ای مولای من چرا خود را معالجه نمی

۱ - و برای شناخت مصادر این حدیث به راویان آن نگاه نماید - محمد بن جریر طبری (شیعی): ص ۵۲۹ و در کتاب مهدی منتظر ع ج ۱ - حاج حسین شاکری: ص ۱۸۰ و همین طور شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی و غیر آنها آنرا روایت کردند به استنادش از اصبع بن نباته، الاختصاص برای مفید: ص ۲۰۹: حاشیه ۴ - ۵ - ۶ و صاحب کتاب لازم که امام معصوم غایب باشد - مرکز مصطفی ص ۹۴ و از آن اثبات الهداة: ۳ / ۵۱۰ ح ۳۲۹ و در بحار ۵۲/۱۱۲ ح ۲۳ و از غیبه النعمانی: ۲۰۸ ح ۱۶ - به استناد از محمد بن منصور الصیقل و در منتخب الاثر: ۳۱۴ ح ۱ و از کمال الدین: ۳۴۶ ح ۳۲ - به استنادش از منصور مختصراً نحوه و اخراج آن از بحار ۵۲ / ۱۱۱ ح ۲۰ از کمال و در کافی: ۱ / ۳۷۰ ح ۶ آنرا روایت نمود. لازم است که امام معصوم غایب باشد - مرکز مصطفی (ص) ص ۹۸. --- ۱۶

۲ - کافی شیخ کلینی: ج ۱ ص ۵۳۲، غیبت طوسی: ص ۱۳۵ محقق به صحت سند اشاره نموده پس به تحقیق عبد الله تهرانی و احمد ناصح مراجعه کن و مناقب: ج ۱ ص ۲۵۶، بحار الانوار: ج ۲۰ ص ۱۰۸ و ج ۳۶ ص ۳۸۱، معجم احادیث الامام مهدی: ج ۳ ص ۱۵۸ .. ۱۷

۳ - الکافی للشیخ الكليني: ج ۱ ص ۵۳۲، غیبت طوسی: ص ۱۳۵ أشار المحقق إلى صحة السند فراجع تحقیق عبد الله الطهرانی و احمد ناصح، المناقب: ج ۱ ص ۲۵۶، بحار الأنوار: ج ۲۰ ص ۱۰۸، ج ۳۶ ص ۳۸۱، معجم احادیث الإمام المهدي: ج ۳ ص ۱۵۸

کنید ؟ فرمودند: مرگ را با چه چیزی معالجه کنم ؟ گفتم: انا لله وانا اليه راجعون . سپس به سوی من نگریستند و فرمودند: به خدا قسم آن عهده‌ی است از رسول خدا ﷺ که وعده آنرا به ما داده و این امر ملک دوازده امام از فرزندان علی و فاطمه ث است که کسی از ما نخواهد بود مگر اینکه مسموم و یا کشته شده باشد^(۱).

و از این احادیث که ائمه عليهم السلام را سینزده امام مفترض اطاعت که دوازده امام آنها از صلب علی و فاطمه هستند تاکید می کند و حدیث از رسول خدا ﷺ فرمودند: (خداوند به اهل زمین نگاه نموده و از آن دو مرد انتخاب کرد: یکی از آنها من هستم و مرا به عنوان فرستاده پیامبر برگزید، و دومی علی ابن ابی طالب که به من وحی نمود او را به عنوان برادر و دوست و وزیر و وصی و خلیفه خود انتخاب کنم . انگاه او بعد از من ولی هر مؤمن است ، هر کس ولایتش را بپذیرد ولایت خدا را پذیرفته و هر کس که با او دشمنی کند ، با خدا دشمنی کرده است . جزء انسان مؤمن کسی او را دوست ندارد و کسی با او دشمنی نمی کند مگر اینکه کافر باشد و او بعد از من استواری زمین و ساکنانش است ، و او کلمه تقوی خدا و عروه الوثقی است.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^(۲)

(می‌خواهند نور خدا را با دهان خود(باصحبت‌های خود) خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه بر خلاف میل کافران باشد نور خود را کامل خواهد نمود) آنگاه خداوند نگاهی دیگر نموده و بعد از ما دوازده وصی از اهل بیت را انتخاب نمود و آنها را همانند ستارگان در آسمان یکی بعد از دیگری به عنوان برگزیدگان اتم قرار داد ، و اگر ستاره ای غایب شود ستاره ای دیگر طلوع می کند . آنها ائمه هدایت و هدایت شده هستند که دشمنی و عداوت و پشت کردن هیچ کسی به آنها اثر نمی کند . آنها حجت‌های خدا در روی زمین و شاهدان بر خلقش ، و مخازن علمش ، و مترجمان وحیش ، و معادن حکمتش هستند . هر کس از آنها پیروی کند خدا را اطاعت نموده و هر کس که از آنها سرپیچی کند به خدا

۱- کفایة الاثر در باب آنچه که از امام حسن (ع) آمده ، همانطور که صراط مستقیم : ج ۲ ص ۱۲۸ آنرا خارج نمود ، و الصناف: ص ۱۲۱ ، و لمحات - از شیخ لطف الله الصافی ص ۲۲۰
۲- صف: ۸ .

معصیت نموده است . آنها با قرآن و قرآن همراه آنها و از آن جدا نمی شوند تا اینکه به حوض بر گردند . پس انسان شاهد و حاضر ، غایب را ابلاغ کند . خداوندا شاهد باش ، خداوندا شاهد باش - سه با آنها تکرار نمود^(۱)

رسول خدا ﷺ بعد از شمردن ائمه علیهم السلام فرمودند: سپس امام آنها (مردم) تا زمانی که خدا بخواهد غایب خواهد شد برای او دوغیبت خواهد بود یکی از آنها از دیگری طولانی تر است سپس رسول خدا به سوی ما نگاه کرده و با صدای بلند فرمودند: برحذر باشید: برحذر باشید اگر پنجم از فرزندان هفتم از فرزندانم مفقود شد^(۲) و هر کس مطالب بیشتری در این خصوص بخواهد به کتاب (مهدی و مهدیین در قران و سنت) از استاد ضیاء زیدی یکی از اصدارات یاران امام مهدی علیه السلام مراجعه کند .

د - عصمت ایشان

با توجه به اینکه روایات بر عصمت یمانی و مهدی اول تاکید کرده و هیچ گونه مانعی از روایات و غیره بر اینکه شخص یمانی خود مهدی اول علیه السلام و یا اینکه شخص مهدی اول همان شخص یمانی علیه السلام است همین طور امکان فهم روایات جز در اینکه یمانی و مهدی اول یک نفر و معصوم است وجود ندارد.

هـ - میزان نزدیکی ایشان به امام علیه السلام .

روایات مهدیین تاکید کرده که اول مؤمنین به امام مهدی علیه السلام وصیش است همانطور روایات دیگری نشان داده که کسی از جای امام مهدی علیه السلام اطلاع ندارد مگر مولایی (خلیفه اش) که نزدیک ایشان است و اموراتش را برعهده میگیرد.

از ابی عبد الله علیه السلام می فرمایند: (برای صاحب این امر دوغیبت است که یکی از آنها طولانی می شود تا اینکه بعضی ها بگویند مرده و بعضی دیگر بگویند رفت و جز

۱ - کتاب السقیفه سلیم بن قیس: ص ۳۸۰ .

۲ - بحار الانور: ج ۵۲ ص ۳۸۰ .

عده محدود کسی از یارانش باقی نمانده و کسی از فرزندان و غیر آنها از جای ایشان اطلاع پیدا نمی کند مگر مولایی که ولی امرش است^(۱)

از ابی عبد الله الحسین بن علی علیه السلام فرمودند: (برای صاحب این امر - منظور ایشان امام مهدی علیه السلام دو غیبت است: یکی از آنها طولانی می شود تا اینکه بعضی بگویند مرده و بعضی دیگر بگویند رفت و کسی از نزدیکان و غیر آنها از جای ایشان اطلاعی ندارند مگر مولایی که امورات او را بعهده میگیرد)^(۲)

و این دو روایت به صراحت نشان می دهد که کسی از مکان امام مهدی علیه السلام حتی فرزندان در زمان ظهور اطلاعی ندارد مگر مولایی که ولی امرش بوده و حکمش را بعد از حکومت امام علیه السلام بدست می گیرد و بی شک او وصی بلا منازع و یا مهدی اول است .

از عبد العلی حلبی از ابی جعفر علیه السلام در حدیثی فرمودند: تا اینکه به تعبیه برسد مردی از صلب پدرش به سوی ایشان بر خواهد خواست ایشان در میان مردم دارای بدنی تنومند و بعد از صاحب امر دارای قوت قلبی بسیار است ، به او گفته می شود: شما در حال انجام چه کاری هستید ؟ به خدا قسم که شما مردم را خار و سبک شمرده انگار که نعمتها را سبک می شماری، آیا این کار را با عهده ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا با چه چیز دیگر انجام می دهی ؟ آنگاه مولایی که ولی بیعت است می گوید: به خدا قسم اگر ساکت نشوی سرت را از تنت جدا می کنم . پس قائم به او می گوید: ای فلانی ساکت باش، که به خدا قسم همراه من عهده ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد ، فلانی کیسه را به من بده - یا زنفیلجه - پس آنرا آورده و عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواند. پس می گوید: خداوند مرا فدای شما قرار دهد ، سرت را به من بده تا آنرا ببوسم آنگاه سرش را پایین می آورد و او را میان چشم هایش می بوسد سپس می گوید: خداوند مرا به عنوان فدایی شما قرار دهد بیعت را با ما تجدید کن ، پس بیعتش را برای آنها تجدید می کند)^(۳)

۱ - منتخب النوار المضيئه - السيد بها الدين النجفی ص: ۱۵۵ .

۲ - الزام الناصب فی اثبات الحجة الغایب : ج ۱ ص ۲۸۹ .

۳ - المهدي المنتظر ع : ج ۲ - الحاج حسین الشاکری ص ۴۳۶ .

همانطور که روایت امام باقر علیه السلام تاکید می کند یمانی مردم را برای بیعت با امام مهدی علیه السلام دعوت می کند و در روایات دیگر (به سوی صاحبان دعوت می کند) و به او به عنوان (خلیفه مهدی) اشاره می کنند و در روایت دیگری به ایشان به عنوان (جانشین خلیفه) و در روایتی (خلیفه خدا مهدی) اشاره شده حال روایات را مطالعه کنید:

(اگر پرچم های سیاه را از جانب خراسان در حال خروج دیدید حتی اگر با دست و پا خود را روی برف کشیده به سوی آنها بشتابید چونکه در میان آنها خلیفه مهدی است).^(۱)

از امیر المومنین علیه السلام فرمودند (... حتی اگر غایب شده از فرزندانم غیبت نمود... و در همان سال مردمی از شیعه علی و دشمنانش برای جستجو و تجسس از جانشین خلیفه به حج بیایند آنگاه اثری و جانشینی از او ندیده و هیچ خبری از او نمی شنوند پس در آن هنگام شیعه علی دشمنان را دشنام می دهد و در همان زمان اشرار و فساق با حجت های خود بر آنها ظاهر می شوند ...).^(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (در کنار گنج شما سه نفر که همه آنها فرزندان خلیفه هستند کشته می شوند و برای هیچ کدام از آنها میسر نشده و پرچم های سیاه از جانب مشرق می آیند اگر امیر آنها را دیده اید حتی اگر خود را روی برف بکشید با او بیعت کنید چونکه او خلیفه خدا مهدی است).^(۳)

اگر هر دوی آنها شخص واحدی نبوده آنگاه کدام یکی از آنها خلیفه است یمانی و یا مهدی اول پس یمانی همان امیر پرچم های مشرق که رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت را برای او درخواست نمود و مهدی اول وصی امام مهدی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت شب وفاتش صلی الله علیه و آله بر بیعت با او تاکید نمود پس خلیفه جز یک شخص نخواهد بود .

۱ - الملاحم والفتن : ص ۵۲ .

۲ - غیبت نعمانی: ص ۱۴۴ .

۳ - غایه المرام : ص ۱۰۸ .

از ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام فرمودند: در یکی از این نواحی برای صاحب این امرغیبتی است و با دست خود به نواحی ذی طوی اشاره نمود تا اینکه قبل از خروجش مولایی که با ایشان بوده بیاید و با بعضی از یارانش دیدار و سؤال کند شما اینجا چند نفر هستید پس می گویند ما چهل نفر هستیم ، چه حالی خواهید داشت اگر صاحبتان را ببینید آنگاه می گویند به خدا قسم اگر از ما بخواهد که با کوه ها بجنگیم همراه او خواهیم جنگید سپس از روبروی آنها رد شده و می گوید که ده نفر مسئول یا برگزیده از میان خود انتخاب کنید پس به آنها اشاره می کنند آنگاه برای دیدن صاحب همراه آنها می رود و شب موعود را ذکر می کند^(۱)

از روایت واضح است شخصی که همراه امام مهدی علیه السلام اولین مجموعه را برای یاری امام مهدی راهنمایی کرده مجموعه ای که با مولای ولی بیعت پیمان و بیعت می کنند ، و او شخص همراه ایشان است ، و برای مردم امکان شناخت امام بر میل خود نیست ، پس هر کسی دنبال امام علیه السلام می گردد بر او واجب است که مولی همراه ایشان را بشناسد که او واسطه بین امام و مردم است ، این شخص به صورت علنی به سوی امام دعوت می کند و به همین خاطر که به چهل مرد می گوید ده نفر از میان خود را مشخص کنید و حتما این چهل نفر نیز از میان عده زیادی بودند که برای یاری آمده اند ، و گرنه معنی این استعداد آنها برای جنگ بدون توجه به عده و تعداد دشمن چیست ، و در بیان سخنگوی آنها آمادگی برای جنگ ، نشانه شهادت طلبی با توجه به عده اندک آنهاست حال می گویم: اگر عده آنها فقط ۴۰ نفر بوده آیا مستعد هستند که امام علیه السلام را قبل از اتمام مسئولیت برای شهادت تقدیم کنند .

هر کسی برای خود یمانی دارد

با مروری بر تاریخ و خلاصه دعوت های الهی خواهیم دید که برای هر رهبری وزیر و دست راست (یمانی) است ، و در بیشتر مواقع وصی و جانشین بعد از اوست و موضوع بحث ما همان وزیر و یمانی رهبر جهانی برای دولت عدل الهی است و آن به خاطر وجود بیشتر از یک یمانی در روایات و تداخل روایات در این شخصیت و غیره از شخصیت هایی که آمدن آنها قبل از امام علیه السلام است.

در هر دعوتی شخصی که همیشه و یا در بعضی مواقع در انجام و ظایف اداری و نظامی باید براو اعتماد کرده و مانند دست راست بوده لازم است تا اینکه رهبری برای لشکرش باشد و یا وزیر و وصی او و در بعضی اوقات با توجه به یاران دعوات الهی شخص حامل این صفات یک نفر بوده و با این مقدمه این چند مثال را مطالعه کنید:

یمانی موسی علیه السلام هارون علیه السلام است و او تمهید کننده و وصی و خلیفه و وزیر موسی علیه السلام است ﴿وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾^(۱) (و موسی هنگام رفتن به کوه طور به برادرش هارون گفت در میان قوم من جانشینم باش و کار آنان را اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن)، ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا﴾^(۲) (و به رحمت خویش برادرش هارون پیامبر را به او بخشیدیم)، ﴿وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي﴾^(۳) (و در حقیقت هارون قبلا به آنان گفته بود ای قوم من شما به وسیله این گوساله مورد آزمایش قرار گرفته اید و پروردگار شما خدای رحمان است پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا پذیرا باشید)

در غیاب موسی علیه السلام هارون علیه السلام حجت واجب الطاعه بود و آنها را به عبادتی که اطاعت خدا بوده دعوت نمود پس هر کس که از او پیروی نمود نجات یافته و هر کس

۱ - اعراف: ۱۴۲.

۲ - مریم: ۵۳.

۳ - طه: ۹۰.

که در فتنه گوساله افتاده و از او سرپیچی کرده گرفتار شد ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا﴾^(۱) (و به یقین ما به موسی کتاب آسمانی عطا کردیم و برادرش هارون را همراه او دستیار و وزیر گردانیدیم)، ﴿وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي﴾^(۲) (و برای من وزیری از کسانم قرار ده * هارون برادرم را * پشتم را به او استوار کن)

خداوند متعال بر موسی علیه السلام منت نهاده و جانشینش را از خانواده اش قرار داد و او هارون علیه السلام است و در حالی که هارون علیه السلام قبل از موسی علیه السلام از دنیا رفت و اگر موسی در زمان ما بوده بعضی از اولیاء شیطان با قول چگونه خداوند وصی و وزیر و جانشین را برای پیامبری تعیین کرده سپس قبل از او از دنیا برود و آیا آمدن وصی نباید بعد از پیامبر بوده بر او اعتراض می کردند . خواننده محترم از خود سوال کن که آیا با آنها اعتراض می کردی و یا خیر .

و امروزه اولیاء شیطان به آمدن سید احمد حسن وصی و رسول امام مهدی علیه السلام قبل از امام علیه السلام و علت حکومت ایشان بعد از امام مهدی علیه السلام اعتراض می کنند . در جواب می گویم که هارون سال های عدیده ای قبل از حضرت موسی آمده و برای او در مصر تمهید نمود و هر کس مطالب بیشتری در این خصوص بخواهد به کتاب داستان های پیامبران (قصص الانبیاء) مراجعه کند

امیر المومنین علیه السلام فرمودند (... آیا می دانید که هنگامی که در سمت راست (یمین) رسول خدا صلی الله علیه و اله می جنگیدم حضرت ﷺ می فرمود ند (جایگاه شما نسبت به من به منزله هارون از موسی است تنها با این تفاوت که بعد از من پیامبری وجود ندارد ؟ فرمودند: خداوندا بله مطیع هستیم).^(۳)

۱ - فرقان: ۳۵.

۲ - طه ۲۹ - ۳۱.

۳ - نهج الایمان: ص ۵۳۱.

و از رسول خدا ﷺ (حبیبم جبرائیل در زمان ولادت علی پایین آمده و به من گفتند: ای حبیب خدا . خداوند بر شما سلام فرستاده و به مناسبت ولادت برادرت علی برای شما تهنیت و تبریک گفته و می فرمایند: این زمان ظهور پیامبری شما و اعلام وحی و کشف رسالت شماست و شما را با برادرت و وزیر و پسر عمو و جانشینت و پشتوانه محکم تائید کرده و ذکر شما را به واسطه او متعالی کردم پس بلافاصله بلند شدم فاطمه بنت اسد مادر علی را یافتم و در حالی که زمان زایمانش در میان زنان بود وقوابل (کسانی که زایمان را انجام می دهند) اطراف او بودند ، حبیبم جبرائیل گفت بین خود و ایشان پرده ای قرار ده و اگر علی را به دنیا آورد او را با آغوش باز بپذیر، آنگاه امر و دستور را انجام دادم سپس به من گفت: ای محمد دست خود را جلو ببر چونکه او صاحب و دست راست (یمانی) شما است ، پس دستم را به طرف مادرش دراز کردم تا اینکه به یک باره علی در میان دستان من قرار گرفت ...) (۱)

یا اینکه علی علیه السلام یمانی و جانشین و رهبر لشکریان رسول خدا ﷺ است .

از ابو محمد علیه السلام : ... از رسول خدا ﷺ در فضایل علی علیه السلام می فرماید:

(... جبرائیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ ایشان و در حالی که جبرائیل بر میکائیل تفاخر می کند که او در طرف راست علی علیه السلام است چونکه راست برتر از سمت چپ است همانطور که ندیم ملک عظیم در دنیا که پادشاه او را در سمت راست خود قرار می دهد بر ندیم دوم که او را در طرف چپش می نشاند تفاخر می کند ، و هر دوی آنها بر اسرافیل که پشت سر اوست و ملک الموت که در خدمت ایشان است افتخار می کنند ، چونکه سمت راست و چپ از آنها برتر است ، همانند افتخار حاشیه ملک به خاطر نزدیکی به جایگاه آنها در ملکشان است). (۲)

ابی الفضل العباس علیه السلام یمانی امام حسین علیه السلام و حامل پرچم ایشان بود .

۱ - روضه الواعظین - فتال نیشاپوری: ص ۸۳ .

۲ - احتجاج: ج ۱ ص ۴۷ .

و امام مهدی علیه السلام خلیفه خدا در روی زمین و رهبر لشکریان خدا و او قسمت راست عرش جل و علا است و به واسطه ایشان از قاتلین امام حسین علیه السلام انتقام می گیرد ، و او و پدران معصوم ایشان و فرزندان مهدیین در قسمت راست عرش خدا جل و علا قرار دارند همانطور که سید ابن طاووس در کتاب مقتل روایت می کند ... گفت: هنگامی که امام حسین در روز عاشورا از اسب خود به پایین افتاد فرشتگان گفتند: پروردگارا در حالی که شما در کمینگاه و مرصاد هستید این کار را با حسین انجام می دهند ؟ خداوند متعال فرمودند: به قسمت راست عرش (یمین عرش) نگاه کنید . پس نگاه کرده در حالی که قائم در حال نماز بودند به آنها فرمود: من از آنها برای این (امام حسین علیه السلام) به واسطه این قائم انتقام می گیرم .^(۱)

آنگاه اگر قائم و پیامبران و فرستادگان خدا یمانِ خدا و قسمت راست عرش خدا هستند چه مانعی وجود دارد که رسول امام مهدی علیه السلام و مولایی که بیعت را برای ایشان گرفته و ولی امر ایشان علیه السلام است یمانی امام علیه السلام باشد ...

حال می گوئیم: مانع اهل خبره هستند که بعضی ها آنها را با این نام می خوانند علمای غیر عامل که در طول تاریخ جایگاه جانشینان خدا را به خاطر نادانی و به واسطه شمشیر گرفتند ، فلذا جز با شمشیر آن راپس نمیدهند و همانطور که در روایت آمده ، قائم علیه السلام آنها را با جام تلخ سیراب خواهد کرد .

امیر المومنین علیه السلام فرمودند: به پدرم قسم که او فرزند بهترین زنان منظور قائم از فرزندان علیه السلام است آنها را به سوی ویرانی برده و با جام تلخ (کاس مصبره) سیراب می کند و چیزی را بجز شمشیر به صورت هرج نمی دهد و در آن هنگام فجار قریش آرزو می کنند که هر آنچه از دنیا دارند را بخواهد به او می دهند ، دست از آنها بر نخواهیم کشید تا اینکه خداوند راضی گردد^(۲)

۱ - مشارق انوار الیقین - الحافظ رجب البرسی: ص ۳۴۱.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۲۹ .

اگر خود را از عبادت بت های بشری خلاص کرده و با قول خدا و پیامبران و اوصیاء اش عبادت می کردیم ، آنگاه در جستجوی یمانی مشکلی نداشته ایم و این امر نیاز به اهل خبره نداشت و از طریق کلام اهل بیت صفات ایشان را می شناختیم ، در دو روایت اخیر به عنوان مثال آمده:

از حبه العرنی گفت: امیر المومنین به سوی حیره آمده و با دست خود به کوفه و حیره اشاره نموده و فرمودند حیره به کوفه متصل خواهد شد تا اینکه هر ضراع آن با دینارها پول فروخته شود و در حیره مسجدی ساخته خواهد شد که دارای پانصد دروازه است و در آن جانشین قائم عجل الله تعالی فرجه نماز خواهد خواند زیرا که مسجد کوفه برای آنها کوچک خواهد شد و در آن دوازده امام عدل نماز خواهند خواند ، گفتم: ای امیر المومنین مسجد کوفه گنجایش آنچه را توصیف می کنید را دارد ؟ !! فرمودند: برای ایشان چهار مسجد ساخته خواهد شد که مسجد کوفه کوچکترین آنها ست و در اطراف کوفه از دو جانب برای ایشان دو مسجد ساخته می شود و با دست خود به بصره و گرین اشاره نمود^(۱)

(در کنار گنج شما سه نفر کشته می شوند که همه آنها فرزندان خلیفه هستند سپس برای هیچ کدام از آنها میسر نخواهد شد سپس پرچم های سیاه از جانب مشرق بیرون آمده و با آنها جنگی می کنند که هیچ قومی آن جنگ را بجزنگیده است سپس جوانی را یاد کرده و فرمود اگر او را دیده اید با او بیعت کنید زیرا که او خلیفه مهدی است)^(۲)

جانشین جوان امام مهدی علیه السلام وصی و یمانی امام علیه السلام است که حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله بریعت با ایشان اشاره نموده ، و با توجه به اینکه طلوع پرچم های این سه نفر و طلوع پرچم های سیاه قبل از امام مهدی علیه السلام در بسیاری از روایات ثابت شده بلکه پرچم های سیاه از علامات قبل از ایشان هستند (در اینجا از بعضی اتباع و پیروان علماء پا به سن گذاشته خواهشمند است که توجه داشته باشند که ایشان علیه السلام به آدم مسن

۱ - تهذیب الاحکام - شیخ طوسی: ج ۳ ص ۲۵۳ .

۲ - بشاره الاسلام: ص ۳۰ .

وپیراشاره ننموده بلکه فرموده که بصورت جوانی می آید و در اینجا هر کس که بر مصطفی اعتراض کند همانند آن کسی خواهد بود که گفته آن مرد هزیان می گوید و او عمر ابن خطاب ملعون است و هر کس امروزه بخواد از اتباع او باشد گفتارش را تکرار و کار و عمل او را انجام دهد . خداوند تعالی فرمودند: ﴿وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا﴾^(۱) (و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدی است)

و این جانشین جوان و یمانی امام مهدی علیه السلام و صاحب پرچم های سیاه مشرق که شعار آنها (احمد احمد) و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بیعت با آنها حتی اگر به صورت کشیدن خود با دست و پا روی برف تا کید کرده که به یمانی اشاره می کند همانطور که در بحث سابق گفته شد ایشان علیه السلام بیعت را بجزء برای علی علیه السلام و فرزندان معصومش طلب نمی کند ، و در بحث سابق روایات با سند قوی که تعداد آنها از حد تواتر^(۲) گذشته وارد شده که معصومین محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام دوازده امام هستند (یا اینکه با آنها عدد پانزده نفر خواهد شد) اشاره به اول مهدیین دارد . حال پس جانشین مهدی از فرزندان امام مهدی علیه السلام است ، (آنچه در مورد خبر وارد شده از مسیب توضیح می دهد حدیث علی بن ابی حمزه هنگامی که از امام رضا علیه السلام سوال می کند ، گفت: ما از پدرانت دریافتیم که کسی ولی امر امام نمی شود مگر امامی همانند او باشد ؟ پس ابو الحسن امام رضا علیه السلام به او فرمودند: به من بگو که حسین ابن علی امام بوده و یا غیر امام است ؟ گفت امام . فرمودند ولی امر او چه کسی بود ؟ گفت: علی ابن الحسین . فرمودند پس علی ابن الحسین کجا بود ؟ توسط عبید الله بن زیاد زندانی بود . گفت از زندان بیرون آمده در حالی که نمی دانستند ایشان ولی امر پدرش است آنگاه (ابی حمزه بطائنی) رفت.^(۳)

همانطور که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند (بعد از امام مهدی علیه السلام دازده مهدی خواهد بود و اگر هنگام وفات ایشان رسید آنها را تحویل فرزندش اول مهدیین که سه اسم دارد اسمی

۱ - نساء ۳۸ .

۲ - قاعده ای نزد علمای اصول مبنی بر اینکه عقید جز بر روایات مسنده متواتر بنا نمی شود.

۳ - امام موسی کاظم ع - حاج حسین شاکری: ص ۴۲۱ .

همانند اسم من و اسم پدرم و او عبد الله واحمد و اسم سوم مهدی و او اول مؤمنین (است) و از طریق روایت مهدیین متوجه می شویم که خلیفه مهدی همان اول مهدیین فرزندش احمد است .

و آنچه معلوم است جانشین امام مهدی علیه السلام یک نفر بوده همان چیزی که بحث ما را کامل می کند به اینکه یمانی و مهدی اول و خلیفه یا جانشین امام مهدی علیه السلام یک نفر است آنچه از ابن حماد آمده آنرا تایید می کند .

ابن حماد در صفحه ۱۰۳ روایت کرده و می گوید (مهدی جز از قریش و خلافت مگر نزد آنها نخواهد بود و حتما باید اصل ونسبی در یمن داشته باشد) و در سند مذکور خود آنرا در صفحه ۱۰ ذکر کرده . و در صفحه ۱۰۷ آمده (آنگاه با هم جمع شده و نگاه می کنند که با چه کسی بیعت کنند و برای آنها مشخص نمودیم که اگر صدایی را شنیده اند که هیچ انسان و یا جنی آنرا نگفته است: با فلانی بیعت کنید ، با اسم او ، از این طرف و با آن طرف نیست ، ولی او جانشینش یمانی است)^(۱)

سپس سفیانی لعنت شده از فرزندان عتبه بن ابی سفیان از صحرای خشک خروج می کند و اگر سفیانی ظهور کرد مهدی مخفی شده سپس بعد از او خروج می کند)^(۲)

و این مهدی ذکر شده در این روایت همان مهدی اول (یمانی) است .

زیرا که امام مهدی علیه السلام از سفیانی مخفی نمی شود و سفیانی قبل از ایشان علیه السلام می آید و از علامات حتمی ظهور امام مهدی علیه السلام است و کسی که از سفیانی مخفی می شود حتما قبل از او ظاهر شده که از قول ایشان این موضوع واضح است (پس اگر سفیانی ظهور کرد مهدی مخفی شده)، پس مهدی اول (اول مؤمنین) همانی که قبل از سفیانی آمده و با ظهور سفیانی مخفی می شود و ایشان برای امام علیه السلام تمهید و یارانش را جمع کرده و بیعت را از مردم می گیرد . و ظهور یعنی ظهور امر و خروج یعنی خارج

۱ - معجم احادیث امام مهدی ع برای شیخ علی کورانی: ج ۱ ص ۲۹۹ .

۲ - غیبت طوسی: ص ۴۴۴ .

شدن برای جنگ است . و در اول امر به سبب عدم وجود یاری کننده ، و کم بودن عده بیعت کننده گان مخفی می شود و این نحوه برخورد مردم با آل محمد ﷺ و با یاران دعوت های الهی در طول تاریخ است .

اصحاب یمانی در قرآن:

آیات قرانی که مخصوص اولیاء خدا وارد شده و آنها را ستایش و بشارت ثواب بسیار و تقسیم درجات نموده که خداوند تعالی فرمودند: ﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ (آن واقعه چون وقوع یابد)، یا واقعه سوم همانطور که در بیان سید احمد حسن یمانی موعود در مورد قول تعالی فرمودند ﴿انها لاحدی الکبر﴾ (که آن یکی از وقایع بزرگ است) یا قیامت صغری است و وقایع بزرگ الهی سه تا هستند: (قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری) و واقعه سوم همانطور که واضح است قیامت کبری است

تا اینکه تعالی فرمودند: ﴿وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً * فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ * ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ * وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ﴾^(۱) (و شما سه دسته بودید * یاران دست راست (یمین) کدامند یاران دست راست * و یاران چپ کدامند یاران چپ * و سبقت گیرندگان مقدمند * آنانند همان مقربان خدا * در باغستانهای پر نعمت * گروهی از پیشینیان * و اندکی از متاخران)

از امام صادق علیه السلام (روز های خدا سه تا هستند: روزی که قائم علیه السلام قیام می کند ، و روز رجعت و روز قیامت)^{(۲)(۳)}

۱ - واقعه: ۷-۱۴ .

۲ - معجم احادیث امام مهدی ع : ج ۵ ص ۱۹۲ .

۳ - مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۸ ، تأویل الایات: ج ۲ ص ۵۷۶ ح ۳ و همین طور سه روز ، روزهای خداوند یاد شده در آن است ، الحجه: ص ۱۰۸ و در آن ص ۲۰۳ - همان طور که در تأویل آیات ، برهان: ج ۲ ص ۳۰۵ ح ۳ - و همین طور در مختصر بصائر الدرجات با کمی تفاوت و در ج ۴ ص ۱۶۸ ح ۳ - در مورد تأویل آیات ، بحار: ج ۵۳ ص ۶۳ ب ۲۵ ح ۵۳ - از مختصر بصائر الدرجات ، ینابیع الموده: ص ۴۲۸ ب ۷۱ .

و هنگامی که سوره واقعه را مطالعه می کنیم صحبت آنرا در مورد درجات قیامت می یابیم و مردم را به سه قسمت تقسیم می کند ، گروه دوم اصحاب بهشت یمانی و گروه سوم اصحاب جهنم هستند ، و اما گروه اول سابقون یا مقربون هستند که بیشتر آنها از پیشینیان و تعداد اندکی از آخرین یا اینکه آنها در آخر الزمان تعداد اندکی هستند ، آنگاه اصحاب میمنه در سوره واقعه در درجه دوم هستند ، و اما اصحاب یمین در سوره مدثر غیر آنچه که در سوره واقعه هستند خداوند هر نفسی به آنچه انجام داده مرهون کرده ولی آنها را مستثنی نموده است ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾^(۱) (هر کسی در گرو دستاورد خویش است * بجز یاران دست راست)، و به هیچ گناهی مرهون نبوده و آنها در درجه اول هستند ، و یا اینکه آنها همان مقربون در سوره واقعه و خاصه یاران حجتها از آل محمد (یمین عرش خدا) و خاصه اصحاب دوازده امام و دوازده مهدی و اصحاب یمانی لشکر غضب ۳۱۳ نفر که در روز قیامت محشور شده و در روایات آمده که مردم درمورد آنها می گویند این امت همه پیامبر هستند .

از ابا عبد الله علیه السلام می فرمایند: (برای صاحب این امر یارانی محفوظ نگهداشته شده هستند که اگر همه مردم بروند خداوند یارانش را برای او می آورد و آنها همان کسانی هستند که خداوند عز وجل در مورد آنها فرموده است ﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءَ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ (و اگر اینان یا مشرکان بدان کفر ورزند بی گمان گروهی دیگر را بر آن بگماریم که بدان کافر نباشند) همان کسانی که خداوند در مورد آنها فرمودند ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (به زودی خدا گروهی دیگر را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست دارند که اینان با مؤمنان فروتن و بر کافران سرفرازند)^(۲)

در تفسیر اهل بیت علیهم السلام آمده از عمرو بن بشر از جابر از امام ابی جعفر علیه السلام در قوله عز وجل: (ذرنی و من خلقت وحیدا) (من وانکه را تنها افریده ی رهایمان کن) فرمودند: در این آیه منظور ایشان ابلیس ملعون است که او را بدون پدر و مادر

۱ - مدثر ۳۸-۳۹.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۳۱۶.

خلق نمود ، و قول ایشان(و جعلت له مالا ممدودا) (و مالی متمادی برای او قرار داده ام) منظور ایشان این دولت تا روز وقت معلوم روزی که قائم قیام کند(و بنین شهودا) و قول ایشان(کلا انه کان لآیاتنا عنیدا) می فرمایند: معاندی برای ائمه که بر خلاف راه آنها دعوت می کند و مردم را از آنها گمراه می کند ، و آن آیات خداوند است ، و قول ایشان(سأرهقه صعودا) ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: صعود بر کوهی از آتش ودود و بی شعله در جهنم و حمل مرد مکار که با کراحت بالای آن می رود ، آنگاه اگر باستان خود بر کوه بکوبد ذوب شده تا اینکه به زانو هایش ملحق شده و اگر آنها را بالا ببرد به حالت اول بر می گردد ، و تا زمانی که خدا بخواهد به همین حالت ادامه می یابد ، و قول تعالی(إنه فکر و قدر * فقتل کیف قدر) و همین طور قول تعالی(إن هذا إلا قول البشر) فرمودند یعنی تدبیر و نگاه و طرز فکر و استکبارش در نفس خود است ، و ادعای حق برای نفس خود بدون در نظر گرفتن اهل آن است ، سپس خداوند متعال فرمودند:(سأصلیه سقر) و همین طور قول تعالی(لواحة للبشر) فرمود: اهل شرق و اهل غرب آنها در سقر(جهنم) خواهند دید و اهل مشرق و اهل مغرب برای بر ملا شدن حقیقت او را خواهند دید ، و معنی همه این آیات در مورد حبت(مرد شیاد و حیلہ گر) است. فرمود: قول ایشان:(علیها تسعة عشر) یا نوزده نفری که از مردم شرق و غرب هستند . و قول ایشان:(و ما جعلنا أصحاب النار إلا ملائكة) فرمود: آتش خود قائم علیه السلام است که نور و خروجش همه شرق و غرب را روشن خواهد نمود ، و ملائکه مالکین علم آل محمد صلوات خدا بر آنها باد ... ، سپس خداوند متعال فرمودند(بل یرید کل امرئ منهم أن یؤتی صحفا منشره) فرمود: هر کدام از مردان مخالف می خواهد کتابی از آسمان بر او نازل گردد ، سپس تعالی فرمودند:(کلا بل لا یخافون الآخرة * از آخرت هراسی ندارند) و آن دولت قائم علیه السلام است ، و بعد از اینکه آنها را با تذکره یعنی ولایت آشنا نمود تعالی فرمودند: ﴿کلا ! نها تذکرة * فمن شاء ذکره * و ما یذکرون إلا أن یشاء الله هو أهل التقوی و اهل المغفرة﴾ فرمود: تقوی پیامبر صلی الله علیه و اله و مغفرت امیر المومنین (علیه السلام) است. (۱)

و به خاطر اینکه آنها از مقربین هستند و اما کسانی که غیر از مقربینند در برابر گناهان خود مسئول هستند ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾^(۱) (پس هر که هم وزن ذره‌ای نیکی کند نتیجه آن را خواهد دید* هر که هم وزن ذره‌ای بدی کند نتیجه آن را خواهد دید) ، و در سوره مدثر در مورد یکی از وقایع بزرگ قیامت صغری قیام قائم در دنیا است و آیات بعدی خود سوره این موضوع را توضیح داده قول تعالی ﴿بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنَشَّرَةً* كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ* كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ* فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ* وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾^(۲) (بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه‌ای از سوی خدا برای او فرستاده شود* چنین نیست که آنان می‌گویند بلکه آنها از آخرت نمی‌ترسند* چنین نیست که آنها می‌گویند آن يك تذکر و یادآوری است* هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد* و هیچ کس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد او اهل تقوا و اهل آمرزش است)

چگونه ممکن است که در قیامت کبری هر کدام نامه ای جدا گانه بخواهند مگر اینکه در دنیا با آن استدلال کنند و گر نه برای آنها چه سودی دارد در صورتی که امر آنها در جهنم به پایان رسیده است و چگونه امکان دارد که در آخرت بوده و از آن نمی‌ترسند و قول تعالی چنین نیست که آنها می‌گویند آن يك تذکر و یادآوری است ، و اگر در قیامت کبری بوده چه فایده ای در تذکر و یادآوری است ولی همان طور که سید احمد حسن فرمود آن در زمان قیام قائم عليه السلام وجدل آنها با ایشان و در خواست نامه های جداگانه و دلایل ظاهرا از ایشان و هر کدام دلیلی بر مزاج خاص خود می‌خواهند و تذکر و یادآوری برای کسی که به آن گوش داده و پند بگیرد ، و قول تعالی ﴿لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ* لَوْاحَةً لِّلْبَشَرِ* عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾^(۳) (نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند* پوستها را سیاه می‌گرداند* و بر آن دوزخ نوزده نگهبان است)، و هر کسی که در مورد نوزده

۱ - زلزله: ۷-۸.

۲ - مدثر: ۵۲ - ۵۶.

۳ - مدثر: ۲۸-۳۰.

سؤال دارد به بیانات صادره از سید احمد حسن در ۱ / شوال / ۱۴۲۴ هـ ق (النداءات) مراجعه نماید.

و قول تعالی در (و ما اصحاب آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم) فرمود: آتش یعنی قائم علیه السلام که روشنایی او در خروجش برای اهل مشرق و مغرب معلوم است و (ملائکه) مالکان علم محمد و آل محمد علیهم السلام هستند^(۱)

سپس خداوند متعال فرمودند ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ﴾^(۲) (و ما اصحاب آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم و عده آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده اند قرار ندادیم تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند و ایمان کسانی که ایمان آورده اند افزون گردد و آنان که کتاب به ایشان داده شده و نیز مؤمنان به شك نیفتند و تا کسانی که در دلهایشان بیماری است و کافران بگویند خدا از این وصف کردن چه چیزی را اراده کرده است این گونه خدا هر که را بخواهد بیراه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند و عده سپاهیان پروردگارت را جز او نمی داند و این آیات جز یاد آوری برای بشر نیست)، و در قول تعالی وارد شده ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ﴾^(۳) (ولی نخواست از گردنه عاقبت نگری بالا رود * و تو چه دانی که آن گردنه سخت چیست)

از ابان ابن تغلب از ابی عبد الله علیه السلام (به ایشان گفتم فدایت شوم معنی قول تعالی چیست ؟ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ فرمودند هر کس که خدا او را با ولایت ما صاحب کرم نموده و کار او از عقاب گذشت و ما آن عقبه هستیم که هر کس که به آن متمسک شده نجات پیدا کرد، سپس امام علیه السلام مدتی ساکت شده و فرمودند آیا با تو صحبتی بکنم که از

۱ - تأویل الایات - شرف الدین الحسنی: ج ۲ ص ۷۳۵

۲ - مدثر: ۳۱.

۳ - بلد: ۱۱ - ۱۲.

دنیا و مال و منال آن برای بهتر است گفتم فدایت شوم بله فرمودند - قوله ﴿فَكُ رَقَبَةً﴾ (بنده ای را آزاد کردن) - سپس فرمودند به غیر از شما و یارانت همه مردم بندگان آتش هستند چونکه خداوند گردن های شما را با ولایت ما اهل بیت آزاد نمود^(۱)

در همه زمان ها اتباع خلیفه خدا در زمین به این عقبه متمسک شده و گرفتار آن نمی شوند ، و در حال حاضر امام مهدی و مهدیین عقبه ما هستند پس از این عقبه برحذر باشیم و اما ما به واسطه مابقی ائمه علیهم السلام مورد امتحان نیستیم - منظور من از کلمه ما محبین اهل بیت علیهم السلام است - همه ما به امامت آنها اقرار کرده و آنچه از آنها علیهم السلام باقی مانده است امام مهدی علیه السلام و مهدیین علیهم السلام بعد از ایشان هستند ، پس باید مواظب و برحذر باشیم که در انتظار و معرفت حجت خدا بر خلق شکست نخوریم .

و اما خداوند متعال کسانی را که به این عقبه متمسک شده در آیاتش این چنین توصیف نمودند ﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ * أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَالَّذِينَ كَفَرُوا بآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ﴾^(۲) (علاوه بر این از زمره کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده اند * اینانند خجستگان * و کسانی که به انکار نشانه های ما پرداخته اند آنانند ناخجستگان شوم * بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد) ﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ * وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ * فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾^(۳) (و اما اگر او از مقربان باشد * در آسایش و راحت و بهشت پر نعمت خواهد بود * و اما اگر از یاران راست باشد * پس از یاران راست بر تو سلام باد)

از ابی بصیر از ابی عبد الله علیه السلام (در معنی قول عز وجل ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا

۱ - الکافی: ج ۱ ص ۴۳۰.

۲ - بلد: ۱۷ - ۲۰.

۳ - واقعه: ۸۸-۹۱.

يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ﴿﴾ (خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند فرمودند در مورد قائم و یارانش نازل شده است)^(۱)

و از ابی عبد الله علیه السلام در قول تعالی: ﴿وَلَنُؤَخِّرَنَّهُمْ عَنِ الْعَذَابِ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ (و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به خاطر امت معدود به تاخیر افکنیم) فرمودند عذاب یعنی خروج قائم و امت معدود عدد اهل بدر و یارانشان است)^(۲)

از ابی بصیر از ابی عبد الله علیه السلام (در مورد قول تعالی) ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا﴾^(۳) (پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید هر کجا که باشید خداوند همگی شما را به سوی خود باز می‌آورد) فرمودند در مورد قائم و یارانش آمده که بدون موعد مقرر کنار هم جمع می‌شوند)^(۴)

از ابی بصیر از ابی عبد الله علیه السلام (در مورد قول خداوند عز وجل) ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ (به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت جهاد داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست) فرمودند که در مورد قائم و یارانش آمده است)^(۵)

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۴۰ .

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۴۱ .

۳ - بقره: ۱۴۸ .

۴ - غیبت نعمانی: ص ۲۴۱ .

۵ - غیبت نعمانی: ص ۲۴۱ .

مرکن شدید:

در قرآن کریم در سوره هود ذکر دیگری برای اصحاب قائم آمده ، هنگامی که قوم لوط پیامبر علیه السلام قصد خود را برای تعدی به ملائکه کرده بودند در آن لحظات آرزوی جایگاه قائم از آل محمد و یارانش را می کرد زیرا خداوند سبحان و تعالی پیامبران را از بعضی ازامور غیبی ایشان علیه السلام مطلع کرده بود ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾^(۱) (دانای نهان است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند * جز فرستاده ای را که از او خشنود باشد که در این صورت برای او از پیش رو و از پشت سرش نگهبانانی بر خواهد گماشت) و هر آنچه لوط علیه السلام در آن لحظات آرزو نموده قول خداوند تعالی در مورد ﴿قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾

(لوط گفت کاش به واسطه شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی استوار (رکن شدید) پناه می جستم).

ابو عبد الله علیه السلام در مورد قول لوط علیه السلام فرمودند ﴿قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ - فرمود آرزوی داشتن قدرت قائم علیه السلام و قدرت یارانش را نمود زیرا که به هر مردی از آنها قدرت چهل مرد داده می شود و همین طور قلب هایشان از فولاد شدید تر و اگر با کوه های فولاد جنگ کرده آنها تکه پاره می کنند شمشیر های خود را در قلاف نگذاشته تا اینکه خداوند راضی شود.^(۲)

آنگاه قدرتی که لوط آرزوی آنها نموده قائم علیه السلام و رکن شدید یارانش بودند . حال اگر ناصبی بر قول امام صادق علیه السلام اعتراض کرده و بگوید که رکن فرد واصحاب قائم مجموعه هستند و شاید از نصابان عصر جدیدی که امور را با عقل های ناقص خود و با اقتداء به شیادان قدیم تاریخ مورد مقایسه قرار می دهند .

۱ - هود: ۸۰.

۲ - کمال الدین: ص ۶۷۳.

حال می گویم: یاران قائم مجموعه ای معروف بوده و به واسطه رهبر فرد خود رکن شدید امام مهدی علیه السلام جمع خواهند شد. همانطور که امام زین العابدین آنرا در دعای عرفه ذکر می کند (... و او را به واسطه رکن شدید پیروز گردان ...)

مرکن یمانی:

همانطور که در قران کریم امام مهدی علیه السلام بعنوان رکن ذکر شده ﴿آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ لازم است که ارکان دیگری وجود داشته باشد و در روایات سابق در مورد ارکان چهارگانه کعبه در حج آمده که رکن یمانی شدید ترین ذکر را داشته و آن رکن فرشته ای است که عهد و میثاق (بیعت) را می گیرد، و ایشان رکن آل محمد علیهم السلام و درب آنها به سوی بهشت، و دروازه مقربین اصحاب یمین است، و همانطور که در روایت امام صادق علیه السلام آمده نهری است که اعمال بندگان در آن انداخته می شود^(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند (رکن یمانی دروازه ماست که از آن وارد بهشت می شوند، و در آن نهری از بهشت است که اعمال بندگان در آن انداخته می شود).

نهر اصحاب طالوت:

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند (اصحاب طالوت به واسطه نهری مورد امتحان واقع شده که خداوند متعال فرمودند: (مبتلیکم بنهر) و همین طور اصحاب قائم با چیزی همانند آن مورد امتحان قرار می گیرند)^(۲)

یمانی همان نهری است که اصحابش به واسطه آن مورد امتحان قرار می گیرند، و همانطور که در حدیث آمده نهری است که اعمال بندگان در آن انداخته می شود؛ و یا هر کسی که از این نهر عبور کند عملش مورد محاسبه قرار نگرفته و یا در امتحان عقبه؛ پیروز شده و او به هیچ گناهی مرهون نیست همانطور که در موضوع گذشته آمد ﴿كُلُّ

۱ این روایت در صفحه قبل این کتاب آمده است
۲ - غیبت نعمانی: ص ۳۱۶ .

نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿١﴾ (هر کسی در گرو دستاورد خویش است * بجز یاران (بمین) دست راست) و در هنگام مرور داستان طالوت ذکر یاران قائم آمده است ﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُّلاَقُوا اللَّهَ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢﴾﴾ (و چون طالوت با لشکریان خود بیرون آمد گفت خداوند شما را به وسیله رودخانه ای خواهد آزمود پس هر کس از آن بنوشد از پیروان من نیست و هر کس از آن نخورد قطعا او از پیروان من است، مگر کسی که با دستش جرعه ای از آن برگیرد پس همگی جز اندکی از آنها از آن نوشیدند و هنگامی که طالوت با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند از آن نهر گذشتند گفتند امروز ما را یارای مقابله با جالوت و سپاهیان نیست کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند گفتند بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است)

حدیث کساء یمانی:

اهل بیت علیهم السلام در روایاتی خود به تاکید بر مستحب بودن قرائت حدیث کساء یمانی اشاره کرده اند ، و فضایل غیر قابل شمارش و بسیار زیاد برای ان ذکر کرده اند باوجود ادعیه دگر وارده از آنها علیهم السلام ، در ظاهر امر حدیث کساء یمانی تنها یک روایت همانند مابقی روایات که فضایل و حق محمد وآل محمد را ذکر می کند ، پس راز تاکید بر این حدیث چه بوده و ارتباط این حدیث با یمانی آل محمد علیهم السلام در آخر زمان چیست ؟

کساء یمانی وجه ظاهر سر وجود است، و آنها محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام به اضافه وحی خدا که در حال تبلیغ رسالات آسمان بوده در زیر کساء بودند ، آنگاه کساء یمانی ظاهر این امر باطن و شامل و جامع بود، خداوند تعالی فرمود ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ^(۱) (اوست کسی که فرستاده خود را به قصد هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند). و دین خدا تنها در زمان قائم علیه السلام بر همه دینها ظاهر می‌شود. و ابتدای امر قائم با اول مؤمنین یمانی ^(۲) و وزیر و وصی و جانشین و اولین یاران و پدر مهدیین بعد از ایشان ظاهر می‌شود و یمانی اول و آخر امر امام علیه السلام خواهد بود، ... و کساء یمانی خود ایشان خواهد بود که باطن سر الإلهی است و بعد از اینکه متوجه شویم که کعبه و قبله خود اهل بیت و آنها صاحب بهترین و دوست داشتنی ترین اسماء نزد خداوند متعال بوده این قضیه چیز عجیبی نخواهد بود. آیا تأیید خدا و رسول ایشان سر تاکید نیست، تا اینکه به واسطه ایشان امر خدا ظاهر گردد.

از ابو عبد الله علیه السلام (... و ما کعبه و قبله خدا هستیم) ^(۳)

شیخ ابو جعفر طوسی رحمه الله با استناد به فضل بن شاذان از داود بن کثیر گفت: به ابی عبد الله علیه السلام گفتم: در کتاب خداوند عز و جل شما نماز و زکات و حج هستید؟ فرمودند: ای داود در کتاب خداوند عز و جل ما نماز، و ما زکات و ما روزه و ما حج و ما ماه حرام و ما شهر حرام و کعبه خدا و ما قبله خدا ووجه الله هستیم خداوند متعال فرمودند: **﴿فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾** (پس به هر سو رو کنید آنجا روی به خدا آورده اید) و ما آیات و بینات هستیم ...، پس ما را در کتابهایش نام نهاده و نزد خود بر اسماء ما بهترین و دوست داشتنی ترین لقب ها را نهاد و دشمنان و مخالفان ما در کتابش را با بد ترین اسماء والقباب و امثال نزد خود و بندگان با تقوی خود نهاده است) ^(۴).

از علی ابن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از ابن اذینه از فضیل از امام ابی جعفر علیه السلام گفت به سمت مردمی که در حال طواف دور کعبه بوده اشاره نموده و فرمود: (در جاهلیت به این صورت طواف می کردند، و به آنها امر شده که دور آن طواف کرده و

۱ - فتح: ۲۸.

۲ - همانطوری که در وصیت رسول خدا (ص) آمده است.

۳ - مناقب آل ابی طالب - ابن شهر اشوب: ج ۲ ص ۲۷۹.

۴ - بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۳۰۳.

ولایتشان را به ما اداء کنند، پس می دانند که ما ولایت و مودت آنها هستیم آنگاه یاری رساندن به ما راعرضه می کنند سپس این آیه را قرائت فرمودند: ﴿فَجَعَلْ أَفِيدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ﴾^(۱) (پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده)^(۲)

هر خلیفه در زمان خود کعبه خدا در خلق و در روی زمین را نمایش می دهد، زیرا که ایشان قبله مردم و توجه همه مردم به سوی اوست و هر کس که روی خود را از ایشان برگرداند همانند اینکه صورت خود را از کعبه برگردانده و کعبه ای غیر از آن را اتخاذ نموده و یا اینکه بعبارتی دیگر به آن کفر ورزیده است که امام باقر علیه السلام در ذکر یمانی علیه السلام فرموده برهیچ مسلمانی جایز نیست که از او روی برگرداند - و یا روی خود را از او برگرداند - پس هر کس که این کار را انجام دهد از اهل آتش خواهد بود ، و اگر روی برگردانده از او پیش خدا عهد و میثاق داشت و در آن حصن بوده (حصن ولایت)^(۳) از اهل آتش به حساب نمی آمد

آنگاه مثل یمانی اهل بیت علیهم السلام همانند حجر یمانی در کعبه شریفه (حجر الاسود) است بلکه آن همان یمانی بوده و امام مهدی علیه السلام به عنوان کعبه در میان مردم و یمانی عهد و بیعت را برای خلیفه خدا در روی زمین می گیرد . (مولایی که مسئولیت بیعت گرفتن است که در روایت بحث قبل آمده است)

از بکیر ابن اعین گفت: از ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم که به چه علتی خداوند حجر را در این رکن نهاده اند، و آن را در جای دیگر قرار نداد ؟ فرمودند: خداوند تعالی حجر الاسود را قرار داده ، و آن جوهره ای است که برای آدم از بهشت بیرون آمده پس در آن رکن برای میثاق و عهد قرار داده شد ، و زمانی که خداوند از صلب بنی آدم ذریه و نسل آنها را گرفت در همان مکان میثاق را از آنها گرفته است ، و از آن مکان برای آنها ظاهر شد ، و در آن مکان پرنده ای بر قائم فرود آمده و این پرنده اولین کسی خواهد بود که با

۱ - ابراهیم: ۳۷.

۲ - الکافی: ج: ۱ ص ۳۹۲.

۳ - حدیث (ولایت علی بن اب طالب حصن و قلعه من است پس هر کسی که در قلعه من وارد شود از عذاب من در امان خواهد بود) امالی ص ۳۰۶ ، حدیث قبلا ذکر شده است.

او بیعت می کند ، و به خدا قسم که او جبرئیل علیه السلام است و در آن مکان قائم پشت خود قرار داده و تکیه می کند ، و او حجت و دلیل بر قائم است ، و او بر کسانی که با آن مکان وفادار بوده شاهد خواهد بود و بر کسی که به او ادای عهد و میثاق خداوند که آنرا از بندگان گرفته بود داده شهادت می دهد^(۱)

از ابی مفضل رضی الله عنه محمد بن عبد المطلب شیبانی به استنادش به ابی سعید خدری گفت که - عمر بن خطاب همراه وزیران خود به حج رفت و پس از اینکه طواف شروع شد کنار حجر الاسود رفته و آنرا گرفت و بوسیده و گفت تو را می بوسم و در حالی که می دانم که تو فقط یک سنگ بوده و فایده و ضرری نداری ولی رسول خدا صلی الله علیه و اله پا برهنه پیش تو می آمد و اگر رسول خدا تو را نمی بوسید من هم شما را نمی بوسیدم ؛ گفت در آن حال علی ابن ابی طالب علیه السلام در میان کسانی که حج را بر پا می داشتند بود و فرمود: بله به خدا قسم که او هم ضرر و هم منفعت دارد، عمر گفت ای ابا الحسن با چه استنادی اینگونه گفتی فرمود به استناد کتاب خداوند متعال گفت شهادت می دهم که تو در کتاب خدا صاحب علم هستی و حالا این در کجای کتاب خدا نوشته شده است فرمود خداوند عزو جل نازل فرمودند: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾^(۲) (هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم گفتند بله گواهی می دهیم) و حال شما را با خبر می کنم که خداوند متعال پس از اینکه آدم علیه السلام را آفرید بر پشت او مسح نموده و ذریه اش را از صلبش به صورت روحی در عالم ذر خارج نموده و آنها را ملزم به عقل نمود و درباره ربوبیت خود از آنها اقرار گرفته به اینکه آنها بندگان هستند پس به پروردگاری او اقرار نموده و بر خود به بندگی شهادت داده و در حالی که خداوند عز و جل می داند که آنها در این مورد در درجات مختلفی قرار دارند آنگاه اسامی بندگان خود را روی پوستی نوشت و زمانی برای این حجر چشمان و زبان و لب های بود پس به او گفت دهانت را باز کن

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۹۹ .

۲ - اعراف: ۷۲ .

پس دهانش را باز نمود آنگاه آن پوست را بلعید و به او گفت که بر هر کسی که با تو وفا کرده در روز قیامت شهادت بده^(۱) و هنگامی که آدم پایین آمد حجر را با خود پایین آورده و آن را در جای خود همانند همین رکن قرار داد ... و آن از سنگ های بهشتی که هنگامیکه نازل شد رنگی سفید و دُر مانند و خالص از یاقوت و روشنایی آن بوده که به واسطه دستان کفار و اهل شرک که آنرا لمس می کردند سیاه شده پس عمر گفت ای ابا الحسن علیه السلام در امتی که تو در آن نیستی من زنده نمی مانم .^(۲)

آیا از خود سوال کرده اید که این چه سنگی است که دارای چشمان و لب و زبان است ، آیا او سنگی همانند سایر سنگ ها ست ، و یا اشاره به شخصی خیلی عظیم تر از آنچه تصور می کنید ، به شخصی که برای هر کسی از اول خلق تا آخر خلق نزد خداوند عهدی داشته شهادت می دهد ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾^(۳) (آری ما مییم که مردگان را زنده می سازیم و آنچه را از پیش فرستاده اند با آثار و اعمالشان درج می کنیم و هر چیزی را در کارنامه ای روشن برشمرده ایم)

و بعد از اینکه مشخص شد که یمانی صاحب عهد و میثاق است مرور بر روایتی که بر ظهور مکلم موسی تاکید کرده لازم است و آیات قرآنی مخصوص بحث طور را همانند بحث های قبل می آوریم:

از خطبه ای برای امیر المومنین که در آن علامات ظهور را یاد می کند (... عهد و پیمان برای دو ابرمرد کرد بسته می شود ، و اعراب بر کشور های ارمن و اسقلاب غلبه کرده ، و در قسطنطنیه آسمان در مورد ... سینان خبر داد ، پس منتظر ظهور مکلم موسی از درخت بر طور باشید ، که این موضوع به صورت علنی ظاهر شده ، و تماشاگری قابل توصیف است ...) ^(۴)

۱ - شاید که در اینجا منظور از قیامت ، قیام قائم (قیامت صغری) باشد سپس بعد از آن قیامت کبری خواهد بود.

۲ - مختصر بصائر الدرجات - حسن بن سلیمان الحلّی: ص ۲۲۶ .

۳ - یس: ۱۲ .

۴ - معجم الاحادیث الامام المهدی ع - شیخ علی کورانی عاملی: ج ۳ ص ۲۷ .

حافظ رجب برسی در کتاب مشارق انوار الیقین خود در مورد آنچه که به مکلم موسی از درخت اختصاص دارد توضیح داده که متن آن در پایین آمده است: و اما قول تعالی (فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا) (پس از اینکه پروردگارش به کوه تجلی نمود آنرا ویران ساخت)، و تجلی (ظهور) شاید از طریق یک شکل و یا جسم باشد، و پروردگار معبود جسم نیست، آنگاه هدف تجلی نور پروردگارش است و نور اول نور محمد و علی که از همه جهات متجلی است، و خداوند یکتا و حق متجلی و پیش آمد همه جهات است، آنگاه با نور صفاتش در اشیاء تجلی یافته و با جلال ذاتش پیش آمد جهات تجلی است، و در قول تعالی اشاره به: من مکلم موسی از درخت هستم: که ای موسی آن نور من هستم).^(۱)

در صورتی که خداوند جل و علا مکلم موسی بود، چگونه امکان دارد که او به صورت علنی ظاهر شده و تماشاگری قابل توصیف است،

از ابی جعفر علیه السلام فرمودند: زمانی که خداوند با موسی نجوی نموده به او فرمودند (... هنگامی که موسی گفت شما ابو الحکماء هستی).^(۲)

، آیا خداوند متعال برای کسی پدری بوده که ابو الحکماء باشد، و این حکماء چه کسانی هستند، و پدرشان چه کسی است، مکلم موسی از درخت بر طور چه کسی است، و این تماشاگر قابل توصیف جسمی مادی ملموس خواهد بود

و در اینجا نیاز است که به آیات قرانی که طور و به خصوص طور ایمن (مخصوصا) را ذکر کرده مروری داشته و ارتباط آنها با عهد و میثاق را بررسی کنیم با توجه به اینکه عبارت ایمن اشاره ای به یمانی داشته و بیعت و میثاق قبل از اینکه در زمین بوده در آسمان ها به صورت امانتی به او سپرده شده است: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^(۳) (و چون از شما پیمان محکم گرفتیم و

۱ - مشارق انوار الیقین - حافظ رجب البرسی: ص ۳۰۴ .

۲ - تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۹ .

۳ - بقره: ۶۳ .

کوه طور را بر فراز شما افراشتیم و فرمودیم آنچه را به شما داده‌ایم به جد و جهد بگیرید و آنچه را در آن است به خاطر داشته باشید باشد که به تقوا گرایید).

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^(۱) (و آنگاه که از شما پیمان محکم گرفتیم و کوه طور را بر فراز شما برافراشتیم و گفتیم آنچه را به شما داده‌ایم به جد و جهد بگیرید و به دستورهای آن گوش فرا دهید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بر اثر کفرشان مهر گوساله در دلشان سرشته شد بگو اگر مؤمنید بدانید که ایمانتان شما را به بد چیزی وامی دارد)

﴿وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾^(۲) (و کوه طور را به یادبود پیمان با آنان بالای سرشان افراشته داشتیم و به آنان گفتیم سجده‌کنان از در درآیید و نیز به آنان گفتیم در روز شنبه تجاوز نکنید و از ایشان پیمانی استوار گرفتیم)

﴿وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾^(۳)

(و از جانب راست طور او را ندا دادیم و در حالی که با وی راز گفتیم او را به خود نزدیک ساختیم)

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَرَيْنَا عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَالسَّلَامَةَ﴾^(۴)

(ای فرزندان اسرائیل در حقیقت ما شما را از دست دشمنان رهانیدیم و در جانب راست طور با شما وعده نهادیم و بر شما ترجیح و بلدرچین فرو فرستادیم)

۱ - بقره ۹۳.

۲ - نساء ۱۵۴.

۳ - مریم: ۵۲.

۴ - طه: ۸۰.

﴿فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ * فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾^(۱). (و چون موسی آن مدت را به پایان رسانید و اهل و خانواده را همراه برد آتشی را از دور در کنار طور مشاهده کرد به خانواده خود گفت اینجا بمانید که من آتشی از دور دیدم شاید خبری از آن یا شعله‌ای آتش برایتان بیاورم باشد که خود را گرم کنید * پس چون به آن آتش رسید از جانب راست وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت ندا آمد که ای موسی منم من خداوند پروردگار جهانیان)

﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾^(۲) (و آندم که موسی را ندا دردادیم تو در جانب طور نبودی ولی این اطلاع تو رحمتی است از پروردگار تو تا قومی را که هیچ هشداردهنده‌ای پیش از تو برایشان نیامده است بیم دهی باشد که آنان پندپذیرند)

﴿وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِلْأَكْلِينَ﴾^(۳) (و از طور سینا درختی برمی‌آید که روغن و نان خوشی برای خورندگان است)

﴿وَالطُّورِ * وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ * فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ﴾^(۴) (سوگند به طور * و کتابی نگاشته شده * در طوماری گسترده)

دعاء نور:

بسم الله الرحمن الرحيم ، بسم الله النور ، بسم الله نور النور ، بسم الله نور على نور ، بسم الله الذى هو مبدى الامور ، بسم الله الذى خلق النور من النور ، الحمد لله الذى خلق النور من النور ، وانزل النور على الطور فى كتاب مسطور فى رق منشور.

۱ - القصص ۲۹-۳۰ .

۲ - قصص: ۴۶ .

۳ - مؤمنین: ۲۰ .

۴ - طور: ۱-۳ .

(به نام خداوند بخشنده مهربان ، به نام مبارک خدا که نام عالم است به نام خدا خدا که نور نور عالم است به نام مبارک خدا نور بالای نور عالم است به نام مبارک خدا آن نام که مدبر امور عالم است به نام مبارک خدا آن نام که نور را از نور آفرید و نور را بر طور سینا در کتاب مسطور در صحیفه ای گشوده نازل نمود ، ...).^(۱)

نور خداوند پاک و منزّه و تعالی که هیچ ظلمتی در آن وجود ندارد ، و ایشان است که نور را از نور آفرید ، و خداوند سبحان حجت های خود را به عنوان جانشین خود بر خلق ارسال نمود ، ذریه ای که نسلی از نسل دیگر بوده وائمه و مهدیین همان نور از نور حجت ها بر خلق هستند و طور همان طور سیناء یا وادی السلام (نجف) است ، و کتاب مسطور همان وصیت رسول خداست که بر حجج بعد از ایشان دلالت می کند و به واسطه آن نور امام دوازدهم از ائمه علیهم السلام و نور اول از مهدیین زمان ظهور مقدس با آن احتجاج می کند ، و اولین ظهور دولت عدل الهی در پایتخت جهان نجف اشرف (کوفه) است .

در بعضی از روایات آمده است که طور سیناء و وادی مقدس طوی ، امروزه همان مرقد مقدس امیر المومنین (نجف الاشرف) است

از ابی جعفر علیه السلام فرمودند: در وصیت امیر المومنین علیه السلام آمده است که مرا به پشت کوفه ببرید و اگر پا های شما سنگین شد واز روبروی شما بادی شروع به وزیدن نمود مرا دفن کنید چونکه آن اول طور سیناء است .^(۲)

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: الغری قطعه ای از کوهی که خداوند روی آن با موسی صحبت نمود .^(۳)

ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: ای مفضل قطعه های زمین بر هم دیگر شروع به فخر فروشی کردند و کعبه بیت الحرام بر قطعه کربلاء صاحب فخر فروخت ، خداوند به

۱ - مفاتیح الجنان: ص ۱۵۹ .
۲ - بحار الانوار : ج ۳۱ ص ۲۱۹ .
۳ - بحار الانوار : ج ۳۱ ص ۲۱۹ .

آن وحی نمود که ای کعبه بیت الحرام ساکت باش ، و بر کربلا تفاخر مکن ، زیرا که آن همان قطعه مبارکی است که از جانب آن بر موسی از درخت نداء آمد ، و آن همان قسمتی از زمین است که مریم و مسیح به آن پناه بردند و آن همان زمین شریفی است که سر مبارک امام حسین علیه السلام در آن غسل گردید و در آن مریم بعد از ولادت عیسی علیه السلام را غسل داده و پاک نمود و آن بهترین قطعه ایست که رسول خدا هنگام غیبتش از آن عروج نمود ، و برای شیعه ما در آن خیر و برکتی خواهد بود تا ظهور قائم علیه السلام .^(۱)

از امام صادق علیه السلام فرمودند: (قائم در سرزمین ذی طوی همراه عده اهل بدر سیصد و سیزده مرد ظهور خواهد نمود ، تا اینکه پشت خود را به سنگی داده و پرچم پیروزی را به اهتزاز در خواهد آورد)^(۲)

همانطور که در حدیث آمده قائم در ذی طوی ظهور کرده و پشت خود را به سنگی داده (پس خداوند جزای آنچه که لایق خودت بوده را بدهد توجه کن و تعجب مکن). و شاید آن مرقد یمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام و همان سنگ یمانی است که پشت خود را به آن تکیه می دهد (و سنگ همان صاحب عهد و میثاق است) و خداوند دانا تر است شاید در آنجا اموری باشد که در زمان خود برای ما اشکار خواهد شد و همه این کارها حفاظتی از جانب خداوند متعال بر مظهر و فخر دعوت های الهی است.

و در مخطوطه ابن حماد از محمد بن علی امام باقر علیه السلام فرمود (پناهنده ای در مکه که خداوند هفتاد هزار نفر را برای او خواهد فرستاد و در پیشگاه آنها مردی از قیس است ، حتی اینکه وارد ثنیه^(۳) شده و ورود آخرین آنها در حالی که نفر اول آنها بیرون نیامده است . جبرئیل ندا داده: ای بیداء ای بیداء (صحرا) - که مشارق و مغارب آن (زمین) می شنوند - آنها را فرو ببر که هیچ خیری ندارند . و جزء چوپانی در کوه^(۴) هیچ

۱ - بحار الانوار : ج ۵۳ ص ۱۱ .

۲ - مناظرات فی العقائد الشیخ عبد الله الحسن: ج ۱ ص ۴۷۱ .

۳ - کامل الزیارات - جعفر بن محمد بن قولویه: ص ۸۵ (... از ابی الحسن علیه السلام ... پس اگر به ذکوات بیض

رسیدی و در مقابل آن تعظیم نمودی چونکه آن قبر امیر المؤمنین علیه السلام است . و خسف و مسخ در علماء که رسول خدا (ص) آنها را در وصیتش به ابن مسعود یاد کرده در این موضوع مرتبط است .

۴ - و کوه همان چیزی که بر سطح زمین (وادی السلام) ارتفاع می گیرد و آن جایگاه قبر امیر المؤمنین است .

کس از به هلاکت رسیدن آنها اطلاع پیدا نمی کند و در حین فرو رفتن آنها را دیده و در مورد آنها خبر می دهد . آنگاه پناهنده ای که از آنها مخفی شده بود شنیده و بیرون خواهد آمد

و برای استفاده بیشتر جواب سید احمد حسن بر سوال اخیر را می خوانیم:

س/ آیا علتی برای ولادت امام علی (علیه السلام) در کعبه وجود دارد ؟

ج/ کعبه و یا بیت الله الحرام تجلی و ظهوری برای بیت معمور که خداوند آنرا برای طواف ملائکه و استغفار آنها بعد از مجادله شان با خداوند سبحان در امر تعیین خلافت آدم (علیه السلام) در آسمان قرار داده است و پس از اینکه آدم (علیه السلام) از درخت علم محمد و آل محمد و درخت ولایت نافرمانی و تعدی کرد ﴿وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾^(۱) (ولی آن را فراموش کرد و برای او عزمی استوار نیافتیم) و یا برای تحمل ولایت ال محمد (علیه السلام) به زمین نازل و به طواف حول کعبه امر شد تا اینکه خداوند از تقصیر او بگذرد . سپس خداوند حج بیت الحرام (کعبه) را مشروع نموده تا اینکه مردم با حجت زمان خود بیعت نموده و ولایت خود را بر او عرضه کنند و به تقصیر خود اعتراف نموده و از تقصیر خود در مقابلش طلب استغفار نمایند همانطور که خداوند بدون توجه به امت های سابق که قبله آنها بیت المقدس بوده به مسلمانان امر نمود که کعبه را برای خود به عنوان قبله اتخاذ نمایند .

و در اینجا اموری وجود دارد :-

۱ - کعبه ارتباط موثقی با ولایت داشته زیرا حج کعبه را دیداری با حجت ، و عرضه کردن ولایت توسط مردم بر او و طلب استغفار از تقصیر در مقابل حق او قرار داد .

۲ - کعبه قبله نماز و سجود برای خداوند سبحان و تعالی است و در صورتی که قبل از آن سجود برای آدم (علیه السلام) خلیفه خدا بوده بلکه سجود برای نوری که در صلب ایشان بوده و آن نور امیر المومنین علی (علیه السلام) است و قبله اولی که ملائکه به سوی آن روی

آورده ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) است پس قبله حقیقی کعبه و سنگ ها نیست بلکه قبله همان جوهره حقیقی است که کعبه آنرا دنیا آورده و آن ولی خدا و حجت تامه ان، علی ابن ابی طالب (علیه السلام) است و به همین خاطر حجر الاسود در رکن کعبه نهاده شد زیرا آن کتاب میثاقی است که خداوند آنرا از مردم با ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) گرفت .

پس هر کسی که متوجه کعبه گردد با عمل خود به حالت مقهور به ولایت علی بن ابی طالب اعتراف می کند و حتی اگر با قول و قلب خود به آن کافر بوده باشد ﴿وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾^(۱) (و هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه برای خدا سجده می کنند). خواه برای کسانی که به ولایت اعتراف کرده و ناخواه برای کسانی است که به ولایت اعتراف نمی کنند و تعالی فرمودند ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾^(۲) (آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و تمام ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می کنند و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است و هر که را خدا خوار کند او را گرمی دارنده ای نیست چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد) پس کسانی که سجده کرده و گرفتار عذاب می شوند همان کسانی هستند که به ولایت امیر المومنین علی (علیه السلام) با قول و دل هایشان اعتراف نمی کنند ولی آنها مجبور هستند که با افعال و سجود برای مولود کعبه - امام علی (علیه السلام) - که ان را به دنیا آورده اعتراف کرده و آن کعبه واقعی است . خداوند سبحان و تعالی با این سجود آنها را مورد اهانت قرار داده و حسرت آنها خواهند خورد .

﴿وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّكْرِمٍ﴾ (و هر که را خدا خوار کند او را گرمی دارنده ای نیست).

۱ - رعد: ۱۵.

۲ - حج: ۱۸.

قبله وسیله توجه به خدا باقی خواهد ماند و با آن خداوند سبحان و تعالی شناخته می شود ، آنگاه قبله حقیقی همان انسان کاملی که به وسیله آن خدا شناخته می شود و آن وجه خداوند سبحان و تعالی برای مواجهه با خلق است ، پس توجه به او توجه به خداوند سبحان و تعالی است و انسان کامل همان علی بن ابی طالب (علیه السلام) سید الاوصیاء و الاولیاء است و برای اینکه به مردم نشان دهد که او قبله آنهاست او را از قبله بیرون آورده و حج شما برای ایشان است، تا اینکه خداوند سبحان و تعالی بگویند من کعبه را نیافریده ام جز برای علی (علیه السلام) و اینکه علی (علیه السلام) در آن متولد شود و در صورتی که برای من فرزندی باشد حتما همان کسی که در کعبه به دنیا آمده خواهد بود ﴿قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ﴾^(۱) (بگو اگر برای رحمان فرزندی بود خود من نخستین پرستش کنندگان بودم)

آنگاه کدام یک والاتر است که به عنوان قبله اتخاذ گردد قبله سنگی یا کسی که به واسطه ولادتش به سنگ ها قداست داده است ، حضرت عیسی (علیه السلام) در این مضمون می فرمایند (شما ای علماء سوء می گوید که هر کس که به هیکل قسم بخورد قسمش مورد قبول نیست ولی هر کس که به طلای هیکل قسم بخورد قسم او مورد قبول است پس ای نادانان کوردل کدام یکی از آنها عظیم تراست طلا یا هیکل که طلا را قداست می دهد).^(۲)

۱ - زخرف: ۱۸ .

۲ - المتشابهات - سید یمانی احمد حسن: ج ۳ ص ۵۸.

جنبنده مروی زمین (دابه الامرض)

کافر و مؤمن را قبل از قیامت با اسم معرفی می کند ، قبل از قیامت ، حال می گویم قبل و نه بعد از قیامت (قبل از قائم) و قیامت صغری قیام امام مهدی علیه السلام با شمشیر است همانطور که در روایت آمده خزنده یا جنبنده (دابه) زمین امیر المومنین علیه السلام است

از ابی عبد الله جد لی گفت ، بر علی ابن ابی طالب وارد شدم و فرمودند: آیا قبل از اینکه کسی بر ما وارد شده ؟ با شما در مورد سه چیز صحبت کنم گفتم بله . فرمودند: من عبد الله و دابه (جنبنده) زمین و صداقت و عدل آن و برادر پیامبرش هستم ، آیا در مورد بینی و چشمان مهدی خبرت کنم ؟ گفت: گفتم بله . فرمودند: آنگاه با دست بر سینه خود زده و فرمود: من هستم ^(۱)

آیا امیر المومنین علیه السلام در زمان قائم خروج می کند و یا اینکه مردی از او خروج می کند که دابه زمین و حق و باطل را تمیز داده و مردم را به این صورت از همدیگر جدا می کند که این به قائم مؤمن است و آن کافر است .

از امیر المومنین علیه السلام فرمودند (.... حق و باطل را از همدیگر جدا میشوند ، با خروج جنبنده زمین و آمدن رومیان به روستایی در ساحل دریا ، نزد غار (فتیه) جوانمردان ، خداوند برای آنها جوانمردان را از غارشان بیرون می فرستد.) ^(۲)

و در اینجا جنبنده همان کسی که مؤمن و کافر را در زمان ظهور برای امام مهدی علیه السلام مشخص می کند ، و آمدن روم اشاره به قدرت های احتلال که از طریق کویت (ساحل دریا) وارد شدند و غار جوانمردان اشاره به بصره است که امیر المومنین در مورد آن فرمود که اولین یاران قائم از آن است

روایت می شود که ابا طفیل گفت: در مورد قول تعالی از امیر المومنین علیه السلام پرسیدم:

۱ - تأویل الایات - شرف الدین الحسینی ج ۱ ص ۴۰۴ . بحار النوار ج ۳۹ ص ۲۴۳ .
۲ - بحار الانوار : ج ۵۳ ص ۸۵ .

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ...﴾^(۱)

(و چون قول عذاب بر ایشان واجب گردد جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که مردم ...)

منظور از جنبنده زمین چیست ؟

فرمودند: ای ابا طفیل ، از این سوال خوداری کن . یا (این سوال را ترک و از آن دوری کن).

گفتم: فدایت شوم مرا در مورد آن با خبر کن .

فرمودند: آن جنبنده ای است که غذا می خورد و در بازار ها راه می رود و با زنان ازدواج می کند .

گفتم: ای امیر المومنین او چه کسی است ؟

فرمودند: او پایبندی زمین و زمین به واسطه او استوار است .

گفتم: ای امیر المومنین او چه کسی است ؟

فرمودند: صدیق این امت و فاروق آن و رئیس و ذو قرینش است

گفتم: ای امیر المومنین ، او چه کسی است ؟

کسی که خداوند عز وجل در مورد ایشان فرمودند: (ویتلوه شاهد منه) (او را به عنوان شاهدهی می فرستد)، و کسی که (عنده علم الکتاب) (علم کتاب نزد اوست)، (والذی جاء بالصدق) (کسی که با صداقت آمد) و کسی که (صدق به) (و کسی که صداقت او را قبول نمود) من هستم . و همه مردم به جز من و او کافر هستند^(۲) آنگاه علی ابن ابی طالب (علیه السلام) اولین کسی بود که صداقت رسول خدا ﷺ را قبول نمود و او اول مومنین

۱ - نمل: ۸۲.

۲ - کتاب سلیم بن قیس - تحقیق محمد باقر انصاری: ص ۱۳۰ .

است پس قولش در مورد خود تصدیق می شود (و همه مردم بجزء من کافر هستند) و اما شخص دومی که در حدیث آمده است (.... و او) پس او اول مهدیین است زیرا که او اول مؤمنین به امام مهدی علیه السلام همانطور که در وصیت^(۱) آمده است و هدف از غیر رسول خدا صحیح نیست زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمیر (غیره یا او) به جنبنده زمینی که ابا طفیل در مورد آن پرسیده بر می گردد .

از علی بن ابراهیم: گفت: پدرم با من صحبت کرد ، از ابن ابی عمیر ، از ابی بصیر ، از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: در حالی که امیر المومنین در مسجد خواب بوده رسول خدا پیش او رفته و مقداری شن جمع نموده و آن را زیر سر ایشان قرار داد ، و او را با پای خود تکان داده و به او فرمود: ای جنبنده زمین بلند شو ، پس مردی از یارانش گفت: ای رسول خدا آیا همدیگر را با این اسم بنامیم ؟ فرمودند: نه به خدا قسم که آن فقط مخصوص ایشان است و او همان جنبنده ای که خداوند آنرا در کتابش ذکر نمود ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾^(۲) (و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که مردم [چنانکه باید] به نشانه های ما یقین نداشتند) سپس فرمودند: ای علی ، اگر آخر الزمان بود خداوند شما را به بهترین شکل خارج نموده و همراه شما (میسیم) آهن گداخته ای که با آن دشمنان خود را با آتش از بین می برد .

حضور امام علی امیر المومنین علیه السلام با شخص خود و با شخصیت غیر خود معقول نیست مگر اینکه در واقعه دوم (رجعت) باشد و در اینجا صحبت در مورد واقعه اول قیامت صغری (قیام قائم) است ، و در زمان ظهور جنبنده زمین با عصا و آهن گداخته اش مؤمن را از کافر مشخص می کند ، که به طور قطع او امام مهدی علیه السلام نیست زیرا که خزنده از علامات بوده و قبل از ایشان می آید ، پس مردی جز از ذریه امیر المومنین نخواهد بود همانطور که فرمودند که آنرا مردی از ذریه من انجام می دهد

۱- وصیت رسول خدا (ص) هنگام وفات به ائمه و مهدیین که قبلا ذکر شد

۲- نمل: ۸۲ .

* از امیر المومنین علیه السلام (در مصر منبری خواهم ساخت ، و از سنگ به سنگ دمشق خواهم گذشت ، و یهود و مسیحیان را از جای جای مناطق عرب بیرون خواهم کرد ، و مردم عرب زبان را با این عصا به جلو خواهم برد پس راوی عبایه اسدی گفت: ای امیر المؤمنین انگار که خبر زنده شدن بعد از مرگ می دهید ؟ آنگاه فرمودند: ای عبایه به طریقی دیگر روانه شدی . آنها مردی از من انجام خواهد داد. - یعنی مهدی علیه السلام -) ^(۱)

و جنبنده زمین همان تمهیدکننده ای است که در مورد ایشان گفته شده (به سوی صاحب شما و صراط مستقیم دعوت می کند ، و امیر المومنین علیه السلام در خطبه خود در مورد او فرمودند...) بدانید که اگر از طالع مشرق پیروی کنید در مناهج و راه رسول صلی الله علیه و آله سلوک کرده و از نابینایی و لالی و ناشنوایی درمان شده و از جستجو و طلب و بیراهه رفتن خود بی نیاز شده و از بار سنگین و بیهوده ای که بر دوش حمل می کنید رهایی می یابید...) ^(۲)

و او همان صاحب پرچم های مشرق و خلیفه مهدی که رسول خدا شما را به بیعت با او حتی اگر بصورت خزیدن با دست و پا روی برف امر نموده است ، و او همان کسی است که شما را از جستجو و طلب امام خود بی نیاز می کند .

و برای دانستن بیشتر در مورد جنبنده زمین به بحث استاد احمد خطاب مراجعه نمایید.

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ﴾ (در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد یقیناً تو را به سوی وعده گاه بازمی گرداند)

* از صالح بن میثم گفت به ابی جعفر علیه السلام گفتم با من صحبتی کن فرمود: آیا از پدرت نشنیده ای گفتم در حالی که پسر بچه بودم از دنیا رفت . دوباره گفتم اگر درست گفتم جوابم را با سکوت دهید و اگر خطا کردم خطای مرا اصلاح کن فرمود این کار بهتر

۱ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۶۷ .

۲ - کافی: ج ۸ ص ۶۳ .

است گفت گفتم فکر می کنم که جنبنده زمین علی باشد ابو جعفر علیه السلام پس از کمی سکوت فرمودند به خداوند قسم شما فکر می کنید که علی دوباره به سوی ما بر می گردد پس بخوان **﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْ مَعَادٍ﴾** گفتم به خدا قسم آنچه را که می خواستم بپرسم به من یادآوری نمودید و می خواستم در مورد آن از شما بپرسم و فراموش کردم آنگاه ابو جعفر علیه السلام فرمودند آیا در مورد چیزی عظیم تر ^(۱) از این خبرت نکنم **﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾** . (و ما تو را جز با سمت بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم نفرستادیم) و زمین از شهادت ان لا اله الا الله وان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله خالی نمی ماند و با دست خود به روی زمین اشاره نمود ^(۲)

آنچه واضح است زمین قبل از رجعت و یا در دولت عدل الهی پر از عدل و داد می شود و آن مصداقی برای معاد که در اینجا ذکر شده و در همه زمین با کلمه (لا اله الا الله ، محمد رسول الله) ندا می شود و رجعت اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه جامعه به بالاترین درجات توحید ارتقاء یافته و آن بعد از اینکه امام مهدی علیه السلام ۲۷ حرف از علم الهی را منتشر می کند و به طور قطع در آن زمان زمین جز قبل از رجعت که ندای توحید سر داده شود باقی نخواهد بود .

از ابی جعفر علیه السلام (در مورد قول خداوند عز وجل: **﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْ مَعَادٍ﴾** (در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد یقیناً تو را به سوی وعده گاه بازمی گرداند) - ابو جعفر علیه السلام فرمودند: در اینکه پیامبر به سوی شما باز گردد شکی ندارم ^(۳)

حال می گویم: آیا کسی از خود سوال کرده که چگونه حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به بهترین شکل طلوع می کند آیا بعد از ظهور دوباره می رود و یا به نحوی دیگر است !!!

۱ - (وَمَا تُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتَيْهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (هیچ آیه را به آنها نشان نمی دهیم مگر اینکه از قبلی بزرگتر باشد و آنها را مورد عذاب قرار داده ایم تا شاید دوباره به خود ببینند) الزخرف: ۴۸ ... حال پس خزنده زمین آیه است و بزرگتر از این امر ارسال چیست همانی که آیه که در روایت است (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا) (و تو را جز برای همه مردم به عنوان بشارت دهنده و انذار دهنده نفرستادیم). پس این شخص مرسل چه کسی است .

۲ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۱۳ .

۳ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۱۳ .

خیر ، ولی شخصی از او ظاهر می شود^(۱) (قائم) شریعت کنار گذاشته و تحریف شده پیامبر ﷺ را نوآوری نموده و با دعوتی الهی همانند دعوت رسول خدا ﷺ خواهد آمد پس علماء گمراه کتاب پدر بزرگش را بر او تأویل و به واسطه آن با او جدل می کنند همان طور که روایات بر آن تاکید کرده و با شدیدتر از آنچه که رسول خدا با آن روبرو شده روبرو می شود .

در روایت اخیر اشاره واضح بر وجود رسول خدا ﷺ و وصی ایشان علی ابن ابی طالب علیه السلام قبل از رجعت است ، و در زمان ظهور مسجد کوفه رابا هزار درب می سازند ، و آنچه نزد اتباع اهل بیت علیهم السلام ثابت شده امام مهدی علیه السلام این مسجد را می سازد که بعداً بطور واضح خواهد آمد .

از ابی مروان گفت از ابی عبد الله علیه السلام در مورد قول خداوند عز وجل سوال کردم ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ﴾ (در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد یقیناً تو را به سوی وعده گاه بازمی گرداند) - گفت به من فرمودند به خدا قسم که دنیا تمام نمی شود و از بین نمی رود تا اینکه رسول خدا ﷺ و علی در ثویه اجتماع نموده وبا هم دیدار می کنند و در ثویه مسجدی دارای دوازده هزار درب می سازند منظور مکان آن در کوفه است^(۲)

و در روایت بالا مقصود از رسول خدا ﷺ امام مهدی علیه السلام و از امام علی علیه السلام اشاره ای واضح و بدون جدل به وصی امام مهدی علیه السلام (یا فرزندش اول مهدیین) است ، و اجتماع آنها احتمالاً بعد از تمهید و جنگ با سفیانی و مسلط شدن بر کوفه و بسیاری از کشور ها اتفاق خواهد افتاد که ساختن مسجد و توجه به امور دیگر بعد از استقرار و ظهور شخصی آنها علیه السلام خواهد بود .

۱- در موضوع سابق این روایات تحت مضمون (اگر در مورد مردی گفتیم و در فرزندش یا فرزند فرزندش قرار گرفت آن چیز را انکار نکنید) ص ۷۹ - ۸۰ آمده است .

۲ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۱۳ .

مفضل بن عمر گفت: (شنیدم که ابا عبد الله علیه السلام می فرمایند: اگر قائم آل محمد علیه السلام قیام کرد در پشت کوفه مسجدی با هزار درب خواهد ساخت و در کنار نهر یا رود کربلا منازل اهل کوفه به هم متصل می شود) ^(۱)

از ابی جعفر علیه السلام فرمودند: (اگر مهدی علیه السلام وارد کوفه شود مردم به ایشان علیه السلام می گویند: ای فرزند رسول خدا نماز در کنار شما همانند نماز در کنار رسول خداست که این مسجد برای ما تنگ و کوچک است آنگاه به سمت غری رفته و نقشه مسجدی دارای هزار درب که برای همه مردم جا دارد را طراحی می کند) ^(۲)

ارکان چهارگانه امام مهدی علیه السلام

و به غیر از رکن شدید (رکن یمانی) امام مهدی علیه السلام ارکان دیگر حضرت عیسی علیه السلام و خضر علیه السلام و ایلای علیه السلام هستند . در اینجا قسمتی از جواب سید احمد حسن بر سوال زن مسیحی که از طریق اینترنت گرفته شده و در کتاب جواب های روشن کننده از طریق امواج ص ۱۹ - ۲۰ آمده را نقل می کنم .

سید احمد حسن فرمودند (... قبل از اینکه دلیل ارسال فرستاده ای به نمایندگی از آنها بحث کنیم درباره امر این چهار تن خضر علیه السلام و ایلای علیه السلام ، عیسی علیه السلام و محمد بن حسن المهدی علیه السلام بحث می کنیم که آیا مأموریت آنها یکی بوده و یا متفاوت است؟

و در حقیقت مأموریت آنها یکی و آنها متحد هستند و هیچ اختلافی میان آنها وجود ندارد چون خدا و دین آنها یکی است و آن تسلیم در برابر خداوند سبحان و بلند مرتبه است همه آنها علیه السلام مردم را به طرف خداوند فرا می خوانند و به دستور و فرمان خداوند اقدام به کار می کنند حقیقتی که بدان فرا می خوانند و هدف نهایی آنها یکی است و آن در زمان قیامت صغری است و هدف آنها نشر عدالت و توحید و بندگی خداوند در روی زمین است پس آنها علیه السلام باهم دیگر متحدند و هیچ اختلافی در میان آنها نیست ، و

۱ - الارشاد - الشیخ المفید: ج ۲ ص ۳۸۰ .

۲ - بحار الانوار: ج ۹۷ ص ۳۸۵

هدف و خدا یکی است پس باید فرستاده آنها نیز یکی و او فرستاده ای از جانب خداوند متعال است و چون به فرمان خداوند عمل می کنند پس نماینده آنها نماینده خداوند و جانشین آنها جانشین خداوند در روی زمین است چون آنها جانشینان خداوند در روی زمین هستند .)

(پرچم دار مهدی به صورت جوانی کم سن و سال می آید ، دارای محاسن خفیف و پوست زرد است ، اگر با کوه ها بجنگد آنها را تکان داده تا اینکه ایلیا به پایین بیاید)^(۱)

(... سپس مهدی هادی مهدی که پرچم را از دست عیسی بن مریم می گیرد خارج می شود ...)^(۲)

در حدیثی از کعب که قسمتی از آنرا می آوریم (...: ای کعب کسانی که بر صورت های خود محشور شده و وضعیت حال آنها به این صورت است چه کسانی هستند ؟ کعب گفتند: اینان گمراه و در ارتداد و پیمان شکن بوده، پس با هوای نفس خود به جنگ با خلیفه و وصی پیامبر و عالم و فاضل و حامل پرچم و ولی حوض و امید خود به غیر این دنیا در مقابل خدا قرار گرفتند و او همان علم خالی از جهل و حجتی که سرپیچی از آن هلاکت است خود را وادار کرده و در برابر خدا قرار گرفته و این بدترین عذاب برای آنهاست و جایگاه آنها در آتش است ، و به خدای کعبه قسم که علی صاحب بیشترین علم و قدیمی ترین آنها در اسلام و در میان آنها بردبارترین است ، کعب از کسی که بر حضرت علی کسانی را مقدم دانسته و در مورد قائم مهدی که زمین را به غیر زمین تبدیل ، و با آن عیسی بن مریم بر مسیحیان روم و چین احتجاج می کند شک داشته تعجب نموده است و همین طور قائم مهدی از نسل علی شبیه ترین مردم به عیسی بن مریم در آفرینش و سیماء و سرشت است ، خداوند عزوجل آنچه را که به پیامبران داده به او عطاء فرموده و ایشان را دانا تر می کند . برای قائم از فرزندان علی غیبتی همانند غیبت یوسف و برگشتی (رجعت) همانند برگشت عیسی بن مریم است آنگاه بعد از غیبتش همراه طلوع

۱ - معجم أحادیث الامام المهدی : ج ۱ ص ۳۹۷ .

۲ - الملاحم و الفتن - سید بن طاووس حسنی: ص ۱۳۴ .

ستاره (الآخر) و ویران شدن زوراء و آن شهر ری و فرورفتن زمین مزوره و آن بغداد است ، و خروج سفیانی و جنگ فرزند عباس با جوانان ارمنی و آذربایجان ظهور می کند . جنگی که در آن هزاران و هزاران نفر کشته می شوند ، هر کدام از آنها صاحب شمشیر جلا شده و پرچم های سیاه بر افراشته هستند ، جنگی که در آن بشارت مرگ قرمز و طاعون بزرگ داده می شود).^(۱)

ابو الحسن علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرمودند (خضر از آب حیات آشامیده و زنده است . نمی میرد تا اینکه در صور (شیپور) دمیده شود ، او پیش ما می آید و سلام می کند و صدایش را می شنویم ولی شخص او را نمی بینیم ، و در هر جایی که یاد شود حاضر می شود و هر کدام از شما او را یاد کرد بر او سلام بفرستد و ایشان همه ساله در موسم حج حاضر می شود ، و همه مناسک را انجام می دهد ، و در عرفه می ایستد و ایمان را بر دعای مؤمنین قرار می دهد ، که خداوند قائم ما را در زمان غیبت به واسطه ایشان از تنهایی بیرون آورده و وحدتش را با او برقرار می کند)^(۲)

هیچ ساختمانی و با هر نوع سازه ای بر پا نمی شود مگر اینکه ارکانی که حداقل سه رکن و به طور طبیعی چهار رکن داشته باشد و همین حالت در ساختن دولت امام مهدی علیه السلام وجود دارد ، و چونکه دولت آل محمد علیهم السلام (دولت عدل الهی) آخرین دولتی است که بر زمین حکومت کرده و تا جایی که خداوند بخواهد امتداد دارد . به همین خاطر است که خداوند برای سایر مردم اهل دینهای الهی به خصوص اهل کتب شخصیت هایی را ذخیره نموده که منتظر آنها بوده و سابقاً در مورد اتصال این شخصیت ها با خدا و به ارسال آنها از جانب خدا بدون هیچ اعتراضی اقرار کردند و در صورتی که این فرستاده ها در میان اقوام خود بیرون آمده و در مورد حقانیت صاحب این امر در مقابل اقوامشان اقرار کنند تا کسی بر ایشان و بر آنها اعتراضی نکند

و هر کدام از ادیان به حقانیت صاحب خود اعتقاد و منتظر او هستند .

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۲۵ .

۲ - کمال الدین: ص ۳۹۰ .

و همان طور که در حدیث امام صادق علیه السلام آمده همه ادیان نزد خداوند اسلام هستند... امام صادق علیه السلام فرمود به خدا قسم ای مفضل خداوند همه اختلافات را از ملل و ادیان بر خواهد داشت تا اینکه همه دینها یکی شود همان طور که جل ذکره فرمودند: **﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾** ^(۱) (در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است) و تعالی فرمودند: **﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾** ^(۲) (و هر که جز اسلام دینی دیگر جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است) مفضل گفت: ای سید و مولای من دین نزد پدران ابراهیم و نوح و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله همان اسلام است؟ فرمودند بله ای مفضل اسلام است (ولا غیر...) .

مردم مسلمان امروزه به گروههایی تقسیم شده که حال آنها همانند حال دینهای سابق است ، و در حالی که منتظران مهدی علیه السلام بر دو گروه تقسیم شده ، اهل سنت و شیعه و گروهی که اعتقاد دارند مهدی به دنیا آمده و قیام کرده و امرش به پایان رسیده که در بحث ما جایی ندارند بلکه منظور ما کسانی که در انتظار ایشان علیه السلام هستند .

اهل سنت اعتقاد دارند که مهدی در زمان ظهورش به دنیا می آید همانطور که در حدیث آمده اسم او اسم پیامبر صلی الله علیه و آله و نام او همانند اسم من و نام پدرش همام پدرم است و در حدیثی نام او احمد از فرزندان علی و فاطمه است ، و صیحه (صدا در آسمان) همان طور که در حدیث آمده به اسم او خواهد بود نه از این است و نه از آن در صورتی که او جانشین یمانی است و...و...و که به حقیقت و انتظار ایشان علیه السلام اعتقاد دارند .

شیعه در انتظار امام مهدی علیه السلام محمد بن حسن عسکری علیه السلام که پنج سال قبل از وفات امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۵۵ هـ - ق به دنیا آمده و به حقیقت و انتظار ایشان علیه السلام اعتقاد دارند ، و با این وجود با آنچه که اهل سنت حسب بعضی از روایاتشان در انتظار آن هستند متفاوت است ...

۱ - ال عمران: ۱۹ .

۲ - ال عمران: ۸۵ .

و هر آنچه که در دینهای سابق آمده در کتب بعدی و لاحق ذکر شده است ولی هر کدام از آنها روایات و احادیث را بر مبنای اعتقاد خود بدون اینکه جایی را برای حقیقت غیر خود باقی بگذارند تاویل می کنند و چونکه مصدر غیبی روایات و اخبار یکی است منشاء اختلاف از مخلوق و نه از خالق پدید آمده است و حداقل در اغلب تفصیل اخبار و روایات همه صاحب حق بوده ولیکن امر از تحریف خالی نبوده و باعث اختلاف شده که همزمان سبب اصلی برگرداندن مفهوم روایات و اخبار آسمانی بر خلاف واقعیت آن است و کسی نمی تواند بر آن حکم کرده و شکل واقعی آنرا نشان دهد مگر اینکه از جانب خدا و یا معصوم و نائب از جانب او باشد .

همانطور که خالق با حکمت خود هنگامی که فرستادگان را برای اقوامشان فرستاده به فرستادگان بعد از خود بشارت و به عذاب که در آخر زمان توسط قائم اتفاق می افتد اخطار داده و بر حذر می دارند ، پس هیچ اهل دیانتی وجود ندارد مگر اینکه از او خبر داشته و ذکرش در کتاب هایشان آمده است .

و هر کس در رابطه با این موضوع مطالب بیشتری بخواهد به جواب سید احمد حسن بر سوال زن مسیحی از طریق اینترنت مراجعه کند که در مورد ذکر ایشان در قران و تورات و انجیل پرسیده و به طور کامل در کتاب (وصی و رسول امام مهدی در تورات و انجیل و قران) آمده است .

و به طور مثال از آنچه که در قران آمده:

سید احمد حسن جواب سوال زن مسیحی را اینگونه می دهند: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ * يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ * أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ * إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ * يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ﴾^(۱) (پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی آورد * که مردم را فرو می گیرد این است عذاب پر درد * می گویند پروردگارا این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم

* آنان را کجا جای پندگرفتن باشد و حال آنکه به یقین برای آنان فرستاده ای روشنگر آمده است * پس از او روی برتافتند و گفتند تعلیم یافته‌ای دیوانه است * ما این عذاب را اندکی از شما برمی‌داریم ولی شما در حقیقت باز از سر می‌گیرید * روزی که دست به حمله می‌زنیم همان حمله بزرگ آنگاه ما انتقام کشنده‌ایم). منظور از این دود عذاب است و عذاب قبل از رسالت می‌آید خداوند تعالی فرمودند ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾^(۱) (و ما تا فرستاده ای برنینگیزیم به عذاب نمی‌پردازیم) و همین طور این دود ویا عذاب مجازات و عقوبتی است که به خاطر تکذیب فرستاده ارسال می‌شود که برای عذاب دیدگان فرستاده می‌شود و همان طور که در آیه واضح است ایشان از میان آنهاست ﴿ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ﴾ (پس از او روی برتافتند و گفتند تعلیم یافته‌ای دیوانه است) و همین طور این عذاب و یا دود ایمان اهل زمین را نسبت به این رسول بعد از اینکه منحرف شده کشف می‌کند همانطور که عذاب قوم یونس علیهم‌السلام و یونان را منحرف ساخت. از آیه واضح است این عذاب یا دود مقارن قیامت صغری بلکه آزمایش کوچک که بعد از آن چیزی جزء آزمایش بزرگ و انتقام از ظالمین نیست. همانطوری که از ائمه وارد شده دود از علائم قیام قائم و همزمان با فرستاده ای است بلکه آن به سبب تکذیب اهل زمین برای این فرستاده است آنگاه آن عقوبت برای آنها خواهد بود ﴿أَلَيْ لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾. این رسول کیست ؟ و فرستاده این رسول چه کسی است ؟^(۲)

حال می‌گوییم: این فرستاده همان مهدی اول و اول مهدیین اثنی عشری که بعد از ائمه اثنی عشری می‌آیند تا عدد آل محمد علیهم‌السلام ۲۴ نفر (دوازده امام و دوازده مهدی) خواهد شد همانطور که در وصیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده (از ابی عبد الله علیه‌السلام از پدرانش از امیر المومنین علیه‌السلام فرمودند: (رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در شب وفات به علی علیه‌السلام فرمودند یا ابا الحسن صحیفه (برگ) و دواتی را آماده کن پس رسول خدا وصیت خود را به صورت املاء فرمود و تا اینکه به جایی رسید و فرمودند ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهد بود آنگاه ای علی شما اول دوازده امام، و حدیث را تا

۱ - اسراء: ۱۵.

۲ - جواب منیر عبر الثیر: ص ۲۰-۲۱

جایی ادامه داد و فرمودند پس حسن عسکری علیه السلام آنرا تحویل فرزندش م ح م د مستحفظ از آل محمد علیهم السلام بدهد آنگاه این دوازده امام است و سپس بعد از آنها دوازده مهدی خواهد بود اگر زمان وفات ایشان (امام مهدی علیه السلام) رسید آنرا تحویل فرزندش اول مهدیین که دارای سه اسمی همانند اسم من واسم پدرم و او عبد الله واحمد و اسم سوم مهدی و او اول مؤمنین است^(۱)

خواب یوحنا ی لاهوتی اثر کتاب انجیل

۱) در آسمان دَرَب بازی دیدم صدای اول را همچون بوق شنیدم مرا خطاب نموده و می گوید ، به این مکان بالا بیا ، تا آنچه بعداً اتفاق خواهد افتاد را به تو نشان دهم . ۲ همان زمان روحی مرا به بالا برده و در آسمان عرشی نصب شد ، و روی عرش یک نفر نشست ، ۳ صورت کسی که بر عرش نشسته است شبیه سنگ یشب و یاقوت قرمز بود ، و دورتادور عرش هاله ای شبیه زمرد است ، ۴ اطراف عرش بیست و چهار عرش بوده و بر عرش ها بیست و چهار شیخ با لباس های سفید و بر سر آنها تاج های مزین به طلا نشسته اند ... بیست و چهار شیخ پشت سر کسی که بر عرش نشسته به زانو نشسته اند ، و برای حی (خداوند متعال) تا ابد الزمان سجده می کنند ، ...^(۲)

بیست و چهار شیخی که اطراف عرش نشسته اند ائمه و مهدیین علیهم السلام هستند ، و با آنچه که در انجیل و در حدیث وارده از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام آمده یک نتیجه حاصل شده و حتی در قرآن نیز همین طور است .

اگر خدا توفیق دهد بحث مفصلی در این باره خواهم نوشت انشاء الله .

۱ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۸ ، ج ۳۶ ص ۲۶۰ ، غیبت طوسی: ص ۱۵۰ ، غایه المرام: ج ۲ ص ۲۴۱ ، مختصر بصائر الدرجات - للحلی: ص ۳۹ مکاتیب الرسول للمیانجی: ج ۲: ص ۹۶ .
۲ - کتاب مقدس - مجمع الکنايس الشرقیه: ص ۸۰۷ .

مروشنگری امر مهدی اول و شبیه عیسی (علیه السلام)

از اهل بیت روایات زیادی در مورد احادیث دشوار آنها وارد شده که آنها جز کسی که واقعاً شیعه آنها بوده تحمل و قبول نمی کند ، اما کسی که گل او خبیث و پست و قلبش دشمن آل محمد (علیه السلام) بوده خواهی دید که کلام آنها بر او سنگین و دلش از آن بیزار و آنها انکار کرده بلکه بعضی از آنها به صراحت می گویند که این کفر است پس قلب کسانی که از کلام ائمه (علیه السلام) بیزار و آنها انکار می کنند از همان دشمنان آل محمد (علیه السلام) در عالم ذر اول بوده حتی اگر که مدعی محبت آنها (علیه السلام) بشوند .

روایت شده که روزی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) به حذیفه بن یمان فرموده اند: ای حذیفه در مورد چیزی که مردم نسبت به آن نادان بوده صحبت مکن چونکه کفر کرده و طغیان می کنند که در علم حمل مواردی بسیار سخت است و اگر آنها بر کوه ها گذاشته از حمل آن در مانده خواهند شد ؛ و علم ما اهل بیت انکار و باطل و روایات ما کشته خواهد شد و کسی که آنها تلاوت کرده با صفت زشت فرزند زنا خوانده می شود و آنهم به خاطر حسادت به عترت وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، ای فرزند یمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) آب دهانش را در دهان من قرار داده و دستش را بر سینه من نهاد و فرمودند خداوندا به خلیفه و وصی و قاضی دینم و انجام دهنده وعده و امانتم و ولی و ناصر من بردشمنت و دشمنم و کسی که حزن اندوه را از صورتم برداشته عطا فرما آنچه را که از علم به آدم و از بردباری به نوح و عترت پاک و طیب و گذشتی که به ابراهیم و صبر به هنگام بلاء که به حضرت ایوب عطاء فرمودی و آنچه را که به داود هنگام سکونت با قدرت مندان بخشیده ای و آنچه را از فهم به سلیمان عطاء فرموده ای خداوندا چیزی از دنیا برعلی مخفی مکن تا اینکه همه آنها جلوی چشمانش قرار داده و همانند سفره ای کوچک میان دستانش قرار ده بار الها صلابت موسی را به او عطا فرما و در نسلش شبیه عیسی (علیه السلام) را قرار بده... ^(۱)

و قول رسول خدا ﷺ بار الها شبیه عیسی را در نسل علی ابن ابی طالب قرار ده یا(و در نسلش شبیه عیسی را قرار بده) چه معنا و مفهومی دارد جزء دلالت بر اینکه شبیه عیسی که اعدام شده یکی از ائمه و یا مهدیین باشد ، چونکه عیسی علیه السلام به بالا عروج نموده و اعدام نشد ، و کسی که شبیه او بوده به جای ایشان اعدام شد همانطور که در قول تعالی آمده **﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا﴾** ^(۱) (و گفته ایشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم و حال آنکه آنان او را نکشتند و اعدامش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او دچار اختلاف شده قطعا در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند و یقینا او را نکشتند)

روایات اهل بیت علیهم السلام شبیه عیسی علیه السلام را از نسل امیر المؤمنین علیه السلام مشخص نموده و حال ممکن است از ائمه و یا مهدیین باشد .

و به غیر از امام مهدی علیه السلام ائمه علیهم السلام اعلام نکرده بودند که یکی از آنها و یا کسی که قبل و یا بعد از آنها می‌آید شبیه عیسی علیه السلام بوده و به جای ایشان اعدام می‌شود .

و اما در مورد امام مهدی روایت تصریح نموده که (قائم مهدی از نسل علی در آفرینش و سیماء و سرشت شبیه ترین مردم به عیسی بن مریم است ، خداوند عزوجل آنچه را که به پیامبران داده به ایشان عطاء فرموده و ایشان را دانا تر می‌کند) ^{(۲)(۳)}

در بحث سابق برای ما مشخص شد که کلمه قائم صفت مشترکی است که گاهی هدف از آن امام مهدی علیه السلام و گاهی دیگر قائمی که به امر ایشان قیام می‌کند و یا وصی امام مهدی علیه السلام و مهدی اول و یمانیا یا مولایی که مسئول گرفتن بیعت است پس

۱ - نساء: ۱۵۸.

۲ - روایت در موضوع ارکان چهارگانه امام مهدی مرور شد

۳ - بحار الانوار : ج ۵۲ ص ۲۲۵ .

شبيه عيسى عليه السلام که اعدام شده امام مهدی علیه السلام و یا مهدی اول (یمانی) از فرزندان امام مهدی علیه السلام است اگر به آنچه که رسول خدا ﷺ فرموده برگردیم: (عیسی فرزند مریم علیه السلام هنگام انفجار صبح نزول می کند)^(۱) ... صلیب را شکسته و خوک را می کشد و دجال را به هلاکت رسانده و اموال قائم را باز پس می گیرد و اهل کهف کنار ایشان به راه می افتند، و او وزیر راست قائم و حجاب و نایب ایشان است، آنگاه با کرامتی از حجت بن الحسن علیه السلام امنیت را در مشرق و مغرب گسترش می دهد (غایة المرام السید هاشم البحرانی ج ۷ ص ۲۹).

و در اینجا از قول رسول خدا ﷺ واضح می شود که شبیه اعدام شده عیسی علیه السلام همان یمانی است زیرا که مراد از عیسی در روایت شبیه عیسی علیه السلام و نه پیامبر خدا عیسی علیه السلام است (و او وزیر راست قائم و حجاب و نایب ایشان است)

این موضوع از قول ایشان ﷺ (اهل کهف کنار ایشان به راه می افتند) واضح است زیرا که اهل کهف همانطور که در بحث سابق آمده در زمان ظهور جوانانی از بصره هستند

و از امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه السلام (... سپس مهدی هادی مهدی که پرچم را از دست عیسی بن مریم می گیرد خارج می شود ...)^(۲)

و توجه به کسی که پرچم را از دست عیسی علیه السلام می گیرد (یا شبیه که اعدام شد) در خواهیم یافت که خود امام مهدی علیه السلام نبوده و منظور از شبیه عیسی علیه السلام امام مهدی علیه السلام نیست و کسی جز فرزندش مهدی اول و مولایی که مسئول گرفتن بیعت و اول مؤمنین است باقی نمی ماند همان کسی که جنگ ضد سفیانی را رهبری و پرچم را تحویل امام مهدی علیه السلام می دهد، و اما خروج امام مهدی علیه السلام و عیسی روح الله علیه السلام و ایلیا علیه السلام و خضر علیه السلام برای مردم بعد از تحویل پرچم به امام مهدی علیه السلام خواهد بود و یا بعد از جنگ با سفیانی و تمکین دولت عدل در قسمت پهنآوری از زمین تا اینکه

۱ - انفجار صبح اشاره به فجر مقدس دارد، فجر ظهور امام مهدی ع است.

۲ - الملاحم و الفتن - سید بن طاووس حسنی: ص ۱۳۴.

شروع محکمی برای آزاد سازی باقیمانده زمین و احتجاج بر اهل دینهای دیگر به واسطه پیامبران آنها و جنگ با دجال باشد .

برای استفاده بیشتر به جواب سید احمد حسن در کتاب متشابهات ج ۴ ص ۱۴۳ - ۱۵۰ بر سؤال حول شبیه عیسی علیه السلام می پردازیم: - (س / داستان حضرت عیسی علیه السلام چه بوده ؟ . و در قول تعالی: شبهه چگونه برای آنها ایجاد شد:

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا﴾^(۱) (و گفته ایشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند قطعا در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند و یقینا او را نکشتند.)

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس مخصوص پروردگار عالمیان و صلوات خدا بر محمد وآل محمد ائمه و مهدیین.

در شبی که عیسی علیه السلام به بالا عروج نمود با حواریون خود قرار گذاشت ، آنگاه جز یهوذا که جای عیسی علیه السلام را به علماء یهود نشان داد همه نزد ایشان حاضر شده و یهوذا پیش مرجع بزرگ یهود رفته و در مورد تسلیم عیسی علیه السلام با او معامله کرد .

و بعد از نصف شب هنگامی که حواریون به خواب رفتند عیسی علیه السلام بیدار باقی ماند و خداوند او را به بالا برد و به جای ایشان (شبیه او) که اعدام و کشته شد را پایین آورد و به عنوان سپر و فدایی ایشان بود و این شبیه (که از اوصیاء آل محمد علیهم السلام) است اعدام و کشته شد و عذاب را به خاطر قضیه امام مهدی علیه السلام تحمل نمود .

و عیسی علیه السلام اعدام و کشته نشد بلکه به بالا عروج نموده و خداوند ایشان را از دستان یهود و علمای گمراه و گمراه کننده آنها (لعنهم الله) نجات داد ، تعالی فرمودند: ﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾

و در روایت تفسیر علی بن ابراهیم از ابی جعفر علیه السلام فرمود (عیسی علیه السلام در شبی که خداوند ایشان را به بالا برده با یاران خود که دوازده نفر بودند قرار گذاشته پس شبانگاه جمع شده اند ، آنها را وارد خانه ای نموده سپس از پرتو که در گوشه خانه است بر آنها بیرون آمد و در حالی که سر خود را که از آب خیس بود تکان می داد و فرمود ساعتی دیگر خداوند مرا بالا برده و از یهود مطهر می کند پس کدام یک از شما حاضر است که شبیه من بر او واقع شده تا اعدام و کشته شود و با من در یک مقام باشد جوانی از آنها گفت ای روح الله من حاضرم فرمود پس شما همان هستی... سپس علیه السلام فرمودند در همان شب یهود دنبال عیسی علیه السلام آمدند ... و جوانی را که شبیح عیسی بر او نهاده شده را بردند و اعدام و کشته شد)^(۱)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: (دوازده نفر جمع شده اند)، در حالی که از حواریون یازده نفر آمده و یهوذا نیامده بود و برای تحویل دادن عیسی علیه السلام نزد علمای یهود رفت و این از اخبار متواتری است که قابل انکار نیست پس نفر دوازدهم از آسمان نازل شده و او همان وصی از آل محمد علیه السلام است ؛ همانی که بعد از اینکه بصورت شبیه عیسی علیه السلام آمد اعدام و کشته شد و آخرین کلماتی که این وصی هنگام اعدام شدن می گفت: (ایلیا ، ایلیا ، ایلیا چرا مرا پایین آوردی) و در انجیل متی (یسوع با صدای بلندی فریاد زد ایلی ایلی چرا مرا پایین آوردی یا ای خدای من ، خدایا چرا مرا تنها گذاشته ای . پس عده ای از قوم که آنجا ایستاده بودند پس از اینکه شنیده اند ، گفتند: او دارد ایلیاء را ندا می دهد ... و اما بقیه گفتند بگذارید ببینیم آیا ایلیا برای نجات او می آید . آنگاه

یسوع دوباره با صدایی بلند داد زده و روحش را تسلیم نمود . در حالی که حجاب هیکل از بالا به پایین به دو نصف شد و در زمین زلزله آمده و سنگ ها متلاشی شد ...^(۱)

در حقیقت ترجمه کلماتی را که گفت به این صورت است (ای علی ای علی مرا برای چه چیزی پایین آورده ای)، و نصارا آنرا به این صورت ترجمه می کنند (خدایا ، خدایا چرا مرا تنها گذاشته ای) همانطور که از متن انجیل برای شما واضح گردید .

و پایین آوردن یا رها کردن از آسمان به زمین ؛ نزدیک به تنها گذاشتن است . که این وصی به خاطر نادانی و نزول و یا به عنوان اعتراضی بر امر خداوند سبحان و تعالی این کلمات را نگفته است ، بلکه سؤالی است که جوابی درون آن است ، که برای توجیه مردم آنرا بیان نمود: و ان اینکه علت نزول و اعدام و کشته شدن مرا بفهمید و بدانید تا اینکه دوباره در امتحان شکست نخورید در صورتی که همان سوال را تکرار کنم وقتی که رومیان (یا قومی شبیه آنها) سرزمین ها را اشغال کنند و علماء یهود (یا علمائ شبیه آنها در این زمان) با آنها سازش کنند، پس سنت خدا تکرار شده و من در آن سرزمین خواهم بود عبرت بگیرید و اگر دوباره آمده ام مرا یاری و در اعدام و کشتن من مشارکت نکنید .

در جواب سؤال ، این موضوع را خواسته بود (که برای هر عاقل پاک فطرت واضح است): اعدام شدم و اهانت های علمائ یهود را تحمل نموده، انهم به خاطر قیامت صغری ، قیامت امام مهدی علیه السلام و دولت حق و عدل الهی در این سرزمین کشته شده ام . و هنگامی که علمائ یهود و حکام روم از این وصی پرسیده اند که: آیا شما پادشاه یهود هستی ؟ در جواب اعلام می کرد تو گفتی ، و یا گفت آنها می گویند و یا این شما هستید که اینگونه می گویند و بله را نمی گفت این جواب برای کسانی که از حقیقت بی اطلاع اند جوابی عجیب است ولی در حال حاضر جواب آن آشکار شد . هیچگاه بله نگفت زیرا که او پادشاه یهود نبوده و عیسی علیه السلام که به بالا عروج نموده پادشاه آنها بود ، و او همان شبیه ی است که به جای عیسی برای اعدام و کشته شدن پایین آمده است

متن جواب ایشان بعد از دستگیری در انجیل آمده که آنرا مرور می کنیم:

(رئیس کاهنان اینگونه از او پرسید که شما را به خداوند همیشه زنده قسم می دهم آیا شما حضرت مسیح هستی؟ یسوع به او گفت که تو می گویی ...) ^(۱) (یسوع مقابل والی و استاندار ایستاد پس والی از او پرسید شما پادشاه یهود هستی؟ انگاه یسوع به او گفت: تو می گویی...) ^(۲) (یسوع بیلاطس از او پرسید شما پادشاه یهود هستی؟ پس جواب داد و گفت تو می گویی ...) ^(۳) (یسوع مردم همه به او گفتند که تو مسیح هستی؟ پس به آنها گفت که شما می گوید که من خود ایشان هستم ...) ^(۴) (یسوع ۳۳ سپس بیلاطس همین طور وارد قصر حکومت شد و یسوع را صدا زد و به او گفت تو پادشاه یهود هستی؟ ۳۴ یسوع در جوابش گفت آیا شما خودت ذاتاً این طور می گویی یا اینکه کسانی دیگر در مورد من به تو گفتند . ۳۵ بیلاطس در جوابش گفت من که یهودی هستم . امت شما و علمای کاهن تو را تحویل من دادند . چه کاری را انجام داده ای؟ ۳۶ یسوع جواب داد که مملکت من از این عالم نیست . اگر مملکت من در این عالم بود آنگاه خادمان من جهاد می کرده اند تا اینکه من در اختیار یهود قرار نگیرم . ولی در حال حاضر مملکت من مال این زمان نیست . ۳۷ بیلاطس به او گفت پس در حال حاضر تو پادشاه هستی . در جواب یسوع گفت تو می گویی که من پادشاه هستم . من برای این دنیا و به این عالم آمده ام که برای حق شهادت دهم ...) ^(۵)

و در این متن وصی نشان داد که او از اهل آن زمان نیست بلکه برای اجرای مسوولیتی پایین آمده و آن فدایی عیسی علیه السلام است به همین خاطر که می بینی این وصی می گوید (مملکت من از این عالم نیست)، ولی در حال حاضر مملکت من مال این عالم نیست)، (و به این خاطر من به این عالم آمده ام که برای حق شهادت بدهم)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله: (عیسی فرزند مریم علیه السلام هنگام انفجار صبح در پوشش مهرودین و آن دو لباس زرد رنگی از زعفران بوده نزول می کند دارای جسمی سفید رنگ و موی

۱ - انجیل متی: اصحاح ۲۶ .
 ۲ - انجیل متی: اصحاح ۲۷ .
 ۳ - انجیل مرقس: اصحاح ۱۵ .
 ۴ - انجیل لوقا: اصحاح ۲۲ .
 ۵ - انجیل یوحنا: اصحاح ۱۸ .

سر خرمایی و در میان موی سر او فاصله است ، انگار که ازموهای سرش روغن می چکد در دست ایشان سر نیزه ای است صلیب را شکسته و خوک را می کشد و دجال را به هلاکت رسانده و اموال قائم را باز پس می گیرد و اهل کهف پشت سرایشان به راه می افتند و او وزیر راست برای قائم و حجاب و نایب ایشان است ، آنگاه با کرامتی از حجت بن الحسن علیه السلام امنیت را در مشرق و مغرب گسترش می دهد^(۱)

از امیر مؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام (مکز حکومت به زوراء (بغداد) برمی گردد و امور از طریق زوراء انجام می گیرد هر کسی که بر کاری غلبه کند آنرا انجام می دهد پس خروج سفیانی در این هنگام است که نه ماه بر زمین مسلط می شود و به بدترین شکل آنها را شکنجه می دهد آنگاه وای بر مصر و وای بر زوراء و وای بر کوفه و وای بر واسط انگار به واسط نگاه می کنم در حالی که خبرنگاری که دارای خبر باشد وجود ندارد و در آن هنگام خروج سفیانی و کمبودی غذا و قحط زدگی مردم و کمبودی باران که هیچ زمینی نمی روید و هیچ آسمانی نمی بارد ، سپس مهدی هادی مهدی آن کسی که پرچم را از دست عیسی بن مریم می گیرد خارج می شود ...)^(۲)

و احادیث زیادی دال بر اینکه عیسی علیه السلام اعدام و کشته نشده است وجود دارد بلکه کسی که اعدام و کشته شد شبیه عیسی علیه السلام است .

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: (عیسی ابن مریم علیه السلام با لباس پشمین از نخ تابیده و دوخت مریم علیه السلام به بالا عروج نمود و پس از اینکه به آسمان رسید ندا داده شد که ای عیسی ابن مریم زینت دنیا را از خود دور کن)^(۳)

و از امام رضا علیه السلام فرمود (مردم در امر هیچ یک از پیامبران و حجت های خدا دچار شبهه نشده مگر در امر عیسی بن مریم علیه السلام ، زیرا که او به صورت زنده از زمین به بالا رفته و در میان آسمان و زمین قبض روح شده سپس به آسمان عروج نموده و روحش به او برگردانده شد و آن قول عز و جل: ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ مَتَوَفَّيْكَ وَارْفَعْكَ

۱ - غایة المرام السید هاشم البحرانی: ج ۷ ص ۹۲ .
۲ - الملاحم و الفتن - سید بن طاووس الحسینی: ص ۱۳۴ .
۳ - قصص الانبیاء نعمة الله جزایری

إِلَيَّ^(۱) خداوند به عیسی فرمودند ای عیسی من روح را قبضه نموده و تو را پیش خود می برم^(۲)

از پیامبر ﷺ فرمودند (عیسی علیه السلام) نمرده است و قبل از قیامت به سوی شما بر خواهد گشت^(۳)

پس توجه کن که : - عیسی علیه السلام پیامبر و فرستاده ای که از خداوند سبحان و تعالی است و درخواست نمود که از اعدام و عذاب و کشته شدنش صرف نظر گردد، و خداوند سبحان و تعالی دعای پیامبر و فرستاده اش را بدون اجابت نمی گذارد، خداوند دعای ایشان را استجابت نموده، و وصی که به جای او اعدام و کشته شد را نازل نمودند، و در انجیل دعا های متعددی آمده که عیسی علیه السلام عدم اعدام و کشته شدن را خواسته است .

و آن اینکه: (... سپس کمی به جلو رفته و با صورت به پایین فرود آمده و در حال نماز خواندن می گفتند ای پدر بزرگوار در صورت امکان مرا از نوشیدن این جام معاف نمائید ...) ^(۴)

(... سپس کمی به جلو رفته و به زمین فرود آمده و در حالی که نماز می خواند و می گفت: تا در صورت امکان از این امتحان معاف شود * می گفت ای پدر ابو البشر همه چیز ها در استطاعت شماست پس مرا از این جام معاف نما ...) ^(۵)

(... از آنها به اندازه پرتاب یک سنگ جدا شده و بر زانو های خود نشسته و به نماز مشغول شد * و در حالی که می گفت ای پدر من، در صورت امکان مرا از این جام معاف نما ...) ^(۶)

۱ - آل عمران ۵۵.
 ۲ - قصص الانبیاء و عیون الاخبار
 ۳ - قصص الانبیاء .
 ۴ - انجیل متی: اصحاح ۲۶ .
 ۵ - انجیل مرقس: اصحاح ۱۴ .
 ۶ - انجیل لوقا: اصحاح ۲۲ .

و این متن در تورات سفر اشعیا و در انجیل اعمال الرسل اصحاب هشتم آمده: (...همانند گوسفندی که برای سر بردن به قربانگاه می رفت ، همانند گوسفند ساکتی در دست کسی که او را به این طرف و آن طرف کشیده و دهانش را باز نمی کرد...)

و در حالی که هیچ پیامبر و یا وصی به صورت ساکت به سوی بریده شدن سر خود نرفته بلکه همه پیامبران و اوصیاء و مرسلین صحبت نموده و آنها ارسال شده اند که صحبت نمایند و نکوهش کنند و مردم را موعظه و نصیحت کنند و علی الخصوص عیسی علیه السلام علماء و مردم را بسیار نکوهش نمود .

و آنقدر آنها را نصیحت نموده که بر او را صدق نمی کنند که ساکت به سوی اعدام برود .

بلکه کسی که ساکت به سوی بریده شدن سر خود پیش رفته همان وصی بود (شبیه عیسی) و بدون اینکه صحبت کند و یا اینکه از خدا بخواهد که از عذاب و اعدام و کشته شدنش صرف نظر نموده اعدام و کشته شد بدون اینکه با مردم صحبت کند . بلکه هنگامی که اصرار داشته و با اصرار از او پرسیده اند که شما چه کسی هستید ، آیا شما مسیح هستی ، جواب آنها را نمی داد به جزء با یک کلمه ، شما می گوئید .

و به این صورت راضی به امر خدا به سوی اعدام و عذاب و کشته شدن رفت ، جهت انجام ماموریتی که به خاطر آن پایین آمده و به جای عیسی علیه السلام اعدام و به صلیب کشیده شد و در آخر کشته شود .

و آنهم به خاطر اینکه زمان آن نرسیده که فرستاده شود و مردم را ابلاغ و با آنها صحبت نماید ، همانند گوسفندی به این صورت برای سر بردن رفتند ، همانند گوسفندی ساکت در دست کسی که او را به این سمت و آن سمت می کشد و دهان خود را باز نمی کرد .

از هر انسان مؤمنی خواهش دارم که استفاده نموده و معرفت حقیقت را از این قضیه بخواهد این انسان به زمین فرود آمده و اعدام و کشته شده و در حالی که کسی که او را نمی شناخت ، درخواست نمی کرد که یاد شده و یا شناخته شود به صورت ساکت فرود آمده و ساکت اعدام شده و به صورت ساکت کشته شده و به صورت ساکت به سمت خدا بالا رفتند ،

این گونه اگر خواسته باشید، حضور داشته، پس اینطور باشید) جواب سید احمد حسن به پایان رسید .

مروشنگری در باره مهدی اول در کتب اهل سنت

در کتب اهل سنت روایت هایی وارد شده که خروج مهدی در آخر الزمان را ذکر می کند روایت های که برای فهم عقایدی علماء مذهب جعفری در ظاهر متناقض بوده و به آن اعتقاد نداشته و حتی بیشتر فقهاء آنرا روایت نمی کنند ،

مانند روایت (مهدی همنام من و اسم پدرش اسم پدر من است).

رسول خدا ﷺ فرمودند: (...با آن الواح موسی شکسته، و منبر و سفر سلیمان ، و در یکی از غار هایش نیز عصای موسی است ، آنگاه هیچ ابر شرقی و نه غربی و نه جنوبی و نه قبیله ای وجود نداشته مگر اینکه اگر به سمت آن غار بیاید همه برکت های خود را بر آن فرود می آورد . پس روز و شب ها نخواهد گذشت تا اینکه مردی از فرزندانم از عترت من اسمی همانند اسم من و اسم پدرش همنام پدر من آنرا بدست می گیرد که شبیه ترین مردم در اخلاق و رفتار و آفرینش به من است).^(۱)

پیامبر ﷺ فرمودند: (اسم او مانند اسم من و اسم پدرش همنام پدرم است او از فرزندان دخترم فاطمة است ، خداوند حق را بوسیله آنها ظاهر و باطل را با شمشیرش خاموش می کند مردم با میل خود و همین طور از روی ترس نیز از آن پیروی می کنند

سپس رسول خدا صلی الله علیه و اله از گریه کردن ساکت شده و فرمودند: ای مردم شما را به فرج بشارت می دهم چونکه آن میعاد گاه خداوند که تغییر نمی یابد و قضاء ایشان بر نمی گردد و او حکیم دانا است ، و همین طور فتح خداوند نزدیک است خداوند آنها خانواده من هستند پس رجس را از آنها دور کن و آنها را پاک و منزّه گردان، باری الهی همه آنها به تو توکل دارند و تو مرجع توکل آنها باش و با آنها مدارا کن و در کنار آنها باش و آنها را پیروز و سرافراز نموده و ذلیل مکن آنها را جانشینان من قرار ده که شما هر آنچه را بخواهی توان انجام آنرا دارید^(۱)

آنچه که نزد اتباع اهل بیت علیهم السلام معروف است امام مهدی علیه السلام محمد بن حسن ابن علی ... علیه السلام و اسم پدر ایشان علیه السلام نه عبد الله و نه نامی از پدران رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد که و معروف هستند و در بین پیامبران در طول همه تاریخ ، همانند قول ایشان که من فرزند دو ذبیح (عبد الله^(۲) ، و اسماعیل) هستم کسی آن را نگفته است،

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند اگر روز قیامت فرار رسد از وسط عرش مرا صدا خواهند زد ای محمد پدر شما ابراهیم خلیل بهترین پدر و برادرت علی ابن ابی طالب علیه السلام بهترین برادر است^(۳)

پس روایت بر امام مهدی علیه السلام منطبق نشده و بر مهدی اول منطبق می شود در صورتی که اسم پدرش اسم یکی از پدران رسول خدا از پیامبران و روایت اسم او همانند اسم من واسم پدر او هنام پدرم است بر ایشان صدق می کند

سپس اول مؤمنین به امام علیه السلام در زمان ظهور مهدی اول و در آخر زمان به دنیا می آید و این موضوع با اعتقاد اهل سنت مترادف است . یا اینکه ابناء عامه با توجه به اعتقادشان منتظر مهدی اول هستند مهدی اولی که اسم او همانند اسم پیامبر صلی الله علیه و آله واسم پدرش اسم یکی از پدران پیامبر است و این عقیده بر امام مهدی علیه السلام قابل انطباق نبوده و بر مهدی اول از فرزندان امام مهدی علیه السلام صدق می کند .

۱ - المناقب - الموفق الخوارزمی: ص ۶۲ .
 ۲ - عبد الله پدر رسول خدا (ص) که سنت اسماعیل بر ایشان تکرار شد
 ۳ - عیون اخبار الرضا ع شیخ صدوق: ج ۱ ص ۳۴

همانطور در روایات اهل سنت صحیح به اسم یمانی آمده و او نیز خلیفه خواهد بود پس حتما باید در مورد این خلیفه از خود سوال کنیم که ایشان خلیفه چه کسی است ؟

ابن حماد در صفحه ۱۰۳ روایت کرده و می گوید (مهدی فقط از قریش و خلافت جز در آنها نخواهد بود و باید اصل ونسبی در یمن داشته باشد) و همین طور در صفحه ۱۰۷ با سند مذکور خود از کتاب ارطاة نیز آنرا روایت می کند (جمع شده و منتظر می مانند که با چه کسی بیعت کنند ، آنگاه در میان خود صدایی می شنوند که آنرا هیچ انسان و جنی نگفته است، اسم او را خوانده که با فلانی بیعت کنید ، او از این طرف و آن طرف نبوده ولیکن او خلیفه اش یمانی است) (۱)

و همین طور برابر آنچه که از اهل بیت علیهم السلام آمده یمانی خلیفه مهدی علیهم السلام است .
و با این موضوع میان روایات که اهل سنت و شیعه روایت کرده اند نتیجه حاصل می شود .

حرکت یمانی انر عراق به سوی بیت المقدس

بصورت مختصر واجمالی حرکت تمهیدکننده (زمینه ساز ظهور) اصلی امام مهدی علیهم السلام با ارسال یمانی شروع می شود.

ایشان اولین یاران امام مهدی علیهم السلام از سیصد وسیزده نفر است و این موضوع در خطبه امیر المؤمنین که یاران قائم و شهر های آنها را معین کرده مشخص است که اولین آنها از عراق وبه صورت محدد از بصره یکی از شهر های عراق است و در ابتدای امر برای ما مشخص می شود که شروع حرکت یمانی از عراق است:

از امیر المومنین علیهم السلام در خبری طولانی آمده: (... اولین نفر حتماً از بصره و آخرین آنها از ابدال است ...) (۲)

۱ - معجم أحادیث الإمام المهدی ع للشیخ الکورانی: ج ۱ ص ۲۹۹ .

۲ - بشارة الاسلام: ۱۴۸ .

یمانی اول مؤمنین به امام مهدی علیه السلام و دست راست و وزیر و خلیفه و مولایی که مسئولیت گرفتن بیعت برای امام علیه السلام است که اتصال خود با امام علیه السلام و ارسال از جانب ایشان علیه السلام را اعلام نموده و کار خود را با درخواست بیعت از مردم شروع کرده است که در روایت امام باقر علیه السلام آمده که ایشان صاحب هدایت ترین پرچم بوده چونکه برای صاحب شما دعوت می کند و با علم به اینکه در زمان ظهور مقدس پرچم های گمراهی که به سوی امام مهدی دعوت می کنند زیاد شده و مسائل دیگر که در سابق برای ما واضح شده که دوازده پرچم با اختیار خود و به نام اهل بیت علیهم السلام بدون امری از امام علیه السلام دعوت می کنند و جزء یک مورد همه آنها در آتش هستند، و پرچم حقیقی اهل بیت علیهم السلام که توسط آنها ارسال شده پرچم یمانی است چونکه او تمهیدکننده اصلی برای امام علیه السلام در زمان ظهور بوده و روی برگرداننده از ایشان در آتش است.

حرکت تمهید یمانی برای امام مهدی علیه السلام شش سال قبل از قیام امام مهدی با شمشیر خواهد بود، از ابن حنیفه گفت بین خروج پرچم سیاه از خراسان و شعیب بن صالح و خروج مهدی و تسلیم امر به مهدی ۷۲ ماه است^(۱)

و در اینجا هدف از پرچم سیاه، پرچم های گمراهی^(۲) است که در اول ظهور دعوت امام ظاهر می شود و اما پرچم های کوچک مشرقی همان پرچم های هدایتی که روایات آنها را توصیف نموده^(۳) و بعد از اینکه مهدی اول (یمانی) لشکر خود را جمع نموده و پیروانش کامل شده اتفاق خواهد افتاد در ابتدای امر فقط یک دعوت مردم برای بیعت بوده و یمانی امر اتصال خود با امام مهدی علیه السلام را برای آنها توضیح داده و با توجه به دلایل غیر قابل شمارشی که امام علیه السلام در اختیار ایشان گذاشته برای آنها ثابت می کند

۱ - کتاب الفتن - نعیم بن حماد: ص ۱۶۵، معجم احادیث الامام المهدی: ج ۱ ص ۳۷۹.
۲ - و آن درفش هایی (درفش های بنی عباس) هستند که به اسم اهل بیت در ابتدای سقوط صدام طاغوت وارد عراق شدند.

۳ - رسول خدا (ص) فرمودند (برای بنی عباس درفش هایی سیاه از مشرق خارج می شود سپس مدتی طولانی ساکت می مانند سپس پرچم های کوچک مشکی رنگی که خود را مطیع مهدی دانسته از مشرق خارج شده و با مردی از فرزندان اُبی سفیان و یارانش می جنگند) کتاب الفتن - نعیم بن حماد المروزی ص ۱۹۰. معجم احادیث امام مهدی - شیخ کورانی ج ۱ ص ۳۹۶ / عصر ظهور ص ۲۲۸.

که او فرستاده ای رسمی از جانب امام است که مردم را به راه صحیح دعوت می کند و از مهمترین دلایلی که برای مسلمانان آورده دلیل قرآنی خواهد بود همان طور که در روایت آمده برای مسیح و یهود با دلیل تورات و انجیل می آید

از مفضل بن عمر گفت شنیده ام که ابا عبد الله علیه السلام می فرمایند برای صاحب این امر دو غیبت خواهد بود در یکی از آنها به خانواده خود بر می گردد و در دیگری گفته می شود به هلاکت رسیده و یا در صحرایی به سلوک مشغول شده گفتم اگر به این صورت اتفاق افتاد چه کار کنیم ؟ فرمود: اگر کسی آنرا مدعی شد از او در مورد امور عظیم و دشوار که باید در مورد آنها فقط او بتواند جواب دهد سؤال کنید^(۱)

عظائم همان کتب آسمانی هستند و با وجود تحریف ذکر رسول خدا در کتاب های آسمانی قبل از ایشان بوده و با آنچه که در کتاب های آنها بوده حجت خواهد نمود ، پس برای اثبات امر خلیفه خدا بر روی زمین حتما نیاز است که ذکرش در همه کتاب ها محفوظ باشد و اگر اهل باطل اطلاع داشته آنرا تحریف می کردند ، پس از آن اطلاع نداشته تا اینکه صاحب آن بیاید .

و به طور قطع شأن ایشان همانند باقی دعوت های الهی است و در زمان خود با مردان دین و صاحبان منصب های دینی و دنیوی مواجه خواهد شد ، چونکه همه دعوت های الهی با اصحاب مناصب دنیوی و دینی مواجه شدند ، و بطور مطلق امر متفاوت نخواهد بود ، آنچه که از روایت فرقه نجات یافته به طور واضح آمده که امام علیه السلام تنها مانده و با همه گروه ها مخالف خواهد بود و اما مابقی گروه ها حتی اگر به صورت ظاهر فی ما بین خود متحد خواهند ماند ، و چون که اهداف آنها دنیوی بوده عوامل مشترک بین آنها زیاد خواهد گشت به همین خاطر است که فرمودند هفتاد و دو گروه در آتش و یک گروه در بهشت است و یا قول ایشان دوازده پرچم از هفتاد و دو گروه اهل آتش بوده و فقط یکی در بهشت است که در اینجا لازم است توجهی عمیق داشته زیرا که رکن اساسی در شناخت پرچم حق دارد .

سپس بعد از دعوت به راه مستقیم در ماه های آخرین دعوت ، خروج ایشان برای مواجهه لشکری و همین طور خروج سفیانی دشمن اصلی ایشان در ماه رجب خواهد بود .

* از معلی بن خنیس گفت شنیده ام که ابا عبد الله علیه السلام می فرمایند در این امر اتفاقاتی حتمی و غیر حتمی وجود دارد که از موارد حتمی خروج سفیانی در رجب است^(۱)

و با علم به اینکه خروج سفیانی برای یاران یمانی (شیعه آل محمد علیهم السلام) به عنوان بشارت محسوب می شود زیرا که وجود سفیانی با وجود یمانی (مهدی اول) همزمان است چونکه سفیانی جنگ خود را با کسانی (بنی فلان) که در دنیا با او رقابت داشته شروع می کند و در حالی که آنها دشمنان و غاصبان حقوق اهل بیت علیهم السلام هستند و به ظاهر خود را شیعه می نامند ، و یا همان صاحبان دوازده پرچم گمراه هستند ، آنگاه بعضی از آنها با سفیانی بیعت نموده و عده ای دیگر با او می جنگند ، و زمانی مشغول جنگ با سفیانی شده و بعد از اینکه از جهات مختلف به عذاب و ظلم سفیانی ملعون گرفتار شده شروع به ملحق شدن با پرچم یمانی نموده همانی که از طرف طالبان دنیا و بندگان بت های بشری (علمائ غیر عامل) مردود اعلام شده که بشارت در روایت آتی واضح است:

* از ابا جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند: (... شما را بشارت و سپس به شما بشارت داده آیا نمی خواهید که دشمنانتان بدون دخالت شما به دست معصیت کاران خدا به خاطر دنیا همدیگر را بکشند و شما با عزت در خانه هایتان دارای آسایش هستید و سفیانی انتقام را برای دشمن شما گرفته و برای شما یکی از علامت ها خواهد بود و با این وجود اگر فاسد (سفیانی) بیرون بیاید یک و یا دو ماهی بعد از خروجش در خانه هایتان سکوت کرده و بر شما باکی نیست تا اینکه غیر از شما مردم زیادی کشته خواهند شد آنگاه بعضی از یاران امام به ایشان گفتند: اگر اینگونه اتفاق افتاد با خانواده خود چه کار کنیم، فرمودند مردانی از شما از او غایب شده چونکه آن شدت و محنت بر شیعه ما همراه قحطی بوده اما انشاء الله تعالی بر زنان باک نیست گفتند پس راه فرار از آن و خروج مردان کجاست

فرمودند هر کس از آنها بخواهد خروج کند به سوی مدینه و یا مکه و یا بعضی شهرها برود سپس فرمودند با مدینه چکار دارید در صورتی که لشکر فاسد قصد آنرا کرده است ولی بر شما واجب است که متوجه مکه شوید چونکه آنجا جای تجمع شماست در صورتی که آن فتنه ای به مدت زمان بارداری یک زن و نه ماه است و انشاء الله بیشتر نخواهد شد^(۱)

در اینجا امر واضح می شود که در این امر هجرتی همانند هجرت رسول خدا ﷺ در اول دعوت است

* از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند که امر سفیانی حتمی است و جز در رجب در ماه دیگری خروج نمی کند پس مردی به ایشان فرمود ای ابی عبد الله اگر خروج کرد چه وضعیتی خواهیم داشت فرمود اگر اینگونه اتفاق افتاد آنگاه به ما مراجعه کنید^(۲)

و این امر (هجرت و عدم مواجهه با سفیانی) در ابتدای شش ماه اول خروج سفیانی است و یا در مدت زمان بین رجب و ذی الحجه محدود است و سپس در محرم قیام خواهد بود .

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: قائم در روز عاشورا قیام می کند^(۳).

* از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: (خروج سفیانی در رجب از محتوم و اول تا آخر زمان خروجش پانزده ماه است در شش ماه آن می جنگد آنگاه کور اخمس را تصرف می کند و فقط ۹ ماه بدون یک روز اضافه حکومت می کند)^(۴)

این شش ماه هجرت اصحاب یمانی و خواص ایشان و همین طور هجرت یمانی به سوی سرزمین های مشرق را ضمانت می کند ، و در حالی که روایات همیشه شروع و اول خروج یمانی را از مشرق ذکر نموده ، سپس اهل بیت علیهم السلام نیز بر بیعت با صاحب پرچم های مشرق حتی اگر با دست و پا روی برف خود را کشیده تاکید نموده اند و همین طور

۱ - غیبت نعمانی: ص ۳۰۱

۲ - غیبت نعمانی: ص: ۳۰۲ .

۳ - بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۹۷ .

۴ - غیبت نعمانی: ص ۳۰۰ .

روایات ذکر نموده که در اول امر ، مهدی از سفیانی مخفی می شود ، در اینجا مقصود یمانی (مهدی اول) است چونکه ایشان دشمنی ظاهر برای سفیانی بوده و اما امام مهدی علیه السلام دشمن اشکاری برای سفیانی نیست تا اینکه از او مخفی شود و خروج ایشان بعد از جنگ سفیانی و یمانی خواهد بود و آنها از علامات حتمی که قبل از ایشان علیه السلام می آیند .

از علی بن حسین علیه السلام (... سپس سفیانی ملعون از صحرای (وادی) خشک خروج می کند و او از فرزندان عتبه بن ابی سفیان است ، آنگاه اگر سفیانی ظهور کرد مهدی مخفی می شود سپس بعد از این خارج می شود) ^(۱)

و بعد از اینکه مهدی در مدت زمانی قبل از قیام مخفی شود ، سفیانی برای دستگیری او لشکری را اعزام می کند و خداوند آنها را در زمین فرو می برد (خسف) از ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (بین رکن و مقام عده ای به تعداد عدد اهل بدر با مردی بیعت می کنند ، پس گروه هایی از عراق و ابدال شام به سوی او آمده وبا او بیعت می کنند آنگاه از اهل شام لشکری را برای جنگ با آنها می فرستند و هنگامی که به بیداء (صحرا) برسند در آنها فرو خواهد رفت (خسف) ، سپس مردی از قریش خواهر زاده سگ (کلب) به جنگ آنها آمده در برابر هم قرار گرفته پس خداوند آنها را شکست خواهد داد ، آنگاه گفته خواهد شد: کسی که از غنایم کلب (سگ) به او نرسد بی نصیب است) ^(۲)

شخصی که به جنگ آنها آمده چه کسی است و شخص قریشی کیست؟! آیا او حسنی و یا حسینی است ؟ و با علم به اینکه شخص قریشی غیر از صاحب خسف و بعد از او می آید به همین خاطر است که فرمودند (زمین آنها را فرو خواهد برد (خسف) ، سپس مردی از قریش به جنگ آنها می آید) ^(۳) .

۱ - غیبت طوسی: ص ۴۴۴ .

۲ - معجم أحادیث الامام المهدي ع - الشيخ الکورانی: ج ۱ ص ۴۴۲ .

۳ - ممکن است لشکری که خسف در آن واقع می شود از علماء غیر عاملین باشد (علماء آخر الزمان) و رسول خدا (ص) در وصیتش به ابن مسعود یاد نمودند و بعد از اینکه به آنها وعده مسخ و خسف را داده اند فرمود که آن تأویل این آیه است (لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَآخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ) و آن همان آیه ایست که اهل بیت در مورد

(در خسف قرار گرفته پس جز دو مرد از کلب به نام وبر و وبر کسی از آنها نجات نمی یابد و صورت آنها به پشت کمرشان جا به جا می شود)^(۱)

امیر المومنین علیه السلام (... سفیانی با پرچم سبز رنگ و صلیب طلایی خروج کرده و امیر آنها مردی از کلب است...اسب سوارانی به رهبری مردی از غطفان را به طرف مردی از آل محمد صلی الله علیه و آله که در کنار ایشان مردانی از مستضعفین در مکه جمع شده می فرستد حتی اینکه در وسط زمین سفید(صفایح البیض)^(۲) نازک در بیداء^(۳) قرار گرفته آنها را فرو خواهد برد... پس تاویل این آیه در همان روز خواهد بود: ﴿لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾^(۴) (وای کاش می دیدی هنگامی را که کافران وحشت زده اند آنجا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند)^(۵)،

از حذیفه بن یمان رضی الله عنه گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فتنه ای که بین اهل مشرق و مغرب اتفاق می افتد را یاد نموده و فرمودند: سفیانی از صحرای خشک در فوره بر آنها خروج می کند و در دمشق اطراق کرده . آنگاه دو لشکر را یکی به مشرق و دیگری را به مدینه می فرستد تا اینکه در بابل و در شهر ملعون(منظور بغداد) اطراق کرده و بیش از سه هزار نفر را کشته و بیش از صد زن را غصب کرده و سیصد قربانی از بنی(فلان) بنی عباس را می کشند و به سمت کوفه رفته و اطراف آنرا ویران می کنند . سپس بسوی شام رفته و آنگاه پرچم حق بیرون آمده و به آن لشکر می رسد و همه آنها را کشته و اسیران و غنائم را از دستشان خارج می کنند تا اینکه یک نفر مخبر هم از آنها جان

خسف در جیش سفیانی یاد نمودند ، و آنگاه آیه همان آیه و زمان نیز همان زمان(زمان ظهور) است حال پس تاویل یکی خواهد بود .

- ۱ - معجم أحادیث الامام المهدی ع - الشيخ الکورانی: ج ۳ ص ۲۷۷ ، ابن حماد: ص ۹۰ .
- ۲ صفایح البیض: شاید اشاره ای به(ذکوات البیض)باشد از امام صادق ع مفضل گفت: گفتیم سید من منزل مهدی و تجمع مؤمنین کجا خواهد بود ؟ فرمودند ع: منزلگاه حکومتش کوفه و مجلس حکمش جامع آن است و بیت مال ایشان و مقسم غنائم مسلمین مسجد سهله استو جای خلوت کردن ایشان ذکوات بیض از سمت گرین است ...
- ۳ بید: احتمالاً از آباده آمده و آن به معنی هلاکت است و در آن سفیانی و یارانش هنگام خسف به هلاکت می رسند و قول تعالی در مورد آنها نازل شده(أفامن الذین مکرو السيئات أن یخسف الله بهم الأرض)مستدرک سفینه البحار - شیخ علی نمازی ج ۱ ص ۴۵۴ .
- ۴ - سبأ: ۵۱.
- ۵ - معجم أحادیث الامام المهدی ع - الشيخ الکورانی: ج ۵ ص ۳۵۶.

سالم به در نمی برد . لشکر دوم مدینه را بمدت سه شبانه روز اشغال می کنند سپس متوجه مکه شده و به سمت آن حرکت می کنند و تا اینکه به بیداء برسند خداوند جبرائیل را برای آنها فرستاده و به او می گوید آنها را تا ابد الدهر از بین ببر . پس با پا ضربه ای به آن زده و در همانجا آنها را فرو می برد (خسف) آنگاه جز دو مرد از جهینه کسی از آنها جان سالم بدر نمی برد^(۱)

از امیر المومنین علیه السلام (... ای معاویه رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد ... مردی ملعون و مسخ شده از فرزندان تو ... ، ... لشکری را به مدینه فرستاده و پس از ورود به آن در قتل و ارتکاب فواحش زیاده روی می کند ، آنگاه مردی از فرزندان من از آنها فرار کرده همان متقی و پاکی که زمین را پر از وعدل و داد نموده همانطور که پر از ظلم و جور شده است من نام و علامت و سن و سال و زمانش را می دانم او از نسل فرزندم حسین که پسر ت یزید ایشان را می کشد و او به خوخواهی پدرش انقلاب نموده و به سمت مکه فرار می کند . کنار سنگ های زیتون مردی از فرزندان پاک و منزّه من رهبر آن لشکر را می کشد ، سپس آن لشکر به سمت مکه حرکت می کند من اسم امیر و اسامی آنها و اسبانشان را می شناسم و اگر وارد بیداء شده و در زمین آن استقرار یافته خداوند آنها را در آن فرو (خسف) خواهد برد . خداوند عز و جل می فرماید ﴿لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ (و ای کاش می دیدی هنگامی را که کافران وحشت زده اند آنجا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند). فرمودند از زیر پای آنها بوده و به جز یک مرد کسی از آن لشکر باقی نمی ماند ، خداوند صورت او را به پشتش جا به جا می کند و تغییر میدهد . خداوند برای مهدی از زمین اقوامی که همانند ابرهای بهاری جمع شده را مبعوث می کند ، به خداوند قسم که من اسم امیر و اسامی آنها و حتی قدمگاه اسبانشان را می شناسم آنگاه مهدی وارد کعبه شده و به درگاه خداوند گریه و ناله خواهد نمود^(۲)

۱ - عصر ظهور - الشیخ الکورانی: ص ۱۳۳ ، بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۸۶ .
 ۲ - معجم أحادیث الامام المهدی ع - الشیخ الکورانی: ج ۵ ص ۳۸۵ . کتاب سلیم بن قیس الهمدانی در حدیثی طولانی در کتاب علی علیه السلام برای معاویه ، در چاپ قدیم بحار: ج ۸ ص ۵۱۶ از کتاب سلیم بن قیس آمده است.

فایده این حدیث قتل نفس زکیه را قبل از خسف (فرو رفتن زمین) در لشکر سفیانی در بیداء نشان می دهد و یا بین روز بیست و پنجم از ذی حجه و روز دهم از محرم که در آن قیام با شمشیر است خواهد بود ، و شاید خسف بین ۲۵ ذی حجه تا ۱۰ محرم و یا تا رمضان و یا در مدت زمان هشت ماه جنگ میان یمانی و سفیانی اتفاق خواهد افتاد ، سپس صبحه در رمضان اتفاق می افتد و در آن هنگام حکومت سفیانی به پایان رسیده و علامات پنجگانه کامل می شود و نظام آن همانند نظام مهره های تسبیح دنبال هم می آیند .

از امیر المومنین علیه السلام فرمودند: (آیا شما را در مورد پایان حکومت بنی فلان خبر نکنم ؟ گفتیم بله ای امیر المومنین فرمودند: کشته شدن نفس حرام در روز حرام و در کشور حرام از طرف قوم قریش است و قسم به کسی که دانه را باز نموده و روح را خلاص نمود بعد از این به جز ۱۵ شبانه روز حکومتی نخواهند داشت ، گفتیم: آیا قبل و یا بعد از این اتفاقی می افتد ؟ فرمودند: صبحه در شهر رمضان بیدار را می ترساند و خوابیده را بیدار کرده و دختر جوان را از حالت سستی اندام خارج می کند)^(۱)

اگر صبحه (ندا در آسمان) در ماه رمضان بعد از کشته شدن نفس زکیه در ذی حجه خواهد بود حال پس صبحه هشت ماه بعد از کشته شدن نفس زکیه (محرم ، صفر ، ربیع ۱ ، ربیع ۲ ، جمادی ۱ ، جمادی ۲ ، رجب و شعبان) خواهند بود و قیامی که در محرم شروع شده و قبل از آن خروج سفیانی ۶ ماه از رجب تا ذی حجه است پس همه مدت زمان سفیانی (۱۵ ماه) به پایان می رسد و این کاملاً در رمضان اتفاق می افتد .

و همانطور که در روایت زیر آمده قرینه دیگری که تأکید می کند که صبحه بعد از قیام و جز بعد از کشت و کشتار اتفاق نمی افتد: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: (مرگ و میر و کشت و کشتار مردم را فرا گرفته تا اینکه در آن زمان مردم به حرم پناه برده و از شدت کشت و کشتار منادی صادق ندا می دهد که چرا با همدیگر می جنگید ؟ فلانی صاحب

شماست^(۱) از ابی جعفر علیه السلام فرمودند: (منتظر صدایی باشید که یک دفعه از سمت دمشق به سوی شما می آید که برای شما در آن فرج عظیمی وجود دارد)^(۲)

از عبد الله بن سنان از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: ندا از محتوم و سفیانی و یمانی و قتل نفس زکیه از محتوم است و کف دستی که از آسمان بیرون می آید از محتوم است و ترس و وحشت که در ماه رمضان خوابیده را بیدار و بیدار را وحشت زده و دختر جوان را از بی حالی خارج می کند)^(۳)

از امام رضا علیه السلام فرمودند: (... می بینم که ندایی نداده و همانطور که از نزدیک شنیده از دور نیز شنیده می شود رحمتی بر مومنین و عذابی بر کافرین خواهد بود پس به ایشان گفتم پدر و مادرم فدایت شوند آن ندا چیست فرمودند سه تا صدا که اول آن در رجب که لعنت خدا بر ظالمین است و دومی ای مؤمنین روز قیامت نزدیک است و سومی در زمان کرانه خورشید دست بارزی و واضحی در آسمان می بیند مگر خداوند فلانی را برای هلاک ظالمین نفرستاده پس در آن هنگام مؤمنین صاحب فرج شده و خداوند قلب آنها را شفا و خشم را از قلب هایشان دور می کند)^(۴)

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند قبل از سالی که ندایی در آسمان صورت میگیرد نشانه ای و آیتی در ماه رجب دیده میشود گفتم که آن چیست فرمودند صورت و دست بارزی که در ماه طلوع مینماید.^(۵)

و با علم به اینکه ندا ها متعدد و دارای مصادیق مختلفی است و روایات با معانی مختلف که بعضی از آنها در مورد صیحه و ندا صحبت کرده ولی هر کدام از آنها جانبی از قضیه را نشان می دهد:

۱ - معجم أحادیث الامام المهدي ع - الشيخ الکورانی: ج ۳ ص ۴۴۵ . غیبت نعمانی: ص ۲۶۷ ب ۱۴ ح ۳۵ ، بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۹۶ - ۲۲۹ ب ۲۶ ح ۵۳ ، بشارت السلام: ص ۱۳۹ ب ۷ .
 ۲ - بحار الانوار : ج ۵۲ ص ۲۹۸ .
 ۳ - غیبت نعمانی: ص: ۲۵۲ .
 ۴ - غیبت نعمانی: ص: ۱۸۱ .
 ۵ - غیبت نعمانی: ص: ۲۵۲ .

و این موضوع نیاز به بحث جداگانه ای دارد:

پس قسمتی از آن مربوط به رجب و قسمتی دیگر به رمضان و قسمت دیگر آن به عالم مُلک (جهان حال حاضر ما) همانند هیاهوی مردم به واسطه یک خبرجدید و انتشار آن بین آنها ست ، و قسمت دیگر آن در ملکوت (رؤیا و خواب و غیره) است ، و قسمت دیگر آن همانند صبحه در آسمان و اعجاز که بعد از امتحان و غربال و بلاء ها و ... و ... خواهد بود.

اما اگر ندا همانند روایت اخیر باشد: یعنی حق همراه علی و شیعه اش است پس چگونه ممکن است که پرچم حق را از میان پرچم های مختلف شیعه تشخیص داده و درحالیکه هر کدام از آنها می گوید من صاحب حق هستم و همه ما حتی قبل از نداء می دانیم که حق با علی و شیعه اوست ولی در حال حاضر شیعه ایشان عَلَيْهِ السَّلَام چه کسانی هستند ؟؟؟ .

و جنگ و اختلافات زیاد علی الخصوص میان شیعه در عراق ، اگر صبحه بصورت روشن بر او دلالت کند پس چرا بر امام خود متحد نشده و با او بیعت نمی کنند و قبل از جنگ چرا به او می گویند ای فرزند فاطمه برگرد و ... و ...

اما اگر نداء به اسم صاحب حق باشد پس روایت (حق همراه علی و شیعه اوست...) کنایه ای بر صاحب حق دارد همانطور که عبارت حق همراه سفیانی و شیعه اوست کنایه از جهت باطل دنبال شده از طرف گمراهان گمراه کننده است و کسی نیز تصور نمی کند که همه مردم با تمام اصناف و مذاهبشان دنبال باطل رفته و یا حق را ترک کنند در صورتی که نداء همانند آنچه که در متن روایت است ، به خصوص بعد از اخطار از جانب رسول خدا ﷺ و اهل بیتش عَلَيْهِمُ السَّلَام است ، ولی در اینجا قسمت اعظم امتحان و ابتلا در قول تعالی **﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلِيسُونَ﴾** ^(۱) (و

اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم حتما وی را به صورت مردی در می‌آوردیم و امر را همچنان بر آنان مشتبه می‌ساختیم)

و این یعنی بیشتر روایات بصورت مختصر در مورد نداء صحبت کرده و یا وجه دیگری برای تاویل داشته و یا ... و یا ... به همین خاطر گفتم که این امر نیاز به بحث مفصل دارد ، و با علم به اینکه در کتاب (فصل الخطاب فی حجیت رؤیا اولاً لباب) از استاد احمد خطاب یکی از سرفصل‌ها صحیحه است و برای خواننده امکان مراجعه به آن وجود دارد .

اما روایت: از فضل بن شاذان از ابی جعفر علیه السلام فرمودند: (... ، کشته شدن نفس زکیه و خروج قائم (علیه السلام) از علائم حتمی است . پس به ایشان گفتم نداء (صحیحه) به چه صورتی اتفاق می‌افتد ؟ فرمودند: در اول روز منادی از آسمان نداء می‌دهد که حق در علی و شیعه اوست ، سپس در آخر روز ابلیس لعنت خدا بر او نداء می‌دهد: حق حتما در سفیانی و شیعه اوست ، پس در آن هنگام اهل باطل در شک فرو می‌روند^(۱)

همانطور که می‌گویند: اشیاء با موارد ضد و نقیض خود شناخته می‌شوند ، پس امکان اینکه در صحیحه مقصود از (علی و شیعه اش) را با نگاهی به نداء ابلیس ملعون (حق حتما با سفیانی و شیعه اوست) بشناسیم چونکه تنها نقیض اصلی برای سفیانی همان یمان موعود (صاحب پرچم هدایت) کسی که نشانه جبهه حق است و ضد جهت او باطل ، سفیانی و شیعه اش هستند ، پس مقصود از علی و شیعه اش واضح شده و آن در یمانی و شیعه اش است و یمانی برای امام مهدی علیه السلام همانند علی علیه السلام برای رسول خداست پس دقت کن و از مخالفین مباش .

از حسین بن مختار گفت برادرم با من صحبت کرد - یعفور گفت ابو عبد الله علیه السلام به من فرمود هلاک فلانی اسم مردی از بنی عباس را با دست خود لمس کن و خروج سفیانی و قتل نفس و لشکر خسف و صدا را گفتم: صدا چیست آیا همان نداء نیست

۱ - معجم أحادیث الامام المهدی ع - الشیخ الکوثرانی: ج ۳ ص ۲۷۷ ح ۸۱۱ ، غیبت طوسی ص ۲۷۸ ، کمال الدین: ج ۲ ص ۶۵۲ ب ۵۷ ح ۱۴ ، الارشاد: ص ۳۵۸ .

فرمودند بله و با آن صاحب این امر شناخته می شود سپس فرمود همه فرج در هلاک
فلانی از بنی عباس است^(۱)

آیا کسی از خود سوال کرده که امام علیه السلام چرا گفت فلانی؟ و شاید بگویند که
برای تقیه است آنگاه بعد از آن چرا از بنی عباس گفت و تقیه چه لزومی دارد در صورتی
که به صراحت بنی عباس را ذکر می کند؟! ، ولیکن فلانی: و آن بر وزن اسم بزرگ بت
های بنی عباس در زمان ظهور است و آن همانند شتر عایشه که در کنار آن جنگ شدت
می یافت و قوم مخالفین که لعنت خدا بر آنها باد بدون شعور برای دفاع از آن نهایت تلاش
خود را بذل می کردند و هنگامی که شتر کشته شد ، فتنه تمام شده و خواب فرو رفتگان
بیدار شده و جنگ پایان یافت و فلانی وجودش فتنه و هلاکتش نیز فتنه است ، آنگاه
اهل فتنه در زمان ظهور حتما به خون خواهی عثمان از علی^(۲) خواهند پرداخت .

از امیر المومنین علیه السلام در حالی که اصحاب قائم را نام برده فرمودند: (... حتما اول
آنها از بصره و آخرشان از ابدال است و اما کسانی که از بصره هستند علی محارب و
طلیق و از قاشان عبد الله و عبید ...)^(۳)

روایاتی که صیحه را یاد کرده به این امر اشاره می کند که برای یاران شیطان که در
قلب شان مرض است صیحه یاس و ناامیدی است و مرض همان دشمنی اهل بیت علیهم السلام
همانطور که در روایت آمده و قبلاً گفتم که علی و عثمان کنایه بوده و به صراحت خود
اسم نیست.

از ابی عبد الله علیه السلام شهادت میدهم که من شنیدم پدرم علیه السلام می فرمایند به
خدا قسم که آن در کتاب خدا عز وجل هنگامی که می فرمایند **﴿إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ
مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾**^(۴) پس اهل زمین اگر صدا در آسمان که

۱ - الغیبه للنعمانی ص: ۲۵۸ .

۲ منظور من مهدی اول است: چونکه ایشان یمانی و وصی امام مهدی ع همانطور که علی بن ابی طالب ع وصی
ویمانی رسول خدا(ص) و وصی همیشه محل امتحان بوده پس آیا کسی هست که پند گیرد .

۳ - مجمع النورین - الشیخ أبو الحسن المرنندی: ص ۳۳۱ .

۴ - شعراء: ۴ .

حق در علی و شیعه ایشان را شنیده در آن هنگام کسی بر زمین نمی ماند مگر اینکه برای آن سر نهاده و گردنش را جلوی آن خم کند فرمود پس اگر بعد از ظهر شده ابلیس برای فرار از اهل زمین به هوا صعود کرده و سپس نداء دهد که حق حتماً با عثمان بن عفان و شیعه اوست چونکه او به صورت مظلوم کشته شد و به خوخواهی او پردازید فرمود پس خداوند کسانی را که بر حق با قول ثابت ایمان آورده تثبیت می کند و آن نداء اول است پس در آن روز کسانی که در قلب هایشان مرض است دچار شک شده به خدا قسم که مرض همان دشمنی ماست آنگاه در آن هنگام از ما طلب برائت می کنند و به ما تهمت می زنند و می گویند که منادی اول سحری از سحر اهل این بیت است سپس ابو عبد الله قول خداوند عز وجل را تلاوت نمود ند ﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾ (۱) (۲)

ارسال فرستاده و شروع قیام

قیام با ارسال فرستاده مهدی به اهل مکه شروع شده که سابقاً گفته شد شاید هدف از مکه ، نجف باشد .

قبله ای که حجت خدا در آن به دنیا آمده کعبه است و صدفی که آن الماس را بیرون آورد ؛ و الماس علی ابن ابی طالب است و در حالی که امروزه صدف مرقد ایشان علیه السلام در نجف است و آن ذی طوی و ذکوات بیض است.

* از امام صادق علیه السلام (...) پس از جانب ایشان مردی قیام کرده و نداء می دهد: این همان درخواست و خواسته شما که پیش شما آمده و به آنچه رسول خدا شما را دعوت کرده دعوت می کند ، گفت: آیا قیام می کند ، فرمود: آنگاه خود قیام کرده و می گوید: ای مردم من فلان فرزند فلان هستم من فرزند پیامبر خدا شما را به آنچه که پیامبر خدا دعوت نموده دعوت می کنم پس برای کشتن او قیام می کنند آنگاه سیصد و اندی بیشتر

جلوی آنها را گرفته که پنجاه نفر از اهل کوفه و مابقی آنها از مردم مختلف بوده و همدیگر را نمی شناسند و بدون میعاد جمع شده اند).

و در حدیثی دیگر در این کتاب می فرمایند قائم به یارانش می گویند ای قوم اهل مکه مرا نمی خواهند در حالی که من را به سوی آنها فرستاده تا بر آنها طوری که همانند من باید حجت نماید ، احتجاج کنم پس مردی از یارانش را فرا خوانده و می گوید: به سوی اهل مکه برو و به آنها بگو: ای اهل مکه من فرستاده فلانی برای شما هستم و ایشان به شما می گوید: ما اهل بیت نبوت و معدن رسالت و خلافت و ما ذریه محمد ﷺ و سلاله پیامبران هستیم و ما مورد ظلم و بی عدالتی و زورگویی واقع شده ، و حق ما را از زمان وفات پیامبر تا به امروز به ستم گرفته اند و ما از شما یاری می خواهیم پس به یاری ما بیایید و هنگامی که این جوان با این کلام صحبت نموده به طرف او آمده و بین رکن و مقام او را ذبح می کنند و سر او را از تنش جدا میکنند و او نفس زکیه است و زمانی که این خبر به امام برسد به یارانش می گوید: آیا به شما خبر ندام که اهل مکه ما را نمی خواهند و دعوت نمی کنند تا اینکه بیرون رفته و در مسیر کوهپایه ای طوی^(۱) اطراق نموده و با سیصد و سیزده مرد به عدد عده اهل بدر به سوی مسجد الحرام رفته و در آن نزد مقام ابراهیم^(۲) چهار رکعت نماز خوانده و پشت خود را روی حجر الاسود تکیه می دهد سپس به حمد و ثنای خداوند پرداخته و به یاد پیامبر ﷺ افتاده و بر او صلوات می فرستد و با کلامی که هیچ کس از مردم با آن صحبت نکرده تکلم می کند آنگاه اولین کسانی که دست او را گرفته و با او بیعت می کنند جبرائیل و میکائیل بوده که همراه آنها رسول خدا و امیر المومنین آمده و به او کتاب جدیدی با ختم مرطوب می دهند که بر عرب شدید و سنگین است ، پس می فرمایند: به هر چه در آن است عمل کن و سیصد و اندی از اهل مکه با او بیعت نموده سپس از مکه خارج شده تا اینکه حلقه را تشکیل دهد ، گفتم حلقه چیست ؟ فرمودند ده هزار مرد ، و جبرائیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ است سپس پرچم جلیل القدر را تکان داده و آن را منتشر نموده و آن پرچم

۱ ذی طوی: و شاید مقصود از آن نجف باشد

۲ همین طور مقام ابراهیم ع در نجف و بطور مشخص در مسجد سهله موجود است

سحابه رسول خدا و سپر سابق رسول خدا است و شمشیر ذی الفقار رسول خدا را بر گردن می آویزد^(۱)

مهدی اول از آنها درخواست بیعت می کند چونکه مهدی اول همان مولایی که بیعت را می گیرد .

از حذیفه گفت: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و اله مهدی را یاد نموده و فرمودند: بین رکن و مقام با او بیعت می کنند ، اسم او احمد و عبد الله و مهدی است ، و این سه تا اسم اوست^(۲)

ایشان مهدی اول (یمانی) فرزند امام مهدی علیه السلام است و بعد از اینکه در ابتدای امر مردم به او پشت کرده و بعد از اینکه در مورد برائت از علی^(۳) در بصره و کوفه دو کتاب خوانده شود در نهایت اجتماع مردم بر ایشان خواهد بود ، و اینها از عوامل هجرت است و چونکه اعمال سفیانی در همین راستا کار همدیگر را کامل کرده و با علم به اینکه سفیانی اشخاص متعددی بوده و تنها یک نفر نیست ، و کتاب برائت بصورت علنی در مناطق که بیشتر شیعه نشین و موالی خوانده و ذاتاً در مناطق جنوبی منتشر گردید . پس خداوند جزای شما را خیر دهد موضوع را دریاب.

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند (.... قائم خروج نمی کند تا اینکه دو کتاب یکی در بصره و دیگری در کوفه در برائت از علی علیه السلام خوانده شود)^(۴)

و (علی کنایه از شخصی که صیحه به اسم اوست و ایشان وصی امام مهدی علیه السلام است) و در عراق به مردم اعلام می کنند که خون او هدر^(۵) است و علی الخصوص در مناطق جنوبی بر این امر متحد شده اند و برای ایشان این موضوع همانند پیغام است (ای

۱ - إلزام الناصب فی الحجة الغائب: ج ۲ ص ۲۵۶ .

۲ - غیبت طوسی: ص ۴۵۴ .

۳ - وصی در زمان ظهور است .

۴ - معجم أحادیث الامام المهدی ع الشیخ الکوثرانی: ج ۳ ص ۳۸۶ ح ۹۴۰ . غیبه للنعمانی: ص ۳۰۷-۳۰۸ ب ۱۹ ح ۲ / اثبات الهداة: ج ۳ ص ۵۴۵ ب ۳۲ ف ۲۷ ح ۵۳۳ ، حلیة الابرار: ج ۲ ص ۶۳۳ ب ۳۹ ، بحار: ج ۵۲ ص ۳۶۷-۳۶۸ ب ۲۷ ح ۱۵۲ ، بشارة السلام: ص ۱۹۰-۱۹۱ ب ۱

۵ - این همان چیزی است که مرجعی به نام حائری آنرا انجام داده و آن از طریق کتاب خانه اش در نجف است و فتوی او به مثابه فتوی برای کشتن نفس زکیه است که انشاء الله در آخر کتاب کپی فتوای مکتبش را خواهم آورد .

فرزند فاطمه برگرد) و بعد از اینکه بر سنت موسی با ترس و احتیاط از علماء آخر الزمان و بعد کشیدن مشقت ها و ... و... مهاجرت می کند

بازگشت ایشان در ماه ذی حجه خواهد بود پس فرستاده اش را از اهل بیتش می فرستد: و همانطور که روایات تاکید می کند او جوانی از ذریه امام مهدی که نامش محمد بن الحسن است ، که بنی فلان او را بر اساس فتوای علمائ گمراه خواهند کشت^(۱)

از محمد بن خلف حماد ، از اسماعیل بن أبان الازدی از سفیان بن ابراهیم الجریری که او شنید که پدرش می گوید: نفس الزکیه جوانی از آل محمد نامش محمد بن الحسن که بدون گناه و جرمی کشته می شود ، پس اگر او را کشته اند در آسمان هیچ بهانه ای ، و بر زمین یاری رسانی برای آنها نمی ماند و در آن هنگام خداوند قائم آل محمد را همراه گروهی که دقتشان از سورمه به چشم مردم دقیقتر بوده می فرستد ، آنگاه اگر بیرون آمده مردم برای آنها گریه کرده و چیزی جز سلب و شکست آنها نمی بینند ، خداوند با آنها مشارق و مغارب زمین را فتح می کند ، مؤمنین حقیقی آنها هستند و حتماً بهترین جهاد در آخر الزمان خواهد بود).^(۲)

پس هنگامی که نفس الزکیه را به شهادت رساندند خداوند بر آنها سفیانی را از مغرب و خراسانی را از مشرق مسلط می کند ، خراسانی یکی از رهبران لشکر یمانی است که به ایشان ملحق می شود ، و او به علت تاخیر و بی اعتنائی نسبت به یمانی در طول مدت زمان تمهید به حالت توبه کننده ملحق می شود ، و بعد از ملحق شدنش به ولایت و راه یمانی و فرمانبرداری از ایشان به عنوان یمانی نیز شناخته شده همانطور که علمائ گمراه به عنوان سفیانی شناخته می شوند و آنهم بعد از اتخاذ راه وروش ابو سفیان با رسول خدا ﷺ است

از امیر المؤمنین در خبری طولانی می فرمایند(... پرچم هایی که از پنبه و کتان و حریر نبوده از قسمت شرقی زمین بدون آموزش بیرون آمده و در راس مالک آنها با خاتم یا

۱ - کسانی که روایات آنها را همین طور به عنوان لشکر سفیانی توصیف کرده است)

۲ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۷ .

مهر سید بزرگ ختم شده است ، رهبری آنرا مردی از آل محمد ﷺ نموده که در مشرق ظاهر و بوی آن همچون مسک در مغرب می پیچد به مدت یک ماه ترس جلوی آن حرکت کرده تا اینکه به خوخواهی پدرانشان وارد کوفه شوند ، و در حالی که هر دو بر یک مسیر بوده اگر اسبان یمانی و خراسانی به جلو آمده از همدیگر همچون دو اسب از عنان در رفته سبقت می گیرند، پوست کندن زمین های پست باغبان و کاسه های بزرگ پراکنده سپری گشت ، در صورتی که نگاه کرده باطن آنها را خوانده و می گوید: به جز امروز خیری در مجالس ما نبود ، خداوندا ما توبه کنندگان هستیم و آنها همان جانشینانی که خداوند آنها را در کتاب عزیزش توصیف نمودند: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ** (۱) (۲)

اسبان یمانی که قبلاً تحت اطاعت خراسانی نبوده به همراه خراسانی جهت یاری یمانی به کوفه آمده که قبلاً به آنجا رفته بود می روند و همزمان سفیانی نیز متوجه آنجا است

و اما قول ایشان علیه السلام در روایت: آنها جانشینان هستند: - و یا آنها همان جانشینانی هستند که خداوند آنها را در کتابش ذکر نموده و تعالی می فرماید: **وَأِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ** (۳) (و اگر روی برتایید خدا جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود)

* در هنگام نزول این آیه از پیامبر ﷺ روایت شده: **وَأِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ** ، با دست خود بر پشت سلمان زده و فرمودند: آنها قوم ایشان هستند یعنی فارس (۴)

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: (یمانی و سفیانی همانند دو اسب عنان گسیخته هستند) (۵)

۱ - بقره: ۲۲۲ .

۲ - إلیزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب: ج ۲ ص ۱۰۳ .

۳ - محمد: ۳۸ .

۴ - جامع البیان - الطبرسی: ج ۵ ص ۴۳۱ .

۵ - غیبت نعمانی: ص ۳۱۷ .

از امام صادق علیه السلام (خروج سفیانی و خراسانی و یمانی در یک روز بوده و در میان آنها با هدایت تر از یمانی نیست چونکه او به حق دعوت می کند)^(۱) **﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾**^(۲)

از ابی جعفر باقر علیه السلام فرمودند (بنی عباس حتماً حکومت می کنند ، پس اگر حکومت کردند دچار اختلاف شده و امر آنها پراکنده شود سفیانی و خراسانی بر آنها خارج شده یکی از مشرق و دیگری از مغرب به سوی کوفه از همدیگر همچون دو اسب از عنان در رفته سبقت می گیرند ، یکی از این طرف و دیگری از آن طرف تا اینکه هلاکشان بر دست آنها باشد ، اما آنها یک نفر را باقی نمی گزارند)^(۳)

تنها با یک نگاه به روایت های پرچم حق که به ظهور آن از طرف مشرق و آیه توسم برای اشراق حق و آمدن آن و اشراق دولت عدل الهی اشاره می کند و به ظهور سفیانی از مغرب و چونکه سفیانی عین باطل بوده به غروب دولت ظالمین و همدستانش و پایان کار آنها اشاره می کند.

و مهدی اول (یمانی امام) فرزند امام مهدی علیه السلام بوده ، و رهبر پرچم های مشرق است اوست که بعد از گرفتن بیعت جنگ های با سفیانی را رهبری نموده و به همین خاطر است که روایت هایی در مورد مردی از اهل بیتش علیه السلام که در طول حکومت سفیانی با او می جنگد (یا هشت ماه باقیمانده از پانزده ماه) از محرم تا رمضان وارد شده و تاکید می کند و بعد از پایان حکومت سفیانی ملعون (یا بعد از کشته شدنش) صیحه اتفاق می افتد که امروزه بسیاری منتظر آن هستند و آن بعد از کشته شدن سفیانی و حرکت مهدی اول به سمت بیت المقدس است و صیحه بعد از کشت و کشتار بوده که اهل شام بعد از کشته شدن خلیفه شان و پایان حکومتش از آن سود برده و خلیفه بعد از او را به بیعت با قائم مجبوری کنند . آنگاه زمان انجام امر شده و مردم بدون جنگ شروع به بیعت با قائم می کنند

۱ - الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۵۰ .

۲ - حجر: ۷۵.

۳ - غیبت نعمانی: ص ۲۵۹ .

و در آن هنگام متوجه آزاد سازی بیت المقدس و سپس سایر قطعه های دیگر زمین شده است

از علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمودند اگر سفیانی لشکری را برای جنگ با مهدی ارسال کند در بیداء دچار خسف شده و خبر به اهل شام رسیده و به خلیفه خود می گویند که مهدی خروج کرده و با او بیعت و از او اطاعت کن و گرنه تو را می کشیم پس برای بیعت با او فرستاده می شود و مهدی حرکت کرده تا اینکه به بیت المقدس برسد همه خزائن به سوی او آمده و عرب و عجم و اهل جنگ و روم و غیره بدون جنگ تحت اطاعت او قرار می گیرند تا اینکه در قسطنطنیه و اطراف آن مسجدی بسازد و قبل از ایشان مردی از اهل بیتش در مشرق خروج کرده و شمشیر را به مدت ۸ ماه بر دوش خود حمل نموده ، می کشد و متوجه بیت المقدس می شود ...^(۱)

واهل بیت علیهم السلام مردی که ۸ ماه با سفیانی می جنگد را منحصرأ از ذریه امام مهدی علیه السلام تعیین می کنند . و تنها امام مهدی علیه السلام از ذریه امام حسن عسکری علیه السلام است ، پس مردی که از اهل بیتش بوده حتما باید از ذریه امام مهدی علیه السلام و او مهدی اول و قائم به امر پدرش علیه السلام است.

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند(قائم قبل از کامل شدن حلقه خروج نمی کند ، گفتم: کامل شدن حلقه چگونه است ؟ ... فرمودند: ای ابا محمد او با حالت ناراحت و خشمگین تحت تاثیر غضب خدا بیرون می آید ... هشت ماه شمشیر را بر دوش خود حمل کرده و بصورت هرج و مرج می کشد ، نقطه شروع او بنی شیبه بوده پس دست های آنها را قطع نموده و در کعبه اویزان می کند و ندا کننده او نداء می دهد: اینان دزدان خدا هستند ، سپس به سوی قریش رفته و چیزی جز شمشیر را به آنها نشان نمی دهد و چیزی جز شمشیر را در مقابل آنها به کار نمی گیرد ، ...)^(۲)

۱ - الملاحم و الفتن - السيد بن طاووس الحسني: ص ۶۶ .
 ۲ - معجم أحاديث الإمام المهدي ع للشيخ علي الكوراني: ج ۳ ص ۳۸۶ ح ۹۴۰ ، غیبت نعمانی: ص ۳۰۷-۳۰۸ ب ۱۹ ح ۲ .

بعضی از روایات در مورد پانزده/۱۵ ماه حکومت سفیانی و جنگ های او آمده که شش ماه آن قبل از برقراری و ثبات امر اوست و در آن مدت مهدی اول (یمانی) مخفی می شود و ۹/ نه ماه و یا مدت کمتر حکومت وسیطره اوست ، و اگر مدت را از رجب تا شش ماه حساب کنیم ماه ذو حجه خواهد بود ، همان ماه که نفس زکیه در آن کشته می شود و قتل او تقریباً ۱۵ روز قبل از قیام خواهد بود ، سپس خسف در لشکر سفیانی و بعد از آن در روز دهم از محرم الحرام قیام قائم خواهد بود و شمشیر را به مدت ۸ ماه حمل می کند و آن از محرم تا رمضان خواهد بود و در این هنگام مدت زمان سفیانی و قتل به پایان می رسد و یمانی بر حجاز و عراق و سرزمین های فارس مسلط شده و با وجود تسلط مهدی بر آنها در آنجا از طرف مخالفین مذهب اهل بیت علیهم السلام حتماً ناراحتی هایی بوجود خواهد آمد ولی حداقل اکثر آنها مطمئن نیستند که او خود مهدی است و بعد از کشته شدن سفیانی صیحه در ماه رمضان خواهد بود تا اینکه حجتی بلیغ بر همه مذاهب و دینها باشد و زمان آن می رسد که مهدی امر خود را برای آزاد سازی بیت المقدس جمع کند و در اینجا برای ما مشخص شد که علامات پنجگانه حتمی نظامی همانند نظام مهره های تسبیح دارند .

پس حرکت ظهور امام علیه السلام توسط نماینده یا (یمانی) ایشان علیه السلام ، و دشمن ایشان (سفیانی) ، و مظلومیت ایشان با (کشته شدن شخصی از ذریه ایشان ، نفس زکیه) و انتقام خدا برای ایشان با (خسف) و تائید خدا برای او با (صیحه) و این اول و آخر ظهور خواهد بود.

خلاصه بحث

از طریق روایات و همین طور این واقعیت که ما در حال زندگی در زمان ظهور بوده و جزکسانیکه ارواح خبیث شان یقین پیدا کرده که از دشمنان امام مهدی علیه السلام بوده راهی برای انکار وجود ندارد چونکه اینان به ظهور ایشان اقرار نمی کنند تا اینکه سر متعفن آنها را از تن جدا کرده و زمین را از آنها و امثالشان مطهر نمایید .

همانطور که رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داده که زمان ظهور مقدس توسط طوفانی از فتنه های باطل و زیاد احاطه شده پس راه مطمئن از گمراهی را نشان داده و فرمودند تا زمانی که به ثقلین (قران و عترت) تمسک داشته باشید اصلاً گمراه نمی شوید و از شدت این فتنه ها بر پناه بردن به ثقلین از گمراهی تاکید می نمودند ، فتنه هایی که مانند شب تاریک بوده و کسی که بردبار است که یک تار موی را به دو تار موی تقسیم می کند در آن حیران و سر گشته می شود و از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد راه خروج از این فتنه ها سوال شده و فرمودند: (... اگر فتنه ها همانند شب تاریک بر شما واقع شود به قران پناه ببرید چونکه او شافع مشفع و یگانه مصدق که هر کس آنرا جلوی خود قرار دهد او را بسوی بهشت برده و هر کس که آنرا پشت سر قرار داده به سوی جهنم می برد و آن دلیل و بهترین راه را نشان می دهد کتابی که تفصیل و بیان و تحصیل در آن وجود داشته و آن فصل و نه لهُو است ظاهر و باطن دارد آنگاه ظاهر آن محکم و باطنش علمی که ظاهر آن زیبا و باطنش عمیق است دارای ستاره گان و بر ستاره گان آن ستاره گانی است که عجایب آن قابل شمارش نبوده و کهنه نمی شود در آن چراغ های هدایت و منابع حکمت و دلیلی بر معرفت کسی که صفت راشناخته پس بینایی چشمانش را قدر بداند و با نگاه صفت را ببیند و از هلاک نجات یافته و از بلایا خلاص شود چونکه تفکر زندگی قلب بصیر و همانند راه رفتن با نور در تاریکی است پس بر شما واجب است که بهترین راه خلاص را انتخاب و از سستی دوری کنید)^(۱)

از ابو عبد الله عليه السلام (.... رسول خدا ﷺ فرمودند قران راه هدايت از گمراهی و جلوگیری از نابینایی و از لغزش به دور است و نور در مقابل ظلمت و روشنی در مقابل اتفاقات و معصوم از هلاکت و هدايت کننده از گمراهی و در مقابل فتنه های آشکار و بلاغی از دنیا به آخرت بوده و در آن کمال دینتان است و کسی از قران نمی گذرد مگر اینکه در آتش باشد)^(۱)

روایات زیادی در ثقلین آمده که امم سابق به جز یک گروه به فرقه های مختلف تقسیم شده که همه آنها در آتش است و آن گروه از وصی زمان خود پیروی نموده و امت محمد به ۷۳ فرقه تقسیم خواهد شد به جزء یکی همه آنها در آتش هستند و گروه بهشتی همانی که در هر زمان از وصی پیروی می کند و در زمان ظهور ۱۲ پرچم مشتبه وجود دارد به جز یکی همه آنها در آتش هستند و آن گروه از وصی پیروی کرده و با آن ۷۳ گروه کامل می شود .

و از طریق روایات دریافتیم که با هدايت ترین پرچم ، پرچم یمانی است ، پرچم آل محمد ﷺ که به آن اشاره کرده و مشخص شده که به غیر از آن همه باطل هستند و با توجه به اینکه مصدر پرچم های مشتبه رهبری های دینی است ، به همین خاطر روایت هایی که علماء آخر زمان را ذکر کرده آنها همان چیزی که از علماء انتظار داشته نمی یابید آنگاه روایات جایگاه علماء در زمان ظهور مقدس را انکار یاد کرده و هیچ روایتی را پیدا نکردم که به همراهی علماء با امام مهدی عليه السلام اشاره نموده و این همان چیزی که مرا به جستجوی دقیق یمانی و صاحب پرچم حق در میان صفوف علماء وادار نکرد .

سپس برای آشنایی با شخصیت ایشان و تحقیق در مورد صفات و علامات و دلایلی که بر او دلالت نموده در روایات به جستجو پرداختیم که به علت محدودیت تا حد امکان به آنها اشاره خواهد شد و بعد از اینکه این صفات را شناخته ، امکان رفتن به سوی علماء یا اصحاب پرچم های موجود خواهد بود ، پس اگر کلام اهل بیت بر آنها منطبق

شد همان بوده و در مورد چیزی به غیر از آن بحث نمی کنیم تا اینکه ببینیم که روایات اهل بیت علیهم السلام برچه کسی منطبق می شود.

خواننده عزیز بدان که اهل بیت علیهم السلام از روی بیکاری همه این روایات را ذکر نکرده و در حالی که دلیلی برای بینایی و راهی به سوی هدایت را یاد کردند تا اینکه شیعه و محبین و هر انسان پاکی که به کلام ائمه اطهار علیهم السلام اقرار کرده از آن استفاده نماید و هر انسان ملعون بر زبان پیامبران و مرسلین و ائمه و مهدیین آنرا انکار خواهد کرد و هدف ما شناخت صاحب پرچم حق که در روایات اهل بیت علیهم السلام توصیف شده و خلاصه بحث و مهمترین این صفات:

۱- یمانی از ذریه امام حسین علیه السلام است:

از امام باقر علیه السلام (... بر حذر باش که بین تو و آل محمد فاصله قرار نگیرد زیرا که برای آل محمد و علی یک پرچم و برای غیر آنها پرچم هایی است پس زمین را محکم گرفته و از مردی غیر از آنها علیهم السلام پیروی مکن تا اینکه مردی از فرزندان حسین را ببینی که همراه او عهد پیامبر خدا و سلاح و پرچمش باشد در صورتی که عهد پیامبر خدا نزد علی ابن الحسین و سپس نزد محمد بن علی قرار گرفت و خداوند آنچه را که بخواهد انجام میدهد . پس تا ابد به آنها تمسک جسته و از فراموش کردن کسی را که برایت ذکر کردم برحذر باش و اگر مردی از آنها همراه سیصد واندی مرد خروج کرده و حامل پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده به سوی مدینه حرکت کند ...) ^(۱) که در روایت سه مورد عهد و پرچم و سلاح به عنوان ارث آمده است: -

أ - و اما عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله: همان وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله که اسم فرزند حضرت مهدی (احمد) در آن آمده و او فرزند صاحب وصیات است .

ب - و اما پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله: و آن بیعت برای خداست ، یا بیعت برای کسی که خداوند او را منصوب نمود (صاحب عهد) و آن عکس مفهوم دموکراسی و انتخابات و

اقرار به تنصیب مردم همانطور که قبلاً عمر و ابو بکر به آن اقرار و امت در روز سقیفه از آنها پیروی کرده و گفتند که امر شوری است و با گذشت مدت زمانی همه علمای شیعه به آن اقرار کرده و امت نیز از آنها پیروی کردند .

ت - و اما سلاح رسول خدا ﷺ : قران و یا علم به آن و شناخت آن است . پس کسی که سلاح رسول خدا را حمل می کند حتماً نیاز است که ناسخ را از منسوخ و محکم را از متشابه بشناسد ، شما را به خدا قسم داده و سوال می کنم آیا با عقل جور در می آید که پسر بچه (نادان) با سلاح بازی کند و با این فعل عاقبت چه خواهد بود ؟! ، خود و دیگران را مورد آسیب قرار میدهد و اما اگر آنرا کسی از اهلش حمل کند خود و دیگران را از هلاکت به سوی امان خواهد برد . پس جز اهل بیت علیهم السلام کسی در قران شناخت نداشته و آن را حمل نمی کند

۲ - در روایات ایشان را جوان توصیف نموده و نگفته که پیرمرد است .

۳ - اول مؤمنین به امام مهدی از ذریه و یا فرزند و جانشین بعد از ایشان با نام احمد و او اول مهدیین اثنی عشری بعد از امام مهدی علیهم السلام خواهند بود. همانطور که وصیت رسول خدا ﷺ تاکید کرده است .

۴ - اول یاران امام مهدی علیهم السلام از بصره و نام ایشان احمد و در روایتی به نام علی محارب (جنگجو) نامگذاری شده است و اما نام علی ، چونکه ایشان وصی زمان ظهور است همانطور که علی ابن ابی طالب علیهم السلام وصی رسول خدا ﷺ بوده پس به خاطر شباهت کار به نام علی نامگذاری شده است و منظور از جنگجو به خاطر اینکه لشکر امام مهدی علیهم السلام را از لحاظ عقایدی و لشکری رهبری می کند .

۵ - امام مهدی علیهم السلام جز مولا و خلیفه مجری اوامر او ، کسی را از جای خود مطلع نمی کند

۶ - کسی که ۸ ماه شمشیر را بر دوش خود حمل کرده و با سفیانی می جنگد از اهل بیتش (یا از ذریه امام) و ایشان خود یمانی است

۷ - یمانی حجت خدا و معصوم و بر بیعت با او تاکید شده و سرپیچی از ایشان در آتش جهنم است و همه روایاتی که بر بیعت اشاره می کند به یک شخص اشاره کرده زیرا که اهل بیت علیهم السلام در یک زمان برای دو شخص در خواست بیعت نمی کنند

۸ - همانطور که در روایت کنوز طالقان ذکر شده نام یمانی احمد و ایشان شعار آنها و خلیفه مهدی و صاحب پرچم های مشرق است

۹ - از صفات ایشان که در روایات ذکر شده: مهدی و یا صاحب امر و یا قائم و مواردی که امکان انطباق آنها بر امام مهدی علیه السلام وجود ندارد تا اینکه با سایر روایات و صفات امام مهدی علیه السلام در تعارض قرار گیرد ، و از این صفات: صورت گندمی و در حالی که امام سفید چهره مایل به قرمز است ، در گونه سمت راستش اثر و در حالی که در گونه سمت راست امام خال است ، در موی سرش شوره و در بین ابرو هایش فاصله است در حالی که امام علیه السلام دارای ابرو های پیوندی است ، چشم هایش کوچک در حالی که امام علیه السلام دارای چشمانی بزرگ است ، دارای ساق های بلند در حالی که امام دارای ساق های پهن است ، جسمش اسرائیلی و بنی اسرائیل به بلندی قامت معروفند.

۱۰ - یمانی شمارا بسوی صاحبان دعوت می کند: بدون هیچگونه تمایل به گروه و یا حزب به سوی امام مهدی علیه السلام دعوت می کند و همانند دعوتی که به اسم مرجعیت و یا حزب و یا هر جریان سیاسی دیگر نیست و یا اینکه لازم است که به صراحت اعلام کند که او یمانی موعود زمان ظهور و مردم به واسطه ایشان مورد امتحان قرار گرفته و دلایل خود را بر این ادعا از طریق روایات اهل بیت ثابت کند . حتما لازم است که مردم را در خصوص امرتبلیغ کرده و یا اینکه ایمان آورده و در غیر اینصورت روی برگردانده از ایشان از اهل آتش است و آنطور که بعضی ها اعتقاد داشته که یمانی ساکت می ماند ، نخواهد بود و آیا راضی بوده که به حالت سکوت وارد جهنم شوید ، و شاید این را به عنوان برائت خود و از ترس اینکه مردم هنگامی که صدای حق را شنیده و امر صاحب تنها

پرچم هدایت اشکار شده آنها را رها کنند، اینگونه گفته اند و به طور قطع آنها را رها نمی کنند مگر کسی که بر دین خود بترسد و اما بندگان بت های بشری بر عبادت بت های خود باقی می مانند ﴿قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى﴾^(۱) (گفتند ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما بازگردد) و انشاءالله موسی برای قطع سر آنها خواهد آمد ، رحمت خدا بر موسی باد .

۱۱ - از معصومین وارد شده که اگر کسی مدعی امری شد درباره عظام از او سوال کنید ، و عظام همان کتاب های آسمانی است و چونکه کتاب ما قران است لازم است که مدعی محکم و متشابه قران را برای ما مشخص و نیاز است که به کتاب خدا الثقل الاکبر علم داشته باشد .

۱۲ - ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: (بر مدعی این امر واجب است که بصورت علنی با برهان بیاید گفتم و این برهانی که با آن به صورت علنی می آید چیست فرمودند حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام بدانند و ظاهری خواهد داشت که باطنش را تصدیق می کند)^(۲)

حال می گویم: چگونه حلال خدا را حلال بدانند در صورتی که به کار های همدیگر کفر کنند و هر کدام آنچه را که بخواهد حلال کند و دیگری آنچه را که اولی حلال کرده را حرام می کند و همه اینها بدون دلیل از قران و سنت است منظور (اتفاقات جدید) و به خاطر عدم احاطه آنها به دلایل شرعی هر کدام بر حسب آنچه را که خود دیده می آیند ، بلکه حلال خود را حلال کرده و آن حلال خدا نیست و حرام خود را حرام کرده و آن حرام خدا نیست ، و با این وجود روایات اهل بیت که از تشریع با رای خود نمی کرده اند زیاد هستند. سپس آیاهمه منظوریاران پرچم های موجود امروزه ظاهری که باطن آنها را نشان داده را دارند ، خیر و اگر در قرارهای صادره از یاران رهبری های دینی امروز تامل کنید آنرا پایین و بالا می بینید و آن به خاطر عدم عصمت آنها که قرار ثابتی ندارند و آنچه لازم

۱ - طه: ۹۱.

۲ - غیبت نعمانی: ص: ۱۱۴ .

است: امر اشکار و نیاز به جدل نداشته مگر اینکه روایات اهل بیت علیهم السلام را رد کرده و آنرا تکذیب کنید انگاه از کافرین به آنها خواهید بود.

از ابی عبد الله علیه السلام (... هرکس ما را رد کند انگار که خدا را رد کرده و آن به اندازه شرک به خداست) ^(۱)

و با وجود اینکه شخص یمانی یا خلیفه امام مهدی همان صاحب تنها پرچم حق بوده و از ذریه امام مهدی علیه السلام است ، پس اگر شخص هاشمی دارای اصل و نسب معروف و از ذریه امام حسن علیه السلام و یا حسین علیه السلام او مردی از عامه مردم و از هر عشیره معروفی از نظر اصل و نسب این امر را مدعی شود او نیز دروغگو است ، و آن به این خاطر است که ذریه امام مهدی علیه السلام دارای اصل و نسب معروف نیستند پس حتما مدعی باید به طور کامل مقطوع النسب باشد و تا زمانی که هیچ گونه سلسله نسبی وجود نداشته که این احتمال را نقض کند در آن هنگام ممکن است از ذریه امام مهدی علیه السلام باشد .

و حال اگر همه کسانی که امروزه در میدان هستند مرا بر این نکات

عرضه کنیم

۱ - پرچم های غیر هاشمی و پرچم های حسنی از احتمالات ساقط شده چونکه یمانی از ذریه امام حسین علیه السلام و امر در فرزندان حسین علیه السلام است

از ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام در مورد فرج سوال شده که چه زمانی خواهد بود؟ فرمودند: خداوند عز و جل می فرمایند (منتظر باشید که من همراه شما از منتظرین هستم . سپس فرمودند: برای آل جعفر بن ابی طالب پرچم گمراهی برافراشته می شود ، سپس بنی عباس پرچی شرورتر و گمراه تر را بالا می ببرند و برای آل حسن پرچم هایی برافراشته شده

که امر دهریچ کدام از آنها نیست سپس برای فرزندان حسین پرچی برافراشته می شود که امر در آن است^(۱)

۲ - چون طبق قول اهل بیت علیهم السلام صاحب امر جوان است پس پیرمردان در این خصوص جایگاهی نداشته و امر میان جوانان می ماند

۳ - و چونکه ایشان از ذریه امام مهدی علیه السلام است به همین خاطر مقطوع النسب بودن این جوان شرط است که در اینجا همه به جز سید احمد الحسن ساقط می شوند ، چونکه همه افراد موجود نسب آنها تا ادم علیه السلام معروف بوده و از این امر راه فراری ندارند و اغلب آنها از خانواده های دینی معروف هستند . و اما سید احمد الحسن بعد از اینکه جمعی از برادران مؤمن که بعضی از آنها مردان دین (عمامه دارها) بوده پیش شیخ عشیره اش رفته و در مورد نسب ایشان پرسیده اند به آنها گفت که نسب او بعد از جد چهارم مقطوع است و نمی دانیم که به چه کسی برمی گردد ، سپس جماعتی که به نسابان (کسانی که در اصل و نسب خبره هستند) معروفند و از عشیره ای که از زمانهای دوری با آنها پیمان داشته - رفته اند و از شیخ پرسیدند که این قوم هم پیمان شما به چه کسی بر می گردند ؟ گفت: آنها از عهد پدران و پدر بزرگانشان با ما هم قسم هستند ولی از عشیره ما نبوده و نمی دانیم که نسب آنها به چه کسی بر می گردد و از آنها چیزی جز خیر و برکت نمی بینیم . و هر کس که بخواهد که در این مورد مطمئن شود آنها در قید حیات و روی زمین هستند پیش آنها بروید و از آنها سوال کنید و اگر بخواهید در کتاب های نسابان جستجو کنید ، در مورد هر آنچه که می خواهید سوال کنید یا اینکه طبق قول تعالی **﴿اٰخَسَوْا فِیْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنَ﴾**^(۲) (بروید در آن گم شوید و با من سخن مگویید)

۴ - و اما در مورد صفات و امور دیگر می گویم:

سید احمد حسن: نامش احمد ، و مقطوع النسب ، با صورت گندمی ، در گونه سمت راستش اثر ، در موی سرش شوره ، دارای ابرو های جدا از هم ، دارای چشم های در

۱ - شرح الأخبار - القاضی النعمان المغربی: ج ۳ ص ۳۵۶ .

۲ - مومنین: ۱۰۸ .

گود رفته ، دارای ران های بلند و در روایتی دیگر صاحب ساق های باریک ، با قامتی بلند ... پس صفاتی که با آنها قائم توصیف شده در امام مهدی علیه السلام نبوده و در شخص احمد الحسن هستند و مقصود آنها علیه السلام احمد است ، و آیا ممکن است که همه این صفات بر مرد مدعی به زور منطبق شده و تصادفی است ... ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^(۱) (پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی نماید مگر آنکه خود هدایت شود شما را چه شده چگونه داوری می کنید)

قول آنها علیه السلام (به سوی صاحب شما دعوت می کند) بر ایشان منطبق شده و با توجه به اینکه مطمئن بوده که علماء او را تکذیب می کنند پیش آنها رفته و به آنها خبر داد که او از جانب امام مهدی علیه السلام برای آنها ارسال شده و چندین بار دلایل دعوت را بر آنها عرضه نمود و ایشان آماده بود که به وسیله قران با آنها مناظره کند و گفت که همه علماء و طلاب آنها از یک جهت ومن از جهت دیگر باشم و یا اینکه تنها یک سوال از قران از آنها می پرسم و اگر جواب داده اند پیروزی با آنهاست

و بعد از اینکه مناظره را قبول نکرده اند آنها را به مباحله دعوت نمود ، همین طور آنها را به قسم برائت و به قسم به ابو الفضل العباس علیه السلام دعوت نمود و یا اینکه آنها معجزه ای از معجزه های پیامبران را از او بخواهند تا اینکه تکذیبش توسط آنها همانند تکذیب انبیاء شود و ... و ... و ...

و بعد از اینکه حجت را بر آنها کامل کرده و بعد از عدم اجابت آنها متوجه عامه مردم شد و مردم را همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به وسیله اخلاق نیکو دعوت کرده دعوت نمود و برآنها به واسطه نامش که در احادیث اهل بیت علیهم السلام موجود است حجت نموده همانطور که رسول خدا بر اهل کتاب با نامش که در کتبشان موجود است احتجاج نمود ، سپس سید آنچه را که میان خود و علماء گذشت را برای مردم بیان نمود و اینگونه خود را معرفی نموده و با عدم اتباع پرچم حق که در باره آن گفته شده به سوی

صاحب‌تان دعوت می‌کند حجت خدا بر مردم بالغ و کامل باشد و اما مابقی افراد مبنی بر اینکه صاحب حق بوده خود را فریب داده‌اند و این امکان برای آنها میسر نیست که به صراحت و یا دروغ اعلام کنند چونکه خیلی زود امر آنها بر ملاء خواهد شد به همین خاطر است که به سکوت و یا به واسطه ستایش خود بدون تصریح اکتفاء کرده‌اند و هیچ الرعاع (توده مردم نادان) به تصریح نیابت آنها پرداخته‌اند.

۵ - سپس بعد از اینکه از علماء خواست که در مورد عظام از او سوال کنند و آنها را به تحدی خواند اینکار را انجام نداده و آنهم به ترس اینکه امرشان برملا شود همین طور تفسیری مختصر برای سوره توحید صادر نمود و از علماء خواست که از لحاظ علمی و نه تکذیب جواب آنها بدهند سپس کتابی با چهار جزء که بر سؤالات موجه از قرآن جواب داده را صادر نمود که جواب محکمی بر متشابه بوده و به عنوان شاخص برای ایشان است چونکه این امر فقط در شان معصومین علیهم‌السلام است و علماء را به رقابت خوانده تا بر او اشکال بگیرند ولی از طرف آنها بر هیچ کدام از کتب ایشان حتی بر یک سؤال پاسخی داده نشده است

۶ - و اما قول امام صادق ابو عبد الله علیه‌السلام : که بر مدعی این امر واجب است که بصورت علنی و با برهان بیاید گفتم و این برهانی که با آن به صورت علنی می‌آید چیست فرمودند حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام بدانند و ظاهری خواهد داشت که باطنش را نشان می‌دهد^(۱)

و چونکه احمد الحسن در اول دعوتش و قبل از اینکه اعلام کند که اواز جانب امام مهدی علیه‌السلام ارسال شده از قطب‌های جور و ظلم موجود در حوزه علمیه خواست که عدالت مالی داشته که همچنان در حوزه علمیه مفقود است ، و با علم به اینکه او هیچ حقوقی را از هیچ مرجعی در طول سال‌های حضورش در حوزه علمیه نجف نگرفته است ، همانطور همه کسانی که او را در آن مدت می‌شناختند به امانتداری و تدین و صبرش شهادت می‌

دهند و اما امروزه می بینیم دروغ بستن و چسباندن انواع تهمت ها به او زیاد شده که همه اینها در شأن بنی امیه و بنی عباس است ، و لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم .

به ایشان چیز هایی به دروغ می بستند که عقل سلیم آنرا قبول نمی کند مگر عقل آنها (همانند این مورد که او ازدواج را حرام کرده) و یا قولشان (او دخترش را به ازدواج امام علیه السلام در آورده) و انواع افتراءات این مدعی که جز افراد زود باور کسی آنرا قبول نمی کند، و آنها با این کار خود مردم را از لحاظ ذهنی کوچک و نادان می شمارند و این کار یعنی عجز آنها از وجود هر نوع اشکال مخالف در شخص او و یا قول و یا فعلش با آنچه که آل محمد علیهم السلام با آن آمده اند ، همان چیزی که باعث شد که آنها به دروغ بستن به او پناه ببرند و اگر موردی را پیدا می کردند هیچگاه ساکت نمی ماندند و به دروغ پناه نمی بردند.

همانطور که سید احمد حسن از ابتدای دعوتش تا این روزیانات متعددی در طول سالهای دعوت در خصوص حوادث موجود صادر نمود در حالی که بیانات او مسدد و پر از حکمت بوده و آن همان ظاهری که نشانه باطن مرد را طبق قول اهل بیت نشان می دهد ، تعالی فرمودند: ﴿وَلَوْ كَانَتْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾^(۱) (اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند)

و این امر مخالف آنچه یاران پرچم های دیگر دارند ، پس هرگاه بیانی را صادر کرده اند با بیانی دیگر نقیض آنرا آوردند سپس آنچه را که پیامبران و فرستادگان از اولین تا آخرین با آن آمدند را نقض کرده و آن حاکمیت خدا و نه حاکمیت مردم است و جزء احمد الحسن در این امر کسی با آنها مخالف نیست

در مردان دین کسانی پیدا می شوند که اگر اشغالگران خارج شود ندبه حاکمیت مردم اقرار می کنند ، سپس همانند سیل خروشان شروع به تناقضات نموده و می گویند که دلیل شرعی و تاریخی و اخلاقی مخالف انتخابات است سپس بعد از مدتی بیانی را صادر کرده: از نظر شرعی و اخلاقی و ادبی و تاریخی انتخابات واجب بوده و آن را حتی بر کسی که نه در دین و مذهب آنرا نمی شناسد واجب می کنند به خدا قسم این کار آنها

به فیلم کمدی شبیه بود و اگر بر فروشندگان مشروب خوردن آنرا واجب می کردند بهتر از اینکه بخواهند بر دیانات و مذاهب دیگر آنرا واجب کند .

و اما سید احمد حسن: جوهره موضوع را توضیح داده و گفت که حکم برای خدا و خلیفه را خدا تعیین می کند و این همان چیزی است که قبلاً ملائکه بر آن اعتراض کردند و شما با قبول انتخابات به تعیین ابوبکر و یارانش اقرار کرده اید زیرا که امام علی توسط انتخاب مردم تعیین نشده بلکه تنها چهار رای را از مردم آورد و آیا انتخاب مردم را به حق می بینید و ... و که در این خصوص کتابی به نام حاکمیت خدا و نه حاکمیت مردم دارد ، و همه علماء را دعوت کرد که تنها یک ایراد به این کتاب که مخالف همه فتوی های آنها بر انتخابات است ، بگیرند و آیا بر فتوای های خود که در آن حرام را واجب کرده اند دفاعی داشته اند و حال می گویم که آنرا واجب کرده و نه تنها آنرا حلال دانسته بلکه آنرا وافضل تر از نماز و روزه کردند ... آه ... آه خداوند امتی که برای کشتنت ای سید من آماده و مهیا و نقاب پوشید ... خداوندا براولین ظالمی که حق محمد و آل محمد را خورد و آخرین تابع برای او بر این کار لعنت بفرست ... خداوندا گروهی که در مقابل حسین جهاد و بیعت و بر کشتنش پیروز شده را لعنت کن ... خداوندا همه آنها را مورد لعنت قرار ده

از میان صاحبان ۱۲ پرچم مقایسه صفات کسانی که صفات مّمهد رئیسی بر آنها منطبق شده و شناخت آن .

پرچم حق

بر فرض مثال اگر عده ای اشخاص که به طور کامل مقطوع النسب بوده و نام آنها احمد است ، آنگاه به نظر شما چند نفر از آنها از اهل بصره هستند ؟ ...

و بر فرض مثال ۱۰۰ نفر در آنجا مقطوع النسب بوده و احتمالاً نسب آنها به امام مهدی علیه السلام بر می گردد و نام آنها احمد است پس چند نفر از این صد نفر میان ابرو هایشان فاصله دارند

و بر فرض مثال ۸۰ نفر ، پس چند نفر از این ۸۰ نفر رنگ پوست شان سبزه عربی است ؟

و اگر فرض کنیم به خاطر زیاد بودن افراد سبزه پوست در بصره ۶۰ نفر از آنها سبزه عربی هستند آنگاه چند نفر از این ۶۰ نفر بلند قامت هستند ؟

و بر فرض مثال ۳۰ نفر بلند قامت باشند ، پس چند نفر از آنها شوره در سر دارد ؟

و اگر فرض کنیم که ۲۰ نفر ، آنگاه چند نفر از آنها جوان و سنی در حدود ۳۲ سال دارند ؟

و اگر فرض کنیم ۱۰ نفر از آنها جوان باشند ، آنگاه چند نفر از ۱۰ نفر در گونه سمت راستشان اثر وجود دارد ؟

و اگر بر فرض مثال ۳ نفر از آنها دارای همه این صفات باشند آنگاه چند نفر از آنها نزد همه کسانی که او را می شناسند به دینداری و استقامت اخلاق معروف هستند ، و چند نفر مدعی هستند که از جانب امام مهدی علیه السلام ارسال شده و چند نفر از آنها این استعداد را دارد که با علماء مسلمین به وسیله قرآن مناظره کنند و با علمائ یهود و مسیح با تورات و انجیل مناظره نماید و چند نفر از آنها برای صداقت دعوت خود حاضر به مباحله هستند و چند نفر از آنها استعداد قسم برائت و قسم به حضرت ابو الفضل العباس

را دارند ، و چند نفر از آنها مردم شهر ها و کشور های مختلف صد ها خواب و رؤیا را در آنها دیدند ، خواب معصومین علیهم السلام که شهادت می دهند او بر حق بوده و او از ذریه امام مهدی علیه السلام و رسول ایشان علیه السلام است ... ؟ آیا بر کسی که صادقانه دنبال پرچم حق می گردد و به هیچ گونه بت بشری و غیر بشری و یا با ریاء صحبت کند !!! بتی که بر سینه اش جای دارد او را از تفکر منع و بر افکارش مسلط است مقید نباشد شناخت ایشان مشکل نخواهد بود !!! و در نهایت می گویم لعنت خدا بر بت های قریشی که وصی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله آنها را از بین برد

و لعنت خدا بر بت های قریش در آخر الزمان که وصی محمد عسکری علیه السلام آنها را ویران خواهد کرد

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که دوست دارد ایمانش کامل باشد: در همه چیز ها آنچه را که بصورت سر ویا علنی گفته و آنچه که مصدر آنرا دانسته و یا نمی داند صحبت خود را با قول وگفتار من بگوید .^(۱) کسانی که با توجه به این حدیث وصیت رسول خدا را انکار می کنند کجا هستند.

ترجمه ف س - بن تمام ۱۴۳۸ / ۱۲ / ۲۶

فهرست

اهداء.....	۵۰
تقديم.....	۷۰
مقدمه.....	۱۱
علامات زمان ظهور.....	۱۷
اختلاف شيعه از مهمترين اسباب و علت هاى ظهور.....	۴۰
اسلام دين نزد خداوند است.....	۴۴
وضعيت علماء در زمان ظهور مقدس.....	۶۰
قول اهل بيت : در مورد خطباء.....	۷۱
زمينه ساز اصلى زمان ظهور در روايات اهل بيت.....	۷۴
يمانى بين لغت و شخصيت.....	۹۳
تعدد يمانى.....	۱۰۶
يمانى يمن :.....	۱۰۹
يمانى امام مهدى عليه السلام :.....	۱۱۳
حضرت محمد (ص) به بيعت با ايشان عليه السلام امر مى کند.....	۱۲۸
هر كسى براى خود يمانى دارد.....	۱۴۱
ركن شديد.....	۱۵۵
ركن يمانى.....	۱۵۶
نهر اصحاب طالوت.....	۱۵۶
حديث كساء يمانى.....	۱۵۷
جنبنده روى زمين (دابه الارض).....	۱۷۰
اركان چهار گانه امام مهدى عليه السلام.....	۱۷۶
خواب يوحناى لاهوتى از كتاب انجيل.....	۱۸۲
روشنگرى از مهدى اول و شبیه عيسى عليه السلام.....	۱۸۳
روشنگرى درباره مهدى اول در كتب اهل سنت.....	۱۹۳
حرکت يمانى از عراق به سوى بيت المقدس.....	۱۹۶
و اين موضوع نياز به بحث جداگانه اى دارد:.....	۲۰۵
ارسال فرستاده و شروع قيام.....	۲۰۹
خلاصه بحث.....	۲۱۶

- و حال اگر همه کسانی که امروزه در میدان هستند را بر این نکات عرضه کنیم ۲۲۳
- پرچم حق ۲۲۸
- فهرست ۲۳۲